Klinisk Tortyr i Sverige

شکنجهٔ ابریشمی در سوئد

دموکراسی در سوئد
کالایی برای فریفتن که توسط تظاهر به آن سلاخی میشود
و
شکنجه در سوئد به همان نسبت موذیانه

آخرین جمله ای را که برای شما زمزمه کردم همیشه به یاد بیاورید
"هرگز فراموش نکنید که بابا دوستتون داره"

سیّد عیسی موسوی
www.kimyana.se
ISBN: 978 – 91 – 98 41 36 – 5 – 6

فهرست

با سلام 4
غیرقابل انکار 6
مقولهٔ شکنجهٔ 8
مرجع 12
- عمل متقابل 15
کودکان، زندانیان سیاسی 18
سیاستمداران ویژه 20
به مانند سوئدیها عمل کنید 23
- شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق 25
مولفهٔ 1 هیئت حاکمه 27
مولفهٔ 2 صدقهٔ ملی 35
مولفهٔ 3 مصونیت کارمندان 41
مولفهٔ 4 رسانه ها 45
- ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون 47
- شورای اخلاق رسانه ای 49
- سازمان صدا و سیما 51
- کارگزار حقوقی دولت 56
مولفهٔ 5 سازمانهای قضائی 59
- سازمان پلیس 61
- سازمان دادگستری 64
- سازمان دادگاهها 70
- سازمان زندانها 76
- کانون اخلاقی وکلا 79
- کارگزار حقوقی دولت 81
- سازمان- مشاور پیشگیری از جرم 82
مولفهٔ 6 انجمنهای غیر دولتی (مزدوران پنهان) 84

مولفهٔ 7 آژانس صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد 92
- ملی 93
- بین المللی 108
- مؤسسات پشتیبانی 110
- سازمان- مشاور پیشگیری از جرم 114
عملی بنیادی 119
دگراندیشان در سوئد 121
- حاشیه 123
1) غیرسازمان یافته 125
2) سازمان یافته 129
- به اختصار 131
سرکوب دگراندیشان 132
تعرض به کلام الله قرآن در سوئد 139
خلاصه 143
اسناد 153
تالار شرم 162

با سلام[1]،

نویسنده بودن در جهان عاری از عارضه نیست، چه در سوئد و چه در عربستان سعودی.

در سوئد با اتکاء به اسناد گواهی میدهم که کودکان یک نویسندهٔ مخالف توسط دولت سوئد به گروگان گرفته میشوند[2]، هیچ ناشری جرأت انتشار کتاب آن نویسنده را ندارد، حتی شرکتهایی که از طریق ویرایش امرار معاش میکند حاضر نیستند ریالی از طریق ویرایش بدست آورند[3].

شهروندان عادی سوئد هم نه تنها علاقه ای بلکه جرأت سهیم بودن نقشی در ارتباط با کتابها را ندارند. فردی، یک شهروند عادی، که در تصحیح کتابهای قبلی به من کمک کرده بود، اکیداً از طرف سازمان امنیت سوئد، منع هرگونه تماسی با من شده است.

آیا نیاز است که در مورد دشواری چاپ کتاب در سوئد بیشتر توضیح دهم؟

پروژهٔ این کتاب "شکنجهٔ ابریشمی در سوئد" در سال 2018 با جمع آوری مطالب، مدارک ... شروع شد، اما به لطف بی حوصله گی ناشی از فراق دخترانم تا به امروز مسکوت مانده است. حالا گریبان خود را گرفته ام که این پروژه را به سرانجام برسانم.

متواضعانه از شما میخواهم که خطاهای گرامر مرا نادیده بگیرید، ولی مطمئن هستم که جان کلام به خوبی بیان شده و درک آن آسان است[4].

پیشاپیش از شما تشکر میکنم

سیّد عیسی موسوی
سوئد – استکهلم 16 أکتُبر 2021

---

[1]) مخاطب این متن، شهروندان سوئدی است که در اینجا به همانگونه ترجمه کرده ام.

[2]) سال 2017 پس از افشاء من از موضوع گروگانگیری دخترانم بعلت دفاع از حقوق کودکان در سوئد با همین فرد صحبتی علنی داشتم که مدعی بود من دروغ میگویم و منکر این که چنین موضوعی در سوئد وجود خارجی داشته باشد تا اینکه در سال 2020 سازمان امنیت سوئد به سراغ کودکان او رفتند، بدلیل دفاع او از مردم و ایجاد جامعه ای مناسب برای سوئدیهای بومی.
لینک را مطالعه فرمائید؛
https://newsvoice.se/2020/12/sapos-massanmalningar-socialtjansten-ivar-arpi/

[3]) با این وصف نه معتاد شده ام، نه طلبکار جامعه و نه از دولت ارث پدری مطالبه دارم، نه فیلمهای سوئدی اینگونه تفکر را تشویق میکنند و ترویج میدهند و نه جامعه گوشش بدهکار خزعبلات ترحم به خود، عدم اعتماد به نفس و ... است.

[4]) مخاطبان ایرانی لطفاً به یاد بیاورید که 34 سال است که در سوئد زندگی میکنم و زبان روزانهٔ من (بغیر از آنچه در توئیت به فارسی مینویسم/میخوانم) هم در بیان و هم در نگارش به سوئدی است. هر چند که راه رفتن کلاغ را هم یاد نگرفته ام ☺

با سلام به خوانندگان فارسی زبان

شاید مطالب این کتاب در بسیاری از موارد در کشورهای فارسی زبان هم به وقوع میپیوندد. فرقشان در اینست که در سوئد همهٔ این جرائم از روی غیرت به کشور و تنفر نسبت به اسلام است. به خیال خود در راستای آینده ای بهتر، سربلندی، اعتبار و افتخار ... کشور سوئد عمل میکنند. متأسفانه اینگونه برخوردهای قضائی و اعمال مشابه در کشورهای فارسی زبان پایه بر رشوه، باند بازی، صلاح و مصلحت فردی ... در راستای به قهقرا کشاندن آیندهٔ کشور ایران صورت میگرد که جای تأسف برای من و همچنین دلیلی برای تخریب ایرانیان خارج از کشور است.

کتابهای مستند من القاء تفکر عدم مهاجرت نیست و حتی به خودم اجازه نمیدهم که یادآوری کنم با چشمان باز مهاجرت کنید. شما بعنوان یک بزرگسال مسئول تصمیمات خود هستید و من بعنوان یک نویسنده متعهد به اصلاح جامعه ای هستم که در آن زندگی میکنم.

تنها وجه مشترک من و شما در زادگاه مان کشور ایران است، که هرآنگونه کشور و فرهنگ ایران جلوه داده شود در کیفیت و رفاه زندگی من و شما چه بعنوان مهاجر و چه بعنوان ساکن در ایران تأثیری مستقیم خواهد داشت.

به امید روزی که در کشورهای فارسی زبان اعمال فردی در راستای رفاه جمعی، با شروع از خانوادهٔ خود، محله، روستا، شهر و شهرستان، استان و کشور باشد.

امید بر اینست که ارتباط میان تخریب ایران و تأثیر آن در رفاه زندگی خود را متوجه شوید.

پیشاپیش از شما تشکر میکنم

سیّد عیسی موسوی
سوئد – استکهلم 16 أکتُبر 2021

غیرقابل انکار!

سوگندنامه ای که میتوانید از امروز تا ابدیت ابد برعلیه من در مراجع قضائی استفاده کنید.
"اینجانب، سیّد عیسی موسوی، در پیشگاه خداوند متعال و کلام مقدس او، قرآن، به عزت و وجدان خود قسم میخورم که به راستی سخن گویم و جز حقیقت چیز دیگری نگویم، موضوعی را کتمان نکنم، تماماً مبتنی بر اسناد و مدارک- تصاویر و فایل صوتی."

هیچ موضوعی در سوئد و در مورد سوئد آنگونه که به نظر میرسد نیست. در عصر معاصر با یکچنین تعدد جوامع در جهان، هیچ جامعه ای ریاکارتر از جامعه سوئد نیست.
"هدف" این کتاب اثبات این بیانیه است.

در عصر معاصر، تا آنجا که آشکار شده و من میدانم، سوئد اولین و تنها کشوری است که به نام "صلاح کودکان"، از کودکان بعنوان ابزار شکنجه[5] علیه والدینی که عقایدی متفاوت، مخالف دارند استفاده میکند. روشی منفور در جهان متمدن، یعنی کودکان ابزاری برای خاموش کردن مخالفان سیاسی، مبارزین اجتماعی.

نویسنده و خانوادهٔ او مورد حملهٔ دولت سوئد قرار میگیرند، فرزندانش گروگان دگراندیشی او میشوند، عملی که نویسنده را در معرض یک رنج و آزار روحی مداوم، عدم تمرکز در نگارش، بی حوصله بودن در زندگی ... دقیقاً همان اهدافی که دولت سوئد، توسط گروگان گیری فرزندان یک فرد مبارز به دنبال آن است و نتیجهٔ این جنگ روانی نائل آمدن به خاموشی
"قلم"

هنگامی که کشوری تمام قابلیتهای جعل جرم و جعل اسناد را از طریق قوهٔ قضائی علیه دگراندیشان اعمال میکند و این کشور توسط مشت آهنین (بودجهٔ سالیانه، ترفیع شغلی)، اِشراف کامل بر رسانه ها[6] برای سانسور دارد، دیگر آن کشور نیازی به نگرانی در مورد مخالفان خود ندارد و نیاز به حذف فیزیکی (زندان یا ترور) هم منتفی میشود. تسلط دولتها بر این دو مرجع، قوهٔ قضائی و رسانه، شکنجهٔ ابریشمی را بطور خودکار ممکن می سازد، مطلبی که موضوع این کتاب است.

---

[5]) حکم قضائی از دادگاه سودرتورن- استکهلم، با شمارهٔ پروندهٔ MUFT11352-17، قاضی دانیل اِریکسون:
"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتمائی) ..."

[6]) شورای اخلاق رسانه ای همانگونه که در سایت این سازمان دولتی قید شده است "دولت سالیانه طی نامه ای تناسب شاخصهایی که اهداف این سازمان است را مشخص میکند و همچنین تعیین بودجه ای که سازمان در اختیار دارد."
https://www.statensmedierad.se/om-statens-medierad/sa-styrs-vi

این کتاب را به دو دختر عزیزم (کیمیّا موسوی 8.5 ساله و کیانا موسوی 7 ساله در زمان گروگانگیری) تقدیم میکنم که به دلیل فعالیت اجتماعی من، دفاع از حقوق کودکان- حقوق بشر، دموکراسی و آزادی بیان در سوئد مجازات شده اند، زجر کشیده اند و رنج میبرند.

شما که این کتاب را مطالعه میکنید، به یاد بسپارید آنچه را که من در مورد سوئد مینویسم همان موضوعاتی است که در زندگی واقعی اتفاق افتاده است. رویدادها و توضیحات توسط اسناد، تصاویر و فایل صوتی به ثبت رسیده است و موجود در آرشیوهای ادارات مختلف با درج نامهای واقعی سیاستمداران، مدیران و کارمندان، درج تاریخ و شمارهٔ پرونده، همگی برای سهولت در تحقیق آتی شما و آیندگان.

مقولهٔ شکنجه

شکنجهٔ مخالفین سیاسی در سوئد به همان اندازهٔ ادعای دموکراسی در سوئد فریبکارانه است.

روش دولتها در ایجاد صدمات روحی و جسمی به شهروندان خود در جهان از کشوری به کشوری دیگر متفاوت است. دیدگاه به ظاهر انسانی سوئدیها در مورد شکنجه، به اندازهٔ دموکراسی سوئدیها جهانفریبانه است زیرا که سوئدیها برای شهرت خریداری شدهٔ خود[7] در خارج از کشور اهمیّت خاصی قائل هستند و در نتیجه لزوم ابداء روشهای جدید آزار و اذیّت روحی و جسمی مخالفین، یک شکنجهٔ تمیز، که در چشم جهانیان خود را مُحق جلوه دهند، بدون اینکه مسئولین کشور تحت پیگرد بین المللی قرار بگیرند.

سوئد در طول چندین دهه، با کمک یک آژانس[8] دولتی، صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد (SIDA)، تظاهر به خیرخواهی، حُسن نیت برای خود خریداری کرده و میکند. در مقابل کشورهای میزبان بدون آنکه متوجهٔ عناد سوئدیها شوند، ناخودآگاه به سوئدیها اجازهٔ اظهارنظر و حتی دخالت مستقیم در مواضع سیاسی، روابط اجتماعی و مرسومات فرهنگی در کشور میزبان میدهند. سوئدیهایی که خود را در پشت سخنان نیک و عامه پسندانه پنهان میکنند، کلماتی به مانند حقوق کودکان، حقوق بشر، آزادی ادیان، آزادی مطبوعات، آزادی بیان و غیره.

هر چیزی که میدرخشد طلا نیست[9]! اینها دقیقاً همان کلمات عامه پسندانه ای هستند که سوئدیها بعنوان ابزار برای سرکوب مخالفان خود در سوئد استفاده میکنند. چگونگی و روش اجرای این مهم را در ادامه متوجه خواهید شد.

در سوئد، مطابق با قانون، واردکردن صدمهٔ بدنی و روحی به مخالفان سیاسی، فعالان اجتماعی وهمچنین به زندانیان جرم محسوب میشود. این جرائم در سوئد توسط کنوانسیون علیه شکنجه در اتحادیهٔ اروپا در کتاب قانون سوئد (مجازات برخی جرائم بین المللی) تحت شمارهٔ 1988:695 وزارت دادگستری، و همچنین در قانون جزا، جنایات علیه حقوق بشر تحت شمارهٔ 2014:406 وزارت دادگستری سوئد آمده است.

سوئد همچنین با تعهدات خود بعنوان یک کشور عضو سازمان ملل متحد در قبال منشور حقوق بشر، موظف است که به این منشور در مورد شهروندان خود بدون در نظرگرفتن تعلقات نژادی، فرهنگی، دینی، جنسیتی، تفکرات سیاسی- اجتماعی احترام بگذارد، اما در حقیقت، سالانه ده تا پانزده زندانی،اغلب مخالفین سیاسی در زندانهای سوئد به قتل میرسند، بدون هیچگونه عواقب قضائی برای مجرمان این جنایات که همگی کارمندان دولت سوئد هستند.

---

[7]) آژانس صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد (SIDA) در "مولفهٔ 7" چگونگی مکانیزم خرید شهرت خوب را تشریح کرده ام.
[8]) هیئت توسعهٔ بین المللی، یک سازمان دولتی زیر نظر وزارت امور خارجه.
[9]) یک ضرب المثل سوئدی.

سوئد در پی شهرت خریداری شدهٔ خود، تدابیری پیشگیرانه اتخاد کرده است که در آن مبارزین سیاسی- اجتماعی، از طریق قوانین و قواعد به ظاهر بی آزار و انسانی، تحمیل شده توسط دادگاهها، دادگاههایی که به ظاهر از تمامی هنر قانونمندی پیروی میکنند، چهرهٔ پلید خود را پشت نقابی از بشردوستی پنهان کند.

متأسفانه روش شکنجهٔ ابریشمی سوئدیها نه تنها موضوع جدیدی برای آموختن به کشورهایی به مانند ایالات متحده و اسرائیل ندارد، بلکه اینگونه کشورها تمایلی هم ندارند که به مانند تولهٔ فوک، سفید و بی دفاع تصور شوند. کلمهٔ شکنجه به خودی خود برای ایالات متحده و اسرائیل به مثابه ابزاری دهشتناک کاربُرد دارد. کشورهایی به مانند ایالات متحده و اسرائیل، دهه هاست که معاهدات بین المللی حقوق بشر را کاملاً نادیده گرفته اند و می گیرند، این فقط رهبران آفریقایی هستند که به میز محاکمه در هاگ کشانده میشوند. رهبران کشورهای مسلمان در کشورهای خود به قتل میرسند، به مانند معمر قذافی و صدام حسین.

کشورهایی به مانند ایالات متحده و اسرائیل هدفمند به اعمال خشونت علیه زندانیان میپردازند و تا مرگ افراد مبارز شکنجه را ادامه میدهند. افرادی که از مرگ نجات می یابند تا ابدودهر از عواقب روحی شکنجه زجر خواهند کشید، و صدالبته که این خود هدف شکنجه گران است.

در عوض، مدارک و دانش این کتاب برای کشورهایی مفید است که از ترس کمپین منفی که توسط همان کشورهای غربی در معرض خطر آن قراردارند، بجای ظلم و ستم علنی، جامع ریاکاری به تن کنند و توسط دانش این کتاب شکلی موجه به ظلم خود دهند.

درغیراینصورت، بسیج نفرت که توسط انجمنهای به ظاهرغیردولتی ولی فراسرزمینی علیه کشورهای غیرغربی ایجاد میشود، ابزار اثبات شدهٔ غرب، اهرم فشار مستعمرات در دوران مُدرن است. اتهام شکنجه علیه کشورهای غیرغربی به ویژه علیه رهبران آن کشورها، که غربیها آنان را مسئول شکنجهٔ جسمی و روحی مبارزین سیاسی- اجتماعی معرفی میکنند، روشی امتحان شده است که توسط آن رهبران آن کشورها را مطیع خود میکنند، زمانیکه ارادهٔ غرب باید تحمیل شود.

این کتاب، از طریق شواهد بخوبی مستند شده، روشهای شکنجهٔ ابریشمی در سوئد را بدون آنکه احدی مسئول شناخته شود توصیف میکند. این کتاب بخوبی و با استناد به مدارک و افراد حقیقی صحنه سازی سیاستمداران سوئدی با کمک سازمانهای قضائی و همیاری رسانه ها علیه مبارزین سیاسی- اجتماعی که جرأت مخالفت به خود داده اند، را تشریح میکند.

طنز شکنجهٔ ابریشمی در سوئد در اینست که شهروندان خود، توسط مالیاتهای متعدد، سیستم تجاوز به حقوق شهروندی را هزینه میکنند.

این کتاب، علیرغم این واقعیت که تمامی شهروندان بدون درنظرگرفتن تمامی ابعاد مختلف یک شهروند، در ارتقاع کیفیت رفاه اجتماعی کشور سوئد توسط مالیات پرداخت شده سهیم هستند، صحبت از اقلیت مورد ظلمی دارد که متوجهٔ تفاوتهای طبقاتی ناشی از دین، پیشینهٔ قومی فرهنگی و همچنین استبداد نهادینه شده علیه دین اسلام و اقلیت مسلمان در سوئد دارد.

اکنون این اقلیت قاطعانه علیه ظلم بپاخاسته اند، اعتراضی که منجر به دستگیری معدود رهبران آنان شده است. حتی مسلمانانی که با صدای بلند فکر میکنند مورد پیگرد، آزار و اذیّت دولت سوئد از طریق جعل جرم؛ لودادن بی پایه و اساس، اتهامات دورغین، شهادت دروغین، جعل اسناد علیه مبارزین سیاسی- اجتماعی، شهادت و سوگند دروغ در دادگاه، احکام از پیش تعیین شده ... هستند. با استناد به مدارکی که اینگونه روشها را افشاء میکند، این کتاب را "شکنجهٔ ابریشمی در سوئد" نامیده ام، زمانیکه همهٔ موارد به روی کاغذ کاملاً قانونی و صحیح در انزار عمومی به نظر میرسد.

به وضوح میتوان در جامعهٔ سوئد جوانهٔ دو گروه که بواسطهٔ ظلم و سرکوب دولتی، نفرت نهادینه شده، تهدید، تهمت، افتراء، دائماً در معرض آزار و اذیّت و رسوائی هستند، را متمایز کرد.

بدون شرح دقیقتر از ایدئولوژی یا موارد اعتقادی این دو گروه، روأسا و اعضای پُر هیاهوی این دو گروه به مدت نامعلوم بازداشت میشوند، بدون حق وکیل، بدون محاکمه و یا حق بررسی بیطرفانه و مستقل از دخالت دولت، تا بعداً به همان نسبت ناگهانی و بی دلیل آزاد شوند.

افراد رده بالای این دو گروه، دیر یا زود به خاطر موضوعی به مدت نامعلومی زندانی خواهند شد، موضوعی، بهانه ای و حتی پشیز عذری به ظاهر موجه[10] برای دنیای بیرون با هیاهوی رسانه ای بزرگنمائی میشود تا جو را علیه آن افراد متشنج کنند.

در میان این دو اقلیّت، جمع اندکی وجود دارد که صحبت از مبارزهٔ مسلحانه دارند، میوه ای طبیعی نشأت گرفته از استبداد و ستم کارگذاران. نفرت نهادینه شده علیه این دو اقلیّت در کشوری به ظاهر مردم سالار به نام سوئد ولی در واقع جبّار که مخالفان خود را به بدترین وجه ممکن شکنجه میکند، "ربودن کودکان".

مایلم در همینجا، بعنوان نقطهٔ مقابل مبارزهٔ مسلحانه، فعالان سیاسی- اجتماعی، دگراندیشان را تشویق به افشاءگری کنم و ادامهٔ یک مبارزهٔ مسالمت آمیز در چارچوب قوانین موجود، قوانینی که ابزار لازم در اختیار دگراندیشان قرار میدهد، هرچند که در حال حاضر قضات جرأت استفادهٔ بیطرفانه از آن قوانین را ندارند. آیندهٔ کودکانمان در سوئد ایجاب میکند که ستمگران در سوئد را به جهانیان بشناسانیم بدون آنکه به امنیت کشور آسیبی رسانده شود.

اطلاع رسانی به جهانیان جایگزین مناسب و مؤثر در مقابل جنگ افروزی داخلی است، حتی اگر این افشاءگری و اطلاع رسانی همانی باشد که دولت سوئد در نطفه خفه میکند.

این کتاب سعی در یادآوری ادامهٔ مبارزه در اسارت دارد. فعالان- مبارزین گروههای مختلف سیاسی- اجتماعی در بند نباید تعهد خود را نسبت به جامعه فراموش کنند و نیاز است که همچنان در اسارت دیگران را متوجهٔ ظلمی که به آنان در جامعه میشود، کنند.

---

[10]) یک اتهام رایج برای سرکوب دگراندیشان این است که به همسر خود یا فردی از نزدیکان خود تجاوز کرده است. جولیان آسانژ معروفترین فرد بیگناهی است که سوئد بدینوسیله او را به دام انداخت.

یک مبارز در اسارت نباید فراموش کند که سایر زندانیان بدون درنظرگرفتن ماهئیت جرمشان حق دانستن واقعیت علل تفاوت طبقاتی را دارند. حتی عقیده بر این دارم که یک زندانی، معلول تفاوت طبقاتی، بیشتر از افراد آزاد در جامعه حق دارند که از واقعیتهای پشت دربهای بسته مطلع شوند، زیرا که آن زندانیان نتیجهٔ جاه طلبی افرادی هستند که برای منافع فردی خود وارد زدوبند های سیاسی- اقتصادی میشوند که به ضرر جامعه در کُل است.

امروز در سوئد، کشوری که امنیت اجتماعی و رفاه اقتصادی آن از طریق مالیاتهای سرسام آور پرداخت میشود، به مرور زمان، این امنیت و رفاه جای خود را به رفاهی متزلزل، فقر، تهدید، نفرت، تجاوز به حقوق شهروندان و سانسور داده است.

به عبارتی دیگر عامل این تخریبها همان سیاستمداران جاه طلبی هستند که به ظاهر از طریق انتخابات "آزاد" هر چهارسال یکبار عوض میشوند ولی سوءاستفاده و زوال سیاسی- اجتماعی توسط وارثان هم حزبی آنان به اسم "سیاست حزبی" ادامه می یابد. "سیاست حزبی" که توسط سرمایه داران چندملیّتی دیکته میشود، سرمایه دارانی که تنها هدفشان سود بیشتر و بیشتر است.

امید بر اینست که هر فرد مبارز، چه در محیط آزاد اجتماع و چه دربند، پس از افشاء موجب تغییردر مخاطب شوند، تغییری که به مرور زمان بتوان نتیجهٔ آنرا در صندوق آرا دید، آرایی که اجبار به تغییر در رفتار سیاست حزبی و احترام به حقوق شهروندی مطابق با قوانین مصوبه شود.

دولت سوئد بخاطر داشته باشد که زندانیان سیاسی بدلیل تعهد به اجتماع، تلاش برای بهبود رفاه اجتماعی محبوس شده اند، آنهم در کشوری بمانند سوئد که تظاهر به حکومت مردم سالاری دارد.

با تمامی این تفاصیل، مهمترین پیام این کتاب اینست که:
سیاستمداران غرور مخرب، خیانت به کشور را زمین بگذارند، وجود جنبش جدید اجتماعی (مخالفین سیاسی) جوانه زده از بی عدالتی عمومی را به رسمیت بشناسند، دادگاههایی مناسب اینگونه تشکُل ها سازماندهی کنند. قوهٔ قضائی و سازمان زندانها در سوئد نه دانش و نه تجربهٔ مخالفین سیاسی را دارند، مخالفینی که معمولاً از طیف تحصیل کرده هستند و طرز فکری متفاوت با مجرمین عادی دارند.

با توجه به اینکه ریاکاری برچسب جرائم واهی به این طیف (مخالفین سیاسی- اجتماعی) افشاء شده است، کشور سوئد نیاز دارد که در راستای قوانین کشوری و تعهدات بین المللی خود قدم بردارد.

مرجع

دلیل این بخش نابهنگام این است که در حین مطالعهٔ این کتاب بیاد بیاوریم که کشور سوئد چگونه در زندگی واقعی علیه دگراندیشان عمل میکند. کشور سوئد از جائیکه برای اعتبار خود اهمیت قائل است، سعی در پنهان نمودن سرکوب دگراندیشان از طریق برچسبهای معمول در اجتماع توسط قوهٔ قضائی دارد و تاکتیکی را که دنبال میکند اینست که به جای انزجار افکار عمومی و جهانی علیه دولت سوئد، این انزجار را در ضمیر ناخودآگاه شهروندان معطوف دگراندیشان شود.

جعل جرم توسط سازمانهای قضائی[11]- پلیس- داستانی و دادگاهها در سوئد، گواهی دروغ، شهادت دروغ، برچسب دروغ و همکاری در اجرای جرم (در این مورد خاص گروگان گیری دختران یک نویسنده[12]) با توجه به آن هفت عنصری که در ادامه تشریح خواهم کرد، مراتب "شکنجهٔ ابریشمی در سوئد" را امکانپذیر می سازد، امری که کشورهایی به مانند عربستان سعودی و همهٔ دیگر کشورها بغیر از اروپا و هم پیمانانشان نیاز به تقلید دارند تا به دادگاه لاهه احضار نشوند.

نمایش دولت سوئد در بوجود آوردن یک جرم[13]!
(کُل روند قانونی، شروع از تنظیم دادخواست در پلیس- دادستانی- دادگاهها و اختتامیه در دیوان عالی قضائی، به تفصیل در کتاب مستند "سوئدیها احمق هستند، به نقل از لَنگرودی، زن ایرانی[14]" شرح داده شده است. در اینجا به اختصار مینویسم.)

سوئد: ده سال است که مادر فرزندانت را با مُشت و لگد مورد آزار و اذیّت قرار داده ای.
نویسنده: آیا مدرکی دارید؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: چگونه ممکن است؟ ده سال مُشت و لگد به یک زن که از واریس[15] رنج میبرد!
حتی کمترین مدرک! قرمزی- چیزی؟
هر چیزی! چیزی که اثبات کند ادعای او را! درکوچوترین حد آن!

سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: آیا در مورد قانون "برائت[16]" مطلبی شنیده اید؟

---

[11]) ارکان سازمان قضائی در سوئد متشکل از پلیس، دادستانی، دادگاهها و سازمان زندانها است.
[12]) من نویسندهٔ کتاب "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" هستم، پروژه ای که دولت سوئد در سه دهه علیه مسلمانان در سوئد دنبال میکند. شما میتوانید از طریق این سایت کتاب را مطالعه کنید.
[13]) در قالب گفتگو، در کوتاهترین شکل ممکن توضیح میدهم. رونوشت تمامی تحقیقات همگانی، آزاد میباشد و شما میتوانید آنرا از مراجع دولتی تهیه کنید.
[14]) کتاب مستند "سوئدیها احمق هستند، به نقل از لَنگرودی، زن ایرانی" تیتری به طنز که در دو تصویر جلد کتاب خلاصه میشود. بارگذاری :
https://www.docdroid.net/tzej1mK/manual-farsi-a5.pdf
[15]) مویرگهای واریسی بسیار شکننده هستند و کوچکترین برخورد با سطحی موجب خونریزی زیرپوستی میشوند و نتیجهٔ کبودی.
[16]) قانون برائت به ترتیب در این مراجعه قید شده است؛
- دستورالعمل حکومتی در سوئد آرتیکل 2:3 (مابقی قانون "برائت" به پاورقی صفحهٔ بعد)

قانون برائت در قوانین سوئد و دنیا بدین مراتب آمده است:

- دستورالعمل حکومتی (قوانین اساسی) 2:23
- اتحادیهٔ اروپا، حقوق بشر 6:2
- اتحادیهٔ اروپا، قوانین اساسی 48:1
- سازمان ملل، حقوق بشر 11

سوئد: تصحیح میکنم، آزار روحی، حتک حرمت، توهین.
نویسنده: آیا مدرکی دارید؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: چگونه ممکن است؟ ده سال توهین، حتک حرمت، تجاوز، تحقیر روحی ...!
هیچ مدرکی وجود ندارد؟
حتی در کمترین حد آن! یک پیامک؟
هر چیزی! هر چیزی که بتواند ادعای او را ثابت کند! درکوچوترین حد آن!

سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: آیا در مورد قانون "برائت" مطلبی شنیده اید؟

دادستان: تهمت نقض حقوق زنان، مادر دخترانم، به شمارهٔ پروندهٔ (AM-93078-16) از دادستان دانیل یونسون به تاریخ 11 اُکتُبر 2016 مختومه اعلام میشود.

(تهمت ده سال مُشت و لگد، توهین، هتک حرمت، تجاوز، تحقیر روحی از روز اول شکایت تا تصمیم دادستانی 27 روز طول کشید!)

دولت سوئد، شش ماه بعد، شکایتی دیگر!؟ اینبار:

سوئد: تو از بدو تولد فرزندانت، آنان را تنبیه بدنی کرده ای.
نویسنده: آیا مدرکی دارید؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: هیچ مدرکی؟ حتی در پائین ترین حد آن!؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: آیا گواهی مدرسه را خوانده اید! مدرسه که سالیان سال والدین، خصوصاً والدین مسلمان را تحت نظر دارد!
سوئد: بله، خوانده ایم.
نویسنده: مدرسه گواهی میدهد که "مدرسه دختران را بعنوان "دختران بابا" پدر احساس میکند."

- اتحادیهٔ اروپا کنوانسیون حقوق بشر (EKMR) آرتیکل 6:2
- اساسنامهٔ اتحادیهٔ اروپا منشور حقوق بشر آرتیکل 48:1
- سازمان ملل متحد منشور حقوق بشر آرتیکل 11

گواهی مدرسه[17]، کلمه به کلمه:

- مدرسه هیچ سوءظنی به پدر ندارد.
- "دختران بابا" مدرسه درک میکند.
- دخترها وقتی پدر (به دنبالشان می آید که به خانه بروند) را میبینند، بطرف او میدوند و خود را به آغوش پدر می اندازند.
- مدرسه احساس میکند که دختران کمی "بهانه گیر" میشوند وقتی مادر به دنبال آنان میرود.

نویسنده: اگر دخترانم را تنبیه میکردم، اینگونه علاقه ای بین من و دخترانم گواهی میکردند؟

دادگاه: دادگاه سودرتورن استکهلم، پروندهٔ محرمانه[18]! افتراء تنبیه دخترانم، با شمارهٔ پروندهٔ (AM-130707-16) به تاریخ 21 ژوئن 2017 توسط قاضی آندرش. اِ . لارشون[19] مختومه اعلام میشود.

نویسنده: دختران ربوده شدهٔ مرا فوراً آزاد کنید.

در اینجا نیاز به توضیح است که سازمانهای انتظامی در خشم خود، در گرماگرم جعل جرم علیه من گواهی کردند که کیمیّا و کیانا در ماه اول ربوده شدنشان در خانهٔ امن مورد تنبیه بدنی قرار گرفته بودند. حالا من مدعی هستم که افرادی که دخترانم را تنبیه کرده اند شناسایی شوند و به سزای اعمالشان برسند. گواهی تنبیه دخترانم در خانهٔ امن در قسمت "اسناد"، قسمت پایانی کتاب، موجود است.

[17]) منطقهٔ اِن شِ دِه – اُرشتا – وانتور، دفترگزارش 23 سپتامبر 2016، نادیا چاک هورا، صفحهٔ 9 از 21.
[18]) متنفر از اسلام، دادستان ارشد هوجین شامِر، شمارهٔ پرونده () به تاریخ 21 ژوئن 2016.
[19]) دادگاه سودرتورن، استکهلم- سوئد قاضی (Anders E Larsson)

عمل متقابل

اگر میخواهید برای حقوق خود مبارزه کنید، این روش ضمانتی است برای زنده ماندن همزمان که شما سیاستمداران و کارمندان را شریک جرم میکنید، جائیکه تنها و تنها روش رسیدن به هدف؛ تفکر "هیچکس مقدس نیست، هیچ چیز مخفی نیست و هیچ دروغی نباید گفت" باید بعنوان ستارهٔ راهنمای شما باشد.

مبارزینی که نمیخواهند هنگام آزار و اذیّت خانواده و فراغ فرزندان ربوده شدهٔ خود دفن در درد و غم، ترحم به خود ... شوند:

من از طریق به ثبت رساندن نامه های پیاپی سیستم را خلع سلاح کردم. بدینگونه که به محض ربودن کیمیّا و کیانا، 14 سپتامبر 2016، رسماً نامه ای به آدرس اِستِفان لُفون- نخست وزیر، اُسا رِگنِر- وزیر سازمان اجتماعی، مورگان یوهانسون- وزیر قوهٔ قضائی و آندرش ایگِه من یهودی- وزیر کشور فرستادم و آنان را در جریان ربودن کودکان یک مبارز سیاسی- اجتماعی گذاردم. نه به آن دلیل که آنان به این موضوع اهمیّت میدادند، بلکه هیچ یک از آن وزرأ- مسئولین نتوانند منکر مطلع بودن از ربودن کودکان یک مخالف سیاسی- اجتماعی، صرفاً بخاطر عقاید والدین شوند.

حالا این وزرأ- مسئولین سیاسی-اجرائی کشور سوئد شریک جرم یک عمل شنیع بین المللی، یعنی ربودن فرزندان یک نویسنده، یک دگراندیش مسلمان بودند.

پیشنهاد من به مبارزین سیاسی- اجتماعی در سوئد اینست که ربودن کودکان خود را، که جرم بین المللی میباشد، بدینگونه به ثبت برسانند تا مانع هرگونه ادعای عدم اطلاع مسئولین شوند. کودکانی که تنها جرمشان افکار رفاه اجتماعی والدینشان است. کودکانی که تنها جرمشان افکار دغدغهٔ والدین از آیندهٔ کودکان خود و نسل آیندهٔ کشور سوئد است.

از طریق نامه و تنظیم دادخواست، کاملاً مطابق با قوانین، بی تفاوتی وزرأ در قبال اجرای بیطرفانهٔ قوانین[20] در مورد ربودن دخترانم، که یک عمل غیرقانونی بود، شریک جرم کردم. درواقع سهیم بودن وزرأ در ربودن کودکان یک مبارز سیاسی- اجتماعی در سوئد را به ثبت رساندم، تا نتوانند نقش خود را در پشت صحنه سازیهای قوهٔ قضائی پنهان کنند.

به تاریخ 26 دسامبر 2016 به وزیر وقت تمدن که یک ایرانی بود نوشتم "پوست سر مسلمانان را سرو کردن[21]".

---

[20]) دستورالعمل حکومتی در سوئد آرتیکل 12 پاراگراف 9 بند دوم.

[21]) این داستان به زمان کشورگشایی در آمریکا برمیگردد که اروپائیان بطرف غرب در حرکت بودند و قبایل سرخپوست را قتل عام میکردند، کاکُل (قسمتی از موی سر که بلندتر از بقیهٔ مو بود) با قسمتی از پوست سرسرخپوستان به قتل رسیده را میبریدند و بعنوان جایزه در خانه به دیوار میکوبیدند و به آن افتخار میکردند!

در این راستا، نامه ای به تک تک اعضای کمیتهٔ قانون اساسی[22] فرستادم با شرح موضوع.این افراد که در مجلس مأموریت کنترل دولت و هیئت دولت را دارند، اینبار با سکوتشان در جرم گروگان گیری کودکان یک نویسنده آنانرا شریک جرم کردم.

همچنین، کاملاً مطابق با قانون، از طریق نامه های رسمی و تنظیم دادخواست، تمامی افراد سازمان اجتماعی و سیاستمداران منطقه ای که با اشراف کامل از پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد[23]" دخترانم را برای هیچ دلیل موجهی ربوده بودند، گزارشی مبسوط به ثبت رساندم. در این میان تنظیم دادخواست علیه افسران پلیسی که جعل مدرک کرده بودند. تنظیم دادخواست از سیاستمدارانی که در وظایف خود قصور کرده بودند. گزارش مراتب ربودن کیمیّا و کیانا به بازرسی بهداشت و مراقبت در سوئد (IVO) که شغلشان بازرسی از اینگونه موارد تعریف شده است. گزارش مراتب ربودن کیمیّا و کیانا به بازرسی وزارت مدارس[24] برای آن مدتی که کیمیّا و کیانا اجازه نداشتند به مدرسه بروند.

گزارش مراتب ربودن کیمیّا و کیانا را به تمام خبرگزاریها، رادیو، تلویزیون، روزنامه ها با مدارک موثق فرستادم، کاملاً آگاه از این واقعیت که هیچ یک از این افراد یا مؤسسات قانون را رعایت نخواهند کرد. کاملاً آگاه از این واقعیت که رسانه ها سانسور خواهند کرد. کاملاً آگاه از این واقعیت که انجمنهای غیردولتی دفاع نخواهند کرد.

ثبت عکس العمل بی تفاوتی کارمندان و سیاستمداران مؤسسات مختلف از طریق این گزارشها، کارمندان و سیاستمدارانی که "انتخاب" کرده بودند قانون را ندیده بگیرند، مدرکی بود تا بتوان به کمک آن تلنگری به دنیا زد. از همه مهمتر ثبت نفرت نهادینه شده در تمامی مؤسسات سوئد علیه مسلمانان، تنها و تنها بدینوسیله ممکن بود[25]، زمانیکه همه و همه "انتخاب" میکنند که قانون را نادیده بگیرند.

تنها و تنها راه مبارزه با ریاکارانی به مانند سوئدیها، اطلاع رسانی جهانی از طریق به اثبات رساندن هجمهٔ همه جانبه علیه مسلمانان که در آن از ریشه تا نوک در راستای ربودن کودکان مسلمان با هدف "هویت زدایی" با یکدیگر همکاری میکنند است.

(حکم دادگاه جالب است! به آن خواهیم رسید. با کشور خود مقایسه کنید.)

---

[22]) وظیفهٔ کمیتهٔ قانون اساسی، نظارت بر دولت و وزرأ است که آیا آنان و ادارات زیر نظر آنان مطابق با قانون عمل میکنند؟ کمیتهٔ قانون اساسی همچنین متولی سؤالات در مورد رادیو- تلویزیون و حمایت از مطبوعات است.

[23]) کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد"
بارگذاری کتاب: https://docdro.id/AlzVR4a

[24]) دمار از روزگار مسلمانان درمی آورند اگر والدین مسلمان فرزند خود را به مدرسه نفرستد، حتی برای یک روز. کیمیّا و کیانا سه ماه از رفتن به مدرسه منع شده بودند.

[25]) هزاران هزار پدر مسلمان، شهروند سوئد، از کشورهای مختلف اسلامی با سکوت و مسالمت خود فرزندانشان را از دست دادند. صدها پدر مسلمان با خشونت علیه ربودن کودکان خود، به زندانها فرستاده شدند. به راه سومی، موثق و قانونی، برای افشاء ریاکاری سوئد و سوئدیها نیاز بود. روشی که پس از 5 سال به ثمر رسید.

همزمان به واسطهٔ شکایت علیه فرد و نامه به رسانه ها، این مورد دیگر یک مورد کودک ربایی ساده و بی دردسر نبود که کارمندان و سیاستمداران به آن عادت کرده بودند[26].

با توجه به افشاء این پرونده، تحقیق پشت تحقیق اجبار به رعایت قوانین داشتند و یکی پس از دیگری به نفع من مختومه اعلام میشد و این برای کارمندان و سیاستمداران خبر خوشی نبود. اینکه از روز اول هیچگونه دلیلی وجود نداشت که فرزندانم را بربایند و نتوانند آنرا به عنوان "صلاح کودکان" به جامعه معرفی کنند.

دولت سوئد دیگر به هیچ وجه نمیتوانست به ربودن فرزندان یک فعال سیاسی- اجتماعی از طریق قوانین سازمان اجتماعی یک وجههٔ مشروعیت بخشد. کل استراتژی سوئد در هویت زدایی کودکان مسلمان اینست که به کودک ربایی یک وجههٔ "صلاح کودکان" بدهد، استراتژیی که در این پرونده کاملاً به بن بست رسیده بود و حالا راه چاره ای میبایست اندیشید!

نظام قضائی تنها راه باقی مانده بود!

قوهٔ قضائی در سوئد مطابق معمول آمادهٔ انجام وظیفه بود، با این تفاوت که اینبار با توجه به تمامی تحقیقات به نفع من و دخترانم، محدودهٔ خطای مجاز برای قوهٔ قضائی برابر با ± 0 "صفر" بود، یعنی هیچگونه فضا برای خطا.

خلاف همهٔ احتمالات، اکنون این مهم بر عهدهٔ دادگاهها در سوئد بود که به نوعی این آشفته بازار را سروسامانی دهند. بر این اساس دادگاه دست به کار مبتکرانه ای زد، ابتکاری که تمام سیستم اسلام ستیزانهٔ سوئد را به یکباره افشاء کرد، ابتکاری که به هیچ وجه به نفع ملت و اعتبار سوئد نبوده، نیست و نخواهد بود.

[26]) از جائیکه کارمندان و سیاستمداران "انتخاب" کرده بودند که قانون را نادیده بگیرند، کودک ربایی از ادارات به اسم "صلاح کودکان"، به فرد تقلیق می یافت. دیگر صحبت از اجرای قانون نبود بلکه یک خصومت شخصی، فردی نسبت به مسلمانان در سوئد.

کیمیّا و کیانا زندانیان سیاسی کودک در سوئد

در نوع خود بی نظیر در دنیا!

کیمیّا موسوی و کیانا موسوی، تنها زندانیان کودک در جهان، که توسط سیستم قضائی یک کشور، سوئد، رسماً و علناً محکوم به شریک جرم بودن در انتشارات پدرشان شدند و مجازاتی[27] که برعلیه دو کودک خِردسال، کیمیّا و کیانا در نظر گرفته شد، شکنجهٔ روحی مادام العمر "عدم ملاقات با پدر!"

قاضی دانیل اِریکسون، دادگاه سودرتورن در استکهلم، دلایل حکم کلمه به کلمه، پروندهٔ شمارهٔ (MUFT11352-17):

"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتماتی) ..."

قاضی دانیل اِریکسون 27 سپتامبر 2017

به نظر شما آیا عربستان سعودی جرأت دارد که کودکان یک نویسنده را اینچنین مجازات کند؟

[27]) کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد"

یکسال پس از ربودن کیمیّا و کیانا، در 27 سپتامبر2017، کیمیّا موسوی 9.5 ساله و کیانا موسوی 8 ساله، با حکم قضائی در سوئد تبدیل به تنها کودکان زندانی سیاسی در جهان شدند که به خاطر افشاء پدرشان از پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" در کتابی مستند به همین نام به اسارت برده شدند.

نقض کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد را بدینوسیله به اطلاع ستمگران در سوئد میرسانم، مهمّی که خود بهتر از من میدانند، دیکتاتوران سوئدی که فقط و فقط بخاطر نفرت خود از اسلام و مسلمانان، کودکان مسلمان را برای هویت زدایی میربایند.

مجرمان کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد در سوئد اوربان آهلین[28]، آندریاس نورلِن[29]، اِستِفان لُفون[30]، ماگدالِنا آندرشون[31]، اُسا رِگنِر[32]، لِنا هالِنگرِن[33]، مورگان یوهانسون[34]، آندرش ایگِه من[35]، دان اِلیاسون[36].

آرتیکل 2

- § 1 کشورهای عضو تضمین میکنند که حقوق مندرج در این کنوانسیون را بدون هیچگونه تبعیض علیه کودکان- والدین و یا قیم، صرف نظر از نژاد، رنگ، جنسیّت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، پیشینهٔ ملیتی- قومی و یا طبقات اجتماعی، اموال، معلولیت، اصل و نصب و یا موقعیت بطور کلی احترام میگذارند و تضمین خواهند کرد.

- § 2 کشورهای عضو تضمین میکنند که تمام اقدامات مناسب را اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که کودکان در برابر هرنوع تبعیض یا مجازات به دلیل موقعیت، فعالیت، عقاید والدین، قیم و یا عقاید دیگر عضوهای خانواده، مقام، شغل، بیان نظر و یا اعتقاد والدین، محافظت شوند.

به نظر شما آیا عربستان سعودی جرأت دارد که کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد را اینگونه نادیده بگیرد؟

---

[28]) اوربان آهلین (Urban Ahlin)، رئیس مجلس 2014-2018

[29]) آندریاس نورلِن (Andreas Norlén)، رئیس مجلس 2018-2022

[30]) اِستِفان لُفون (Stefan Löfven)، نخست وزیر سوئد 2014-2021

[31]) ماگدالِنا آندرشون (Magdalena Andersson)، نخست وزیر سوئد 2021-

[32]) اُسا رِگنِر (Åsa Regnér)، وزیر سازمان اجتماعی 2014-2018 در حال حاظر معاون سازمان زنان سازمان ملل که به مسلمانان چگونگی زن غربی بودو یاد میدهد فردی که خود خارج از ازدواج دو فرزند دارد!

[33]) لِنا هالِنگرِن (Lena Hallengren)، وزیر سازمان اجتماعی 2018-

[34]) مورگان یوهانسون (Morgan Johansson)، وزیر قوهٔ قضائی 2014-2022

[35]) آندرش ایگِه من (Anders Ygeman)، وزیر کشور 2014-2018 (یهودی)

[36]) دان اِلیاسون (Dan Eliasson)، رئیس پلیس 2014-2018 (یهودی)

سیاستمداران ویژه

اشراف زادگان جدید!

موتور محرکهٔ بشر، خلاف حیوانات، حس جاه طلبی ذاتی- عاز و طمع در انسان است. این ویژگی، یعنی عطش جاه طلبی که از طریق پول و قدرت که منحصر به انسان است میسر میشود، به شکل افراطی آن، ریشهٔ همهٔ نابسامانیها و جنگهاست، منشاء قهقراء و نابودی فرد و همچنین به زوال کشیدن کشورها.

نابرابری اجتماعی در یک کشور نشان از غیرعادلانه بودن و التفات داشتن به فرد یا گروه بر مبنای نژاد، رنگ پوست، جنسیّت، زبان، مذهب، پیشینهٔ ملیّتی- قومی فرهنگی و امثالهلم دارد. التفات داشتن به فرد یا گروهی هم عقیده میتواند منجر به عوارضی شود که این افراد و یا گروه بدلایل گوناگون از قبیل کمبود منابع نمیتوانند و شاید هم نمیخواهند که با دیگران در جامعه به اشتراک بگذارند. حال این گروه منتخب برای حفظ ثروت در درون خود نیاز به دراختیار گرفتن کنترل نهادهای حاکمیّتی دارند که این به نوبهٔ خود به ظهور دیکتاتور سرعت میبخشد.

انتخاب فرد یا گروه (خودیها) قومی و یا ملیتی با توجه به عوامل گوناگون، مختلف میباشد ولی هدف همیشه یکی است "نفوذ بر دارائیها/منابع مادی" که تنها از طریق سیاستهای مناسب توسط افراد منتخب امکانپذیر است. فقط به یک وسیله میتوان به هدف رسید و آنهم از طریق تزریق امیال خود به سیاست خودیها (افراد منتخب). نفوذ بر دارائیها از طریق سیاستمداران خودی، دو عامل موفقیت که دست در دست هم عمل میکنند و تا حدی در هم تنیده شده هستند.

نفوذ بر دارائیها از طریق سیاستمداران خودی در سوئد با یک نتیجهٔ موفق با یوران پَرشون[37] از سال 1996 شروع شد، بدون درنظرگرفتن تخریب ملت و کشور سوئد.

در جوامعی به مانند عربستان سعودی با تمدن چند هزارساله، انسجام قومیت، قبیله، دین یک ضرورت برای بقاء است و از نظر فرهنگی پذیرفته شده. همکاری برای بقاء و ترقی عواملی است که به سیاست شکل و فُرم میدهد، عاملی که به خودی خود انحصار ثروت و قدرت را برای آندسته از افراد خودی که این مهم را میسر میسازد به ارمغان می آورد. در واقع "کنترل بر دارائیها/منابع مادی" را ممکن مسیازد.

بنابراین وجود یک رهبر مقتدر برای رسیدن به هدف لازم است. در واقع هدف وسیله را توجیه میکند، بدین معنی که نیاز به وجود یک رهبر که بتواند قدرت و ثروت را برای بقای خود و همدستان خود تضمین کند، " کنترل بر دارائیها/منابع مادی" جزء لزومات این بقاء است. استبداد و تبعیض در اینگونه جوامع معمولاً پذیرفته شده است و به همین خاطر نیاز کمتری به پنهان سازی جرائم و ریاکاری برای فریفتن دیگران وجود دارد. شهروندان معمولاً واقف به جایگاه اجتماعی خود هستند.

---

[37]) یوران پَرشون (Göran Persson) رئیس حزب سوسیال دموکراتها و همچنین نخست وزیر سوئد در سالهای 1996 – 2006. سال 2007 از پُست خود بعنوان رئیس حزب سوسیال دموکراتها کناره گیری کرد.

شهروندان اینگونه کشورها ممکن است که سهم زیادی از ثروت همگانی نسیبشان نشود ولی نیازی هم به پرداخت مالیاتهای گوناگون برای هزینه های عمومی در کشور را ندارند[38].

در نقطهٔ مقابل، کشورهایی به مانند سوئد با حدود 500 سال سابقهٔ شهرنشینی[39]، که در آن وابستگی اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تقریباً وجود ندارد عوامل دیگری برای رسیدن به ثروت و قدرت نقش ایفاء میکند. در چنین جامعهٔ فردگرایی که سوئد است، شهروندان نیازی به وفاداری به فرد دیگری جز خود ندارند، معلولیتی که از سوی قشری سرمایه دار مورد سوءاستفاده قرار میگیرد.

فردگرائی ازسویی دیگرعاملی است که تشکیل خانواده، پایه ای ترین اساس یک قوم دریک جامعه را، در جوامعی به مانند کشورسوئد مشکل میسازد. عدم امکان تشکیل یک خانوادهٔ منسجم که وفادار به اصول اخلاقی باشد نتیجه ای بغیرازعدم نیاز به وفاداری درتشکلاتی به مانند خانواده- بستگان- قومیّت ندارد و این عاملی است که غیرمستقیم و بدون اینکه به آن فکر شود، سد راه به قدرت رسیدن فردگرایان است، معلولیتی درمقابل افرادی که از قبل به اینگونه گروه بندیهای قومی عادت دارند. بنابراین وابسته بودن در انجمنی و یا حزبی جزء واجبات لاینفک برای ارتقاء فردی در کشوری به مانند سوئد است.

جامعه ای به مانند سوئد، در مقابل اقوامی که در راستای ثروت و قدرت قوم خود تلاش میکنند بسیار شکننده است. در جوامع فردگرا، به راحتی میتوان فردی را به مشاغل حساس گمارد و از راه پاداش میتوان او را در راستای اهداف خود تشویق کرد، فردی که کاملاً آگاه از جایگاه متزلزل خود است، بنابراین مطیع کامل دستورات.

اینگونه، **شکل جدیدی از برده داری براساس فردگرایی شکل گرفته است.** بردگانی که به سادگی میتوان تحت کنترل داشت، به انجام کاری گمارد و یا از کاری برکنار کرد، ساکت کرد و یا بدون هیاهو از میان برداشت.

و این پایه ای شد برای تشکلات جدید سیاسی در سوئد!
سیاستمدارانی که حاضر هستند خدمات خود را، درعصری که افرد حتی کوچکترین چرخ دنده از یک اجماع بزرگتری نیستند، به بالاترین قیمت ارضه کنند. در عصر جهان شمولی که دنیای غرب اسرار به آن دارند، عصری که باور افراد قابل اغماض است و باید قابل اغماض باقی بماند.

اشراف جدید متولد میشوند[40]!
"منتخب" مردم ولی وفادار به سرمایه داران چندملیّتی. سرمایه دارانی که با ثروت خود و تبلیغات گسترده افراد موردنظر خود را منتخب مردم میکنند! افرادی که در طول مدت عضویت خود در حزبی، وفاداری

---

[38]) آسیبهای اجتماعی دیگر دربر دارد که از عهدهٔ این بحث خارج است.
[39]) اگر بتوان آنرا شهرنشینی، تمدن، نامید زمانیکه ملتی توسط قانون اداره نمیشوند.
[40]) اکنون دوباره صحبت از نظام دو مجلسی است در کشوری که خود را از آن سیستم به همین تازگی، 1971، خلاص کرده بود.

بدون چون و چرای خود را نسبت به حزب به اثبات رسانده اند، احزابی که آخورش[41] جیب سرمایه داران چند ملیّتی است.

اکنون بر کسی پوشیده نیست که تمامی هزینه های عمومی در کشور و طریقهٔ زندگی اشرافی سیاستمداران سوئدی از طریق اشکال مختلف مالیات اجباری (غارت عمر کلمهٔ صحیح تری است) تأمین میشود، حقیقتی که موجب تنفر شهروندان علیه افراد و یا قوم منتخب (خودیها) میشود.

شهروندان در سوئد "حقیقتاً" بر این باور هستند که سرمایهٔ همگانی در سوئد، مالیاتی که شهروندان در جمع آوری آن سهیم هستند، "میبایست" در اختیار رفاه همگانی قرارگیرد، صرفنظر از عوامل بیشماری که مردم را متمایز میکند، نه فقط در اختیار یک طیف بخصوص باشد، ولی مطابق با ضرب المثل؛ هر آنچه که میدرخشد طلا نیست!

اقلیت در سوئد، که به نظر مردم دنیا "سیاستمداران منتخب مردم" هستند، اکثریت را با مُشتی آهنین "استبداد" کنترل میکنند تا جائیکه تمامی قوانین مدنی- ملی با دقت کامل نادیده گرفته میشوند، به لطف سیستمی که در چندین دهه به هدف کتمان، سرپوشی و سانسور جرائم دولت ایجاد شده است. در واقع "شکنجهٔ ابریشمی" از طریق ساختار به هم تنیدهٔ دولتی، هماهنگی و همکاری دقیق میان دولت، قوهٔ قضائیه، رسانه ها و انجمنهای غیردولتی که توسط سیاستمداران به "ظاهر" منتخب مردم ولی فاسد در بطن، اجراء میشود.

عواملی که "شکنجهٔ ابریشمی" در سوئد را میسر میکند در کتاب ذکر و به تفصیل شرح داده شده است، یاری دهندهٔ کشورهایی به مانند عربستان سعودی، کشورهای آفریقائی، آسیا و کلاً هر کشور دیگری بغیر از آنچه که غرب خوانده میشود. اینگونه کشورها برای سرکوب عمومی به ریاکاری به سبک سوئدیها نیازی مبرم دارند، جهانفریبی که سوئدیها برای سرکوب مخالفین سیاسی- اجتماعی و حتی شهروندان عادی اعمال میکنند.

---

[41]) نمونهٔ بارز آن در سوئد، نخست وزیر سابق 1996 – 2007 یوران پَرشون (Göran Persson) است، رئیس حزب سوسیال دموکراتها، فردی که بدون اجازهٔ مردم، دارائیهای همگانی را چوب هراج زد و سرمایهٔ ملی را غارت کرد. همهٔ سرمایهٔ ملی را به قیمت پشیزی به سرمایه داران چند ملیتی فروخت حتی بازنشستگی شهروندان سوئدی.

- یوران پَرشون حالا در هیئت مدیرهٔ بانکها و شرکتهای چند ملیتی سرمایه می اندوزد.

به مانند سوئدیها عمل کنید!

برای اینکه کشوری بتواند خود را بعنوان ابرقدرت اخلاق[42]-انسانیت، وجدان جهانی انسانیت به جای ستمگر و مستبد معرفی کند بدون اینکه هدف اصلی او برملاء شود، آن کشور نیاز دارد برخی عناصر پایه ای را رعایت کند، عناصری که موضوع این کتاب که تخصص بی بدیل کشور سوئد است.

آن عناصر پایه ای، اجزای لازمه (مؤلفه ها) برای یک نتیجهٔ موفقیت آمیز در زیر فهرست شده اند و بطور جداگانه با ذکر چند مثال توضیح داده خواهد شد تا شما بتوانید عمق کلاهبرداری جهانی، که سوئدیها استادانه در آن مهارت دارند، را متوجه بشوید.

دولتها نیاز دارند که به تعامل بین این مؤلفه ها توجهٔ ویژه داشته باشند، زیراکه این مؤلفه ها مجزا از هم بی تأثیر هستند و یا با انتخاب اجرای برخی از آنها نتیجهٔ مطلوب حاصل نمیشود.

- **مؤلفهٔ 1** هیئت حاکمه
  اجازه دهید مردم باور کنند که انتخاب آنهاست.

- **مؤلفهٔ 2** "صدقهٔ ملی"
  فساد اجتماعی (کمک مالی) با منابع خود مردم (مالیات).

- **مؤلفهٔ 3** مصونیت کارمندان!

- **مؤلفهٔ 4** رسانه ها
  تئاتر به نام رسانه!

- **مؤلفهٔ 5** سازمانهای قضائی
  عروسک خیمه شب بازی به نام قوهٔ قضائی!

- **مؤلفهٔ 6** انجمن های غیردولتی (مزدوران پنهان)

- **مؤلفهٔ 7** آژانس صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد[43] (SIDA)
  استعمار ذهن- روح و روان

---

[42]) ابرقدرت اخلاق؛ سوئدیها اینگونه خود را در رسانه های خود میخوانند.

[43]) آژانس صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد (SIDA) https://openaid.se/ در صفحهٔ رسمی این آژانس شما میتوانید مطالعه کنید که این آژانس از سال 1998 به چه کشورهایی و به چه منظوری کمک بلاعوض مالی پرداخت کرده است.

کارمندان شاغل در این مؤلفه ها حقوق مناسبی دریافت میکنند و دولت تضمین میکند که هرگز مورد پیگرد قانونی قرار نگیرند. از جائیکه دولت سوئد برای اعتبار و جایگاه خود در عرصهٔ بین الملل اهمیّت خاصی قائل است، صدها مؤسسهٔ دولتی، نهادهای اجتماعی و انجمنهای غیردولتی موظف به کنترل کامل شهروندان به شکلی که تحصین برانگیز در دیدگاه بین المللی باشد، هستند. هریک از این مؤسسات، نهادها و انجمنها به نوبهٔ خود قوانینی وضع کرده اند که تصویری بس قشنگتر، ولی بس دروغین، از انساندوستی سوئدیها به دنیا مخابره کنند.

علاوه بر همهٔ این سازمانها، مؤسسات و انجمنهای به اصطلاح مستقل[44]، حداقل یک نهاد کنترل در هر وزارتخانه وجود دارد که وظیفهٔ آن نظارت بر اجرای قوانین و تخلفات در وزارتخانهٔ مربوطه است.

مهمترین سازمانها، مؤسسات و انجمنهای غیردولتی که در راستای موضوع این کتاب است ولی عملاً نقشی بغیر از نقش تزئینی[45] ندارند را در اینجا به اجمال نام خواهم برد و درمؤلفهٔ مربوط توضیح خواهم داد. مراجع فریب عبارتند از:

- شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق[46]
- ناظر حقوق پارلمانی ((Riksdagens Ombudsmän (JO))
- کارگذار حقوقی دولت ((Justitiekanslern (JK))
- بازرس بهداشت و مراقبت[47] (IVO)
- بازرس مدارس
- سازمان ملی مدافع کودکان (Barnombudsmannen)
- کانون اخلاق وکلا
- بازرس علیه تبعیض (DO)
- شورای اخلاق رسانه ای (Statensmedierråd)
- انجمن غیردولتی نجات کودکان (Rädda Barnen)
- انجمن غیردولتی حقوق کودکان در جامعه (BRIS)
- یونیسف سوئد[48]
- ... و

مایلم در مورد شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق در سوئد به اختصار شرح دهم، زیرا که پیشنهادات راهبردی این شورا در مورد چگونگی دیدگاه دولت سوئد نسبت به بشر و بشریت اهمیّت ویژه ای در برنامه ریزیهای آیندهٔ کشور سوئد دارد. پیشنهادات اخلاقی این شورا خط و مشی است که دولتها در سوئد (تقریباً) موظف به اجراء هستند.

---

[44]) تمامی انجمنها از دولت کمک هزینه در قبال فعالیت خود میگیرند که در مؤلفهٔ 6 به تفصیل تشریح میکنم.

[45]) این ادعا برپایهٔ هزاران پرونده استوار است که من فقط، فقط یکی از آنها را در این کتاب شرح میدهم.

[46]) شما اینرا چگونه ترجمه میکنید ☺ (Statens medicinsk- etiska råd) همانطور که مطالعه خواهید کرد، تنها محصور در اخلاق در پزشکی نیست، محیط اجتماعی وسیعتری را دربر میگیرد، که نمیدانم چگونه ترجمه کنم ☹

[47]) زیر نظر وزارت خدمات اجتماعی، یکی از وظائف آن در رابطه با کودکان- افراد زیر 18 سال.

[48]) (**U**nited **N**ations **I**nternational **C**hildren **E**mergency **F**und) صندوق کمک اضطراری سازمان ملل به کودکان.

- شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق

دولت سوئد وظایف این شورا[49] را بدینگونه توضیح میدهد:

"وظیفهٔ شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق، تشریح موازین اخلاقی در علم پزشکی از دیدگاه عمومی در جامعه است. این شورا تلاش میکند که جوابی جامع به سؤالات اخلاقی در تحقیقات پزشکی دهد و همچنین جوابی در خور حساسیتی که در ارتباط با اصل بشریت، حریم شخصی افراد وجود دارد، با توجه به ارزش انسانی جوابی مناسب دهد که به نوبهٔ خود نسل بشر را تحت تأثیر قرار می دهد.

این شورا همچنین بعنوان مرجعی برای تبادل اطلاعات و نظرات عمل میکند و نقش واسطه بین علم، افکار عمومی و رهبران سیاسی کشور را ایفاء میکند."

این مؤسسه، یک سازمان دولتی که دولتها را به سوی افق جدید در سطح ملی و بین المللی هدایت میکند، همزمان پاسخگو در قبال افکار شهروندان در مورد انتخاب مسیر اخلاقی و معنوی جامعه در یک جلسهٔ رسمی با موضوع اخلاق[50]، در دهم دسامبر 2021 اینچنین میگوید:

1) ارزش ذاتی انسان خدشه ناپذیر نیست[51]!

بدین معنی که؛ شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق درعمل معتقد است که "جان همهٔ انسانها به یک اندازه ارزش ندارد."

همهٔ انسانها- شهروندان سوئد در برابر قانون یکسان نیستند و حق استفادهٔ یکسان از رفاه اجتماعی را ندارند! درصورتیکه مالیات از تمام شهروندان به یک اندازه گرفته میشود.

2) افراد بیمار و ناتوان ارزش ذاتی انسانی پائین تری دارند!

بدین معنی که؛ کمک به مرگ فرد بیمار و ناتوان، رحمت به آن فرد است!

3) اقدامات تروریستی در بعضی موارد موجه است!

بدین معنی که، ترور افراد- گروه در داخل و خارج از کشور، تشکلات و اقدامات تروریستی علیه سایر کشورها که در آن افراد بیگناه، کودکان- زنان و مردان غیرنظامی ممکن است به قتل برسند، مثله و یا مجروح شوند، بطور مثال در ایران[52]، میتواند صحیح و قابل توجیه باشد. مثالها بسیار است.

---

[49]) https://www.regeringen.se/pressmeddelanden/2021/11/ny-ordforande-i-statens-medicinsk-etiska-rad/

[50]) https://kvartal.se/artiklar/foresprakare-av-spadbarnsmord-pa-etikseminarium/

[51]) لطفاً دیدگاه (فلسفهٔ) "نیهلیسم" را مطالعه فرمائید.

[52]) ترور کودکان و زنان تماشاگر رژهٔ نظامی در ایران در سال 2018 که توسط کشور سوئد برنامه ریزی و در ایران اجرا شده بود.

https://www.svt.se/nyheter/utrikes/flera-doda-i-iran-efter-attack-under-militarparad

مثال:
حبیب فرج جلب، یک تروریست سوئدی تحت تعقیب پلیس بین الملل، شاغل در شهرداری گوتنبرگ[53]- سوئد، و تیم او، تیمی که عملیات ترور کودکان و زنان اهوازی را در رژهٔ ارتش در اهواز در سال 2018 به عهده گرفت، برای اقدامات تروریستی در ایران، با کمک مالی و پشتیبانی دولت سوئد تیم خود را سازماندهی، آموزش، تجهیز کرده بود. تروری که در آن 25 کودک و زن اهوازی شهید و 68 تن دیگر مجروح، قطع عضو شدند.

لازم به ذکر است که قتل عام کودکان و زنان اهوازی توسط این فرد از طرف سازمان رادیو- تلویزیون در سوئد بزرگنمایی و همچنین پس از دستگیری حبیب فرج جلب توسط نیروی صاحب الزمان (ع) از ایران، دولت سوئد رسماً از او دفاع و از طریق رسانه ها و تلویزیون[54] در سوئد از آن قاتل کودکان و زنان ایرانی دفاع کردند.

از اینگونه مثالهای موثق، که کشور سوئد تیمهای تروریستی را پشتیبانی مالی، سازماندهی، آموزش وتجهیز برای اقدامات تروریستی در دیگر کشورها میکند بسیار است و یکی پس از دیگری افشاء میشود.

در چند دههٔ اخیر در اروپا/غرب، دیگر صحبت از ارزش و حقوق تخطی ناپذیر ذاتی انسان و بشریت بدون درنظر گرفتن نژاد، رنگ پوست، جنسیّت، سن، قومیت، فرهنگ، مذهب ... نیست، بلکه فقط صحبت از ویژگیهایی است که یک فرد میتواند توسط آن مفید باشد برای سودجویی بیشتر.

خود قضاوت کنید! سوئد با یکچنین شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق، سایر کشورهای جهان را در مورد حقوق کودکان، حقوق زنان، حقوق بشر، برابری، حق سقط جنین، حقوق همجنسگرایان، دموکراسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی ادیان ... مورد سرزنش و مؤاخذه قرار میدهد!؟

آیا میتوان ملتی ریاکارتر از ملت سوئد یافت[55]؟

---

[53]) دومین شهر مهم سیاسی پس از استکهلم و همچنین دومین شهر پرجمعیت پس از استکهلم. او توسط نیروی فرا مرزی ایران دستگیر شد، به ایران منتقل و در بازجویی اعتراف کرد که هسته های ترور بیشتری در شهر گوتنبرگ در سوئد فعالیت دارند. کلیپ اعتراف به فارسی میباشد. https://www.youtube.com/watch?v=Agsa9DgX5Z0

[54]) سازمان صدا و سیما در سوئد از تروریست خود دفاع و ابراز نگرانی بدلیل احتمال اعدام یک تروریست سوئدی، قاتل کودکان و زنان ایرانی، کردند. این کلیپ به فارسی میباشد.
https://www.svt.se/nyheter/utrikes/svt-avslojar-annu-en-svensk-medborgare-riskerar-avrattning-i-iran-ud-bekraftar

[55]) تحقیقات دانشگاه اُپسالا در مورد بهینه سازی نژادی را مطالعه فرمائید. تحقیقاتی که از سال 1907 شروع شد، در سال 1921 بعنوان یک مؤسسهٔ تحقیقاتی در مجلس سوئد به تصویب رسید.

مؤلفهٔ 1 هیئت حاکمه

اجازه دهید مردم باور کنند که انتخاب آنهاست!

براساس انگیزهٔ انسان برای موفقیت، حس جاه طلبی- عاز و طمع، ادغام شده در حقیقت فردگرایی در غرب، این امکان را برای سرمایه داران میسر ساخته است که در طی زمان طولانی، با حوصله و دقت، افراد مناسب را در احزاب مختلف که علاقه به همکاری نشان میدهند دست چین کرده و در پُستهای کلیدی جایگذاری کنند. افرادی که بدون قید و شرط فقط دستورات را اجراء میکنند. افرادی که هیچگونه اندیشهٔ اخلاقی، وجدانی و یا سؤالات آزار دهنده برای سرمایه داران ندارند و فقط در قبال همکاری به پول و مقام میرسند.

ساختار احزاب در سوئد شناسایی روشمند (سیستماتیک) از یک فعال سیاسی را ممکن میسازد. یک فعال سیاسی بعنوان عضو در سازمان جوانان حزب مربوطه، دائماً مورد آزمایش وفاداری بدون قید و شرط قرار میگیرد و به همان نسبت به تدریج سلسله مراتب صعود را با مسئولیتهای متفاوت در شهرداریهای محل زندگی خود طی کرده و تا زمانیکه وفادار بدون قید و شرط باقی بماند، مسئولیتهای بیشتری در سطوح استانی و کشوری به آنان واگذار میشود. وفاداری اینگونه فعالان به حزب، نه الزاماً به آموزه- ایدئولوژی حزبی و یا وفاداری به شهروندان، تا آخر عمرشان دائماً مورد ارزیابی قرار میگیرد.

تعداد انگشت شماری از فعالان سیاسی، از هر حزبی در سطح کشور در میان هزاران فعال دیگر که به هر دلیلی از فیلتر وفاداری حزب گذر نمیکنند، برای پُستهای کلیدی غربال میشوند. همین روند، یعنی کنترل وفاداری، در کُل زندگی این فعالان حزبی اتخاذ میشود، به گونه ای که تو پنداری صحبت از یک فرقه است. این غربالگری تا زمان مرگ فعالان همراه آنان است، بدون توجه به موقعیت شغلی آنان. ساز و کار پنهان انتخاب فعالان سیاسی سختگیرانه و بی رحمانه در هنگام کوچکترین قدم اشتباه است.

در حال حاضر، گام های درست و هدف درست برای همهٔ احزاب در سوئد، غرب و بسیاری از کشورهای جهان، "جهان شمول[56]" بودن هجی میشود. حتی یک حزب در یک کشور غربی و یا حکومتی در دنیا از دست سرمایه دارانی که پروژهٔ جهان شمولی را ترسیم کرده اند در امان نیستند.

در کشور سوئد، حزب سوسیال دموکراتها نمونه ای زنده از موارد فوق است، حزبی که در دنیایی خارج از سوئد تصمیم به نابودی آن گرفته شد. حزبی که از حمایت 50% آرای شهروندان سوئدی برخوردار بود، با هدف "رفاه همگانی (خانهٔ مردم)"، تهدیدی جدی برای سرمایه دارانی که به دنبال پروژهٔ "جهان شمولی" بودند، به شمار میرفت. به همین خاطر نیاز بود که این حزب را تکه تکه کرد[57] تا بتوان از خُرده های آن حزب در پیشبرد اهداف جهان شمولی استفاده کرد. این روزها، فرزندان جدید این تکه تکه شدن ها، حزب محیط زیست، حزب دموکراتهای سوئد[58] و حزب اسلامی "سایه روشن" نام دارند.

---

[56]) جهان شاهد است که چه اتفاقی/اتفاقهایی برای کشورهایی که با طرح جهانگرایان مخالفت میکنند، پیش می آید.

[57]) در انتخابات سال 2018 حزب سوسیال دموکراتها 28.26 درصد از آراء را از آن خود کردند و این کمترین میزان آراء در تاریخ این حزب از زمان حق رأی همگانی که در سال 1921 به تصویب رسیده بود.

[58]) شدیداً متنفر از اسلام و همان حزبی که دستور دارند قرآن را بسوزانند.

چند نمونهٔ موثق (اکثراً در قید حیات) از سیاستمداران حزب سوسیال دموکراتهای سوئد که سیاست آنها خلاف جریان جهان شمولی بود، توسط رسوایی، مخالفت آشکار با تصمیمات آنان و در یک مورد قتل خنثی شدند را در اینجا نام میبرم. پوست این حیوان پیر(حزب سوسیال دموکراتها) را غلفتی کندند.

اول از همه یادی از خانم مونا ساحلین کنیم که در مقطع انتخاب مسیر آیندهٔ کشور 1992 جایی که اینگوار کارلسون[59] از ترس جان خود مایل به ادامهٔ کار بعنوان رئیس حزب نبود. ولی اینگوار کارلسون تا انتخاب یک رهبر مناسب برای سرمایه داران مجبور شد که حزب را رهبری کند.

مطابق با اطلاعاتی که من دارم، خانم مونا ساحلین، فردی که پا در جای پای اُلوف پالمه[60] میگذاشت، به هیچ وجه مناسب واقعیتی که در تصویر و برنامه های جهان شمولیان ترسیم شده بود نمی گنجید! یک چنین سیاستمدار آگاه و باهوش توسط قیمت یک توبلرونه[61] رسوای عالم شد.

به جای او یک فرد فرمانبردار، مسرت بخش برای سرمایه داران جهان شمول، به نام یوران پرشون[62] به سمت ریاست حزب انتخاب شد.

توجه کنید!
"انتخاب" نه توسط مردم، بلکه توسط مشتی از فعالان سیاسی "دست چین شده" در سمت "کمیتهٔ اجرائی[63]" که در تمامی احزاب یکچنین کمیته ای استتار شده اند.

"اجازه دهید مردم باور کنند که انتخاب آنهاست!"
این واقعیت را به یاد داشته باشید که شهروندان در سوئد احزاب را انتخاب میکنند نه رؤسای آن احزاب را. رؤسایی که پس از انتخابات بطور خودکار رئیس دولت میشوند، نخست وزیر سوئد.

شهروندان سوئدی هیچ نقشی در انتخاب نخست وزیر خود ندارند.

---

[59]) رئیس حزب سوسیال دموکراتها پس از قتل اُلوف پالمه (Olof Palme) 1986-1996 و نخست وزیر سوئد 1986-1991 و 1994-1996.

[60]) این به معنای تقدیس کردن اُلُف پالمه نیست، بلکه به معنای فروپاشی بسیار کُندتر جامعهٔ سوئد بود که اصلاً با جهان بینی جهان شمولان مطابقت نداشت.

[61]) معلوم شد که این خانم با عابرکارت دولتی، شکلاتی برای خود خریده بود ولی درد جای دیگری بود که بدینگونه رسوای عالمش کردند.

[62]) هنگامیکه یوران پَرشون (Göran Persson) سُکان رهبری حرب سوسیال دموکراتها را بدست گرفت، از تقریباً 50 درصد آراء مردم سوئد برخوردار بود، یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت رأی دهندگان در سوئد به این حزب اعتماد داشتند. ده سال بعد در زمان خروج، یوران پَرشون توانسته بود این آراء را به 35 درصد تقلیل دهد!
یوران پَرشون امروز رئیس هیئت مدیرهٔ بانک (Swedbank) بانکی که در پولشوئی تحت تعقیب است و همچنین رئیس هیئت مدیرهٔ معادن آهن دولتی (LKAB)، هم از آخور میخورد هم از تُبره! (کلمهٔ "معادن آهن" را بخاطر بسپارید برای مطلبی بس مهمتر که در ادامه خواهد آمد.)

[63]) هر حزبی از هر استانی نماینده ای در "کمیتهٔ اجرائی" دارند که یکی از وظایفشان، در هنگام نیاز، پیشنهاد یک رئیس حزب میباشد، رئیسی که دیگران هم به صورت خودکار به او رأی آری خواهند داد.

بنابراین یوران پَرشون رئیس حزب سوسیال دموکراتها در سوئد، بدون آرای مردم پُست نخست وزیری را تصاحب کرد، فردی که انتخاب سرمایه داران جهان شمول بود نه انتخاب مردم. یوران پَرشون از همان ابتدا شروع به فروش دارایی ملی (خصوصی سازی) کرد، دارایی ملی که مردم بدون در نظرگرفتن تعلقات حزبی خود، توسط مالیات سرتاسری بعنوان سرمایهٔ ملی انباشته بودند. یوران پَرشون حتی بازنشستگی ملت را به اسم خصوصی سازی فروخت.

در واقع یوران پَرشون از سوی سرمایه داران، نه مردم، مأموریت گرفت که سرمایهٔ ملی را به اسم خصوصی سازی به پشیزی به سرمایه داران چند ملیّتی خیریه دهد و به تمامی اندوخته های ملی و حتی بازنشستگی چوب حراج بزند. املاک ملی[64]، مدارس، بهداری، بیمهٔ اجتماعی ... همه و همه با کمترین مبلغ به سرمایه داران واگذار شد. او همچنین پایه گذار افزایش نجومی حقوق در کشور بود، دلیلی برای تورم که فقط و فقط برای بانکها مناسب بود. دلیلی برای افزایش بی معنی قیمتها در همهٔ زمینه ها، علل الخصوص املاک، وامی که حتی پس از گور همراه یک شهروند است.

یوران پَرشون یک فعال سیاسی که در رابطه با رشوه خواری بین المللی شرکت خصوصی شدهٔ "تلیا[65]" گفت که مایل نیست با "توله های تازه کار" همکار شود[66]. منظور یوران پَرشون دقیقاً عدم وفاداری هیئت مدیره به رؤسا و شرکت بود، توله هایی که به وفاداری شان نمیتوان اعتماد کرد.

یوران پَرشون توانست طی 10 سال حکومت خود، حزب 50 درصدی سوسیال دموکراتها را به 35 درصد تقلیل دهد.

در ادامهٔ روند تخریب حزب 50 درصدی سوسیال دموکراتها در سوئد اجازه دهید یادی از زنده یاد خانم آننا لیندہ[67] کنیم. فردی که بخاطر مخالفتش با رژیم اشغالگر فلسطین توسط سرمایه داران چند ملیّتی با ضربات چاقو در مرکزیترین نقطهٔ استکهلم، در مرکزیترین فروشگاه استکهلم، به تاریخ 11 سپتامبر 2003 بطور کاملاً علنی به قتل رسید، تو گویی پیغامی برای دیگران که مخالف جنگ در عراق بودند داشت.

در تخریب حزب سوسیال دموکراتها، هوکان یوهولت[68] را میتوان یافت. سیاستمداری به طرف چپ حزب سوسیال دموکراتها که در همهٔ زمینه ها با او مخالفت و کارشکنی شد تا جائیکه ادامهٔ ریاست حزب در

---

[64]) در دههٔ 1960 سیاستمداران کشور تصمیم گرفتند که برای ارتقاء رفاه شهروندان، با بخشی از مالیات همگانی مسکن میلیونی بسازند تا شهروندان کم بضاعت بتوانند مسکنی برای تمام عمرشان با اجاره ای مناسب داشته باشند. در دههٔ 90 تمامی این سرمایهٔ ملی به بانکها فروخته شد (موضوع فروش به بانکها مبحثی دیگر دارد، خلاصه بگویم کشوری که مسکن را با مالیات همگانی ساخت دوباره از بانکها خرید!؟ این ته عملکرد یوران پَرشون است.).

[65]) شرکت مخابراتی که سیستم تلفن، ارتباطات کامپیوتری، اینترنت، تلویزیون دیجیتال ... در سطح دنیا عرضه میکند. اسنادی در این شرکت دولتی مخابرات سوئدی ثابت میکند که این شرکت در زمان نخست وزیری یوران پَرشون (Göran Persson) برای عقد قرارداد با دولت اُزبکستان رشوه پرداخت کرده است. هیچکدام از دست اندرکاران که رشوه دادند به پای محاکمه کشیده نشدند.

[66]) فردی از هیئت مدیرهٔ شرکت "تلیا" موضوع رشوهٔ میلیاردی به دختر رئیس جمهور ازبکستان را برای عقد قرارداد با آن کشور را افشاء کرده بود.

[67]) وزیر امور خارجهٔ سوئد 1998-2003. روز قتل (ترور) او خود حکایتی دارد که در کتابی دیگر ذکر خواهم کرد. تهدید خنثی شد! این چیزی است که خود پس از ترور خانم آننا لیندہ (Anna Lindh)، در محیط بسته اظهار داشتند.

[68]) رئیس حزب سوسیال دموکراتها، 25 مارس 2011 تا 21 ژانویهٔ 2012.

کمتر از یکسال برایش غیرممکن شد، کنار گذاشته شد و به سرما تبعید، بعنوان سفیر سوئد در کشور ایسلند! امروزه او را به کشوری دورتر از دور از سیاست در سوئد فرستاده اند. او حالا سفیر سوئد در کشور آفریقای جنوبی است، همان منطقه ای که ناپلئون، شاه ایران و افرادی از این دست را برای مُردن میفرستند. باید پذیرفت که بهتر از به قتل رسیدن است. ملاحظهٔ اعتبار سوئد را کردند!

قطب مخالف هوکان یوهولت، اوربان آهلین[69] رئیس مجلس کشور سوئد از حزب سوسیال دموکراتها در سالهای 2014-2018 است که علیرغم افشاء ویکی لیکس، در مورد "خیانت" او به کشور سوئد که برچسبی مناسبتر از "همکاری" مستقیم با سفارت آمریکا برای اطاعت اوامر است نه تنها تا روز آخر بر مسند قدرت نشست بلکه پس از آن تشویق هم شد! درواقع "مشاورت" او با سفارت آمریکا در تصمیم گیری برخی موارد مهم که میبایست بعنوان منافع ملی مخفی میماند. اوربان آهلین از سال 2019 سفیر سوئد در کشور کانادا است، به معنی نقشی کلیدی تر در حلقهٔ داخلی زدوبندهای سیاسی.

در آخر، البته پُراهمیّت، استفان لُوفن[70] را داریم که در طول زندگی سیاسیش فقط اطاعت امر کرده و بعنوان رئیس تیم مداکره کننده همیشه مطیع امر چهارچوبی بوده است که برای او ترسیم میکرده اند. او اینکار را تا آخرین روز قبل از ریاست حزب، سال 2012، با شایستگی کامل انجام میداده و مهرهٔ مناسبی برای سرمایه داران جهان شمول که فقط به یک فرد مطیع نیاز داشتند بود. استفان لُوفن از سال 2014 تا سال 2021 مطیع بدون چون و چرای دستورات، نقش خودر را با شایستگی بی بدیل انجام داد. در انتخابات سال 2018 درصد آراء مردم به حزب سوسیال دموکراتها فقط 28 درصد بود.

اکنون حزب سوسیال دموکراتها در سوئد، دقیقاً قبل از انتخابات سال 2022، رئیس[71] دیگری برای حزب خود برگزیده اند و به خورد اعضای خود داده اند، اعضایی که تصور میکنند منتخب خود را کاندیدای پُست نخست وزیری میکنند!

شهروندان سوئدی هیچ نقشی در انتخاب نخست وزیر خود ندارند ولی اجازه دهید مردم باور کنند که انتخاب آنهاست!

افراد نامبرده همگی در سطح عالی سیاستگذاری کشور سوئد از حزب سوسیال دموکراتها نقش کلیدی داشته اند. حال خود تصور کنید که اینگونه غربالگری در سطوح پائین چگونه کثیف تر، و به دلیل تصورغلط شهروندان ازاهمیّت کمتری برخوردار باشد، راحتتر میتوان پنهان کرد.

مهمترین نکته در این قسمت، تعداد رأی دهندگان به حزب سوسیال دموکراتها است که تقریباً از 50 درصد آراء در سال 1994 به 28 درصد در انتخابات 2018 کاهش یافت! کاهشی به میزان تقریبی 22 درصد

---

[69]) "*تمامی اقتدار ملی* (دولت وشهرداریها) *در سوئد مبتنی بر مردم* (از طریق مجلس) *است و مجلس نمایندهٔ اصلی مردم است*."
این توصیف در قانون اساسی به رئیس مجلس موقعیت منحصربه فردی میدهد که توسط آن میتواند دولت منصوب کند، نظارت بر قوانین، مالیاتها، تصویب بودجه، نظارت بر هیئت حاکمه و ادارات ... رئیس مجلس دستور جلسات را هدایت و رهبری میکند که بالاترین نهاد تصمیم گیری و قدرت در سوئد است.

[70]) رئیس حزب از تاریخ 27 ژانویهٔ 2012 تا 4 نوامبر 2021 و همچنین نخست وزیر سوئد از سال 2014 تا 2021.

[71]) ماگدالِنا آندِرشون (Magdalena Andersson) نخست وزیر کنونی سوئد.

در یک دورهٔ 20 ساله، کاملاً در راستای طرحی که جهان شمولان بین المللی برای حزب سوسیال دموکراتها در سوئد در نظر داشتند.
بقیهٔ احزاب در سوئد نیز به مانند حزب سوسیال دموکراتها، توسط افراد مطیع اداره میشود، افرادی که توسط اطاقهای فکری سرمایه داران، سیاستهای مناسب جهان شمولان را دیکته میکنند. این احزاب به شکل منظم مردم را به سمتی هدایت میکنند که جهان شمولان برای ملت سوئد ترسیم کرده اند.

در دوران اخیر، با توجه به تضاد مردم با سیاستمداران خود و سیاستهای القاء شده در کشورهای اروپایی، احزاب ملی گرا روز به روز حامیان بیشتری به خود جذب میکنند و بدین ترتیب قدرت سیاسی بیشتری دارند که سیاستهای دیگری اتخاذ شود تا به جنون سیاسی سرمایه داران جهان شمول پایان دهند.
"ذهی خیال باطل"

سوئد نیز از این قاعده مستثنی نیست و برای مقابل با این اجماع رو به رُشد (ملی گرایان)، دولت سایه (سرمایه داران) در سوئد، در سال 1988 یک حزب ملی گرا را پایه گذاری کردند. حزبی متشکل از چند گروه کوچکتر ملی گرا که نام "دموکراتهای سوئد[72]" را برای آن انتخاب کردند.

"دموکراتهای سوئد" سوپاپ اطمینان برای نارضایتی آتی مردم شکل گرفت، حزبی که برنامه ای به جز جذب شهروندان ناراضی نداشت. در آخرین انتخابات سال 2018[73]، یعنی 30 سال پس از پایه گذاری، حزب "دموکراتهای سوئد" با 1.135.627 رأی، 17.53 درصد از آرای شهروندان ناراضی را در انتخابات به خود اختصاص داد و سومین حزب بزرگ سوئد با 62 نماینده در مجلس، محکم بر صدر حکومت نشسته اند.

شهروندان سوئدی هیچ نقشی در انتخاب نخست وزیر خود ندارند ولی اجازه دهید مردم باور کنند که انتخاب آنهاست!

"دموکراتهای سوئد" از زمان شکل گیری عملکرد آهن ربایی برای جذب شهروندان ناراضی علیه مهاجرین، به ویژه علیه مهاجرین مسلمان، عمل میکند. تمام سیاست حزب "دموکراتهای سوئد" برپایهٔ نفرت از اسلام استواراست و جمع ناراضی این حزب براین باور هستند که با ورود مهاجرین مسلمان، نخبگان سیاسی هدفی مغایر با پیشرفت کشور و رفاه شهروندان سوئدی دارند.

اکنون، سال 2022 که یک سال انتخابات است، حزب جدید دیگری به نام حزب "سایه روشن" پا در عرصهٔ این کارزار نهاده است. حزبی که ریشه در حزب "مرکزی" چهارمین حزب بزرگ در سوئد دارد.
یک حزب برای مسلمانها در سوئد!

حزب "مرکزی" را من یک حزب یهودی در سوئد میدانم، و جوانهٔ تازهٔ آن همان "سایه روشن" است که در دنیایی علیه اسلام و مسلمانان در پرده ای از ابهامات سیر میکند. قابل توجه است که بدانید این حزب

---

[72]) حتی تشابه اسمی آن دوحزب هم تصادفی نمیباشد. حزب "سوسیال دموکرات ((Social Demokrati (SD)" با تقریباً 50 درصد آرا در دههٔ 80 و حزب "دموکراتهای سوئد ((Sverige Demokrati (SD)" که تازه تأسیس شده بود.
[73]) https://data.val.se/val/val2018/slutresultat/R/rike/index.html

"سایه روشن" که از شهروندان مسلمان شکل گرفته است، خود را بعنوان یک حزب برای مسلمانان معرفی میکند.
شهروندان سوئدی هیچ نقشی در انتخاب نخست وزیر خود ندارند ولی اجازه دهید مردم باور کنند که انتخاب آنهاست!

بدینوسیله یک حزب مسلمان "سایه روشن" با کمک دولت سایه روشن متولد شد تا نارضایتی رو به رُشد مسلمانان را در خود هضم کند. به همین سادگی.

اجازه دهید مردم باور کنند که انتخاب آنهاست!

(داخل پرانتز توضیح دهم که سال 2018، در سه صفحه آ-4 در مورد مسلمانان "غیرسازمان یافته" توضیح دادم و به دو فرد فرستادم. در آن مقاله صحبت از مسلمانانی داشتم که حق رأی دارند ولی سرخوردهٔ سیاسی شده اند، گروهی که نیاز به سازماندهی دارند. اکنون این سازماندهی شکل گرفته است!)

بله، اینچنین است حق رأی و انتخاب آزاد، مردم سالاری، در غرب- سوئد.

شهروندان عادی در دنیا، به دلایل مختلف[74] و بدون آگاهی از واقعیت روند انتخابات در کشورهایی به مانند سوئد- غرب، فریفته میشوند که باور کنند هیچ کشوری مردم سالارتر از غرب علی الخصوص سوئد وجود ندارد. تازه این شرایط در کشوری به مانند سوئد است که خود را "ابرقدرت اخلاق!" میخوانند!

با در نظر گرفتن توضیحات در این مولفه، اکنون شاید درک موضوع برای شما آسانتر باشد که چرا همهٔ سیاستمداران، حتی داوطلبان که هنگام مراسم حزبی بدون چشم داشت مالی کمک به تبلیغات حزبی میکنند، جرأت نکردند در مورد پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد[75]" نظری مخالف با حزب خود داشته باشند.

با تمامی ریاکاریها و جهانفریبی سوئدیها در مورد انتخابات مردمی در سوئد، این سوئد است که انگشت نشان بطرف تمامی کشورهای دنیا دارد که "انتخابات آنان مردمی نیست!".

یک مثال: **کودکان، زندانیان سیاسی در سوئد**

کیمیّا موسوی و کیانا موسوی، دختران من در سوئد، بدلیل کتابهایی که در سال 2017 در سوئد منتشر کرده ام، طبق حکم قضائی از دادگاه سودرتورن- استکهلم، با شمارهٔ پروندهٔ MUFT11352-17، قاضی دانیل اِریکسون، در توضیحات دلایل حکم را بدینگونه شرح میدهد:

---

[74]) از طریق سازمانهای دولتی به مانند (SIDA)، سازمانها- انجمنهای غیردولتی و رسانه ها که فقط در اخبار مثبت، هرچند دروغین، کوشا هستند و اخبار منفی، هرچند واقعی، را از آگاهی مردم دور میدارند.
[75]) از طریق این لینک کتاب را مجاناً بارگذاری کنید. https://docdro.id/HSHUW3k

"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است*[76] (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتمائی) ..."

چگونه یک چنین حکمی، آنهم در کشوری به مانند سوئد میتواند ممکن باشد!؟ سوئد، کشوری که به مبارزه برای حقوق کودکان و حقوق بشر زبانزد تمام دنیا است! سوئد که آزادی مطبوعات و آزادی بیان را سنگ بنای تمدن خود میداند!

این جنایت منحصر به فرد در دنیا هرگز نمیتوانست بدون اجماع تمامی احزاب فعال در سوئد ممکن باشد. مجموعه ای منسجم از سیاستمداران بدون درنظر گرفتن طرز تفکر نشئات گرفته از ایدئولوژی حزب خود. مجموعه ای فاسد بوسیلهٔ پول و مقام، در برابر یک هدف واحد برای شکستن یک وجدان بیدار. درواقع موقعیتی شد برای پیشرفت گروهی از سیاستمداران و کارمندان، بالارفتن از پلکان ترقی از طریق خاموش کردن یک دگراندیش سیاسی- اجتماعی.

سال 2016 نقطهٔ اوج 24 سال فعالیت من برای رفاه کودکان و نوجوانان در سوئد بود و اکنون دولت سوئد این فرصت را غنیمت شمرد تا بوسیلهٔ گروگان گیری دخترانم یک فعالیت مسالمت آمیز و مستمر را سرکوب کند.

افشاء تجاوز جنسی به کودکان در تکواندو در سوئد، افشاء مصرف کوکائین در تیم ملی تکواندو در سوئد، حبس کودکان در زندان کودکان، تجاوز به دختران مسلمان در زندانهای کودکان، فروش مواد مخدر توسط کارمندان زندان کودکان به زندانیان کودک در سوئد، فروش مواد مخدر در قبال تجاوز به کودکان در زندان کودکان در سوئد، افشاء آزار و اذیت دولت نسبت به مسلمانان بعنوان یک گروه قومی، تجاوز به زنان مسلمان در پناهگاه امن زنان! توسط کارمندان "پناگاه امن! زنان"، ضرب و شتم زنان مسلمان به سکوت در خانه های امن زنان پس از تجاوز به آنان و ... همچنین مقالات نباید فراموش شود، مقالاتی به مانند:

- پادشاه کُرد است؟
- پلا، یک برند جدید؟
- خلاف اصول منطق سیاسی!
- مادر سوئد، غرور فرزندانش را سلب میکند!
- ریاکاری در مورد کودکان "فلج روحی"!
- ایران، مستعمرهٔ سوئد؟
- ناخن در چشم سوئد!
- و از این قبیل مقالات پس از چاپ اولین مقاله ای در مجلهٔ رزمندگان در سال 1994.

[76]) کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد"

با توجه به افشاءگریها و مقالات نشریافته، فعالان احزاب موقعیت را غنیمت شمرده و خوشحال از ربودن کیمیّا و کیانا، شروع تصویه حساب برای دوران نافرمانی و سکوت. از طرفی دیگر افشاء پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" به نفع هیئت حاکمه و کشور نبود و سیاستمداران تصور میکردند که از طریق حکم قضائی میتوانند یک نویسنده را خاموش کنند بدون اینکه در انظار جهان منفور شوند.

سیاستمدارانی که مسئولیتشان به روی کاغذ (قانون)، به صلاح کشور و برای منافع خود اینست که با تمامی شهروندان یکسان رفتار کنند، نه تنها با گروگان گرفتن کودکان یک نویسندهٔ دگراندیش مخالفت و برخورد قانونی نکردند، بلکه با سوءاستفاده از جایگاه خود شروع به تخریب وجههٔ اجتماعی یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد توسط تهمت، افتراء، هتک حرمت ... کردند، حربه ای که بارها و بارها از آن در مراجع قضائی علیه دگراندیشان با نتایج مطلوب استفاده شده بود. دولتمردان بدینگونه اطمینان حاصل کردند که دادگاه یک حکم عامه پسندانه صادر خواهند کرد.

این دقیقاً همان شکنجهٔ دقیق، بدون نقص و ابریشمی است که موضوع این کتاب مستند میباشد. روشی متفاوت با کشورهای در حال توسعه ولی کاملاً در راستای سرکوب مخالفین با نتیجه ای بهتر از کشورهای در حال توسعه.

مهم است که ذکر شود، اُلف والتر، رئیس منطقهٔ اِن شِ دِه، از حزب سوسیات دموکراتها، پس از روبودن کیمیّا و کیانا به عضویت در شورای حاکمهٔ شهر استکهلم ارتقاء شغلی یافت. پاداش آزار و اذیّت یک فعال سیاسی- اجتماعی توسط ربودن فرزندان یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد.

با وجود اینگونه ریاکاریها و جهانفریبی، سوئد انگشت نشان خود را بطرف دیگر کشورها میگیرد که سیاستمداران آنها منتخب مردم نیستند!

مؤلفهٔ 2 "صدقهٔ ملی"

فساد اجتماعی (کمک مالی) با منابع خود مردم (مالیات).

از مردم تمامی دسترنج روزانه، ثمرهٔ عمرشان را به نام "مالیات" گرفتن و مردم را محتاج به دولت کردن به اسم "کمک هزینه (صدقه)"!

"کمک هزینه" برای امرار معاش روزانه، برای بقاء و برای هر کاری که زنده ماندن شهروندان به آن بسته است در حالیکه همان شهروند قسمت اعظمی از حقوق خود را به اجبار در اختیار دولت میگذارد.

(این قسمت را برای خوانندگان ایرانی به کتاب اضافه کرده ام.

برای راحتی در تشریح موضوع، پایه را بر اساس هر 10.000 کرون سوئد میگذارم. میانگین یک حقوق (قشر کارگر، پلیس، معلم، پرستار...) بین 20.000 تا 30.000 کرون در سوئد است. بنابراین مبلغ مالیاتی که دولت شهروندان را اجبار به پرداخت آن میکند حداقل دو برابر آنچیزی است که در اینجا تشریح میکنم.

برای هر 10.000 کرون حقوق یک شهروند، کارفرما موظف به پرداخت 13.500 کرون است که 3.500[77] کرون آن بعنوان اینکه کارفرما اجازه داشته است از نیروی کار یک شهروند استفاده کند، مبلغی که مستقیماً به حساب دولت (ادارهٔ مالیات) واریزکند.

همان کارفرما "موظف" است که تقریباً 3.000[78] کرون مستقیماً از حقوق یک شهروند کسر و به حساب ادارهٔ مالیات واریزکند.

بنابراین، از ثمرهٔ یک ماه عُمر یک شهروند در سوئد، از هر 10.000 کرون، دولت 6.500 کرون بعنوان مالیات کسب درآمد میکند و باقیمانده یعنی 7.000 کرون دستمزد به حساب آن شهروند ریخته میشود.

از آن 7.000 کرون باقیمانده آن شهروند برای خرید اقلام مورد نیاز در طی یک ماه از 6 درصد تا 25 درصد مالیات ارزش بر افزوده پرداخت خواهد کرد! 6 درصد برای اقلامی به مانند روزنامه، کتاب و 12 درصد برای غذا. وگرنه برای اجناسی به مانند اتوموبیل، وسایل خانه، نیروی کارگار و از این قبیل مخارج، مالیات ارزش بر افزوده 25 درصد میباشد.)

کشور سوئد بدلایل منابع طبیعی بسیار محدود بعنوان منبع درآمد ملی، مجبور بود که برای تأمین هزینه ها و پیشرفت علمی- اجتماعی ملی و شهروندان چاره ای بیأندیشد. سیاستمداران سوئدی یک سیستم مالیاتی

---

[77]) 3.500 کرون برای هر 10.000 کرون مبلغ مالیات بر کارفرما و دیگر هزینه های جانبی اجتماعی است که یک کارفرما موظف به پرداخت آن برای استفاده از نیروی کار یک شهروند است. مالیات بر کارفرما اصلی ترین دلیل گرانی نیروی کار در سوئد- غرب است.

[78]) مالیات بردرآمد نسبت به شهرداری محل زندگی شهروندان متغایر است. امسال 2022 بین 28.98 درصد تا 35.15 درصد نوسان دارد.

منظم را راه حل این معظل دانستند، راه حلی که در طول زمان نتیجه ای دیگر بغیر از روش بی بدیل برده داری نداشت.

ایدهٔ سازندگی کشور از طریق سیستم مالیاتی، آنچه که بعداً "خانهٔ مردم[79]" نامیده شد، از اول با نیّت خوب پایه گذاری شد که در آن شهروندان هماهنگ و با یکدیگر کشور را بطرف ترقی و رفاه همگانی هدایت میکردند. ولی این هماهنگی و اشتراک در ایجاد رفاه همگانی در طول زمان، به لطف غریزهٔ طمعکار بشر به بیراهه کشانده شد. میل به کار نیک برای رفاه تمامی شهروندان، کشور، توسط طمع مخرب به پول و مقام منحرف شد.

جدا از هرگونه مالیاتهای آشکار و پنهان، امروز شهروندان سوئدی، تک تک شهروندان شاغل مجبور به پرداخت مالیات بر درآمد با میانگین 32.24 درصد هستند و همچنین کارفرمایان بخاطر استفاده از نیروی کار شهروندان شاغل، موظف به پرداخت 32.42 درصد مالیات هستند. بعلاوه بر این دو مورد مالیات مستقیم از شهروندان، شهروندان موظف به پرداخت مالیات ارزش افزوده بر کالا هستند.

ایدهٔ مالیات کارفرمایان بر این پایه استوار است که دولت برای شهروندان قبل از اینکه به سن کار برسند و نیروی کار برای سرمایه داران شوند، هزینه هایی از قبیل مدرسه، بهداری، مراقبت و غیره پرداخت کرده است.

یک دقیقه صبر کنید! پس مالیات شهروندان شاغل چه هزینه هایی را تأمین میکند؟ آیا این پدر و مادر کودکان نیستند که برای اینگونه هزینه ها مالیات پرداخت میکنند؟ مالیاتی که والدین میتوانستند مستقیماً برای فرزندان خود هزینه کنند و زمانیکه فرزندان شاغل شدند درصدی به والدین خود برگردانند!

با توجه به این طرض تفکر که یک استاندارد مشابه، برابر، برای همهٔ افراد جامعه مهم است چرا فقط به مقدار زیرساختهای ملی موظف به پرداخت مالیات نباشیم؟ زیرساختهایی در قالب مدارس، بهداری، جاده ها، پُلها، فرودگاهها، شبکهٔ برق- تلفن و موارد مشابه.

اجازه دهید پیرامون چند سوأل تعمق کنیم:
چرا تنظیم مالیات پس از پرداخت مالیات را "کمک هزینه" بنامیم؟
چرا تنظیم مالیات را "کمک هزینهٔ کودک" بنامیم؟
چرا تنظیم مالیات را "کمک هزینهٔ اجاره خانه" بنامیم؟
چرا تنظیم مالیات را "کمک هزینهٔ دندانپزشکی" بنامیم؟
چرا تنظیم مالیات را "کاهش مالیات" بنامیم؟
چرا تنظیم مالیات برای هزینه های اضافی سفر کاری را "کاهش ایاب و ذهاب کاری" بنامیم؟
از اینگونه سؤالات بسیار است که در آن دولت سوئد تنظیم مالیاتی را بعنوان صدقه بر سر شهروندان میکوبد.

---

[79]) مفهوم "خانهٔ مردم" توسط پَر آلبین هانسون (Per Albin Hansson) در سال 1928 ابداء شد و به این معنا بود که "جامعه، خانه ای برای کُل مردم است، خانه ای که باید شاخص ویژهٔ آن تفاهم و برابری باشد". این واژه بعداً به مُدلی برای رفاه سوئد تبدیل شد.

در حال حاضر کمک هزینهٔ برق که اسمش با منّت "کاستن مالیات انرژی[80]" نام دارد.
در حال حاضر کمک هزینهٔ سوخت به اسم "جبران قیمت سوخت" برای قیمت نجومی بنزین و گازوئیل که 46 درصد آن تشکیل شده از مالیاتهای مختلف است.

این یک واقعیت است که شهروندان سوئدی بسیار زیاد و برای مدت طولانی طی عُمر خود، از 18 سالگی تا 65 سال، کار میکنند. سؤال اینست؛ چرا شهروندان باید محتاج صدقه باشند؟ آنهم صدقه ای که از صندوق مالیات خودشان، ثمرهٔ عمرشان- نیروی جوانی و پیری شان، پرداخت میشود!

چرا خود را از شرّ همهٔ کمک هزینه ها و کاهش مالیاتی رها نکنیم و در نقطهٔ مقابل مالیات شغلی، مالیات بر ارزش افزوده و ارزش افزوده بر مالیات[81] را درصدی، فقط در حد درصدی از آن مالیاتها کم نکنیم؟

چرا مالیات کمتری پرداخت نکنیم و اجازه دهیم که والدین بدون نگرانی و دغدغهٔ خاطر از فرزندان، زندگی خانوادگی، ایاب و ذهاب روزانه، مرخصی، پس انداز و ... در آرامش باشند؟

چرا مالیات کمتری پرداخت نکنیم تا هردو والدین برای امرار معاش زندگی خانوادگی خود احتیاج نداشته باشند که بصورت تمام وقت شاغل باشند؟

چرا سیستمی اینجاد نکنیم که در آن کودکان بتوانند در طول دوران کاری خود چند درصد از حقوق خود را مستقیماً به حساب والدین خود پرداخت کنند؟ بعنوان مکمل علاوه بر حقوق بازنشستگی[82] که والدین در طول عُمر خود لایق آن هستند.

معذالک سوأل مناسب باید این باشد که:
چرا دولت سوئد اصرار دارد که تمامی اشکال تعدیل مالیات را "کمک هزینه" بنامد؟
زمانیکه هر فردی با مقدار کمتری از مالیات میتواند به راحتی از عهدهٔ ایاب و ذهاب زندگی خود برآید بدون اینکه به زیرساختهای کشور آسیبی وارد شود؟

بله، دولت سوئد مواظب است و سیاستهایی اتخاذ میکند که اکثریت 99 درصدی شهروندان منابع مالی زیادی در اختیار نداشته باشند و بدتر از آن نقدینگی خاصی در خانه انبار نکنند. اینکه اکثریت شهروندان باید نیازمند و چشم به راه آن مبلغ کاهش مالیاتی خود باشند که دولت با مهربانی آنرا "کمک هزینه (صدقه)" میخواند.

راز این همه مالیات در عصر حاضر در اینست که، سیاستمداران سوئدی با ابزار مالیات توانسته اند که نفس شهروندان را در اختیار خود داشته باشند. و این است ظهور یک دیکتاتور ابریشمی. زمانیکه معیشت

---

[80]) امروز، 6 می 2022، بدون تشریح جزئیات آن، قیمت بنزین در سوئد شامل 46 درصد مالیاتهای گوناگون میباشد.
[81]) این یک شوخی نیست. در سوئد از مالیات، خصوصاً در حیطهٔ انرژی، ارزش افزوده برمالیات وضع کرده اند.
[82]) امیدوارم در آینده، سیاستمداران از این موضوع سوء استفاده نکنند. منظور من تغییر مسئولیت دولت در آینده نیست و دولت اجازه ندارد وظیفهٔ خود را در مقابل بازنشستگان به دیگران، حتی فرزندان، بسپارد. درهرصورت تمامی شهروندان درصدی از مالیات کسر شدهٔ زمان حال را، مطابق با دستورالعمل، مستقیماً به حساب بازنشستگی واریز میکنند.

شهروندان، آنهم بصورت روزانه در دست سیاستهای دولت باشد، میتوان بر عقاید و افکار دگراندیشان، فعالان سیاسی- اجتماعی، تسلط داشت.

اکنون شاید تفهیم وحشت همگانی از سیستم را راحتتر بتوان درک کرد. اکنون شاید بتوان تفهیم وحشت همگانی اعم از کارمندان، خبرنگاران، انجمنهای غیردولتی، فعالان حقوق کودکان، فعالان حقوق بشر، مردم عادی و حتی سیاستمداران به گونه ای که در مولفهٔ اول توضیح داده شد، به چه مناسبتی است.

شهروندان در سوئد جدای از ترفیع شغلی، از نظر مالی هم در صورت مخالفت با دستورالعملهای کارگزاران دولتی متضرّر خواهند شد.

طنز این معامله در این است که شهروندان سوئدی خود هزینهٔ آزار و اذیّت دولتی را توسط مالیات، برعلیه خود هزینه میکنند.

مشکلات اقتصادی که دولتمردان سوئدی برای دگراندیشان، کاملاً قانونی، ایجاد میکنند به شرح زیر است. اینها مراحلی هستند که من طی کرده ام و این محدودیتهای مالی هر روز به شکلی زندگی شخصی و خانوادگی دگراندیشان را تحت شعاع خود قرار میدهد.

- توقیف کلیهٔ دارائیها حتی حساب پس انداز کودکان که به اسم آنان حسابی بانکی ایجاد شده بود. توقیف پول نقد در بانک، خانه، ماشین، جواهرات، وسائل با ارزش خانه، همه و همه چیز بدون حمایت قانون ضبط میشود.
- ممنوعیت تجارت.
دگراندیشان حتی حق قرارداد اشتراک تلفن، برق، اینترنت، روزنامه ها ... را ندارند چه رسد به تأسیس مراکز مالی تجاری.
- ضبط حقوق دگراندیشان.
توسط پرونده سازی دستمزد روزانهٔ فعالان سیاسی- اجتماعی محدود به مبلغی میشود تا به کمک آن بتوان مخارج اولیهٔ زندگی به مانند اجاره، غذا، برق، کارت اتوبوس آنهم برای مسافرت کاری ... تأمین شود.
در مورد من و این پروندهٔ خاص، دولت سوئد کُل حقوق مرا به مدت دوماه[83] بدون تصمیم مقامات مربوطه و بدون اینکه به ثبت برسد مصادره کرد. رونوشت حسابکرد بانکی من صحت ادعای مرا تضمین میکند.

شما هرگز نخواهید توانست عمق شکنجهٔ روحی- روانی فردی را تصور کنید که فرد موظف است مأموریتی را انجام دهد و در قبال آن مأموریت حقوق دریافت کند ولی مصادرهٔ حقوق موجب میشود که آخر کار حتی نتواند پاستیل برای خود بخرید.
(قبل از مسدود کردن کامل حقوق من به مدت 2 ماه، و علارغم حکم مالیاتی در مورد حداقل سطح معاش 398 کرون در روز، سیستم سرکوب دولتی در سوئد نیمی از آن مبلغ را بدون تصمیم رسمی به مدت چند

[83]) اعلام کرده بودم که به یک تور جهانی خواهم رفت با اتومبیلی که با مدارک و عکسهای دخترانم تصمیم به تزئین داشتم.

ماه کسر میکردند که فقط با آن میتوانستم اجارهٔ خانه را پرداخت کنم و تا آن حد پیش رفتند که به مدت دوماه تمامی حقوقم را قطع کردند بدون هرگونه تصمیم رسمی اداری که این خود نشان از غیر قانونی بودن عملکردشان داشت.

این عمل غیرقانونی باعث شد که مجبور شوم برای پرداخت اجارهٔ خانه و غذا از دوستان و آشنایان در همین حد قرض کنم. دیگر نمیتوانستم هزینه های جانبی به مانند برق را بپردازم که این خود دلیلی شد برای ادارهٔ برق که برق خانه را پس از مدت معلومی قطع کنند.

زندگی بدون برق در سوئد به معنی مُردن کامل است که در آن فرد حتی نمیتواند آب جوش برای چای داشته باشد. حال اینترنت که بدون برق قطع میشود بماند! متوجه شدید؟ اینترنت بدون برق عمل نمیکند. یعنی عدم دسترسی به رسانه های اجتماعی خصوصاً توئیتر که از سال 2017 اطلاع رسانی میکنم و همهٔ دنیا توانستند اسناد و مدارکم را توسط سفارت خود و یا دوستان و آشنایان در سوئد راست آزمایی کنند.

بنابراین، روز 10 نوامبر 2021 ادارهٔ برق (شما بخوانید دولت سوئد) برق آپارتمان را قطع کرد، کاملاً قانونی در انظار عموم با مصادرهٔ غیرقانونی دستمزد ماهیانه، پنهان از انظار عموم.)

شکنجهٔ جسمی را بدینگونه شرح میدهم:

- حق درمان از بهداری منطقه ای که در آن ثبت نام شده ام را ندارم. علاوه بر آن برای هر ویزیت 250 کرون هزینه دارد که با توجه به قطع کامل، غیرقانونی حقوق من عملاً حق رزرو وقت هم از من سلب شده است.

متوجه میشوید؟ علاوه بر اینکه حق درمان ندارم، هزینهٔ ویزیت را هم ندارم. هزینهٔ ویزیت پزشکان خصوصی 350 کرون به بالا میباشد.

- من مشکل پوستی مزمن دارم و همانطور که توضیح دادم حق درمان ندارم. پوست تنم بسیار خشک است و از ترک های پوستی در انگشتانم خون می آید، سوزش دائمی در تمام ساعات شبانه روز.

نگارش غیر ممکن شده است، چه به روی کاغذ، چه به روی کلیدهای رایانه. این کتاب بیهوده چهار سال برای نگارش وقت نیاز نداشت! علاوه بر رنج روحی، رنج جسمی هم دلیلی بر نتوانستن به سرانجام رساندن کتاب "شکنجهٔ ابریشمی در سوئد" بود.

- بینایی من ضعیف شده (امسال 56 ساله هستم) و هر روز ضعیفتر میشود. نه امکان درمان دولتی که حق هر مالیات دهنده است را دارم نه امکان درمان خصوصی، با توجه به مصادرهٔ دارائی، اموال و حقوق ماهیانه. من در اینجا از مشکلات جسمی مزمن در ارتباط مستقیم با نگارش، صحبت کرده ام و شما را از خواندن سرماخوردگی، فشار خود، چربی خون، عفونت ... معاف میکنم.

تو مکن تهدید از کُشتن که من تشنهٔ زارم به خون خویشتن

آیا عنوانی بهتر از "شکنجهٔ ابریشمی در سوئد" میتوانستم برای این کتاب انتخاب کنم؟

سیستم شدیداً بیرحمانه عمل میکند و این یک بازی برای کودکان نیست!

سیاستمداران، کارمندان، دکترها، پرستارها، خبرنگاران، دادستانها، قضات و ... همه و همه مجبور به اطاعت امر به همانگونه که دیکته میشود هستند، اگر خود نخواهند دچار نامهربانی و ناملایمات شوند. بیاد بیاورید که جدای از ارتقاء شغلی، آنها هم منابع مالی و اندوختهٔ زیادی ندارند.

یک ظالم سخاوتمند:

ایاب و ذهاب و هر واجبات دیگری را که شهروندان از بابت مالی در طول یک روز نیازمند به انجام آن هستند، وابسته به صدقه (کمک هزینه) کنید، صدقه ای که برپایهٔ مالیات استوار است!

مؤلفهٔ 3 مصونیت کارمندان
قانونی به نام "رفع مسئولیت از کارمندان"!

ساختار پیچیدهٔ اُرگانهای دولتی که شهروندان را مجبور به سکوت میکند، بدون هیچگونه عواقب قضائی برای کارمندان متخلف را میتوانم به اختصار و در یک کلمه خلاصه کنم- که توضیح هم در همان کلمه نهفته است، Tjänstemannaansvarsfrihet، کلمه ای که مفهومی بدینگونه دارد "عدم مسئولیت کارمندان در قبال تصمیماتشان[84]!".

قانون "مصونیت کارمندان" و فساد اجتماعی "کمک هزینه (صدقه)" دست در دست هم سوئد را به سوی تخریب و درادامه به سوی نابودی هدایت میکند، زمانیکه سیاستمداران، کارمندان، خبرنگاران، رسانه ها، انجمنهای غیر دولتی حمایت از حقوق بشر ... در انجام وظایف خود نه تنها کوتاهی میکنند بلکه مرتکب جرم هم میشوند ولی در عین حال جوابگو نیستند.

به همهٔ کشورهایی که دارای یک سیستم دیکتاتوری و ظالمانه هستند، برادرانه پیشنهاد میکنم که این قانون "مصونیت کارمندان" بخوبی آزمایش شده در سوئد را به جای سیستم دیکتاتوری به تصویب برسانند که کشور سوئد از سال 1986 در سیستم اداری خود وضع کرده است[85].

این کلمه، "مصونیت کارمندان"، ظالمان و دیکتاتورهای عصر حاضر را به تابهٔ تفلونی تبدیل میکند که سوئد است. هیچ چیز نمی چسبد برای اینکه هیچکس مسئول اشتباهات، جرائم، خود نیست.

البته تفکر "مصونیت کارمندان" از ابتدا بر تفکر "انسان جایزالخطا است" پایه گذارده شده بود، اینکه انسان نمیتواند کامل- بدون عیب و نقص باشد، اما اعتراف به این واقعیت طبیعی انسان پس از مدتی تفکر به حق خود را به سوی عمل ارتکاب جرم تغییر مسیر داد، جائیکه کارمندان با آگاهی کامل انتخاب به انجام جرم میکردند. ابزاری که دولتهای پس از انعقاد قانون، کاملاً هدفمند برای سرکوب، آزار و اذّیت دگراندیشان استفاده کرده اند.

دو مگس در یک ضربه[86]! بدین معنا که از یک طرف در مجلس سوئد قوانین دهن پُرکن جهانی وضع میکنند و از طرف دیگر کارمندان موظف به اجرای آن نیستند و اگر در داخل کشور، که رسانه ای هم نمیشود، کارمندی خلاف قانون عمل کند، مهر اشتباه انسانی و به آن خواهند زد و به خودی خود حق استفاده از "مصونیت کارمندان"! متوجه میشوید؟

---

[84]) اجازه دهید که قانون "عدم پیگرد قانونی کارمندان" را از این پس بطور خلاصه "مصونیت کارمندان" در ادامهٔ نگارش بنامیم.
[85]) در تاریخ سوئد به ثبت رسیده است که این قانون از افتخارات اولُف پالمه، نخست وزیری که در سال 1986 در سوئد ترور شد، بود.
[86]) یک ضرب المثل سوئدی.

دولت سوئد تضمین میکند، کارمندانی[87] که انتخاب میکنند که قانون را بخاطر پیشینهٔ قومی و دینی مراجعه کننده (شاخصاً اسلام) نادیده بگیرند و به اینصورت مرتکب جرمی شوند، تحت پیگرد قانونی قرار ندهد.

عدم اعمال قانون شامل سیاستمداران و کارمندان از پائینترین سطح تا بالاترین حد آن که وزراء و وکلای مجلس هستند میشود. توضیح دهم که وزراء کارمندان قوهٔ اجرائی محسوب میشوند و وکلای مجلس بالاترین مرجع تصمیم گیری هستند. به عنوان یک دیکتاتور قانون "مصونیت کارمندان" یک هدیهٔ خدایی است برای سوءاستفادهٔ قانونی از جرم علیه دگراندیشان.

بعنوان یک سیستم دیکتاتوری مخملی، کارمندان و سیاستمداران قادر هستند که هرگونه عمل غیر قانونی بر شهروندان تحمیل کنند و بعداً بعنوان اشتباه از قانون "مصونیت کارمندان" سود ببرند. بقیهٔ داستان ظلم و ستم را خودتان حدس بزنید.

آنچه که آشکار است، شرح وظایف شغلی، نادیده گرفتن قوانین مصوبه علیه دگراندیشان در دستگاه قضائی، ادارات اجتماعی و رسانه ها در سوئد میباشد، زیراکه تمرکز باید به اهداف سیاسی توجیه شده با توجه به قومیّت و دین افراد مورد نظر باشد.

حال اگر در روند پرونده سازی علیه دگراندیشان، جرائمی به مانند فساد اداری، جعل اسناد، شهادت کذب، دادخواست کذب و از اینگونه موارد برملاء شود، صرفاً با استناد بر قانون "مصونیت کارمندان" آن دادخواست به حق را مختومه اعلام میکنند بدون اینکه پرونده سازی علیه دگراندیشان را متوقف سازند.

حتی جنایاتی به مانند قتل کودکان در زندانهای کودکان، کودکانی که سلامت روحی و جسمی شان کاملاً وظیفهٔ کارمندان و در اختیار کامل کارمندان دولتی قرار دارد بدون هیچگونه بار قضائی در سکوت رسانه ای به فراموشی تاریخ سپرده میشود.

مطابق با قانون جزا، آرتیکل 20 پاراگراف 1 و همچنین آرتیکل 23 پاراگراف 6، تک تک کارمندان و سیاستمداران مسئول، به محض مطلع شدن از جرمی "موظف به گزارش جرم[88]" هستند، امری که در عوض جای خود را، برای اجتناب از افشاء سیستم دیکتاتوری، به سوءاستفاده از قانون "مصونیت کارمندان" داده است.

تمامی کشورهایی را که سوئد آنان را دیکتاتور مینامد باید قانون "مصونیت کارمندان" را در قوانین مدنی خود تصویب کنند، مهمّی که سوئد از سال 1986 در قوانین خود وضع کرده است.

---

[87]) بر اساس قانون اساسی در سوئد، این تنها پادشاه این کشور است که در مقابل قوانین جوابگو نیست. سایر شهروندان بدون درنظرگرفتن موقعیت سیاسی اجتماعی، موظف به رعایت قانون و همچنین پاسخگو در مقابل قوانین در سوئد هستند.

[88]) آرتیکل 20 پاراگراف 1 قانون خطای شغلی
آرتیکل 23 پاراگراف 6 غفلت در گزارش جرم

اما باید اشاره کنم که شهروندان از طریق سیاستمداران منتخب خود در یک دههٔ آخر، سعی در تغییر قانون "مصونیت کارمندان" دارند، قانونی که ریشهٔ تمامی ظلمی است که کشور سوئد در این چهار دهه تجربه کرده است.

پس از چهار دهه، شهروندان پی به ریشهٔ فساد، سوءاستفاده ها و استبداد برده اند. حزب میانه رو، دومین حزب بزرگ سوئد، از طریق ارائهٔ لایحه ای[89] به مجلس سعی در تغییر قانون "مصونیت کارمندان" را دارند و اینکه کارمندان و سیاستمداران مسئول تصمیمات خود باشند. این مهّم تا به امروز 31 دسامبر 2021 بی نتیجه مانده است.

درخواست مردم برای دموکراسی و آزادی بیان در این باتلاق سیاسی در سوئد اکنون دو گروه بعنوان مخالفان سیاسی- اجتماعی در جامعهٔ سوئد برجسته شده اند. دو گروهی که قانون "مصونیت کارمندان" بطور گسترده برعلیه آنان استفاده میشود. قانونی که پس از ارتکاب جرم علیه دگراندیشان، تا به امروز محال ممکن بوده است که متخلفان را به پای میز محاکمه بکشاند. یک رُشد اجتناب ناپذیر به سمت تمرکز قدرت در دولت، استبداد، که در این چهار دهه آهسته و پیوسته به استحکام غیرقابل باوری در جامعه ای به مانند سوئد، رسیده است.

در پروندهٔ گروگان گیری کیمیّا و کیانا، تنها زندانیان سیاسی کودک در جهان، کارمندان و مقامات سیاسی کشور مرتکب همه نوع جرائمی شده اند، نقض قوانین خدمات اجتماعی، نقض قوانین مدارس، نقض قوانین جزاء، نقض آئین دادرسی، نقض قوانین شورای اخلاقی کانون وکلا، نقض قوانین اساسی- دستورالعمل حکومتی، آزادی مطبوعات و آزادی بیان، یعنی سه ستون از چهار ستون تمدن سوئد که بر آن استوار است!

آیا مشخصتر میتوان گفت؟

هیچ صحبتی از تعهدات بین المللی سوئد در قبال قوانین و کنوانسیونهای سازمان ملل متحد نمیکنم، تعهداتی که رهبران کشورهای آفریقایی را به دادگاه حقوق بشر هاگ میکشاند، قوانینی از قبیل منشور حقوق بشر سازمان ملل، کنوانسیون حقوق کودکان، ممنوعیت شکنجهٔ کودکان، ممنوعیت شکنجهٔ نویسندگان، پایه ای ترین قوانین اتحادیهٔ اروپا به مانند منشور حقوق کودکان و حقوق بشر ...

با وجود همهٔ این جنایات، باوجود اینکه دنیا پس از 2016 از دورویی و ریاکاری سوئد در مورد حقوق کودکان مسلمان، حقوق بشر... مطلع است، با وجود اینکه چینیها، با اعتماد به مدارکی که به آنان از سال 2017 ارسال میدارم، کاریکاتوری در مورد ویژگیهای شخصیتی سوئدیها ترسیم کرده اند، دولت سوئد همچنان به ریاکاری ملی و بین المللی خود ادامه میدهد و همه را به قانون "مصونیت کارمندان" ارجاع میدهد!

[89] لایحه به مجلس (2014/15:1497) توسط وکلای مجلس یوهان هولتبری (Johan Hultberg) و یان آر آندرشون (Jan R Andersson) "بازگرداندن قانون، کارمندان مسئول هستند"

(این کاریکاتوری است که چینیها برای توصیف خُلق و خوی سوئدیها ترسیم کرده اند، کاریکاتوری استوار بر مدارکی که به آنان از سال 2017 میفرستم همانند دیگر کشورها.)

دولت سوئد همچنان به جنایت خود علیه یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد ادامه میدهد و دو کودک یک نویسندهٔ مسلمان را به دلیل افشاءگری پدرشان از پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" در اسارت خود نگه داشته است.

سوئدیها عادت دارند که دیگر کشورها را بخاطر دادگاههای فرمایشی، مراجعی که مطیع امر مرکز هستند و دستورات مرکز را در احکام خود اعمال میکنند، ملامت کنند حال که کُل سیستم اداری در سوئد فرمایشی میباشد.

اکنون شما و دنیا در این کتاب مدرک شیادی و ریاکاری سوئدیها را دارید.

عمق ریاکاری سوئد زمانی است که سوئد انگشت نشان خود را به سوی دیگر کشورها در اقصی نقاط جهان گرفته است و آنها را دیکتاتور مینامد، سوئد که ارتش دیگر کشورهای دنیا را ارتشی کودتاچی، پلیس را وحشی، دستگاه قضائی را عروسکهای خیمه شب بازی و ... مینامد، خود بدینگونه عمل میکند.

مؤلفهٔ 4 رسانه ها
تئاتری به نام رسانه!

رسانه های وابسته به "کمک هزینه" چاره ای جز سانسور، کتمان و سرپوشی جنایات ندارند.

سوئد به منظور کنترل، محدود کردن و سرکوب تهدید[90]، آن دو گروه واقعی مخالفین سیاسی و یا هر شهروند دیگری که جرأت ابراز عقیده داشته باشد، ایده ای مبتکرانه ابداء کرده است.
"روزنامه نگاران مستقل، نیازمند کمک هزینه!"

در گذشته، هرخانواری در سوئد که دارای گیرندهٔ رادیو تلویزیون بودند، مبلغی ثابت در هر سه ماه پرداخت میکردند. مردم سوئد مبلغی مشخص را موظف بودند که مستقیماً به حساب رسانه های دولتی پرداخت کنند، تضمینی باشد برای رسانه ها که مستقل، بدور از دسترسی سیاستمداران و نفوذ سیاسی باشند.

بنابراین مطابق با قانون، دراختیار داشتن گیرنده های رادیو تلویزیون بدون پرداخت حق اشتراک، جرم محسوب میشد. شهروندان از طریق پرداخت هزینه ای مشخص به نام هزینهٔ خدمات رادیو (تقریباً 200 کرون در ماه[91]) نیاز مالی رسانه های ملی در سوئد را تأمین میکردند.

علارغم تاحدی خودسانسوری، رسانه ها مستقل تر و صادقتر به مردم بودند، نه وابسته به دولت و آشکارا دست نشاندهٔ امیال دولتی که مایل به دیکتهٔ آن بودند، خلاف آنچه که امروز مشاهده میکنیم. روزنامه نگاران با جرأت بیشتری و بدون ترس از انتقام جویی علیه خود، خانوادهٔشان، کودکانشان و یا رسانه هایی که در آن شاغل بودند، مقالات خود را مینوشتند و انتشار میدادند. رسانه ها و خبرنگاران وابسته به "کمک هزینه (صدقه)" نبودند و بدین ترتیب نیازی به خودسانسوری، سانسور مطلب، کتمان وقایا و یا هر موضوع دیگری که میتوانست خار چشمی برای سیاستمداران و دولتمردان باشد.

تمام این آزادیها با احداث "مؤسسهٔ سرپرستی [92](Förvaltningsstiftelsen)" خاتمه یافت. یکبار دیگر، ریاکاری دیگر، مختص سوئدیها.

مؤسسهٔ سرپرستی در سال 1997 بنا نهاده شد، بنیادی که مالک شرکتهای رسانه ای به مانند؛ شرکت تلویزیون سوئد، شرکت رادیوی سوئد، شرکت رادیوی آموزشی سوئد. دقیقاً همان شرکتهایی که قبل از بنیاد این مؤسسه در اختیار مردم و با هزینهٔ مردم سوئد بطور مستقل در خدمت مردم عمل میکردند.

جالب اینجاست که بدانید (عمق ریاکاری سوئدیها) شرح وظایف این سازمان، مؤسسهٔ سرپرستی، "*حدفاصل* (حائلی) *بین دولت و صدا و سیما برای ارتقاء سطح استقلال این سازمان*!" تشریح شده است!

---

[90]) درخواست و پیگیری حقوق کودکان، حقوق بشر، مردم سالاری، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، برابری و از اینگونه حقوق شهروندی به عنوان تهدید در سوئد تلقی میشود.

[91]) این مبلغ در سال 2018 بوده و پس از آن به فرم دیگری از روی مالیات شهروندان، بلا استثنا، برداشته میشود.

[92]) نزدیکترین ترجمهٔ کلمه به کلمهٔ (Förvaltningsstiftelsen) به نظر من "مؤسسهٔ سرپرستی" است ولی فکر کنم معادل آن به فارسی همان "سازمان صدا و سیما" باشد که از این پس خواهم نوشت.

درسهای بیشتری برای جهانیان وجود دارد که در مورد دروغی به نام ترویج رسانهٔ مستقل در سوئد یاد گرفته شود.

در سوئد به ظاهر سه اداره- مؤسسه برای جلوه دادن تصویر رسانه های مستقل، روزنامه نگاران با وجدان کاری صحیح، رسانه هایی با استقلال مالی و جدای از تأثیرات و نفوذ سیاستمداران وجود دارد. متأسفانه همگی این موارد به مانند تمامی مسائل دیگر در سوئد فقط یک ظاهر فریبنده است.

فراتر از این سه مرجع، یک نهاد نظارتی حقوقی هم وجود دارد، مؤسسه ای که (کارگزارحقوقی دولت) فقط برای حفاظت از قانون اساسی بوجود آمده است. این مؤسسه- کارگزارحقوقی دولت- که تنها وظیفهٔ[93] آن نظارت بر اجرای قوانین اساسی آزادی مطبوعات و آزادی بیان است، تنها مرجع دادرسی در سوئد که موظف است نقض این دو قانون اساسی را به دادگاه ارجاع دهد.

سانسور، کتمان واقعیت، پنهان نمودن واقعیت، سرپوش حقایق، اطلاعات نادرست، اظهارات گمراه کننده، اهداف سیاسی دیکته شده از طریق رسانه ها ... از طریق این ابزار در سوئد ممکن شده است:

- ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون
- شورای اخلاق رسانه ای
- سازمان صدا و سیما
- کارگزار حقوقی دولت

[93]) نیاز به اشاره است که وظایف دیگری از قبیل تعیین مبلغ خسارت جرائمی که دولت نسبت به شهروندان مرتکب میشود در حیطهٔ کار این مؤسسه هم هست ولی این مؤسسه در زبان عامیانه مسئول تخلفات علیه قوانین اساسی، آزادی مطبوعات و آزادی بیان است.

- ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون

ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون شرح وظایف خود را بدینگونه توصیف میکند[94]:

" ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون برای آزادی بیان و تنوع برنامه های رسانه ای تلاش میکند، جائیکه صداهای متفاوت شنیده میشود و بینندگان و شنوندگان دسترسی به طیف وسیع برنامه های رادیو تلویزیون و اخبار داشته باشند."

آنان در مورد مأموریت خود این چنین توضیح میدهند:

"ما پاسخگوی سوألات در مورد رادیو تلویزیون و روزنامه ها هستیم. فعالیت شغلی ما استوار بر چهار محور است،

1) *صدور مجوز و ثبت پخش از رادیو و تلویزیون*
2) *ارزیابی پیروی رسانه ها از قوانین و مقررات*
3) *تقسیم "کمک هزینهٔ رسانه ای" به رسانه ها*
4) *نظارت و تحلیل توسعهٔ رسانه ها*

و ادامه میدهند:

علاوه بر وظایف جاری اداره، مسئول تحقیقاتی هستیم که از سوی دولت به ما مأموریت داده میشود. ما زیرمجموعهٔ وزارت فرهنگ[95] هستیم."

لطفاً به نکتهٔ شمارهٔ سه توجه کنید، ماده ای که به وابستگی روزنامه نگاران صحه میزند؛ "روزنامه نگاران مستقل، نیازمند کمک هزینه!"

حال بشنوید و بیشتر در مورد سوئد تعمق کنید! از صدور مجوز پخش یک برنامهٔ رادیویی به نام "تصویری دیگر" از رادیوی محلی استکهلم جلوگیری شد!؟

ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون همان وزارت ارشاد به سبک سوئدی آن است. یک ادارهٔ ثبت عقاید، یک گرگ عقیدتی مجلل در لباس گوسفند. سازمانی برای تصویهٔ اطلاعاتی که شهروندان حق "دانستن/ندانستن" را انتخاب میکند. فیلتری در راستای اهداف سیاسی.

صدها برنامهٔ رادیویی فارسی زبان در سرتاسر سوئد وجود دارد که هر روز دروغهایی در مورد ایران را به مغز شنوندگان خود تزریق میکنند، اما من که میخواستم در مورد آنچه که در جامعهٔ سوئد میگذرد، آنهم براساس اسناد و مدارک اطلاع رسانی کنم، مجوز پخش برنامه از رادیویی محلی با فرکانس پائین داده نشد، برنامه ای به نام "تصویری دیگر".

بله، برنامهٔ اجتماعی را که من تصمیم به اطلاع رسانی داشتم تصویری دیگر از سوئد نام داشت، تصویری که دولت سوئد مایل نبود شهروندان از آن مطلع شوند. به عبارت دیگر این مؤسسه صدور جواز پخش

---

[94]) https://mprt.se/om-oss/om-verksamheten/

[95]) وزارت فرهنگ و وزیر آن تا پائیز سال 2021 مسئولیت اجرای قوانین حقوق بشر در سوئد را برعهده داشتند.

رسانه ای، اولین مرجعی است که تصمیم میگیرد شهروندان حق دانستن چگونه مطالبی را دارند، اولین فیلتر اطلاع رسانی، خلاف تمامی قوانین آزادی که سوئد سنگ آنرا به سینه میزند.

بیاد داشته باشید که تمامی شهروندان حق اطلاع رسانی را مطابق با قانون آزادی مطبوعات بدون هرگونه مانعی دارند و به همین دلیل است که صدها برنامهٔ رادیویی تلویزیونی به تعداد زبان مهاجرینی که در سوئد زندگی میکنند برعلیه کشور مبدأشان وجود دارد. حال اینجانب بعنوان یک نویسنده، حقی مضاعف تر از تمامی آنان دارم، بدینصورت که رادیو ابزار کار یک نویسنده در قانون اساسی آزادی مطبوعات، تعریف شده است.

حق پخش از رادیو برای یک نویسنده، ابزار ارائهٔ کتاب و صحبت در رابطه با محتوای آن بدینصورت در قانون اساسی آمده است:

- آزادی مطبوعات
  - آرتیکل 1 آزادی مطبوعات
    - پاراگراف 6 *اگر یک نویسنده ... اجازه دهد که محتوای کتاب ... در غالب یک برنامه توزیع شود ... آن برنامه بعنوان ضمیمهٔ نشرکتاب محسوب میشود ...*

آیا فکر میکنید که ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون این مطلب، حقوق نویسندگان، در قانون اساسی را نمیداند؟ آیا نیاز است که بیشتر در مورد ویژگی ساختاری ولی پنهان این ابزار سانسور در اختیار سیاستمداران (دیکتاتور) سوئد شرح دهم؟

آیا لازم است در مورد این ادارهٔ "فرمایشی/روتوش شکل موجه سوئد" که فقط سرمایه های ملی (مالیات) را تخلیه میکند بیشتر بگویم؟

- شورای اخلاق رسانه ای

اینگونه توضیح داده اند:

"*وظایف شورای اخلاق رسانه ای هوشیار ساختن و تقویت قدرت تشخیص کاربران کودک و نوجوان در مقابل ترفندهای رسانه ای و همچنین محافظت آنان در برابر تأثیرات منفی و مضّر برخی رسانه ها.*

این مرجع یک مرکز دانش، طریقهٔ استفاده از رسانه برای کودکان و نوجوانان، و همچنین مرکزی برای سواد رسانه ای که منجر به ارتقاء سطح قدرت تشخیص اطلاعات دریافت شده، برای کودکان و نوجوانان است. در ضمن این وظیفهٔ شورای اخلاق رسانه ای است که محدودیتهای سنی را برای هر فیلمی تعیین کند."

با توجه به این تعریف میتوان متوجه شد که چگونه دولت سوئد اهداف خود را به شهروندان در مورد موضوعی از سنین کودکی القاء میکند.

این نهاد کنترل با مشتی آهنین مسیر اطلاعات را مطابق با اهداف و ایدئولوژی سیاستمداران به کودکان و نوجوانان دیکته میکند. شورای اخلاق رسانه ای[96] مرجع اولی است که بررسی، بازبینی میکند که آیا برنامه هایی که معطوف به کودکان و نوجوانان است، دستورالعمل سیاستمداران را، در پوششی از دستورالعملهای اخلاقی و وجدانی دنبال میکند یا نه.

این نهاد کنترل که وظیفهٔ آن بررسی دستورالعملهای اخلاقی و وجدانی در رابطه با کودکان و نوجوانان است سالیانه مجوز صدها برنامهٔ همجنسگرایی و فیلمهای عمل جنسی که مناسب با هوش و ذکاوت کودکان خُردسال، حتی 5 ساله ها است را صادر میکند. دقیقاً همان برنامه هایی که مختص زوال اخلاقی و وجدانی کودکان است! به بهانهٔ حق دانستن کودکان در مورد آگاهیهای جنسی!

حال خود تصور کنید که این کودکان در سنین نوجوانی، جوانی و بزرگسالی چگونه طرز فکری در مورد همجنسگرایی خواهند داشت!

پس از سالها مجوز و مُهر قانونی اخلاقی و وجدانی صادره از شورای اخلاق رسانه ای به اینگونه برنامه های تصویری، حال هزاران فیلم مستحجن برای کودکان در مهد کودک، مدارس، کتابخانه ها بصورت رایگان، تلویزیون سراسری برنامهٔ کودکان در دسترس کودکان و نوجوانان قرار دارد که همگی با مالیات شهروندان تولید، تکثیر و توضیح میشوند. مؤسسه ای به اسم اخلاق، ابزاری در دست دولت سوئد، که کمر همّت به نابودی اخلاق در جامعهٔ سوئد بسته است.

این نهاد کنترل دولتی، شورای اخلاق رسانه ای، با شرحی نه تنها بیضرر بلکه برای جامعه ضروری، شرحی که بهتر است سایر کشورهای جهان بدون دستبرد و کم و کاستی، کُپی کرده و به خورد شهروندان خود دهند! شرحی بدینصورت:

---

[96]) مدیرکُل 2021، آنت نوواک (Anette Novak)، با تمرکز بر "سواد رسانه ای و اطلاعاتی (MIK)"

مأموریت[97] *"شورای اخلاق رسانه ای، یک مرجع تک شورایی (خوکامه) زیر نظر وزارت فرهنگ*[98] (دولت) *است که برای تقویت قدرت تشخیص، آگاهی رسانه ای، تأثیرات مضّر رسانه ها و محافظت کودکان و نوجوانان فعالیت میکند."*

بدینگونه **عمل و هدایت**[99] میکنیم

"شورای اخلاق رسانه ای تحت امر وزارت فرهنگ است. فعالیت این شورا بر طبق قوانین مجلس و دستورالعمل دولت هدایت میشود و هدف آن دستیابی به اهداف سیاست فرهنگی و همچنین اهداف سیاست رسانه ای است."

نیاز است که بیشتر در مورد مُشت آهنین دولت، توسط شورای اخلاق رسانه ای توضیح بدهم؟ بیاد بیاورید هر چه میدرخشد طلا نیست و سوئد آنی نیست که به نظر میرسد!

---

[97]) برگرفته از سایت این سازمان
https://www.statensmedierad.se/om-statens-medierad/uppdrag-och-organisation

[98]) وزارت فرهنگ و وزیر آن تا پائیز سال 2021 مسئولیت اجرای قوانین حقوق بشر در سوئد را برعهده داشتند.

[99]) برگرفته از سایت این سازمان
https://www.statensmedierad.se/om-statens-medierad/sa-styrs-vi

- سازمان صدا و سیما

ابزار کنترل دولت برای محتوای رسانه ها در برنامه های مختلف، اختصاص بودجه برای تولید فیلم، سریالها، فیلمهای مختص کودکان، فیلمهای مستند ... از طریق "سازمان صدا و سیما[100]" به شرکتهای تولیدکنندهٔ فیلم تقصیم میشود. بودجه ای که دولت، یعنی حزب حاکم، نهاد اجرائی سالیانه تعیین میکند و توسط آن محتوای تولیدات را در کنترل خود دارد. در انظار عمومی، این سازمان صدا و سیما است که بعنوان سرمایه گذار در فیلمها و مستندات انتخاب میکند که چگونه فیلمهایی ساخته شود. بدین معنی که مواردی که اجازهٔ افشاء آن نیست و باید مخفی نگه داشت را غربال میکند.

بودجهٔ سازمان صدا و سیما توسط مالیات به نام "هزینهٔ خدامات تماشاگران و شنوندگان" تأمین میشود. این شکل از مالیات مستقیماً از حقوق شهروندان کسر و به صندوق مالیاتی پرداخت میشود ولی این وظیفهٔ دولت است که هرساله مقداربودجه را تعیین کند. اینکه دولت تعیین کنندهٔ مبلغ است در واقعیّت به این معنی است که؛ مقدار بودجه با توجه به مطیع امر بودن قابل تغییر است.

ولی بخاطر اذهان عمومی اینگونه در صفحهٔ اینترنتی خود توضیح میدهند:

"سازمان صدا و سیما بدلیل تضمین بیطرفی و ارتقاء استقلال رادیو و تلویزیون پایه گذاری شده است که در خدمت مردم باشد. سازمان صدا و سیما مالک تمام سهام و مدیریت پخش برنامه های رادیویی، تلویزیون و رادیوی آموزشی را برعهده دارد و یک حائل بین دولت و برنامه سازان است."

جملهٔ دیگر در پشت این ظاهر مردم فریبانه بدینگونه شرح میدهد:

"سازمان صدا و سیما 13 عضو دارد که به پیشنهاد احزاب سیاسی انتخاب و اعضاء رسماً توسط دولت منصوب میشوند. مجلس در سوئد تأکید میکند که توافق سیاسی در انتخاب این اعضاء بسیار مهم است. رئیس سازمان صدا و سیما برای چهار سال و اعضای آن برای هشت سال منصوب میشوند."

شرکتهای تولید کنندهٔ برنامه برای رسانهٔ ملی، از طریق سازمان صدا و سیما بودجه از دولت دریافت میکنند، بودجه ای که از محل مالیاتها برای این سازمان به اصطلاح مستقل در نظر گرفته شده است، سازمانیکه مجلس این کشور اعضای آنرا انتخاب میکند، مهمی که به خودی خود به معنای مُهر ایدئولوژی حکام، دولت وقت، که باید از طریق این برنامه ها به ملت القاء شود.

این جمله را بیاد بیاورید؛ "حائلی میان حُکام و رسانه ها!"

یک مثال:

مبارزهٔ گِرتا تورن بری[101] برای حفظ محیط زیست سال 2018 شروع شد. در همان مقطع زمانی، در سال 2018، من هم در مورد پروژهٔ کشور سوئد در مورد کودکان مسلمان "هویت زدایی کودکان مسلمان در

---

[100]) رئیس هیئت مدیره، هِلِنا اِستول نِرت (Helena Stålnert)

[101]) گِرتا تون بری (Greta Thunberg) کودکی 14 ساله که هر چهارشنبه بجای مدرسه او را به محوطهٔ مجلس سوئد میبردند، در دست او برای پلاکادری برای حفظ محیط زیست میگذاشتند، فیلم و عکسی از او گرفته میشد و در رسانه های اجتماعی به آگاهی مردم میرسید ...

سوئد[102]" افشاءگری میکردم و کتابی با همین نام یک سال قبل از آن منتشر کرده بودم. قویترین تصویری که من در ملاقات با گِرتا تورن بری دارم روز هشتم دسامبر 2018 است، دههٔ جوایز نوبل در سوئد- استکهلم زمانیکه من در مقابل مجلس سوئد بازرسی بدنی شدم و گِرتا تورن بری فیلم برداری، 10 متر دورتر از من در همان محوطهٔ مجلس در سوئد. البته توضیح دهم که سامرها[103]ی ستم دیده هم تمام تلاششان را برای اطلاع رسانی و دیده شدن در رابطه با معضلات سامرها در همان محیط مجلس داشتند.

تضمین میکنم که نه من، نه سامرها و نه گِرتا با هم تبانی کرده بودیم. من و سامرها چند کلامی رد و بدل کردیم در مورد مبارزهٔمان گپی زدیم، ولی قول میدهم که گِرتا با تیمش نه چشم دیدن مرا با آن شکل و شمایل داشتند نه چشم دیدن سامرها را. در هر صورت.

به عبارتی دیگر، دریایی از امواج روزنامه نگاران که انتخاب کرده بودند (دستور داشتند) که به تبلیغ حفظ محیط زیست دامن بزنند و نه از هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد نامی ببرند و عکسی به یادگاری بگیرند نه از ظلم و ستمی که به سامرها روا میشود، نه از این اقلیت قومی بومی در سوئد عکس و فیلمی گرفته شود. زیراکه سیاستمداران نه علاقه ای به دانستن هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد دارند و نه به ستمی که به سامرها میشود و حقوق پایمال شدهٔ این مردمان اصلی کشور سوئد باید از شهروندان دور نگه داشته شود.

مدرکی واضحتر و حقیقی تر از تحت الامر بودن سازمان صدا و سیمای سوئد وجود ندارد و نخواهد داشت. سه تصویر، سه هدف مختلف، سه حادثهٔ جهانی در یک محوطهٔ پنجاه متری کنار خانهٔ مردم، مجلس سوئد، یعنی مهمترین ساختمان در کل کشور سوئد، خبرنگاران سوئدی مجبور به تهیهٔ گزارشی بودند که دستور آنرا داشتند؛ درواقع دوروئی، و جهانفریبی دیگر به نام محیط زیست.

دولت سوئد در ظاهر امر، توسط یک سازمان به ظاهر مستقل، سازمان صدا و سیما، روند اطلاع رسانی به شهروندان را با مُشتی آهنین، هم از طریق اهرم اقتصادی "تصویب بودجه" و هم طریق اهرم سیاسی "تعین اعضای هیئت مدیره" امیال و سیاستهای دولت پشت پرده را بر شهروندان تحمیل میکند.

تهیه کنندگان، کارگردانان، بازیگران، شرکتهای رسانه ای، روزنامه نگاران ... مدتهاست که به خودسانسوری اعتراف کرده اند. بله، خودسانسوری برای بقاء و ارتقاع شغلی به سیاستمداران این شانس را میدهد که بدون برافراشتن شلاق، سیاستهای از پیش تعیین شده را به شهروندان تحمیل کنند.

مثالی دیگر:
در دههٔ گذشته جهان شاهد همکاری گستردهٔ رسانه های سوئدی در تعقیب، آزار و اذیت دگراندیشان، تهمت و افتراء، هتک حرمت فعالان سیاسی- اجتماعی بوده اند. داستان جولیان آسانژ سال 2010 بر احدی پوشیده نیست. تحت تعقیب، آزار و اذیّت رسانه ای و به شکلی که او را معرفی میکردند، قصاص قبل از جنایت، مطابق با دستور که اسناد آنرا میتوان در آرشیوهای رسانه ها یافت.

---

[102]) www.kimyana.se

[103]) سامرها، مردمان نخستینی که قرنها قبل از ورود وایکینگها در قسمت شمالی کشور سوئد زندگی میکرده اند و زندگی میکنند. این مردم در تقسیم بندی مرزهای به شکل کنونی در چهار کشور فنلاند، روسیه، نروژ و سوئد پراکنده هستند.

در نقطهٔ مقابل، سانسور و سرپوشی گروگانگیری دو کودک خُردسال در سوئد، کیمیّا و کیانا قرار دارد. زندانیان سیاسی کودک مطابق با حکم قضائی که قبلاً در موردش صحبت شد. زندانیان سیاسی کودک در سوئد برای افشاء پدرشان از پروژهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد. زندانیان سیاسی کودک بخاطر افشاء پدرشان از نفرت نهادینه شده علیه اسلام و مسلمانان در ادارات، آزار و اذیّت هدفمند مسلمانان، نسل کُشی مسلمانان از طریق هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد تشریح شده در کتابی به همین نام.

در مورد زندانیان سیاسی کودک در سوئد، تهیه کنندگان، کارگردانان، شرکتهای رسانه ای، خبرنگاران، روزنامه ها ... احدی از بیم آزار و اذیّت کودکان خود، امرار معاش و ترفیع شغلی نزدیک این پرونده هم نشدند، در سکوت کامل خبری از چهاردهم سپتامبر 2016.

دو استاندارد کاملاً متفاوت از هم در سانه های سوئد در برابر دو پرونده که هر دو پرونده در مورد حقوق بشر، آزادی بیان و دموکراسی بود. یکی در حد تحقیقات اولیه و دیگری با عجیب ترین حکم قضائی در دنیا. یکی در مورد جنایات جنگی دولت آمریکا در عراق و دیگری برای افشاء انقراض نسل مسلمانان در سوئد از طریق هویت زدایی کودکان مسلمان که در آن دو کودک، کودکان یک نویسندهٔ مسلمان سوئدی، کیمیّا و کیانا، بدلیل افشاء پدرشان مجازات شدند و به گروگان گرفته شدند.

شکل گیری دو رویداد جهانی در سوئد در مدتی کمتر از ده سال. یکی در مورد جنایت جنگی و دیگری نسل کُشی مسلمانان با حکمی قضائی غیرانسانی تر از جنایت جنگی، یعنی گروگانگیری کودکان نویسنده، زندانیان سیاسی کودک! موضوعی که از چشم رهبران دنیا دور نماند.

چه کسی میتوانست این موضوع را آنهم در کشوری به مانند سوئد تصور کند؟ نه تنها تمام دنیا، بلکه شهروندان سوئدی هم در شوک بودند و از پذیرش واقعیت " زندانیان سیاسی کودک" امتناع می ورزیدند. کودکانی که بخاطر فعالیت سیاسی- اجتماعی پدرشان مجازات میشدند.

سه سال بعد، فرد دیگری مورد غضب دولت سوئد (دگراندیش دست راستی، یک خبرنگار) شاهد این روش به روی فرزندانش شد، زمانیکه سازمان امنیت سوئد از طریق سازمان اجتماعی سه فرزند او را بعنوان اهرم فشار مورد آزار و اذیّت[104] قرار دادند.

دست برقضاء او[105] یکی از آن خبرنگارانی بود که سال 2017 شدیداً علیه نگارشات من جبههٔ مخالف گرفته بود و مرا محترمانه دروغگو می نامید! حال نوبت او شده بود که از طریق ترور کودکان و خانوادهٔ او، او را مجبور به سکوت کنند. او اینگونه در مقاله ای نوشت:

"*سازمان امنیت سوئد ترور کودکان و خانوادهٔ دگراندیشان را بعنوان اهرم فشار در سیستم مبارزه با دگراندیشان قرار داده است و در اولین مرحله، بصورت ناشناس، سازمان اجتماعی را از طریق شکایتی خلاف واقع اطلاع میدهند که کودکان آن فرد دگراندیش از والدین خود تنبیه میشوند.*"

---

[104]) سازمان امنیت سوئد(SÄPO)، فرزندان دگراندیشان (دراینمورد یک خبرنگار، مناظره کننده، نویسنده) را محرمانه و به دروغ به سازمان اجتماعی گزارش میدهد، https://newsvoice.se/2020/12/sapos-massanmalningar-socialtjansten-ivar-arpi/ نوشتهٔ آندرش گوستافسون (Anders Gustafsson) – 27 دسامبر 2020.

[105]) ایوار آگسل آرپی (Ivar Axel Arpi)، مقاله نویس، نویسنده و مناظره گر.

خبرنگار، نویسنده و مناظره کننده، همانطور که در رزومهٔ او آمده است، بدلیل شک و تردید در مورد پروندهٔ کودکان من، نه نوشت و نه مناظره ای را در مورد زندانیان سیاسی کودک ایجاد کرد تا زمانیکه خود هدف آزار و اذیّت سازمان امنیت سوئد قرار گرفت، آنهم بخاطر نافرمانی! یعنی پائینترین شکل سرپیچی.
در سوئد نیاز به عملیات پیچیده نیست تا سیاستمداران بخواهند فردی یا گروهی را با مُشت آهنین سرکوب کنند.

علارغم تمام شهادتها و اسناد بیشماردر مورد گروگانگیری کودکان یک نویسنده در سوئد، کیمیّا و کیانا، خبرنگاران و فعالان رسانه ای از ترس اقداماتی مشابه علیه کودکان خود، جرأت نمی کنند شهروندان را مطلع از واقعیتها در کشور سازند.

مثالی دیگر از سال 2022
خانواده های مسلمان در سوئد شروع به درک واقعیت کرده اند و پی به اهداف پروژه ای که هدفمند در مورد خانواده و کودکان مسلمانان اجراء میشود برده اند. حال مسلمانان در سوئد متوجه شده اند که چرا فرزندانشان بدون هرگونه دلیلی از والدین مسلمان ربوده میشوند و به افراد همجنسباز، خانواده های منزوی سوئدی سپرده میشوند.

به همین جهت مسلمانان بصورت منسجم شروع به اطلاع رسانی گسترده در سطح جهانی از آنچه که بر مسلمانان در سوئد میگذرد کرده اند. رسانه های رسمی عرب زبان، رسانه های رسمی در ترکیه، رسانه های اجتماعی، مراجع دینی عرب زبان، همه و همه شروع به صحبت و نگارش در مورد فلاکت نگونبخت خانواده ها و کودکان مسلمان کرده اند.

در ماه مارس 2022، برخی از این خانواده های نگونبخت مسلمان تصور کردند که زمان حرکت بعدی فرارسیده است، اعتصاب غذا! اعتصاب غذا برای آزادی فرزندان خود! فانتزی اینکه اعتصاب غذا به آنان و کودکان ربوده شدهٔ آنان کمک خواهد کرد!؟ توهم اینکه حس بشردوستی سوئدها بیدار خواهد شد!؟

زهی خیال باطل! اشتباه از ریشه و اساس. محکوم به شکست از روز ازل.

اعتصاب غذا به دگراندیشان در عربستان سعودی، مصر، ترکیه، سومالی، سودان، اریتره ... کمک میکند، زمانیکه غرب آنان را تشویق به آشوب و ترغیب به اعتصاب غذا میکنند. زمانیکه غرب تسهیلات مالی دگراندیشان را تأمین میکند. زمانیکه غرب خبرنگاران خود را علیه کشور مطلوب دگراندیشان بسیج میکند. زمانیکه غرب تبلیغات علیه آن کشورها را تضمین و سازماندهی میکند.

اما در سوئد!؟ در سوئد که رسانه ها ترس از ربوده شدن کودکان خود، محتاج شام شب خود و ترفیع شغلی هستند، اعتصاب غذا معنی ندارد. اعتصاب غذای چند والدین عرب هیچ تأثیری بغیر از خودآزاری ندارد. اعتصاب غذای چند والدین عرب هیچ تأثیری بغیراز محو و بخار شدن در هوا چیز دیگری نیست. آیا شما تا به امروز موضوعی در مورد اعتصاب غذای چندین والدین عرب زبان در سوئد را در کشور خود شنیده اید؟ البته که نه!

امروز 10 آپریل 2022، بیش از یکماه سانسور مطلق رسانه ای در سوئد از اعتصاب غذا توسط گروهی از مسلمانان، والدین کودکان ربوده شده در مرکزیترین نقطهٔ پایتخت سوئد- استکهلم، یعنی پلاتان میگذرد. پلاتان مرکزی است که از اقصی نقاط کشور و استان استکهلم، توسط قطار، مترو، اتوبوس و اتوبوسهای فرودگاه مسافران بین المللی را به استکهلم می آورد. سانسور مطلق در همهٔ موارد و سطوح زیراکه این دولت است که بودجه را تخصیص میدهد، کودکان خبرنگاران را گروگان میگیرد.

بیاد بیاورید که اینها همان رسانه هایی هستند که هیچ موضوع دیگری بغیر از بدبختی و رنج، شورش و درگیریهای سیاسی- اجتماعی، فرهنگی مذهبی از کشورهای دیگر نمینویسند و نشان نمیدهند. رنج و عذاب در تمام دنیا بغیر از غرب مهمترین موضوع رسانه های سوئدی است. راهی برای استعمار ذهنی، استعمار روح و روان شهروندان خودی و سرکوب مخملی خواسته های مردم از دولت سوئد است.

خاطرنشان کنم که این سوئد کوچک با جمعیت ده میلیونی خود، یک یا چند خبرنگار در اقصی و نقاط دنیا دارد که فقط از بدبختی آن ملتها خبر میدهند ... با اینحال خبرنگاران مستقر در سوئد با برنامه های رادیوتلویزیونی متعدد به زبان سوئدی و هر زبان دیگری که سوئد از آن کشور مهاجر پذیرفته است، قادر به خبررسانی در مورد اعتصاب غذای یک تعداد پدرومادرعرب زبان، در مرکزیترین نقطهٔ پایتخت کشوری به مانند سوئد نیستند! آیا جای تعجب نیست؟

اعتصاب غذا در سوئد عملکردی بغیر از خودآزاری ندارد. کشوری که خبرنگاران آن کاملاً واقف بر ربودن کودکانشان توسط دولت سوئد در هنگام عدم مطیع امر بودن هستند، جرأت پخش خبر اعتصاب غذا در سوئد را ندارند.

برخلاف سوئدیها، حتی تفکر ربودن کودکان دگراندیشان در دیگر کشورها منفور است، همان کشورهایی که سوئد مُهر دیکتاتور به آنها زده است!؟

- کارگزار حقوقی دولت

هدف از ایجاد سازمانی به نام سازمان "کارگزار حقوقی دولت"، حفاظت و دفاع از دو قانون اساسی آزادی مطبوعات و آزادی بیان است. دو پایه از چهار پایهٔ تمدنی سوئد. این سازمان موظف به تضمین جریان و دسترسی بدون قید و شرط شهروندان به اطلاعات آزاد در کشور است. دسترسی به اطلاعات بدون آزار و اذیّت، بدون هرگونه تعقیب قضائی، بدون جُرم، بدون سانسور، بدون کتمان، بدون پنهانگری از آنچه یک نویسنده، خبرنگار و یا دگراندیش برای مطلع ساختن دارد.

کلمه به کلمه همانگونه که در صفحهٔ اینترنتی[106] آنان آمده است:
"*کارگزار حقوقی دولت یک ادارهٔ زیر نظر دولت است که از جمله وظائف آن، نظارت بر ادارات، تنظیم دعاوی خسارت علیه دولت و دادستان ویژه در مورد پرونده های آزادی مطبوعات و آزادی بیان است.*"

همانگونه که در قسمت مرجع -> حرکت متقابل؛ شرح داده شد، از پلیس و دادگستری به جرم جعل اسناد، اقامهٔ دعوی دروغین، اظهارات دروغین، شهادت دروغ، تهمت و افتراء، مشارکت در جرم، بازداشت غیرقانونی کودکان ... شکایت کردم. در واقع جرائمی بسیار جدی با حداقل مجازات 2 سال زندان، بدون هیچ نتیجه ای تا به امروز 12 ژوئیهٔ 2022، مطابق با دستور دولت برای عدم پیگرد قانونی.

آنچه که در این زمینه مهم است اینست که کارگزار حقوقی دولت تنها مرجعی است که مأموریت آن از سوی دولت، نظارت بر دعاوی و اجرای صحیح قوانین علیه جرائم مربوط به قوانین اساسی آزادی مطبوعات و آزادی بیان است.

حکم قضائی گروگانگیری که کیمیّا و کیانا را بخاطر نگارش و افشاء پدرشان از پروژه ای علیه مسلمانان در سوئد صادر کرد، ناقض هر دو قانون اساسی آزادی مطبوعات و آزادی بیان بود، بنابراین کارگزار حقوقی دولت بر اساس دستورالعملها موظف به پیگیری دعاوی برای دفاع از این قوانین بوده و موظف به تشکیل پرونده علیه دولت حاکم در سوئد.

و صدالبته که نباید فراموش کرد که این همان دولت است که بودجهٔ این سازمان را تعیین، کارگزار حقوقی دولت را منصوب و عزل میکند. بنابراین نتیجه مشخص است و دنیا هرگز در اینمورد دعوایی مابین کارگزار حقوقی دولت و دولت حاکم در سوئد نخواهد دید یا شنید.

از 27 سپتامبر 2017، کارگزار حقوقی دولت از رسیدگی به پروندهٔ کودکان یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد و دفاع از آنچه که کارگزار حقوقی دولت برای آن تأسیس شده است، یعنی آزادی مطبوعات و آزادی بیان، امتناع ورزیده است. وظیفه ای که طبعاً میبایست منجر به ابطال حکم، پایان دادن به گروگانگیری دولتی و آزادی بدون قید و شرط کیمیّا و کیانا میشد.

---

[106]) https://www.jk.se/

روی دیگر سکهٔ کارگزار حقوقی دولت این واقعیت است که این سازمان موظف برنظارت بر دو قانون اساسی میبایست از سانسور و پنهان کردن اطلاعات از شهروندان جلوگیری کند.

درواقع، این وظیفهٔ کارگزار حقوق دولت است که مدعی آزادی مطبوعات و آزادی بیان در مقابل مؤسسات دولتی، دادگاهها، مقامات و رسانه ها در سوئد باشد ولی همانطور که شهادت میدهید، کارگزار حقوقی دولت با امتناع از پیگیری روند قانونی علیه آن مراجع، خود فعالانه برای سانسور و پنهان کردن اطلاعات از شهروندان ایفای نقش کرده است.

کارگزار حقوق دولت مؤسسهٔ دیگری است که برای ظاهر سازی و آرایش یک نمای قشنگ ولی پوشالی، ابزاری برای ریاکاری و فریفتن جهان است. ابزاری که استانداردهای دوگانهٔ سوئد را زیبا جلوه دهد.

مثال:
این مثال شاهدی بر جملهٔ بالا است که کارگزار حقوقی دولت وظیفه ای بغیر از فریبکاری ندارد و اینکه جریان اطلاعات به شهروندان کاملاً از مرکز، هدفمند و سنجیده هدایت و به شهروندان مخابره میشود.

همکاری فی مابین این چهار مؤسسهٔ کنترل رسانه ها، با وظیفهٔ سانسور، کتمان کردن، سرپوش گذاشتن اطلاعات و حقایق را از شهروندان پنهان کردن در سوئد در این چند جمله خلاصه میشود:
در سوئد صدها، اگر نخواهم بگویم هزاران، برنامهٔ مختلف رادیوتلویزیون به زبانهای دیگر غیر از زبان سوئدی، با هدفگیری کشورهایی که سوئد آنان را دیکتاتور مینامد، وجود دارد ولی زمانیکه من درخواست مجوز برای برنامهٔ "تصویری دیگر" در رادیوی محلی (فرکانس پائین) در استکهلم کردم، از صدور مجوز برای برنامهٔ "تصویری دیگر" امتناع کردند آنهم در همان مرحلهٔ اول توسط ادارهٔ مطبوعات، رادیوتلویزیون.

درخواست مجوز پخش برنامهٔ "تصویری دیگر از سوئد" از رادیوی محلی در استکهلم رد شد!؟

من از عدم صدور مجوز به دادگاه ادارات استکهلم شکایت کردم، سپس به دادگاه تجدیدنظر ادارات و در خاتمه به دیوان عالی ادارات کشور که همه بدون نتیجه بود و صحه بر رد صدور جواز برنامهٔ "تصویری دیگر از سوئد" در رادیوی محلی دراستکهلم زدند!؟

مضاعف بر قانون "رادیو ابزار کار یک نویسنده" که قبلاً تشریح شده، حتی اشاره به این قانون اساسی در دستورالعمل حکومتی هم کمک نکرد!

قانون اساسی – دستورالعمل حکومتی
آرتیکل 11 اجرای عدالت
بررسی قضائی
پاراگراف 14 *"اگر دادگاه تشخیص دهد که مقرراتی با یک ماده در قانون اساسی یا قوانین که دولت وضع میکند داشته باشد، آن مقررات قدرت اجرائی ندارند. همین امر در مورد دستورالعمل اداری که از نقطه نظر موازین اداری در زمان وضع مقررارت نقض شده است نیز صدق میکند.*

تجدید دادرسی مطابق بند اول، توجه ویژه ای باید اتخاذ شود که مجلس نمایندهٔ اصلی مردم است و قانون اساسی بر دیگر قوانین ارجحیت دارد."

حتی کارگزار حقوقی دولت هم نخواستند از حقوق مردم برای حق دانستن حقایق در سوئد دفاع کند، هیچ صحبتی در مورد حق و حقوق قانونی مردم برای "*منع سانسور و منع اقدامات پیشگیرانه*" ذکر شده در قوانین آزادی مطبوعات و آزادی بیان، نمی کنم.

"*منع سانسور و منع اقدامات پیشگیرانه*" در آرتیکل 1 پاراگراف 8 آزادی مطبوعات و همچنین در قانون آزادی بیان در آرتیکل 1 پاراگراف 11 آمده است.

اکنون میتوانید درک کنید که از چه راههایی و به چه دلایلی حق شهروندان سوئد برای اطلاعات آزاد از نظر قانونی بطور کامل محدود شده است بدون اینکه احدی به آن توجه کند. همهٔ شهروندان در سوئد یاد گرفته اند که به این مؤسسات اعتماد کنند. به همین خاطر هیچ شهروندی اعتراض به روند اداری نمیکند و همچنین از ترس عدم اعتبار شهرت جهانی کشورشان شک و تردید و یا تحقیق بیمورد نمیکنند.

با تمام این تفاصیل، کشور سوئد انگشت نشان خود را بطرف تمامی کشورهای دیگر بغیر از غرب دارد مبنی بر اینکه خبرنگاران آنها سانسورمیکنند، سرپوشی میکنند، اینکه خبرنگاران دیگر کشورها ستم دیده و سرخوردهٔ استبداد هستند که از ترسشان جرأت نمی کنند بدانگونه بنویسند که در کشورشان جاری است!

مولفهٔ 5 "عروسکهای خیمه شب بازی به نام قوهٔ قضائی" را با دقت بیشتر بخوانید.

مؤلفهٔ 5 سازمان قضائی

عروسک خیمه شب بازی به نام قوهٔ قضائی

در سوئد کلمه ای است به نام سازمان قضائی متشکل از تمام اجزائیکه در رابطه با قوانین مدنی نقش دارند و فعالیت میکنند.

برای شروع اجازه دهید با مراجع تزئینی عالی قضائی که عملکردشان نمایش یک چهرهٔ جذاب است یاد کنیم. وظیفهٔ این مراجع به درازا کشاندن پرونده هاست تا در پرده ای از ابهام به فراموشی سپرده شوند، سپس زیباسازی با یک تصمیم- حکم نمادین سالها پس از رویداد، همزمان که یکدیگررا برای به ثمررساندن یک پروندهٔ پیچیده و صدالبته با پشتیبانی رسانه ها، تشویق کنند.

مراجع ثانویهٔ تزئینی در سیستم قضائی که در نقش بازرس عالی منصف به جهان معرفی میشوند عبارتند از:

- ناظر حقوق پارلمانی[107]

پاسخگو به سوأل؛ آیا اُرگانهای دولتی از قوانین پیروی میکنند؟

- بازرس علیه تبعیض[108] - زیرنظر وزارت کار
- سازمان برابری[109] - زیر نظر دولت
- مشاور پیشگیری از جرم (در راستای استعمار ذهنی)، زیر نظر وزارات قوهٔ قضائی
- مدافع کودکان[110] - زیر نظر وزارت رفاه و تأمین اجتماعی

دیکتاتورها فقط نیاز دارند که از روی این نمادهای تزئینی آرایشی در سوئد کُپی کنند و در صورت لزوم، جهان را به اینگونه مراجع عالی که پرونده ها را بررسی میکند ارجاع دهند و به مانند سوئد تأکید کنند که این مراجع مستقل و بدون دخالت دولت- سیاستمداران عمل کرده و حکم صادر میکنند. جهان که نمیداند این مراجع فقط تزئینی و عملکردی بغیر از زیبا سازی ظلم و استبداد ندارند.

مراجع اولیهٔ سازمان قضائی، در چهارچوب عدالت به شهروندان و دنیا معرفی میشوند عبارتند از:

- سازمان پلیس
  - دِپارتمان تحقیقات ویژه
- سازمان دادستانی
- سازمان دادگاهها
- سازمان مراقبت از مجرمین، مسئول بازداشتگاهها، زندانها و مراقبت پس از آزادی
- کانون اخلاق وکلا
- کارگزار حقوقی دولت[111]

---

[107]) Riksdagens Ombudsmän (JO)
[108]) Diskriminerings Ombudsmannen (DO)
[109]) Jämställdhets Myndigheten
[110]) Barnombudsmannen
[111]) Justitiekanslern (JK)

- سازمان- مشاور پیشگیری از جُرم[112] (مرجع جنایی)

فعالیتها و مأموریتهای این مراجع قضائی به اختصار در زیر توضیح داده میشود، با تمرکز به آنچه که برای دیکتاتورها مفید در راستای "شکنجهٔ ابریشمی" ابداء سوئدیها میباشد.

[112]) Brottsförebyggande Rådet (BRÅ)

- سازمان پلیس

اولین مرجع تنظیم دادخواست در سوئد سازمان پلیس است. البته در مواردی میتوان مستقیماً در دادگاهها شکایت تنظیم کرد.

در هر صورت این سازمان پلیس است که مسئول تحقیق در پرونده های مشکوک به جرم و یا مواردی که در آن تقلب و کلاهبرداری به چشم میخورد. سازمان پلیس اولین مرجعی است که دولت فعالانه شهروندان را تشویق به مراجعه در وهلهٔ اول میکند. شاید بپرسید چرا!؟

به بیان ملایم، سازمان پلیس اولین مرجعی است که شکایتهای نامناسب را به اشکال مختلف الک میکند. شکایات علیه نیروی انتظامی ثبت نمیشود و یا به عناوین مختلف، معمولاً تهدید، مانع از تکمیل شکایت علیه همکاران خود در کل سازمان قضائی میشوند. این روش کار سازمان پلیس از طریق اسناد و فایل صوتی به اثبات رسیده است.

اما اگر یک شاکی به مانند من که دیگر چیزی برای ازدست دادن ندارد[113] و اصرار به مطالبهٔ حق خود "مطابق با قوانین موجود" میکند، پلیس وارد عمل مقابله به مثل میشود و از طریق تحریف دادخواست در بازنویسی، دادخواست دروغین از شاکی[114]، اضهارات دروغین توسط همکاران پلیس، شهادت دروغین، جعل اسناد ... زندگی شاکی را به تباهی میکشند.

اگر این اقدامات کمکی به سکوت شاکی نکند، مرگ در بازداشتگاه در انتظار او خواهد بود. هرسال ده تا پانزده شهروند در بازداشتگاههای سوئد جان خود را از دست میدهند. بله، درست خواندید. بله، حق دارید شگفت زده شوید از خبر این قتلها در بازداشتگاههای کشور گُل و بُلبُلی به مانند سوئد که در بازداشتگاههای آن هرسایه ده تا پانزده نفر به قتل میرسند و جالبتر اینکه اکثر این دگراندیشان خودکُشی[115] میکنند!

مُدل سوئدی فساد در سازمان قضائی، روابط حسنهٔ اداری و کارمندان، در مواقع لزوم به یکدیگر کمک میکنند حتی در مواقعی که این کمک غیر قانونی از تمامی جوانب قانونی باشد. کارمندان، فرا اداری برای یکدیگر شهادت دروغ میدهند، جعل اسناد میکنند، شریک جرم در جرائم همکاران خود در سازمان قضائی میشوند، حتی در پرونده های قتل عمد در بازداشتگاهها در سوئد.

حال اگر برخلاف همهٔ احتمالات در پنهان نمودن جرمی، فساد دولتی آشکار گردد، حتی قتل در بازداشتگاهها و زندانها ثابت شود، با اینحال در اذهان عمومی به صورت ماهرانه ای محو خواهد شد، شاهکار همدستی رسانه ای و اداری تو گوئی هیچ جرمی و یا قتلی صورت نگرفته است! (یادآور مولفهٔ 4 میشوم "تئاتری به نام رسانه")

---

[113]) فردگرایی در غرب، مادیات در زندگی را ارزشمند میداند زیراکه مرگ پایان هستی است. بنابراین سوئدیها درک نمیکنند که یک فرد- پدر، بدون فرزندانش دیگر میلی به زندگی ندارد. سوئدیها از درک عشق (معنویات) ناتوان هستند.

[114]) یک مِتُد بسیار رایج در میان سیستم قضائی برای کارمندان سازمان قضائی اینست که در مقابل فرد شاکی دادخواست جعلی "خشونت علیه یک کارمند" تنظیم کنند.

[115]) من شخصاً مدتی در سوئد بازداشت بودم. به وجدان و شرف خود گواهی میدهم که خودکُشی در بازداشتگاه سوئد مطلقاً غیرممکن است، مگر اینکه برای مُردن کمک دریافت کنید!

سیاه نمایی شهروندان توسط سازمان دادستانها و سازمان دادگاهها کامل میشود، چونکه دیر یا زود خود این مراجع دچار مشکلاتی خواهند شد که گرهٔ آن توسط سازمان پلیس باز میشود و بدینگونه این چرخهٔ فساد به ضرر شهروندان و کُل کشور ادامه دارد بدون اینکه جهانیان پی به چهرهٔ واقعی سوئد ببرند.

البته مهمتر از جهانیان خود شهروندان سوئد هستند که مجبورند با این چرخهٔ ظلم زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند! حداقل در این 34 سال که من در سوئد زندگی میکنم و از نزدیک شاهد جنایات در حوزهٔ سازمان قضائی بوده ام. شهروندان به معنی واقعی کلمه هراسناک از دولت و این سیستم اداری مخوف سوئد هستند. هیچ احدی جرأت مقاومت و ایستادگی در مقابل این سیستم را ندارد و اگر فردی به مانند من که دیگر مقوله ای بنام باختن ندارد و در مقابل این سیستم ایستادگی میکند، شانسی برای سیستم میشود که قدرتنمایی کنند، تا فرد دیگری جرأت مقاومت به خود ندهد. سیستم آن فرد را خُرد خواهد کرد. (یادآور انتقام مالی و درمانی در مولفهٔ 2 میشوم.)

مثال در مولفهٔ 4، سازمان صدا و سیما را یادآوری میکنم:
دست برقضاء او یکی از آن خبرنگارانی[116] بود که سال 2017 شدیداً علیه نگارشات من جبههٔ مخالف گرفته بود و مرا محترمانه دروغگو می نامید! حال نوبت او شده بود که از طریق ترور کودکان و خانوادهٔ او، او را مجبور به سکوت کنند. او اینگونه در مقاله ای نوشت:
"*سازمان امنیت سوئد ترور کودکان و خانوادهٔ دگراندیشان را بعنوان اهرم فشار در سیستم مبارزه با دگراندیشان قرار داده است و در اولین مرحله، بصورت ناشناس، سازمان اجتماعی را از طریق شکایتی خلاف واقع اطلاع میدهند که کودکان آن فرد دگراندیش از والدین خود تنبیه میشوند.*"

سازمان پلیس با تخریب، تهدید ... مجبور به سکوت شاکیان میکند و دادخواست به حق علیه همکاران سازمان قضائی را در مرحلهٔ تحقیق غربال میکند.

[116]) سازمان امنیت سوئد(SÄPO)، فرزندان دگراندیشان (دراینمورد یک خبرنگار، مناظره کننده، نویسنده) را محرمانه و به دروغ به سازمان اجتماعی گزارش میدهد، https://newsvoice.se/2020/12/sapos-massanmalningar-socialtjansten-ivar-arpi/ نوشتهٔ آندِرش گوستافسون (Anders Gustafsson) – 27 دسامبر 2020.

- **دِپارتمان تحقیقات ویژه**

یک سازمان خنده دار مسخره به معنای واقعی کلمه، که صرفاً و صرفاً برای تقلب، ریاکاری و جهانفریبی خلق شده است.

برگرفته از وب سایت[117] آنها:

❖ رئیس دِپارتمان تحقیقات ویژه (SU) توسط دولت منصوب میشود و هرسال موظف است که فعالیتهای خود را به دولت ارائه (گزارش) دهد.

دِپارتمان تحقیقات ویژه به پروندههای شکایت از افراد این مراجع رسیدگی میکند.

- *کارمندان پلیس و پیمانکاران (به مانند نگهبانان بازداشتگاهها).*
- *کارمندان پلیس امنیت.*
- *دانش آموزان دانشگاه پلیس.*
- *قاضی و دادستانها.*
- *نمایندگان مجلس، وزراء و نخست وزیر.*
- *ناظر حقوق پارلمانی، کارگزار حقوقی دولت، رئیس مجلس.*
- *رئیس بانک مرکزی، اعضای هیئت اجرائی بانک مرکزی، هیئت مدیرهٔ بان مرکزی.*
- *هیئت بررسی انتخابات و هیئت تجدید نظر مجلس.*
- *کارمندان گمرک که مسئول تحقیقات میدانی هستند، گارد ساحلی، سازمان مالیات سوئد، ادارهٔ جرائم اقتصادی و نیروهای مسلح (دژبان).*
- *اعضای خانوادهٔ سلطنتی[118].*

فرقی نمیکند که ماهئیت جرم چه باشد. در مورد اکثر مدیران اجرائی نیز فرقی نمیکند که جرم در حین انجام وظیفه بوده یا در اوقات فراغت آنها. تحقیقات در هر صورت توسط دِپارتمان تحقیقات ویژه انجام میشود.

مطابق همیشه یک ریاکاری، یک دروغ دیگر سوئدی که به چشم جهان خوش بنشیند.

من با مدارک موثق و در برخی موارد با استفاده از تحقیقات دولت، از برخی از مجرمین، کارمندان نامبرده در مراجع 1، 3، 4، 5، 6 دادخواست تنظیم کردم که همگی بلااستثناء و بلافاصله مختومه اعلام شد!

---

[117]) www.polisen.se/om-polisen/sarskilda-utredningar/

[118]) این فقط پادشاه سوئد است که از تمامی جرمها مبراء است، حتی قتل.

- سازمان دادگستری

سازمان دادستانی اولین مرجعی است که وظیفهٔ آن تشخیص این موضوع که آیا عمل انجام شده در منافات با قانون است یا خیر. در صورت وجود علائم ارتکاب به جُرم، این وظیفهٔ دادستان است که تصمیم به پیگرد قانونی را صادر کند و بنابر دلایلی آن فرد مشکوک به جرم بازداشت شود یا خیر. این همچنین وظیفهٔ دادستان است که تنظیم دادخواست کند (اقامهٔ دعوی) و به دادگاه ارجاع دهد.

سازمان دادستانی (مدعی العموم حتی اگر شاکی وجود نداشته باشد) اولین مرحلهٔ تصمیم گیری است که با توجه به تحقیقات پلیس تصمیم میگیرد که آیا اقامهٔ دعوی کند یا نه. این دقیقاً همان قدرتی است که در مرحلهٔ اول تصمیم گیری، بسیاری از جرائمی را که همکاران در سازمان قضائی انجام داده اند را بدون دردسر و رسانه ای شدن مختومه اعلام کند، حتی جنایاتی که در آن جرم محرز است.

بعنوان نمونه میتوان به دادخواستی با مضمون "شکنجهٔ کودکان[119]" اشاره کرد آنهم در کشوری که هر فرد ناشناس موظف است که جرائم، علی الخصوص جرائم علیه کودکان را به آگاهی مسئولان برساند. شکنجهٔ کودکان جنایتی بسیار جدی و منفور، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، مجازات[120] و جنگ روانی علیه دو کودک، مجازات کودکانی که بدلیل دیدگاه سیاسی و نگارشات پدرشان که در سوئد منتشر[121] شده بود بدینگونه شکنجه و تنبیه میشوند.

طنز این دادخواست مختومه، در اینست که شاکی از تحقیقات پلیس که برعلیه همان شاکی تنظیم شده بود، بعنوان مدرک جرم در اثبات شکنجهٔ روحی کودکان خود استفاده کرده بود.

یکچنین شکایت بسیار جدی، چه در سطح ملی و چه در سطح بین الملل که شکنجهٔ کودکان یک نویسنده است بدون هرگونه دلیلی مختومه اعلام شد! کودکانی که روزانه در این جنگ روانی مورد شکنجه قرار میگیرند تا پدرشان (یک نویسندهٔ مسلمان) دست از نگارش بردارد. کودکانی که بخاطر عقاید سیاسی- اجتماعی و انتشار کتاب توسط پدرشان اینگونه مجازات و تحت شکنجهٔ روحی قرار دارند.

حتی شکنجهٔ کودکان یک نویسنده در سوئد باعث نشد که دادستانی، یک مرجع مدعی العموم، مطابق با قانون که موظف به اقامهٔ دعوی است، دادخواستی تنظیم و به دادگاه ارسال دارد! این یک وظیفه برای دادستانهای کُل دنیا است که در مورد یکچنین جرمی شنیع، منفور در اذهان بشریت، دادستانی شکایتی به دادگاه ارجاع دهد بدون درنظرگرفتن عواقب آن. حال در سوئد برای خاموش کردن آن نویسنده، دادستانی در سوئد بجای بررسی شکنجهٔ کودکان یک نویسنده از همان نویسنده دادخواستی با مفاد زیر تنظیم و به دادگاه ارسال داشت!

---

[119]) پروندهٔ پلیس شمارهٔ (20 – 01 82 K121 – 5000) شرح حال مفصلی از شکنجهٔ کیمیّا و کیانا در سوئد است.

[120]) قاضی دانیل اریکسون، دادگاه سودرتورن- استکهلم، پروندهٔ شماره (17 – 11352 MUFT) به تاریخ 27 سپتامبر 2017:
"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتمائی) ..."

[121]) کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد"

دادستان ارشد، رونک روبه، پروندهٔ شماره آم 141117-20:
"*اینکه بدلیل شرایط خاص (*هرگز ذکر نشد چه شرایطی! حتی در صحن دادگاه*) این خطر وجود دارد (*هرگز ذکر نشد چه خطراتی!*) که عیسی موسوی می آید (*آینده! هرگز ذکر نشد چه زمانی در آینده!*) مرتکب جرم (*هرگز ذکر نشد چه جرائمی!*) در مقابل، تعقیب و یا به اشکال دیگری (*هرگز ذکر نشد به چه اشکالی!*) اذیّت و آزار افراد محافظت شده (*هرگز مشخص نشد برای چه موضوعی دختران من محافظت شده هستند[122]!؟*) محرمانه افراد آ، ب، س*"

به نظر شما آیا عربستان سعودی جرأت دارد اینگونه مجهول در تمامی موارد یک دادخواست از نویسندگان خود شکایت کند؟

[122]) پروندهٔ شمارهٔ (17 – MUFT 11352) را یادآوری میکنم که بخاطر نگارش کتاب در سوئد اجازهٔ دیدن دخترانم را ندارم. تنها جرم من نگارش کتاب است که دخترانم به جای من تنبیه میشوند.

دادخواست تنظیم شده توسط دادستان ارشد رونک روبه علیه یک نویسنده در سوئد، بدون سانسور!

ÅKLAGARMYNDIGHETEN
Åklagarområde Stockholm
Södertörts åklagarkammare i Stockholm
Kammaråklagare Ronak Råbe

2021-11-17

Sida 1 (2)
Handling 79
Ärende AM-141117-20
Handläggare 105-11

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT
Avdelning 3
INKOM: 2021-11-18
MÅLNR: B 16800-20
AKTBIL: 17
B16804-20

Överlämnandeskrift avseende ärende om förlängning av kontaktförbud

Isa Musavi har begärt prövning av åklagarens beslut (tre beslut) meddelade den 9 november 2021 i tre ärenden av kontaktförbud, se mail daterad den 15 november 2021.

Polisens diarienummer är *A615.182/2021, A626.721/202 och A626.742/2021.*

Bakgrund

Ansökan om kontaktförbud inkom till Åklagarmyndigheten den 26 oktober 2021 avseende Sekretess A. Den 1 november 2021 sökte Sekretess A också om kontaktförbud för Sekretess B:s och C:s räkning. Samtliga ansökningar bifogas. **Observera att samtliga sökandena har sekretessmarkeringar i folkbokföringsregistret.**

Det framgår av polisens handlingar att Isa Musavi inte har del vårdnaden av de gemensamma barnen Sekretess B och C. ***Se ansökan från Sekretess A.***

Det har hållits förhör med sökandena och med förbudspersonen Isa Musavi. Isa Musavi hörsammade inte polisens kallelser och fick hämtas in till förhör av polis. Där efter ville han till en början spela in sitt eget förhör vilket nekades honom av polis och åklagare. ***Förhöret med Isa Musavi bifogas.***

Samtliga skyddspersoner uppger att de är rädda för Isa Musavi. ***Bifogas***.

Skäl för besluten är

- Att det på grund av särskilda omständigheter finns risk för att Isa Musavi kommer att begå brott mot, förfölja eller på annat sätt trakassera skyddspersonerna Sekretess A, B och C.

Vilka vad
Vilka ???
Framtid ???
Skyddad för vad?

Mänskliga rättigheter
FN Artikel 11
EU 48.1
EKMR 6.2
Regeringsformen 2:23

Postadress Box 1194 141 24 HUDDINGE
Gatuadress Björnkullavägen 7
Telefon 010-562 50 00
Telefax 010-562 57 99
E-post registrator.eksoderort-stockholm@aklagare.se
Webbadress www.aklagare.se

همانطور که خوانندگان میتوانند تأئید کنند، دادستان ارشد، رونک روبه، از من بخاطر جرائمی به شرح زیر دادخواستی تنظیم کرده بود:

- شرایط خاص !؟ کدام!؟

- خطر وجود دارد	!؟	چه خطری!؟
- می آید که	!؟	در آینده!؟
- مرتکب جرم شود	!؟	چه جرمی!؟
- یا از روشهای دیگر	!؟	کدام روش!؟
- افراد محافظت شده	!؟	محافظت شده برای!؟

محافظت برای چه جرمی؟ زمانیکه مطابق با حکم قضائی (MUFT 11352 – 17)، فقط و فقط نگارشات یک نویسنده جرم خوانده شده است، دلیل عدم اجازهٔ ملاقات یک نویسنده با فرزندان خود نام برده است!

یادداشت روی سند صحبت از "قانون برائت" دارد. به این معنی که شهروندان تا زمانیکه جرمشان ثابت نشود بیگناه محصوب میشوند، حتی اگر در حین ارتکاب جرم دستگیر شده باشند. ولی شما در اینجا شاهد هستید که نه تنها از هیچگونه جرمی نامی برده نمیشود بلکه صحبت از جرائم مجهول در شرایطی مجهول و بدتر از آن در آینده ای مجهول است! هیچ جرمی وجود ندارد تا بیگناهیی ثابت شود. بله، اینگونه است برای نویسندگان، دگراندیشان مسلمان در سوئد.

در واقع عدم توجه به قوانین ملی، عدم تعهد به قوانین اتحادیهٔ اروپا و بین المللی نمایانگر (افشاء کنندهٔ) این واقعیت که دادستان ارشد رونک روبه و کلاً سازمان دادستانی در سوئد بدلیل نفرت ذاتی خود از اسلام و مسلمانان اینگونه کلیشه ای از مردان مسلمان شکایت میکنند تا آنان را به سکوت در مورد ربودن کودکانشان مجبور سازند و دنیا هرگز سوأل نخواهد کرد چگونگی امر را!

آیا احدی در جهان وجود دارد که دچار حیرت نشده باشد؟ آنهم در مورد کشوری به مانند سوئد؟ آیا احدی در جهان میتوانست یک چنین روند قانونی در سوئد را تصور کند؟ آیا عربستان سعودی میتواند، یا جرأتش را دارد، که اینگونه با نویسندگان خود عمل کند؟

حتی با وجود یکچنین اسنادی، بدون هرگونه سانسور تا جهانیان بتوانند خود در اینمورد تحقیق کنند، باور آن آنهم از کشوری به مانند سوئد برای بسیاری از مردمان این کُرهٔ خاکی دشوار است[123]! همهٔ این موارد به ظاهر قانونی، با نمایی درخشان به مانند طلای خالص، ولی کِرم خورده و پوسیده در تار و پود آن، موضوعی است که من آنرا "شکنجهٔ ابریشمی در سوئد" میخوانم.

این ساده لوحانه است که باور کنید آنچه را که در این کتاب شاهد آن هستید، به هر نحوی منحصر به فرد باشد. این یک رویهٔ عادی علیه دگراندیشان در سوئد است که من قسمت به قسمت شرح میدهم و با وجدان و شرافتم گواهی میکنم.

در این پروندهٔ خاص و توجهٔ جهانیان به گروگانگیری کیمیّا و کیانا، دو کودک زندانی سیاسی در سوئد، قاضی چاره ای بجز رد این دادخواست بی شک دروغین نداشت، ولی دریک حکم قضائی، سیاه نمائیی دیگر دقیقاً به همین شکل در دادگاه سودرتورن، استکهلم- سوئد در سال 2019 دقیقاً با همین جرائم محکوم

[123]) خودتان فکر کنید، که چه مقدار از آمار سوابق کیفری در سوئد قابل اعتماد است!؟

شده بودم! بله، با همین جرائم مجهول با شرایطی مجهول در آینده ای مجهول. حکم قضائی را در قسمت دادگاهها و همچنین در قسمت اسناد در انتهای این کتاب در نسخهٔ اصلی میتوانید مطالعه کنید.

پس از اتمام آخرین دادگاه در نوامبر 2021 به سود من، از دادستان ارشد رونک روبه، به جرم شراکت در جرم شکنجهٔ دخترانم، کودکان یک نویسنده، شراکت در گروگانگیری دخترانم بخاطر انتشار کتاب در سوئد، تنظیم دادخواست بی شک دروغین، سعی در جعل جرم علیه یک نویسنده ... دادخواستی تنظیم کردم که در همان مرحلهٔ اول توسط پلیس تحریف شد و یک دادستان ارشد (احتمالاً همکار رونک روبه) مفاد تحریف شدهٔ دادخواست را به راحتی مختومه اعلام کرد.

مُدل سوئدی فریبکاری جهانیان بدینگونه است که یک شاکی اجازه دارد تقاضا کند که تصمیم یک دادستان را برای تجدیدنظر به مراجع بالاتر ارجاع دهند، ولی هزاران هزار پرونده سالیانه وجود دارد که تجدیدنظر هیچگونه تأثیری در روند یک پروندهٔ مختومه نخواهد داشت، چونکه تجدید نظری وجود ندارد، ولی در چشم جهانیان این موضوع مهم است که یک دادخواست میتواند در چندین مرحله بازنگری شود که احتمالاً در بسیاری از کشورها اینگونه نیست.

ولی احدی در دنیا نمیداند که یک مسلمان در سوئد برای جرائمی مجهول در آینده ای مجهول توسط دادگاهها در سوئد مجرم شناخته میشود. در نقطهٔ مقابل همان مسلمان بدون هیچگونه مجهولی و با ارائهٔ اسناد که جرائم مرتکب شده را به اثبات میرساند نمیتواند، اجازه ندارد، مدعی حق خود در سیستم قضائی سوئد شود.

دولت سوئد به همین روش شکایت از دولت را در مورد شکنجهٔ کودکان یک نویسندهٔ مسلمان سوئدی، با تمامی مدارک آن، مختومه اعلام کرد و تمامی مراحل تجدید نظر هم طی شد بدون هرگونه تغییری برای سلامت کیمیّا و کیانا. تنظیم دادخواست علیه شکنجهٔ کیمیّا و کیانا، استوار بر تحقیقات پلیس بود، یعنی یک مرجع قانونی از سازمان قضائی در سوئد و درصحت آن دادخواست نباید هیچ شکی داشت، مگر ...

... مگر آنکه آن تحقیقات برپایهٔ جعل اسناد بر علیه یک نویسنده، یک فعال سیاسی- اجتماعی، یک دگراندیش تنظیم شده باشد که در آنصورت فاقد هرگونه ارزش قضائی و رسوائی کشور خوشنامی به مانند سوئد.

بله، شما میتوانید بارها از تصمیم ناراضی باشید و شکایت خود را به مقام بالاتر ارجاع دهید که آنها هم بطور خودکار به مانند یک ماشین، تصمیم قبلی را تأئید خواهند کرد همانگونه که در پروندهٔ "شکنجهٔ کودکان یک نویسنده" به اثبات رسید.

تنها زمانیکه تصمیم یک دادستان[124] (21 آگوست 2010) توسط دادستانی دیگر تغییر کرد (1 سپتامبر 2010) در رابطه با پروندهٔ جولیان اسانژ[125] بود که در آن به دادستان ماریانه نی دستور داده شد که پرونده را به جریان بأندازد، زمانیکه سیستم کاملاً آگاه از فقدان هرگونه مدارکی[126] علیه جولیان آسانژ بود. مابقی تعقیب قضائی جولیان آسانژ تئاتری بیش نبود، فریبکاری جهانی که سوئد استاد آن است. سرنوشت جولیان آسانژ، تعقیب و آزار او، یک افشاءگر جرائم جنگی، توسط سوئدیها بر جهانیان پوشیده نیست.

موضوعی را که دنیا نمیداند، شکنجهٔ دو کودک به نامهای کیمیّا موسوی و کیانا موسوی است که بخاطر نگارش پدرشان مجازات میشوند، جنگ روانی علیه پدر آندو کودک تا دیگر در مورد تنفر نهادینه شدهٔ سوئدیها علیه اسلام و مسلمانان ننویسد. از سال 2016 پس از همهٔ افشاءگریها در مورد نفرت نهادینه شده در ادارات سوئد علیه اسلام و مسلمانان، تلاش برای عدالت توسط پلیس، دادستانی و دادگاهها بصورت سیستماتیک نیست و نابود میشود.

حتی کارگزار حقوقی دولت[127] که تنها وظیفهٔ اولیهٔ آن دفاع از قانون آزادی مطبوعات و آزادی بیان است و تنها نهاد ویژهٔ مدعی العموم در اینگونه پرونده ها است، از تنظیم دادخواست علیه مقامات مجرم خودداری کرده است و همانگونه که در سایت کارگزار حقوقی دولت آمده است، آنها دستورات خود را مستقیماً از دولت دریافت میکنند و وزیر قوهٔ قضائی مستقیماً تصمیم میگیرد کدام پرونده ها اجازهٔ تنظیم دادخواست را دارند. برای پروندهٔ جولیان آسانژ این اجازه داده شد ولی برای شکنجهٔ دو کودک در مورد کتاب هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد این اجازه صادر نشد.

سازمان دادستانی، یک مرجع قانونی تصمیم ... شکایات علیه همکاران سازمان قضائی را در مرحلهٔ اول تصمیم گیری غربال میکند.

به نظر شما آیا عربستان سعودی جرأت دارد که اینچنین علیه نویسندگان خود، دگراندیشان پرونده سازی کند؟

---

[124]) دادستان ارشد اِوا فینه (Eva Finné) دستور لغو بازداشت جولیان اسانژ را به تاریخ 21 آگوست 2010 (25 آگوست 2010) صادر کرد.

[125]) دلیل واقعی آزار و اذیّت و شکنجهٔ جولیان اسانژ بدینصورت، افشای جنایات جنگی آمریکا در عراق بود. نمایشی با اجرای بدون نقص توسط دختران مو طلایی سوئدی و دولت سوئد.

[126]) دلیل اصلی تعقیب و آزار جولیان آسانژ از طرف سوئدیها بخاطر افشاء او در مورد رئیس مجلس سوئد بود که در آن همکاری نزدیک أوربان آهلین رئیس مجلس سوئد با آمریکائیها در سایت ویکی لیکس برملا شده بود.

[127]) در سایت https://www.jk.se/ توضیح داده شده است که "*کارگزار حقوقی دولت یک ادارهٔ زیر نظر دولت است که از جمله وظائف آن، نظارت بر ادارات، تنظیم دعاوی خسارت علیه دولت و دادستان ویژه در مورد پرونده های آزادی مطبوعات و آزادی بیان است.*"

- سازمان دادگاهها

در حوزهٔ دادگاهها، انتخاب قضات[128] در تمامی سطوح، دادگاههای مدنی و دادگاههای اداری[129]، همگی توسط وزیر قوهٔ قضائی که خود سیاستمدار و عضو یکی از احزاب است، شخصاً قضات را انتخاب، تأئید و به کار میگمارد.

غربالگری قضات دقیقاً به شکل غربالگری سیاستمداران در یک فاصلهٔ زمانی طولانی مدت صورت میگیرد. قضات سالها بعنوان قاضی غیر رسمی در مراحل مختلف یک دادگاه مشغول به کار میشوند تا زمانیکه وزیر قوهٔ قضائی (سیاستمدار وابسته به حزب) تک تک افراد را در سطح کُل کشور تأئید کند و منصوب به کار با عنوان رسمی " قاضی".

سپس قضات توسط وزیر کشور (سیاستمدار وابسته به حزب) کنترل میشوند و چگونگی صدور حکم علیه دگراندیشان[130] و حتی دیگر کشورها به قضات دیکته میشود. بدینگونه قضات طی سالهای متمادی وفاداری خود را به سیاستمداران ثابت میکنند، خود را مقید به سیاستهای اجرائی دولتها میدانند و از پلکان ترقی بالا میروند. فقط در اینصورت است که صلاحتیشان توسط وزیر کشور[131] به وزیر قوهٔ قضائی ابلاغ و صدور جواز رسمی قضات مورد نظر اعلام میشود. سلسله مراتب به همینگونه طی میشود.

یک قاضی در واقع موظف به ثمر رساندن اهداف سیاسی هیئت حاکمه (دولت) برای آیندهٔ کشور میباشد تا آن سیاستها از طریق قوهٔ قضائی تثبیت گردد، البته به روش عوام فریبانه ای که تا به اینجا در کتاب مطالعه کرده اید. روشی عوام فریبانه که در آن به ظاهر تمامی مراحل قانونی طی شده است.

قاضی مالین ویکتور، دادگاه سودرتورن- استکهلم، پروندهٔ شمارهٔ اَ 6385-19، سال 2019
حکم قضائی توسط قاضی مالین ویکتور علیه یک نویسنده، بدون سانسور که در آن به صراحت قید شده است که حتی نیازی به ارتکاب جرم برای تأئید تصمیم دادستان درمنع دیدار کودکان، در سیستم قضائی سوئد وجود ندارد!

به نظر شما آیا عربستان سعودی جرأت دارد که یک چنین حکمی علیه نویسندگان خود صادر کند؟

---

[128]) در سوئد 80 دادگاه وجود دارد که وظایف آنان تصمیم گیری در پروندههای کیفری، و بررسی جرم است.

[129]) رسیدگی به شکایات علیه ادارات (اختلافات بین افراد خصوصی و اداری) و همچنین پرونده های ادارهٔ مهاجرت را بررسی میکند.

[130]) اعم از فعالان امور سیاسی، فعالان حقوق کودکان، فعالان حقوق بشر ... عموماً افرادی که به رفاه شهروندان و سربلندی کشور اهمیّت می نهند.

[131]) گاهی اوقات هیئت حاکم تصمیم میگیرد که وزارت کشور نیز زیر نظر وزیر قوهٔقضائی اداره شود. در حال حاضر مورگان یوهانسون (Morgan Johansson) وزیر هر دو سازمان میباشد.

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT **PROTOKOLL** Sid 5
2019-05-14 Ä 6385-19

tillräckligt, förbudet utvidgas till att avse förbud att uppehålla sig i närheten av en annan persons bostad eller arbetsplats eller annat ställe där den personen brukar vistas (utvidgat kontaktförbud).

FN Artikel 11 Regeringsform
EKMR Artikel 6.2 Artikel 2:23
EU Artikel 48.1

Kolla

Det finns inget krav på att förbudspersonen innan ett kontaktförbud beslutas ska ha begått brott mot skyddspersonen eller någon annan person. Det krävs dock att det är fråga om en klar och konkret risk för brott, förföljelse eller allvarliga trakasserier med hänsyn till förhållandena i det enskilda fallet (se NJA 2007 s. 272).

Åklagaren har som skäl för besluten om utvidgat kontaktförbud anfört att det på grund av särskilda omständigheter finns risk för att Isa Musavi kommer att begå brott mot, förföljа eller på annat sätt allvarligt trakassera skyddspersonerna. Det kan antas att ett ordinärt kontaktförbud inte är tillräckligt. Skälen för ett förbud uppväger det intrång eller men i övrigt som förbudet innebär för förbudspersonen.

Villka? ? I framtiden?

Av utredningen har det framkommit att Marjan Esfahanizadehsakhilangrodi, Kiyana Musavi och Kimiya Musavi bor på skyddat boende. Marjan Esfahanizadehsakhilangrodi har efter en dom år 2017 ensam vårdnad om Kiyana Musavi och Kimiya Musavi och barnen har enligt domen inte någon umgängesrätt med Isa Musavi. Det har även framkommit att Isa Musavi på sociala medier lämnat ut information om familjen. Isa Musavi har även vistats runt Kiyana Musavis och Kimiya Musavis skola och försökt få kontakt med dem genom skolpersonal och andra barn. Enligt tingsrättens mening har det i ärendet inte framkommit sådana omständigheter som medför att det finns skäl för tingsrätten att vid den riskbedömning som ska göras i fråga om kontaktförbudet ska upphävas eller inte göra en annan bedömning än den åklagaren har gjort. Det kan även antas att ett ordinärt kontaktförbud inte är tillräckligt.

Lögn Mened Brottsfabricering

Tingsrätten finner vidare att skälen för ett förbud står i proportion till det intrång eller men som förbudet innebär för den mot vilken förbudet avses gälla.

Isa Musavis begäran om att kontaktförbuden ska upphävas lämnas därför utan bifall.

یادداشت روی سند صحبت از "قانون برائت" دارد. به این معنی که شهروندان تا زمانیکه جرمشان ثابت نشود بیگناه محصوب میشوند، حتی اگر در حین ارتکاب جرم دستگیر شده باشند. ولی شما در اینجا شاهد هستید که نه تنها از هیچگونه جرمی نامی برده نمیشود بلکه به صراحت قید شده است که حتی نیازی به ارتکاب جرم برای تأئید تصمیم دادستان درمنع دیدار کودکان، در سیستم قضائی سوئد وجود ندارد! هیچ جرمی وجود ندارد، کلاً نیاز نیست شما مجرم باشید!؟ بله، اینگونه است برای نویسندگان مسلمان در سوئد.

جالبتر از این حکم واقعیت این امر است که حکم بر اساس دادخواستی به مانند دادخواست صفحهٔ 66 صادر شده است!

آیا احدی در جهان وجود دارد که دچار حیرت نشده باشد؟ آنهم در مورد کشوری به مانند سوئد؟ آیا احدی در جهان میتوانست یک چنین روند قانونی در سوئد را تصور کند؟ آیا عربستان سعودی میتواند، یا جرأتش را دارد، که اینگونه با نویسندگان خود عمل کند؟

طنز این قسمت در اینست که دولت سوئد به دادگاه سودرتورن یک وجههٔ جهانی بخشیده است. بدین معنی که سوئد قضات دادگاه سودرتورن را بعنوان مشاور متخصص در حوضه های گوناگون قضائی به دیگر کشورها برای تربیت قضات آنان میفرستد! فرستادن قضات، متخصصین قضائی از دادگاه سودرتورن بعنوان مشاور به آخرین کشوری که من میدانم، 2021، به کشور *ارمنستان* بود!

طنز اسفناک دیگر اینست که دولت سوئد از دادگاه سودرتورن بعنوان مرجع متخصص در مورد ابزار اجباری در پرونده های محرمانه در زمان تحقیقات اولیه، یعنی قبل از تشکیل دادگاه، و همچنین متخصص در دعاوی مدنی استفاده میکند، جدای از اینکه قضات این دادگاه را بعنوان مشاور معتبر به دیگر کشورها، آخرین خبر ارمنستان، میفرستد.

در مورد تنها کودکان زندانی سیاسی در جهان، مطابق با صدور حکم قضائی در سوئد که دولت سوئد دستور آنرا برای افشاء پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" صادر کرده بود، تمامی قضات به مراتب شغلی بالاتری ارتقاع یافتند.

قضات دادگاه سودرتورن- استکهلم و دیگر دادگاهها، مراجع قضائی پس از صدور حکم تنها "کودکان زندانی سیاسی" در دنیا ارتقاع شغلی یافتند. مهمترین آنان که به پُستهای بسیار مهمتر، در سال 2018 دقیقاً قبل از انتخابات[132] ارتقاع یافتند بدین شرح است:

- قاضی دانیل اِریکسون، از دادگاه سودرتورن- استکهلم، صادرکنندهٔ حکم "کودکان زندانی سیاسی" در سوئد، مأمور پرونده های ویژه و مهمتری علیه دیگر کشورها از جمله چین شد. حالا دیگر قاضی دانیل اِریکسون شاکرد پادوی وزیر دادگستری- کشور است.
- گلشنک فتاحیان (یک ایرانی) از دادگاه سودرتورن- استکهلم، که هنوز توسط وزیر قوهٔ قضائی تأئید رسمی و لقب قاضی نداشت، مستقیماً به دادگاه تجدید نظر که بسیار مهمتراست ارتقاع یافت.
- رئیس دادگاه سودرتورن- استکلهم، پِترا لوند[133]، به دادستانی کُل کشور ارتقاع یافت.
- رئیس بخش پنجم دادگاه سودرتورن- استکهلم، که رئیس دانیل اِریکسون بود، خانم ماری لوئیس اُلِن، مشاور عالی دادستان کُل کشور شد.
- دادستان کُل کشور، آندرش پِرکِلِو به ریاست دادگاه تجدید نظر ارتقاع یافت.

[132]) به قید زمان این تغییر و تحولات باید توجه ویژه ای شود. این جابجائیهای قضائی قبل از انتخابات تضمینی بود برای هیئت حاکمه که در زمان عدم پیروزی در انتخابات از پیگرد قانونی مصون بمانند.
[133]) رئیس دادگاه سودرتورن که در سال 2018، دقیقاً قبل از انتخابات به پُست دادستان کُل کشور ارتقاع یافت.

- رئیس دادگاه تجدید نظر، فردریک وَرشِل به ریاست دفتر شاهنشاهی[134] کشور سوئد ارتقاع یافت.

حتی قضات دادگاههای تجدید نظر و دیوان عالی کشور، این جنایت بین المللی علیه دو کودک خُردسال را سرپوش نهادند و خود رسماً مرتکب جرم علیه قوانین اساسی در سوئد یعنی جرم علیه آزادی مطبوعات و آزادی بیان شدند. با اینحال آنان نیز به مناسب بالاتری ارتقاع یافتند.

استقلال و بیطرفی دادگاههای سوئد زبانزد جهانیان است، حداقل دولت سوئد اینگونه قصم میخورد، ولی در زیر این سایهٔ تقلبی و به دستور مستقیم وزیر قوهٔ قضائی مورگان یوهانسون، قاضی هنریک فیبر[135] از دادگاه استکهلم[136] و قاضی پاتریک آلم[137] از دادگاه سولنا به صراحت در حکم قضائی تأکید میکنند که "***کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد برای مسلمانان اجراء نمیشود***".

فکرش را بکنید که سوئد آرتیکل 2 کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد را در این پرونده اجرائی کند! قانونی که دولتها را از مجازات کودکان نویسندگان و فعالان سیاسی منع میکند!؟ فکرش را بکنید که بعد از اینهمه هنوز به تمام واقعیت نرسیده ایم!

دادگاهها و قضات فرمایشی در سوئد حتی حق وکیل را از یک نویسنده گرفتند (فهرست شده[138]). آیا احدی به این جمله باور داشت اگر این موضوع در پروتکل دادگاه به ثبت نمیرسید!؟

بله، در سوئد یک نویسنده حتی حق وکل مدافع هم ندارد، در حالیکه همین سوئد جیق سه نبش میکشد اگر نویسنده ای در هر کشور دیگری بغیر از غرب به دادگاه کشانده شوند چه رسد به اینکه آن نویسنده حق وکیل نداشته باشد. همین سوئد در بسیاری از موارد حتی وکلای نویسندگان در کشورهای مسلمان را فرمایشی میخواند، حال که خود حتی حق وکیل به نویسندهٔ خود که کودکانش در گرو دولت سوئد بخاطر نگارشش هستند، نمیدهند.

---

[134]) www.kimyana.se/ers-majestat/

[135]) دادگاه استکهلم https://www.domstol.se/stockholms-tingsratt/ پروندهٔ شمارهٔ (T 112 – 20) به تاریخ 20 مارس 2020.

[136]) دادگاه استکلهلم اکنون از سوی رژیم سوئد موظف شده است تا علیه شهروند یک کشور دیگر، ایران- حمید نوری، حکم "مقصر" صادر کند، فردی که هیچ ارتباطی با سوئد ندارد!

[137]) دادگاه سولنا https://www.domstol.se/solna-tingsratt/، شهری در استان استکهلم پروندهٔ شمارهٔ (T261 – 21) به تاریخ 26 ژانویهٔ 2021.

[138]) در این پروندهها، قضات در صورتجلسهٔ دادگاه قید کردند که سید عیسی موسوی حق وکیل مدافع ندارد در حالیکه دادستان، قاضی و سه عضو هیئت منصفه به نمایندگی از رژیم سوئد دستور داشتند که حکم "محکوم" صادر کنند بدون درنظرگرفتن تمامی اسناد علیه حاکمیّت.

Ä6361 – 18, Ä6364 – 18, Ä6166 – 18, ÖÄ10054 – 18, Ö6582 – 18, T 112 – 20, T4626 – 20, Ö2620 – 20, T1275 – 20, Ö1575 – 20, Ö1530 – 20, Ö2374 – 20, T261 – 21, T1197 - 21

سوأل

- چه دلیلی میتواند داشته باشد که سازمان قضائی یک کشور نویسنده ای را از داشتن وکیل مدافع در دادگاه محروم میکند؟
- چرا یک نویسنده در سوئد نباید از فردی که از علم حقوق در سوئد آگاه است دفاع شود؟ وکیلی که از قوانین سوئد اطلاع دارد؟ وکیلی که زبان حقوق را بلد باشد؟ وکیلی که از آزادی مطبوعات و آزادی بیان در سوئد و در جهان مطلع باشد؟

آنوقت اینگونه قضات از همین دادگاه سودرتورن بعنوان متخصص امور قضائی برای مشاورت و تعلیم قضات به دیگر کشورها فرستاده میشوند! آخرین بار به کشور *ارمنستان*. طنزی از این تلختر!؟

عجیب تر از همهٔ این وقایع در تعقیب، آزار و اذیّت یک نویسنده در سوئد، واقعیت منع "سوگند[139]" است! این واقعیت که چرا دادگاههای نمایشی به درخواست نویسنده برای ادای "سوگند" جواب منفی دادند!؟ ادای "سوگند" نه تنها یک درخواست بلکه حق یک دادگاه بیطرف است که صد البته در پرونده های مربوط به این نویسنده در دادگاههای معاند سوئد پاسخ رد داده شد. قضات یکی پس از دیگری، بارها و بارها در دادگاههای مختلف و جلسات مختلف (فهرست شده) به درخواست نویسنده برای ادای "سوگند" را نفی کردند.

سوأل اینست که؛

- چرا قضات سوئدی از آشکار شدن حقیقت در دادگاه واهمه داشتند؟
- چرا قضات سوئدی از ثبت یک شهادت و سخنان حقیقی در دادگاه جلوگیری کردند؟
- چرا قضات سوئدی و هیئت منصفه (!) نمیخواهند از حقایق مبتنی بر سند مطلع شوند؟
- چرا دولت سوئد نمیخواهد که از شهادت استوار بر اجبار"سوگند"، حقایق افشاء شود؟

آنوقت اینگونه قضات از همین دادگاه سودرتورن بعنوان متخصص امور قضائی برای مشاورت و تعلیم قضات به دیگر کشورها فرستاده میشوند! آخرین بار به کشور *ارمنستان*. طنزی از این تلختر!؟

تاکنون هیچ پرونده ای به مانند این پرونده علیه یک نویسنده در سوئد، نتوانسته است که ماهئیت ذاتی سوئد و سوئدیها را بدینگونه نظام یافته افشاء کند. دادگاهها در سوئد علارغم وظیفهٔشان به پذیرش دادخواست علیه افسران پلیس، دادستانها، وکلا و قضات تا به امروز 17 ژوئیه 2022 از این وظیفهٔ خود سر باز زده اند.

دادگاههای سوئد علارغم وظیفهٔشان به پذیرش دادخواست برای نقض کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد، که 29 سال پس از پذیرش آن در سوئد اجرائی شد سر باز زده اند. دادگاههای سوئد همچنین بطور خودکار امتناع از پذیرش دادخواست علیه جرمهای ثابت شده، شکنجهٔ جسمی دو کودک (کیمیّا هشت

---

[139]) در این پروندهها قضات از ادای سوگند جلوگیری کردند!
Ä6361 – 18, Ä6364 – 18, Ä6166 – 18, ÖÄ10054 – 18, Ö6582 – 18, T 112 – 20, T4626 – 20, Ö2620 – 20
چرا یک قاضی، یک سیستم قضائی مایل به دانستن واقعیتی که بار قضائی دارد و در نتیجه نمی تواند دروغ باشد، امتناع میورزد؟

و نیم ساله و کیانا هفت ساله هنگام ربوده شدن)، شکنجهٔ روحی کیمیّا و کیانا از سال 2016 میکنند و حتی امتناع از به ثبت رساندن شکایت علیه جرائم حقوق بشر و بررسی آنرا دارند.

بله، سازمان دادگاهها در سوئد پنهان از دیدگان جهانیان بدین شکل عمل میکنند، که در ترکیب با دیگر سازمانها و ابزار سیاسی تبلوری دروغین از مردم سالاری، احترام به حقوق کودکان و احترام به حقوق بشر، آزادی مطبوعات و آزادی بیان، آزادی ادیان و ... به جهانیان القاء میکنند. به عبارتی دیگر، شعارهایی را که دولت سوئد علیه دیگر کشورها که سوئد آنان را دیکتاتور مینامد، خلاف آنرا در کشور خود برای پیشبرد منافع خود استفاده میکند.

در این روزها اخبار محاکمهٔ یک شهروند ایرانی (حمید نوری) به جرائم واهی مختص سوئدیها بسیار داغ است، آنهم در دادگاهی، دادگاه استکهلم، که به صراحت حکم صادر کرد "*کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد برای مسلمانان اجراء نمیشود*". نه که آن شهروند ایرانی مرتکب جرمی شده باشد بلکه هیئت حاکمه (دولت در سایه) در سوئد به دنبال تخریب دین اسلام که ایران به آن شناخته شده است، هستند.

به نظر شما حکم یک چنین دادگاهی برای تخریب، توهین و تحقیر دین اسلام و در پوشش آن تخریب ایران، در مورد یک شهروند ایرانی برای جرائم مجهول، چه خواهد بود!؟

طنزی از این تلختر!؟

- سازمان زندانها

"مراقبت از مجرمین، مسئول بازداشتگاهها، زندانها و مراقبت پس از آزادی"

حتی اسم این سازمان هم ریاکارانه است!
سازمان "مراقبت" از جنایتکاران! مکانی برای "مراقبت" از جانیانی که به اشتباه انسان دیگری را آزار داده، نقص عضو کرده و یا به قتل رسانده است!

در وب سایت این سازمان آمده است:
"*ما برای امنیت، آرامش و کاهش تکرار جرم فعالیت میکنیم.*" آنوقت سالیانه ده تا پانزده نفر در بازداشتگاهها و زندانهای سوئد به قتل میرسند!

مرجعی که خود مسئول بازداشتگاهها، زندانها و مراکز بهبودی مجرمین است، زندانیان را مورد رفتارهای تحقیرآمیز، شکنجه های جسمی و روحی و حتی قتل[140] در بازداشت قرار میدهد.

حال زمان آن رسیده است که این واقعیت را به اطلاع برسانم که سازمان قضائی در سوئد اجازه دارد یک شهروند را بدون حق رسیدگی به پرونده در دادگاه، اغلب به اسم احتمال خرابکاری در پرونده، به مدت نامحدود در بازداشتگاه نگه دارد.

دادستانها به بهانه های مختلف از قبیل احتمال فرار، احتمال خرابکاری در روند پرونده و هزاران احتمال دیگر، به دفعات میتوانند مدت بازداشت را تمدید کنند و بدینگونه شهروندان بدون حق محاکمه در دادگاهی، به مدت نامعلوم[141] در بازداشت بسر میبرند.

یک مثال که شاید مخاطبان فارسی زبان بشناسند، فردی به نام حمید نوری- شهروند ایرانی که در سوئد برای ملاقات آمده بود، به دلایل واهی 30 ماه در بازداشت نگه داشته شد، نه بخاطر جرمی که مرتکب شده بود بلکه بخاطر نمایش[142] حمایت سوئد از دموکراسی! حال که امروز تمام دنیا در مورد ربودن کودکان مسلمان در سوئد برای هویت زدایی، سوزاندن هرروزهٔ قرآن، و حصرخانگی مسلمانان[143] در سوئد میدانند.

---

[140]) از سال 2000، سالانه ده تا پانزده زندانی تحت شرایط نامشخص در بازداشتگاهها و زندانهای سوئد به قتل میرسند، قتلی که هرگز عاملش مشخص نمیشود!؟

[141]) قبل از سال 2021، دولت سوئد مجاز بود که شهروندان خود را بدون توجه به سن، برای مدت نامحدود در بازداشت نگه دارد، اما پس از سال 2021، رژیم سوئد تصمیم به تعیین مدت زمان بازداشت حداکثر شش شما برای کودکان زیر 18 سال گرفت.

[142]) لطفاً ایرانی بازی را بگذارید کنار و از موضوعی که خبر ندارید ایده های بیهوده ندهید.
سازمان ملل متحد پس از سالها انتقاد از بازداشت نامحدود در سوئد، دولت سوئد سال 2021 تصویب کرد که کودکان زیر هیجده سال بیشتر از شش ماه در بازداشت نگه داشته نشوند ولی شهروندان بالای هیجده سال را همچنان میتوان به مدت نامحدود در بازداشت نگه داشت.

[143]) با تصویب این قانون
https://regeringen.se/pressmeddelanden/2020/03/okat-skydd-mot-hedersrelaterad-brottslighet/

ادامهٔ توضیح را در صفحهٔ بعد بخوانید

لطفاً توجه داشته باشید که اینگونه بازداشتها ثمرهٔ یک حکم صادره از یک دادگاه بعنوان مجازات برای جرمی مشخص و خاص نیست. در اینگونه موارد که بازداشت به درازا میکشد، دولت مطمئن نیست که آن فرد حتی مرتکب جرمی شده باشد، هر جرمی در هر صورت! دولت سوئد آزادی شهروندان را بدون هرگونه سوءظنی سلب میکند و این بازداشتها در طی زمان ابزاری شده است برای سرکوب دگراندیشان، فعالان سیاسی- اجتماعی.

بازداشت بسیاری از دگراندیشان برزخی است که در آن شهروندان "مزاحم" را میتوان برای ابد در بازداشت نگه داشت تا فرد، خُرد شود و "امان نامه ای" بنویسد و در آن امان نامه اعتراف به تمامی اشتباهات خود کند، داوطلبانه عذرخواهی کند و درخواست عفو نماید.

وسعت سوءاستفاده قانونی در سوئد بی نظیر است. دولت سوئد مخالفان خود را به اسم قوانین به ظاهر انسانی می شکند و دولت با پشتیبانی فرا اداری و فرا رسانه ای، آنقدر ماهرانه نقش خود را بازی میکند که احدی در دنیا حتی خم به ابرو نمی آورد "ابریشمی".

از طرفی دیگر، دگراندیشان که پس از ماهها و گاه سالها در بازداشتگاهها بسر میبرند، بازداشت بدون حق محاکمه در دادگاهی، بخت خود را در این میبینند که توسط امان نامه آزاد شوند، خوشحال و قدردان از شانس دوباره و آزادی خود، سرمست از این واقعیت که زنده هستند. روح و روان دگراندیشان مقوله ای دیگر است که بهتر است در موردش حرفی نزد، در اینگونه شرایط فقط باید خوشحال بود که آزاد شده است. موضوع نهان در درخواست امان نامه اینست که یک دگراندیش فکر طرح دعوی از افراد مسئول، را باید از مخیلهٔ خود پاک کند وگرنه دوباره دچار همان بازداشت بی انتها خواهد شد و اینبار پذیرش عفوی در کار نخواهد بود.

در این کلاف سردرگم، سازمان زندانها نقش مهم و تعیین کننده ای در شکستن ارادهٔ یک دگراندیش دارد. اینکه تا چه حد زود میتوانند از طریق سختگیریهای جسمی و روحی یک دگراندیش را به تصمیم نگارش امان نامه برسانند. سازمان زندانها، یک ماشین شکنجه مصون از عواقب قضائی اجتماعی که اجازه نمیدهند دگراندیشان به موقع دستشویی بروند و زمانیکه آن فرد کنترل خود را از دست میدهد، او مورد اقدامات تحقیر آمیز قرار میگیرد و بجای آب ادرار به خورد او میدهند، بزاق در غذای او میریزند و از اینمورد اقدامات که تا حد ممکن اثری بر بدن دگراندیش باقی نگذارد ولی مواردی که تا ابد روح و روان یک دگراندیش را نابود خواهد کرد.

جسم دگراندیش را از طریق موارد عادی به مانند عدم مراقبتهای پزشکی می آزارند. در مواردی که دگراندیشان مورد ضرب و شتم در بازداشتگاه قرار میگیرند، درخواست دگراندیشان برای ملاقات (مستند کردن شکنجه) با دکتر رد میشود و من شخصاً موضوع شکنجهٔ جسمی را گواهی میکنم.

سوئد به دلایل واهی میتواند مانع خروج شهروندان مسلمان از کشور شود. سال 2021 با اتکاء به این قانون مانع مسافرت 29 خانوادهٔ مسلمان از سوئد شدند. این قانون در تضاد با کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل مادهٔ 16:1 و همچنین مخالف منشور حقوق بشر مادهٔ 13:2 قرار دارد.

شخصاً بدلیل جرمی واهی، یکماه (30 روز) به حبس محکوم شدم و در این یکماه گواهی میدهم که مورد اذیت و آزار جسمی و روحی قرار گرفتم. پس از اتمام مدت زندان، دادخواستی تنظیم کردم که تا اکنون در سکوت نگه داشته شده است. آن دادخواست هرچند مکتوم، مدرکی است که در آینده میتوان به آن ارجاع شود.

بیاد داشته باشید که من به سلول انفرادی، حق حضور در هوای آزاد، حق تماس با خانواده، حق تماس با وکیل ... همهٔ حقوقی که در زمان بازداشت از یک دگراندیش سلب میشود نام نبرده ام. اینها همه به تنهایی ابزاری هستند که توسط آن یک دگراندیش را بطرف امان نامه سوق میدهد.

بله، اینست سازمان "مراقبت" از زندانیان (بخوانید دگراندیش) در سوئد. آنوقت همین کشور سوئد انگشت نشان خود را بطرف سازمان زندانیان دیگر کشورها برای جهانفریبی میگیرد و همه در مقابل سوئد سر شرمندگی پائین می آورند!

- کانون اخلاق وکلا

اینگونه در سایت[144] توضیح داده شده است:

"*کانون اخلاق وکلا در آئین نامهٔ دادرسی تنظیم شده است و اساسنامهٔ این کانون توسط دولت تعیین میشود.*"

آیا نیازی برای توضیح بیشتر است!

آیا لازم است هدف از کانون اخلاق وکلا را، زمانیکه اساسنامهٔ آن (دستورالعمل) توسط دولت سوئد تعیین میشود، توضیح دهم؟ کانون اخلاقی وکلا هم از نظر اساسنامه، هم از نظر بودجه و هم از نظر تعیین مدیرکُل آن وابسته به دولت است. مطیع نبودن از بعیدات است.

بعلاوه:

"*وفادارانه و صادقانه باید از منافع موکلان خود حفاظت کرد.*"

البته این موضوع هم به مانند تمامی دورویی و ریاکاری سوئدیها نسبی است و به پیشینهٔ قومی- دینی وکیل و موکل ربط دارد. وکلا آشکارا و بدون هرگونه پنهان کاری آنگونه که دستور سیاسی است را انجام میدهند حتی اگر کاملاً خلاف قوانین و خلاف اخلاق مصوبه در کانون اخلاقی وکلا باشد!؟

مثال:

وکیلی با پیشینهٔ قومی خارج از سوئد، شواهد و اسلحه ای را برای موکل خود جاسازی[145] کرد. مطابق با دستورالعمل وفاداری و صادقانه نسبت به موکل خود، موکل او از مجازات رهایی یافت ولی زمانیکه موضوع صحنه سازی افشاء شد، آن وکیل با پیشینهٔ قومی غیر از سوئد، جواز وکالت خود را از دست میدهد!

در نقطهٔ مقابل، وکیل ماریا یوله بی قرار دارد، وکیلی سوئدی که مأموریتش ربودن کودکان مسلمان برای هویت زدایی با ظاهری آراسته برای جهانیان است! وکیل ماریا یوله بی سوئدی حتی با دروغگوئی محرز در صحن دادگاه، گواهی دروغین نه تنها جواز وکالت خود را با توجه به خیانت به موکلش از دست نداد بلکه بخاطر وفاداری به دولت و پروژهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد محافظت و تشویق شد.

مثال این دو وکیل با پیشینهٔ قومی متفاوت در یک طیف زمانی گویای تمامی ماهئیت ریاکارانهٔ این کانون است، کانون اخلاقی وکلا در سوئد!

در پرونده علیه نویسنده ای که فرزندانش بخاطر کتاب هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد گروگان گرفته شده بودند، وکل طرف مقابل، یعنی دولت سوئد، اجازه داشت که آزادانه در جلسات دادگاههای متفاوت دروغ بگوید، شهدت دروغ بدهد، مرتکب تهمت و افتراء شود، مشارکت در گروگانگیری و شکنجهٔ روحی کیمیّا و کیانا از چهاردهم سپتامبر 2016 شود.

---

144) https://www.advokatsamfundet.se/om-advokatsamfundet/

145) وکیلی که برای موکل خود اسناد جاسازی کرد
https://www.svt.se/nyheter/lokalt/halland/advokat-atalas-kan-ha-hjalpt-kriminella-att-plantera-bevis-i-mordrattegang

حال متوجه میشوید که چرا دادگاهها در سوئد در این پرونده درخواست ادای "سوگند" یک نویسنده را رد میکردند!؟

در این دو پاراگراف میتوان بدون شک ریاکاری غیرقابل انکار کانون اخلاقی وکلای سوئد را یافت:
"اساس قوانین اخلاقی[146] برای وکلا در سوئد را میتوان در کتاب راهنمای قوانین کانون وکلا برای عملکرد خوب حقوقی و اخلاقی یافت. همچنین قوانینی در مورد وظایف حرفه ای وکلا هم در این کتاب راهنما بصورت جامع آمده است.
کمیتهٔ انضباطی کانون اخلاقی وکلا توسط تصمیمات خود، چهارچوب حُسن اجرای اخلاقی قوانین را شفاف سازی میکند. علاوه بر این، هیئت مدیرهٔ کانون اخلاقی وکلا، گاهی اوقات توسط بیانیه ای به برخی از سوألات اخلاقی زمان حاضر جواب میدهد (7 مارس 2022)."

کانون اخلاقی وکلا، کمیتهٔ انضباطی، علارغم تمامی دستورالعملهای اخلاقی در راستای فریبکاری بین المللی و تمامی اسناد بعنوان شاهدی برای رفتار غیراخلاقی وکیل ماریا یوله بی در دادگاهها و دیگر اماکن اداری، بخاطر نفرت نهادینه شده از مسلمانان در سیستم اداری خود، او را تبرئه کرد.

حقه ای به نام "کانون اخلاقی وکلا" یکی دیگر از مؤسسات آرایشی که چهره ای قشنگ ولی بس دروغین، پوسیده تا مغز استخوان آن، جهانیان را میفریبد.

---

[146]) اساس اخلاقی وکلا
https://www.advokatsamfundet.se/globalassets/advokatsamfundet_sv/advokatetik/vagledande-regler-om-god-advokatsed-med-kommentarer-juni-2020.pdf

- کارگزار حقوقی دولت

نقش این سازمان تا حدی در مولفهٔ 4 "تئاتری به نام رسانه" توضیح داده شده است، زیرا که وظیفهٔ این سازمان دفاع از قوانین اساسی، آزادی مطبوعات و آزادی بیان از طریق تبادل نظر آزادانه و جلوگیری از سانسور توسط ابزار حقوقی است.

این سازمان بعنوان مرجع حقوقی این دو قوانین اساسی، دادستان ویژه، موظف است که از حقوق نویسندگان، خبرنگاران، روزنامه نگاران، ناشران و سایر شهروندانی که اطلاعاتی برای به اشتراک گذاشتن در هر موضوعی که مایل هستند دیگر شهروندان را مطلع کنند، تا مرزی که در قانون قید شده است، دفاع کنند، مهمی که تا به حال در این پروندهٔ گروگانگیری کودکان یک نویسنده روی نداده است.

همانطور که در مولفهٔ 4 مطالعه کردید، این سازمان علارغم همهٔ گزارشات و شکایتهای موثق مبتنی بر نقض قوانین اساسی، هیچ اقدام قانونی برای آزادی کیمیّا و کیانا تا به امروز انجام نداده است، پرونده ای که در آن دادگاهی در سوئد فرزندان یک نویسنده را دقیقاً بخاطر نگارش کتاب پدرشان مجازات کرد و به گروگان گرفت.

کارگزار حقوقی دولت مرجعی دیگر در آرایش این چهرهٔ کریه سوئد، مرجعی برای ریاکاری ملی و بین المللی.

- سازمان- مشاور پیشگیری از جرم[147] (مرجع جنایی)

این سازمان نهادی (ابزاری) کلیدی در نهادینه سازی نفرت علیه اسلام و تحریک علیه مسلمانان است. این عمل توسط جمع آوری آمار از سازمانهای مختلف دولتی خصوصاً سازمانهای قضائی افکار شروندان را به سویی سوق میدهد که سیاست دولت مبتنی بر آن است.

در وب سایت این سازمان آمده است که:

"*سازمان پیشگیری از جرم، سعی در کاهش جرم و افزایش امنیت و رفاه اجتماعی دارد. ما این وظیفه را از طریق جمع آوری حقایق و انتشار دانش در مورد جرم، مبارزه با جرائم و اقدامات پیشگیرانهٔ جرائم، در درجهٔ اول معطوف به دولت، سازمانهای مربوط به سازمان قضائی کشور انجام میدهیم.*"

از جائیکه این سازمان در استعمار ذهنی سوئدیها علیه اسلام و مسلمانان و جهت دهی سیاستهای آتی سوئد استفاده میشود اینجا بطور خلاصه توضیح کوتاهی میدهم. در مورد این سازمان بطور مفصل در مولفهٔ 7 شرح خواهم داد.

تمامی روند مراحلی را که یک مسلمان مجبور به طی آن در سازمان قضائی در سوئد است، مرجعی میشود برای اثبات آمار ثبت شده در این سازمان که به نوبهٔ خود مرجع موثق خوانده خواهد شد. با توجه به آمارها و با کمک رسانه های دولتی، سیاستهای آتی کشور به سمتی صوق داده میشود که از قبل تصمیم گرفته شده است و بدینوسیله مطابق با برنامه قدم به قدم بطرف آن پیش میروند.

تا به این قسمت کتاب امیدوار هستم که توسط اسناد و مدارک بدون سانسور به این نتیجه رسیده باشید که مسلمانان به چه دلایلی و با کدام جرمی در آمار جرائم این سازمان به ثبت میرسند.

آمار جرائم در میان شهروندانیکه پیشینهٔ قومی دیگری بغیر از سوئد دارند، حتی شهروندانی که در سوئد از والدین خارجی بدنیا آمده اند، بدون هرگونه دلیل محکمه پسندی، توسط قضات این ابزار سیاستمداران، مجرم شناخته شده و به آمار این سازمان اضافه میشوند، آماری که شهروندان سوئدی کورکورانه به آن اطمینان میکنند.

من، یک پدر، یک نویسنده در چندین آمار این سازمان نقش آدم بد را ایفاء میکنم و بدون ارتکاب به هرگونه جرمی در چندین پروندهٔ کیفری محکوم شده ام. دلایل محکومیتم را شما بدون سانسور مطالعه کرده اید، محکوم به نگارش کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" با مجازات ممنوعیت دیدن فرزندانم پس از 14 سپتامبر 2016، محکوم به جرائم مجهول در شرایطی مجهول و در آینده ای مجهول شده ام.

دادخواستهایی به مانند آخرین کیفرخواست، 2021، دربارهٔ "جرمهای مجهول که یک مسلمان قصد ارتکاب به آنها را در آینده دارد"، نمونه ای بارز از پرونده سازی کلیشه ای دادستانها علیه مسلمانان در سوئد، و هزاران موارد اینچنینی وجود دارد که در آمار این سازمان به ثبت رسیده است، آماری که سیاستمداران

[147]) www.bra.se

سیاستهای آتی را بر آن استوار میکنند و به خورد شهروندان میدهند، شهروندانیکه هرگز در مورد صحت آن آمارها سوأل نمیکنند و آنرا کورکورانه قبول دارند، آماری که شورای پیشگیری از جرائم کاملاً آگاه بر واهی بودن آن است.

این سازمان، نه تنها دلیل ایجاد تصویری اشتباه از مسلمانان است بلکه موجب نگرانی و اضطراب شهروندان در سوئد میشود که خود دلیلی است محرک شورش و آشوب علیه مسلمانان بیگناه و نفرت بی اساس از دین اسلام.

در مورد این سازمان و نقش آن در ایجاد و نهادینه ساختن نفرت علیه اسلام و مسلمانان، استعمار ذهن-روح و روان شهروندان سوئدی، در مولفهٔ 7 به تفصیل مطالعه خواهید کرد.

مؤلفهٔ 6 انجمنها
مزدوران پنهان!

تمدن سوئد بر چهار پایه استوار است، یعنی چهار قانون اساسی که دیگر قوانین کشور با توجه به آن وضع میشوند به ترتیب عبارتند از:

- دستورالعمل حکومتی
- پادشاهی (طرح جانشینی)
- فرمان آزادی مطبوعات
- قانون آزادی بیان

اولین و مهمترین این قوانین اساسی، دستورالعمل حکومتی است که در آن دولتها موظف میشوند که از طریق قوانینی که در مجلس وضع میشود، کشور را اداره کنند.

- **دستورالعمل حکومتی**
  - آرتیکل 1 اساس شکل حکومتی
    - پاراگراف 1 *تمامی اقتدار ملی (دولت وشهرداریها) در سوئد مبتنی بر مردم (از طریق مجلس) است.*
      اقتدار ملی، ادارهٔ کشور زیر نظر قوانین اعمال میشود.

سپس قوانین دیگر در ذیل آن توضیح داده میشود.

آنچه که پس از اولین آرتیکل آمده و صحبت از اهمیت آن قوانین دارد، مبحث "حق آزادیهای بنیادین" شهروندان است، حقوقی که شهروندان از طریق نهاد حاکم، یعنی دولتها تضمین شده اند.

- آرتیکل 2 حق آزادیهای بنیادین
  - پاراگراف 1 *هر شهروندی در برابر دولت در این موارد ضمانت میشود*
    آزادی عقیده
    1) –
    2) –
    3) –
    4) –
    5) *آزادی در اجماع؛ آزادی اتحاد با دیگران برای یک هدف خاص و برای مقاصد عمومی یا خصوصی*
    6) –

اهمیّت و نیاز به همکاری برای یک سیاست یا موضوع خاص در یک جامعهٔ مردم سالار، حق اتحاد برای یک هدف، انجمنها را به یک عامل قدرت در سوئد تبدیل کرده است. در حال حاضر در کشور سوئد

نزدیک به دویست هزار انجمن غیر دولتی وجود دارد که مطابق با آمار (SCB[148]) 29 درصد از شهروندان در سوئد، 16 سال به بالا، حداقل در یک انجمن فعالیت میکنند.

"این نمودار نشانگر درصد اشتراک همکاری فعالانه در حداقل یک فعالیت انجمنی، تقسیم بندی شده بر اساس سن و جنسیّت، افراد 16 سال به بالا در سال 2018-2019 میلادی در سوئد"

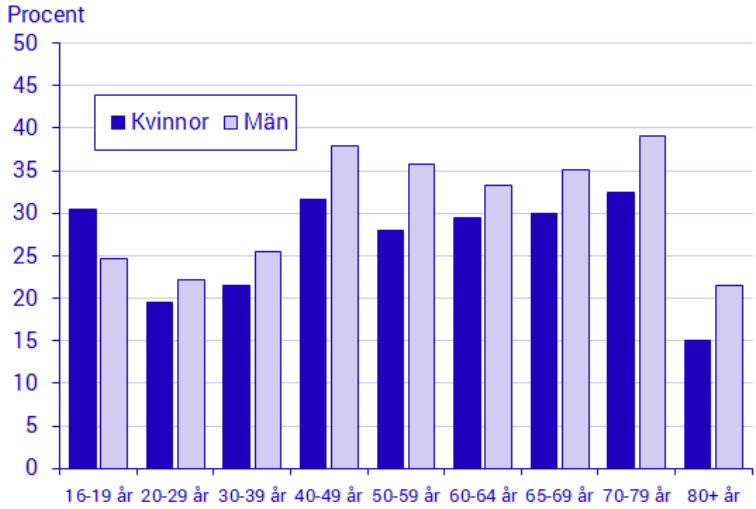

حق آزادی اتحاد برای یک هدف مشترک با کمک سازه های انجمنی، در طی زمان به ابزاری قدرتمند تبدیل شده است که در آن احزاب سیاسی کشور با مُشتی آهنین از طریق حربهٔ "کمک های مالی از صندوق مالیات"، کنترل و هدایت میکنند. به عبارتی دیگر، انجمنهای (غیر)مستقل ولی در خدمت افراد در سایه، خریداری شده با مالیات جمعی، افکار عمومی را به سمتی سوق میدهند که سیاستمداران دیکته میکنند بدون اینکه اهداف پلیدشان افشاء شود.

این قانون در طول زمان، برای سیاستمداران ابزاری شده است تا بتوانند ارادهٔ خود را، خارج از چهارچوب ایدئولوژی حزب، از طریق این انجمنها بصورت غیرمستقیم بر مردم دیکته کنند و شهروندان را در ریلی قرار دهند که هدف مشخص افراد در سایه است نه حزبشان. افراد در سایه توسط سیاستمداران با اتکاء به اینگونه انجمنها، افکار و سیاستهایی که برای ارتقاء خود نامناسب است را بدون اینکه قصد و یا برنامهٔ خود را برملاء کنند، متوقف میکنند.

[148]) سازمان (SCB) مستول آمار رسمی و سایر آمارهای دولتی است.

بدون درنظرگرفتن انجمنهای (اتحادیه های) کارگری[149] که برای حفظ منافع اعضای خود به مانند حقوق، شرایط استخدام، محیط کار ... فعالیت میکنند، میتوان انجمنها را در سوئد به دو گروه کلی تقسیم کرد؛ ورزشی و فرهنگی.

لازم به ذکر میدانم که انجمنهای (اتحادیه های) کارگری هم به بیراه کشانده شده اند بدون اینکه قصد تشریح اینگونه انجمنها را داشته باشم.

انجمنهای ورزشی شامل تمامی رشته های ورزشی، حتی فقط حرکات بدنی که کودکان، نوجوانان و بزرگسالان را مجبور به حرکت جسم خود میکند اطلاق میشود و هدفی بغیر از تندرستی و سلامتی ندارد. هدف از انجمنهای فرهنگی، پوشش تمامی علاقه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کشور است.

در طول سالها، زندگی انجمنی در سوئد به یک کالای صادراتی[150] تبدیل شده است، بدون اینکه در مورد واقعیت پشت صحنهٔ این انجمنها، آنچه که در پشت دربهای بستهٔ انجمنها در سوئد میگذرد، صحبتی شود. در زمان حال انجمنهایی به مانند دیدبان حقوق بشر، عفوبین الملل، دکترهای بدون مرز، خبرنگاران بدون مرز و از این دست انجمنهای به ظاهر مستقل ولی ابزاری برای دستان دراز استعمار در تمامی این کُرهٔ خاکی فعالیت میکنند.

واینبار هم مطابق معمول، هر آنچه که در سوئد میدرخشد طلا نیست! انجمنهای سوئدی هم از این موضوع مستثنی نیستند. تجاوز به کودکان، استعمال مواد مخدر، فساد اداری، فساد مالی ... فقط چند نمونه در سیستم انجمنی سوئد است که بصورت گسترده مشاهده میشود، هم در انجمنهای ورزشی و هم در انجمنهای فرهنگی ولی یک نمای شیک و مجلسی که در آن تمامی کثافتها به زیر فرش جارو زده میشود برای دریافت "کمک هزینه" لازم است. به همین خاطر بسیار مهم است که اتفاقات نامناسب در انجمنها، همانجا دفن شود، پنهان در گزارشها و تا زمانیکه پنهان میماند کمک هزینهٔ دولتی را دریافت خواهند کرد. و اینجاست که انجمنها خود را به سیاستمداران میفروشند. برده بودن در مقابل دریافت کمک هزینه درمقابل سکوت سیاستمداران در مورد جرائم انجمنها.

اینگونه میشود زمینه ای برای رُشد و ترویج فرهنگ سکوت. کودکان از سنین کم یاد میگیرند که اگر قرار است اتفاق ناخوشایندی نیأفتد باید سکوت کرد و در مقابل سکوت جشن، تفریح و شیرینی خواهند گرفت! بزرگسالان در سوئد از حس ناتوان کودکان در تجزیه و تحلیل، درک عواقب و پیامد یک عمل خلاف اجتماعی نهایت سوءاستفاده را میبرند، معلولیتی که آیندهٔ کودکان ستم دیده را در همهٔ موارد زندگی، تصمیم گیری و تصمیم سازی، عملکرد کودکان در اجتماع با همنوعان خود را تحت شعاع قرار میدهد، واقعیتی که کودکان در تمام عمر خود از آن رنج خواهند برد.

---

[149]) در سوئد سه سازمان سندیکایی مرکزی وجود دارد، سندیکای ملی کارگران (LO)، سندیکای ملی کارمندان (TCO) و سندیکای ملی افرادی با تحصیلات عالی (SACO).

[150]) روزنامه نگاران بدون مرز، پزشکان بدون مرز، حقوق کودکان جهانی ... چند نمونه برای مثال هستند. همهٔ این انجمنها بازوان دراز استعمار و استثمار هستند. چگونگی آنرا در مولفهٔ 7 تشریح خواهم کرد.

از سویی دیگر به انجمنها در سوئد اجازهٔ عمل در شعاع خاصی داده میشود. انجمنها اجازه ندارند هرآنچه که میخواهند بگویند، بنویسند و عمل کنند. در غیراینصورت از نظر مالی به بن بست خواهند رسید. انجمنها مجبورند که مراقب عملکرد خود در مقابل سیاستمداران و سیاستهای آنان باشند تا در نهایت با ارگانهای دولتی، هیئت حاکمه، یعنی احزابی که کشور را اداره میکنند، درگیر نشوند.

مثال:
باشگاه تکواندو شرهولمن- منطقه ای دراستکهلم، در پائیز 2005 به ابتکار من بعنوان مربی شروع به فعالیت کرد. این انجمن در 26 أکتبر2006 در ادارهٔ مالیات سوئد بعنوان یک انجمن غیر دولتی به ثبت رسید، یک انجمنی ورزشی برای سلامتی جسمی و روحی کودکان و نوجوانان در آن محله مطابق با تمامی آئین نامه ها.

در سال 2017 بعنوان یک شهروند، نه یک مدیر و یا فعال اجتماعی در انجمنی ورزشی، با نشر کتاب هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد، اسامی و عکسهای سیاستمداران شهر استکهلم و سیاستمداران استان استکهلم را بعنوان ربودن کودکان مسلمان برای هویت زدایی بدلیل نفرت شخصی آنان از اسلام، که این نفرت در ارکانهای اداری شهر و استان استکهلم نهادینه شده بود را به جهانیان معرفی کردم.

به ناگهان تگرگ دردسرها برای انجمن شروع به باریدن کرد! پس از 12 سال فعالیت بودن عیب و نقص برای کودکان و نوجوانان، ادارهٔ اوقات فراغت[151] شهر استکلهم شروع به یک بازی دم دمی مزاج دیوان سالاری نسبت به انجمن به راه انداختند و دوسال تحقیق از زوایای مختلف ورزشی- اداری- مالی- معنوی، هیچ و هیچ بهانه ای به دستشان نداد. با اینحال نمی توانستند و در واقع نمیخواستند که این افشاءگری مرا بعنوان یک شهروند خصوصی بدون پاسخ بگذارند.

از زاویهٔ حکومتی به این ماجرا نگاه کنید. فکرش را بکنید که چه اتفاقی خواهد افتاد اگر دیگر انجمنها هم پای خود را از گلیم خود درازتر کنند؟ و جوابی برای گستاخی خود نگیرند! حتی که افشاء من از این پروژه کاملاً شخصی بود، جدای از هرگونه فعالیت دیگر من چه بعنوان کارمند و چه بعنوان فعال انجمنی. سیاستمداران باید مرا تنبیه میکردند تا درس عبرتی برای دیگران باشد. به جهنم که کودکان و نوجوانان در این معامله ضرر خواهند کرد!

بنابراین با یک فکر بکر تقاضای اجاره برای باشگاه کردند!؟ اجاره ای به مبلغ 20000 کرون سوئد از انجمن!

اجاره!؟
ولی اجارهٔ اماکن ورزشی برای تمامی انجمنهای ورزش کودکان و نوجوانان در شهر استکهلم مجانی است! چرا باشگاه تکواندویی که من مربی آن هستم باید اجاره پرداخت کند؟

بله، اینچنین است در سوئد!

---

[151]) مسئول اداری انجمنها در هر شهرداری

اعمال شخص شما به حساب خانواده، دوستان، همکاران، انجمنها و هر آنچه که زندگی اجتماعی شما را در جامعهٔ سوئد میسازد، نوشته خواهد شد و تأثیر خواهد گذاشت.

به عبارتی دیگر کودکان منطقهٔ شرهولمن، اکثراً مسلمان، بخاطر نگارش مربی شان در سال 2017 در موضوعی بغیر از ورزش و در محیطی خارج از ورزش مجازات شدند. این به تنهایی خلاف قانون اساسی آزادی در اجماع برای یک هدف خاص و برای مقاصد عمومی یا خصوصی است. صحبت از قوانین آزادی مطبوعات و آزادی بیان را در اینجا نمیکنیم که تمامی این رفتارها و عملکردها بخاطر این بود که کتاب هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد از صحنهٔ روزگار هذف شود.

سال 2019، یعنی دو سال بعد از انتشار کتاب، باشگاه تکواندوی شرهولمن مجبور به اتمام فعالیت خود شد ولی کمتر از شش ماه بعد فرد دیگری بدون نیاز به پرداخت اجاره، اجازه گرفت که باشگاه تکواندوی دیگری در آن محله احداث کند!

مثالی دیگر:
باشگاه کاردیو تکواندوی هانینگه، منطقه ای در استان استکهلم، در پائیز 2002 فعالیت خود را با ابتکار من شروع کرد بدون درخواست عضویت در فدراسیون تکواندوی سوئد زیرا که من نمیخواستم با متجاوزین به کودکان که بسیاری از مربیان تکواندو در سوئد هستند همکاری کنم و یا مُهر تأئید به مصرف کوکائین در تیم ملی سوئد بزنم و یا اینکه اختلاس رئیس فدراسیون، فرنس بوو، از سال 1994 را موجه جلوه دهم.

در سال 2011 به دولت راینفلد نوشتم "یک کشور دو قهرمانی در تکواندو، یکی مشروع دومی گمراه کننده" و سپس ثابت کردم که فدراسیون تکواندوی سوئد قانوناً حق ندارد مسابقات خود را "قهرمانی کشوری" بنامد. این موضوع در اساسنامهٔ کنفدراسیون ورزش در سوئد و همچنین فدراسیون تکواندوی سوئد به وضوح قید شده است. برای راینفلد، بیّاتریس اَسک و لِنا آدِلسون لیلیه روت شرح دادم که در اساسنامهٔ کنفدراسیون ورزش آرتیکل 12 پاراگراف 3 و دراساسنامهٔ فدراسیون تکواندو در آرتیکل 8 پاراگراف 44 آمده است که فقط اعضای این اجماع میتوانند در مسابقات شرکت کنند.

از سوی دیگر برایشان تشریح کردم که فدراسیون ما، انجمن تکواندوی سوئد، تنها فدراسیونی در سوئد است که از نظر قانونی، مطابق با اساسنامهٔ خود، اجازهٔ حق مسابقه به تمام شهروندان سوئدی داده است و در نتیجه میتواند مسابقات خود را "کشوری" بنامد.

دستور دولت بدین شکل بود که؛ شما اجازه دارید به فدراسیون خود ادامه دهید ولی حق "کمک هزینه" نخواهید داشت[152]!

که صدالبته این خود خلاف قوانین اساسی است ولی مخالفتی هم با این دستورالعمل نکردیم چونکه "کمک هزینه" هدف اصلی این نامه نگاریها نبود، بلکه هدف نائل آمدن به دستورالعملی بود که با آن بتوانیم باشگاههای عضو فدراسیون خود را بیمه کنیم، که اینگونه هم شد.

[152]) این خود خلاف حق "آزادی در اجماع" است که شهروندان را از طریق مالی محدود کنند.

پس از صدور این دستورالعمل در تمامی جوانب چوب لای چرخ باشگاه کاردیو هانینگه گذاشتند، تمامی روزهای سال. بقیهٔ داستان را خودتان حدس بزنید!

آخرین بار، شهرداری هانینگه[153] مبلغ 1.300.000 میلیون کرون از مالیات مردم را صرف باشگاه تکواندویی کرد که بصورت یک شرکت، با هدف سوددهی، اداره میشود نه بصورت انجمن. این امر خلاف قوانین استفاده از مالیات مشترک برای رفاه عمومی است. درحالیکه باشگاه (انجمن) کاردیو تکواندوی هانینگه (ما)، پس از 20 سال فعالیت رایگان برای کودکان و نوجوانان منطقهٔ هانینگه به سختی موفق به رزرو مکان تمرین میشود.

شما فکر میکنید به چه دلیلی شهردار کِنّت فورشبری و مدیرعامل مِری واسبری مالیات عمومی شهروندان هانینگه را صرف یک شرکت تجاری میکنند؟ عملی کاملاً غیرقانونی.

آیا خوانندگان فکر میکنند که ورود غیرمجاز به ساختار کامپیوتری شهرداری هانینگه که در آن اطلاعات مربوط به باشگاه کاردیو تکواندوی هانینگه را تخریب کردند مورد پیگرد قانونی قرار گرفت؟ ورود بی مجوز به سیستم کامپیوتری یک اداره از تخلفات بسیار سنگین در سوئد است، چه رسد به سیستم کامپیوتری یک شهرداری. اجساد بیشتری در شهرداری هانینگه نسبت به باشگاه کاردیو تکواندوی هانینگه، که فقط یکبار موفق به اجرای مسابقهٔ کشوری شد، وجود دارد.

آیا نیاز است که بیشتر در مورد آزار و اذیّت دگراندیشان، فعالان سیاسی- اجتماعی در شهرداری هانینگه، شهرداری استکهلم و استان استکهلم بیشتر توضیح دهم؟ آزار و اذیّتی که در رابطهٔ مستقیم با فعالیت شخصی من، دور از محیط ورزشی، برای صلاح کودکان در سوئد بعنوان یک شهروند در این کشور است.

این مثالها یک مدرک غیرقابل انکار است که به وضوح و صراحت بیانگر کنترل مخملی تک تک انجمنها در سوئد است. کنترل مخملی دولت سوئد از شهروندان خود، تمامی انجمنها، تک تک آن 200000 انجمن فعال و میلیونها نفر شهروند فعال در آن انجمنها.

رهبران جهان اگر نمیخواهند گرفتار دادگاه لاهه شوند، دادگاهی که مختص عربستان سعودی، مصر، سومالی، سودان، اریتره ... است، نیاز دارند که از اینگونه سیستمهای انجمنی با رعایت کنترل به سبک سوئدی کُپی برداری کنند و بدون کم و کاست در سیستم دیکتاتوری خود به مانند سوئد علیه شهروندان خود اعمال کنند.

دولت سوئد از انجمنهای مطیع و به ظاهر غیر دولتی، بعنوان مرجع در پیشنهاد قوانین جدید استفاده میکند و اینجاست که سیاستمداران سیاستهای خود را، خارج از چهارچوب مباحث ایدئولوژی، توسط آن انجمنها به مردم تزریق میکنند. برای آن انجمنها این به معنی یک درآمد مطمئن و ساده تا زمان بازنشستگی شان

[153]) منطقه ای در استان استکهلم- سوئد.

است. البته نباید فراموش کرد که این یک موقعیت اجتماعی برای هیئت مدیرهٔ آن انجمنهاست، موقعیتی که میتواند آنان را به پُستهای مهمتر دولتی ارتقاع دهد.

برخی از آن انجمنهای معروف به ظاهر غیردولتی که در حیطهٔ حقوق کودکان فعالیت میکنند در زیر آمده است، انجمنهاییکه نقش دیگری بغیر از آرایش یک ظاهر فریبکارانه از کشور سوئد برای جهانیان ندارد. آنها عبارتند از:

- محافظت کودکان[154]
- حقوق کودکان در اجتماع[155]
- خانهٔ عمومی کودکان[156]
- کودکان دنیا[157]
- آزانس حقوق کودکان[158]
- پدر – فرزند[159]

حتی این انجمنهای به ظاهر غیردولتی، به کودکانی که در اجتماع مورد تجاوز قرار میگیرند، مواد مخدر در قبال عمل جنسی با کودکان، کودکانی که مورد شکنجهٔ جسمی قرار میگیرند، کودکانی که مورد شکنجهٔ روحی تا سرحد خودکشی، کمکی نمیکنند ولی کمک هزینهٔ دولتی به اسم آن کودکان بعنوان حقوق دریافت میکنند.

تا بی نهایت اینگونه انجمنهای به ظاهر غیر دولتی در حیطهٔ حقوق کودکان و نوجوانان وجود دارد که جرأت نمیکنند صحبتی از جرائمی که نام برده ام به میان بیاورند و بنابر اساسنامهٔ انجمن خود از حقوق کودکان و نوجوانان دفاع کنند، دفاع از حقوق کودکان مطابق با قوانین ملی و تعهدات بین المللی که مدعی آن هستند.

تا بی نهایت اینگونه انجمنهای به ظاهر غیر دولتی در حیطهٔ حقوق زنان وجود دارد، اما هیچیک از آنان نمیخواهند، چونکه جرأت نمیکنند، از دو خانم افغانی که مورد تجاوز قضات برای حکم مساعد و کارمندان خانهٔ "امن" زنان قرار گرفته اند، دفاع کنند. دو خانم افغانی که امروز پشیمان هستند و حال و روز خوبی ندارند.

خانمهای مسلمانی که بدنبال کمک از این انجمنهای به ظاهر غیردولتی هستند مورد تجاوز، ضرب و شتم، تحقیر و بدنامی قرار میگیرند و دیگر نه راه برگشتی دارند نه احدی حرف آنان را باور میکنند.

---

154) Räddabarnen
155) Barnens Rätt i Samhälle – BRIS
156) Allmänna Barnhuset
157) Världens Barn
158) Barnrättsbyrån
159) Pappa – Barn

مهمترین انجمنهای متجاوز به جسم و روح زنان مسلمان در سوئد:

- خانم به خانم[160]
- یونی زون[161]، متشکل از 130 "پناهگاه" زنان
- سازمانهای زنان سوئد[162]
- مرکز ملی حفاظت زنان[163]

اینها تنها تعدادی از اینگونه مراکز به ظاهر "پناهگاه" زنان ولی در باطن متجاوز به عنف، روح و جسم زنان خصوصاً زنان مسلمان هستند. درعین حال که این انجمنهای به ظاهر غیردولتی "پناهگاه" تجاوز به زنان، نقش مرجع برای قوانین جدید در سطح کشور را ایفاء میکنند، مرجعی که سیاستمداران سیاستهای خود را از طریق آنان به شهروندان خود تزریق میکنند و بدتر از همه اینست که اینگونه انجمنهای به ظاهر غیردولتی در سطح بین المللی ایفای نقش میکنند و برای کشورهای مسلمان تعیین تکلیف و زنان مسلمان را به انحراف میکشند. چرا اینها به آن دو خانم افغانی مسلمان که مطابق با اطلاعات آنان دادخواستی به رئیس پلیس کشور سوئد به تاریخ 20 مارس 2020 تحویل دادم دفاع نمیکنند؟

و به همین ترتیب ریاکارانه در تمامی موارد، رایاکاریی که سوئدیها استاد اجرای آن هستند ...

[160]) Kvinna till Kvinna
[161]) Unizon
[162]) Sveriges Kvinnoorganisationer
[163]) Nationellt centrum för kvinnofrid

مؤلفهٔ 7 آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین المللی سوئد (SIDA[164])
استعمار ذهن- روح و روان

مهمترین درس این کتاب همین مولفهٔ 7 است[165]. مکانیسم استعمار ذهن- روح و روان، هم در حیطهٔ ملی و هم در سطح بین الملل. مهمترین درس در مورد کلاهبرداری، حقه بازیی که سوئدیها برای جهانیان به نمایش گذاشته اند، مولفه ای طراحی شده برای تأثیرگذاری بر اذهان، استعمار روح و روان مردم این کُرهٔ خاکی.

این آژانس همچنین برای اعمال نفوذ در اذهان ملی و بین المللی از مؤسسات خوش نام به مانند مؤسسهٔ نوبل هم بهره میبرد. مؤسسهٔ نوبل که هر ساله به مدت ده روز در نمایشی با شکوه، پایه گذاری شده بر سرمایهٔ نفت باکو- آذربایجان کنونی، تمدن خود را به رُخ جهانیان میکشند.

با توجه به نحوهٔ کار این آژانس که در اینجا شرحش می آید، یک شارلاتان میتواند به راحتی تبدیل به یک توهم خوبی و خیرخواهی شود.

ثمرهٔ سرمایه گذاری دولت سوئد از طریق آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین المللی سوئد، مکانیسم استعمار ذهن- روح و روان، را میتوان در دو حیطه یافت:

- در حیطهٔ ملی
- در حیطهٔ بین المللی

---

[164]) در این سایت https://openaid.se/ شما میتوانید مطالعه کنید که از سال 1998، به کدام کشور، کدام فرد یا گروهی، برای کدام اهدافی و در چه زمانی دولت سوئد کمکهای مالی بلاعوض انجام داده است.

[165]) با افتخار کامل و مغرور از این موضوع، به آگاهی میرسانم که دولت روسیه حدوداً دو ماه پس از دریافت این کتاب به زبان اصلی آن، سوئدی، فعالیت این مؤسسه را در کشور روسیه ممنوع و ایادی آنرا اخراج کرد. حال اگر ربطی به محتویات این کتاب داشته یا نه، نمیدانم! ولی اتفاقی بسیار جالب، سوأل برانگیز و مسرت بخش برای من است.

- درحیطهٔ ملی

در سطح ملی، دولت همدردی و همدلی با نژاد انسان در این کُرهٔ خاکی را به اذهان شهروندان خود تزریق میکند. این آژانس دولتی به شهروندان خود یک حس رضایت، راضی از انسانیت خود بودن و بزرگمنش بودن میدهد زمانیکه در یک منطقهٔ دور افتاده ای از آمریکای جنوبی، آفریقا، خاورمیانه و یا آسیا مخزن آبی میسازد، و اگر مولفهٔ 4 را بیاد بیاورید سوئد در اقصی نقاط دنیا خبرنگاری برای تهیهٔ گزارش و دمیدن در بوق جهانی دارد.

این آژانس دولتی حس جنگجو بودن در دنیایی پُر از ظلم و استبداد به شهروندان خود تزریق میکند، جنگجویانی که برای آزادی دنیا یکچنین کار مهمی برای مردم سالاری، آزادی و رفاه در جهان انجام میدهند. مبارزه برای رفاه کودکان در دنیا، حقوق زنان، حقوق همجنسبازان و دیگر حقوقهایی که سوئد مدعی انحصار آن است و به سینهٔ خود میکوبد.

با توجه به بزرگنمایی بدبختی دیگران در این کُرهٔ خاکی، بدبختی تمام دنیا بغیر از غرب، شهروندان سوئدی بدون اینکه علت را جویا شوند، خود را ملتی برتر و با تمدن میبینند. این آژانس دولتی با کمک رسانه ها که فقط بدبختی دیگرکشورها در مناطق فقیرنشین، محیطهای کوچک، کثیف، بدون آب آشامیدنی و بدون بهداشت را نمایش میدهند به ملت خود یک حس سعادت و خوشبختی تزریق میکنند. سعادتمند از اینکه در سوئد بدنیا آمده اند و نه در آن مناطقی که این آژانس دولتی از آن خبر میرساند، مناطقی که حالا شهروندان سوئد شانس آنرا دارند که به دیگر انسانها کمک کنند و کیفیت زندگی آن افراد شوربخت را ارتقاء دهند.

اما مهمتر از همهٔ این احساسها، حس امنیت است که به شهروندان سوئد تزریق میشود، در دنیایی پُر از زندگیهای فلاکت بار، دیکتاتور، ترور، جنگ و ویرانی که سوئدیها در امان هستند. این آژانس دولتی به افکار سوئدیها این حس را تزریق میکند که در دنیایی پُر از بربرها، در دنیایی از انسانهای غیرمتمدن این تعهد اخلاقی سوئدیهاست که نقش خود را بعنوان یک نژاد برتر به دیگران ایفاء کنند.

اما اکنون توسط این سه کتاب[166] مستند اینگونه ریاکاریها نه تنها برای جهانیان بلکه حتی برای شهروندان سوئدی نیز آشکار شده است. اکنون هیچ شکی برای جهانیان وجود ندارد که سوئد قهرمان در حقه و تقلب[167] است و برای موفقیت در ریاکاری خود با ترفند بشردوستی از طریق آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد، برای خود اعتبار خریده است، آژانسی با بودجه ای بیشتر از بودجهٔ سالیانهٔ دفاع ملی در سوئد. آژانسی پایه گذاری شده بر حس شفقت انسانها، ترحم و همدردی، یک بازی دوسر پیروزی هم در سطح ملی و هم در سطح بین الملل.

---

[166])
- هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد
https://docdro.id/AlzVR4a
- سوئدیها احمق هستند به نقل از لُنگرودی، زن ایرانی
https://www.docdroid.net/tzej1mK/manual-farsi-a5.pdf
- شکنجهٔ ابریشمی در سوئد – کتابی که در حال مطالعه هستید.

[167]) پس از افشاء پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" در کتابی مستند به همین عنوان.

وگرنه چرا فکر میکنید که سوئد با یک جمعیت ده میلیونی که حدوداً دومیلیون آن در این سه دههٔ اخیر به سوئد مهاجرت کرده اند، سالیانه 1.14 درصد از درآمد ناخالص ملی خود را برای مبارزه با فقر و رفع نیازهای اولیهٔ انسانهای دردمند و محتاج در جهان سرمایه گذاری میکند؟

سوئد که از یکطرف با توجه به راهنمائیهای راهبردی شورای موازین پزشکی- اجتماعی با توجه به اخلاق، ذکر شده در صفحهٔ 24 همین کتاب، تأکید میکند که "*ارزش انسانی خدشه ناپذیر نیست، بنابراین افراد بیمار و ناتوان از ارزش کمتری برخوردارند و همچنین در برخی موارد اقدامات تروریستی میتواند موجه باشد*!" از طرفی دیگر بسیاری از بازرسان سازمان ملل متحد، که کشورها نادانسته بخاطر حقه بازی بی نظیر سوئدیها در نقش بشردوستی، به آن بازرسان اعتماد دارند از دیپلماتهای سوئدی تشکیل شده است.

حال متوجه میشوید که چرا کشور سوئد اینگونه تهاجمی در این آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سرمایه گذاری میکنند؟ سرمایه گذاری که مبلغ آن بیشتر از بودجهٔ سالیانهٔ ارتش در سوئد است! 01 ژانویهٔ 2022.

تاریخ همیشه مهم است!
سوئد بعنوان یک کشور، هرگز عامل قدرت مهم در جهان نبوده و نیست. کشور سوئد فاقد هرگونه ارزش سوق الجیشی و یا اقتصادی است، عواملی که سوئد را در طی 200 سال اخیر از جنگ دور نگه داشته است، حتی در دوجنگ جهانی که اروپا خود شعلهٔ جنگ را برافروخته بود.

از سوی دیگر، جمعیت سوئد پس از یک دورهٔ سخت سرما در قرن نوزدهم[168] که باعث محصول کم کشاورزی شده بود، دچار قحطی، گرسنگی، بیکاری، اقتصاد ضعیف ... شده بود و شهروندان آن مجبور به مهاجرت دست جمعی شدند، عمدتاً به ایالات متحدهٔ آمریکا و همچنین به سایر کشورهای اروپایی.

با گذشت زمان، سوئدیها آموختند که برای تشدید نکردن موقعیت بدی که در آن قرار داشتند، با قدرتهای بزرگتر زندگی مسالمت آمیز داشته باشند و در بسیاری ازموارد از حق خود بگذرند. آخرین مورد در طول جنگ جهانی دوم، زمانیکه هیتلر 1939 – 1945 اجازهٔ یافت بدون هرگونه اعتراضی از شبکهٔ خطوط راه آهن سوئد استفاده کند. بدینوسیله هیتلر توانست برای جابجایی سربازان و ابزارآلات جنگی در مقابل فنلاند و نروژ بسیار سود بَرَد، دو کشور همسایهٔ سوئد و همچنین کشورهایی که با روسیه هم مرز بودند.

[168]) در اینجا شما میتوانید در مورد مهاجرت دسته جمعی سوئدیها (456 170 1) به خارج از کشور، در صدهٔ نوزدهم و همچنین اوایل صدهٔ بیستم میلادی مطالعه کنید.
https://www.scb.se/hitta-statistik/artiklar/2013/sa-paverkade-utvandringen-till-amerika-sveriges-befolkning/

ولی این موضوع به همینجا ختم نشد! سرمایه داران سوئدی از این موقعیت استفاده کردند و تمام مواد اولیه[169]، آهن مورد نیاز آلمانیها برای به قتل رساندن همین فنلاندیها و نروژیهای همسایه را به قیمت گزاف به ماشین جنگ افروز آلمان فروختند و نه تنها همسایگان بلکه تمامی مردم جهان که در واقع نقشی در جنگ اروپا نداشتند ولی به اشکال مختلف مجبور بودند که از کشور خود دفاع کنند، یکی از آن کشورها ایران، به قتل رسیدند و یا به اشکال دیگر جان خود را مقابل گلوله های طرفین متخاصم، به کمک معادن سنگ آهن در سوئد، از دست دادند.

کدامیک از شما، چه در سوئد و چه در خارج از سوئد که این مطلب کوتاه را خوانده اید، از نقش مهم خانوادهٔ والن بری، در جنگ جهانی دوم، در سوئد مطلع هستید؟ خانوادهٔ یهودی والن بری، که در کشور کوچک انساندوست و وجدان جهانی بشریت، سنگ بنای ماشین جنگ هیتلر "آهن" را برای به قتل رساندن همان یهودیهایی که اینان مدعی آن هستند، را تأمین میکرد؟ کدامیک از شما در مورد نقش رائول والن بری، این فرشتهٔ نجات یهودیان تبعیدی، تحت تعقیب و یا آماده به قتل در اردوگاههای نسل کُشی هیتلر میدانید؟

در سوئد، یک خانوادهٔ متموّل یهودی بدون اینکه سوئد درگیر جنگ شود، ثروتی نجومی به جیب میزند و با یک دست کمک به قتل یهودیان میکند و با دستی دیگر یهودیان متموّل در اردوگاههای نسل کُشی هیتلر را در مقابل پرداخت مبلغی نجات میدهد! قتل سربازان در سرتاسر دنیا، ایرانیانی که آذوقهٔ جنگ را تأمین میکردند و خود از قحطی و گرسنگی میمُردند، بماند.

آیا یک ملت، یک خانواده، یک فرد میتواند ریاکارتر از این باشد؟ سوئد، کشور پادشاهی بیطرف، به روی هر دو سناریو سرمایه گذاری کرد، زیراکه بدیهی بود که یکی از آنها در نهایت پیروز خواهد شد. طنز این جریان تاریخی در اینست که، کاخ سلطنتی، گروهی که در کنار هیتلر قرار داشتند، گروه بازنده بودند و قیمتش را در یک سانحهٔ هوایی[170] کاخ سلطنتی پرداخت کرد، هزینه ای که در آن ولیعهد یک ساله را، پادشاه کنونی سوئد، در خانه گذاشتند و وارث تاج و تخت پادشاهی همراه همسرش سوار هواپیما آماده برای سقوط شدند.

از سوی دیگر والن بری آهن فروش، مالک معادن سنگ آهن در سوئد، که در قتل عام یهودیان شریک جرم بود مجبور شد که در مقابل سازمان ملل متحد نقش خود را توجیه کند همزمان که شدیداً نقش رائول والن بری، را در جنگ بعنوان یک شخص مقدس، فرشتهٔ نجات یهودیان بزرگنمایی میکردند، فرشته ای که در سال 1945 بدون هیچ اثری ناپدید و مفقود شد. میگویند که او جان 2000 یهودی را از اردوگاههای قتل نجات داد! ولی کسی چه میداند؟ این هم میتواند یکی از همان دروغهای یهودیان باشد!؟ جالبتر اینست

---

[169]) معادن سنگ آهن/شرکتهای صنعتی متعلق به یک خانوادهٔ یهودی سوئدی (خانوادهٔ والِنبرگ) بود که بعداً، پس از جنگ جهانی دوم، در برابر سازمان ملل متحد پاسخگوی نقششان در جنگ جهانی دوم شدند، اما نه چیز بیشتر، در حالیکه ولیعهد سوئد که از طرفداران افکار هیتلر بود، با ملکهٔ خود در یک به اصطلاح "سقوط هواپیما" به قتل رسیدند.

[170]) این بدان معنی نیست که زوج جوان خاندان پادشاهی میدانستند که چه سرنوشتی در آینده ای نزدیک در انتظارشان است. آینده ای که پشت دربهای بستهٔ خاندان سلطنتی انگلیس و به دستور مستقیم آنان بواسطهٔ حمایت خاندان پادشاهی سوئد از هیتلر و طرفداری آنان از نازیستها رقم خورد. این زوج سلطنتی در سال 1947 در حادثهٔ هوایی ترور شدند.

که بعدها کاشف بعمل آمد که رائول والن بری بدنبال افراد ثروتمند یهودی گرفتار در جبههٔ شرق بود که بستگانشان در غرب میتوانستند هزینهٔ آزادی آنان را پرداخت کنند!

در این زمینه، شایان ذکر است که آن نژاد خالص آریایی که هیتلر صحبت از آن داشت، بر اساس مطالعه ای در دانشگاه اُپسالا- سوئد، به نام "زیست شناسی نژادی[171]" پایه گذاری شده بود که از سال 1907 مطالعات آن در دانشگاه اُپسالا- سوئد شروع شده بود. این مطالعات در سال 1921 توسط پارلمان سوئد با ایجاد "مؤسسه ای" به همین نام مشروعیت گرفت و این مؤسسه در همان دانشگاه اُپسالا[172] تأسیس شد با وظیفهٔ تحقیق و پیشنهاد راهکار در مورد چگونگی حفظ و بهینه سازی نژاد برتر در سوئد و دیگر کشورها.

/// داخل پرانتز اطلاع دهم که سوئد از اواسط 1930 تا اواسط 1970، شهروندان "گُند ذهن" خود را و یا شهروندانی که از بیماریهای روحی روانی زجر میبردند به اجبار عقیم میکرده و تعدات این بخت برگشتگان پس از 40 سال متجاوز بر 60000 شهروند، اکثراً مؤنث، عقیم شده بودند. این واقعیت را میتوانید از طریق آرشیو کتابخانهٔ ملی سوئد بدست آورید.

در این بیانیهٔ دولت[173] به تاریخ 23 مارس 2018 صحبت از تصمیم مجلس سوئد مبنی بر دیهٔ افرادی که به اجبار از تاریخ 1 ژولای 1972 تا 30 ژوئن 2013 عقیم شده بودند دارد. شهروندانی که در خطر عقیم شدن اجباری قرار داشتند عبارت بودند از؛ شهروندان با مشکلات مقطعی روحی، عقب ماندگان ذهنی، ناتوانان جسمی (بیماریهای غیرقابل علاج) و شهروندان غیراجتماعی، همگی مشمول این قانون عقیم سازی اجباری بودند.

متوجه شدید؟
تا 30 ژوئن 2013! یعنی تا 9 سال پیش!
بدین معنی که هیئت حاکمه در سوئد شهروندان خود را به اجبار تا سال "2013" عقیم میکرده اند. یعنی تا 9 سال پیش، هیئت حاکمه در سوئد شهروندان مزاحم! را بدینگونه خفه میکرده اند و معمولاً شهروندان مزاحم دگراندیشانی بودند که برای آرمانی مبارزه میکردند، مبارزه ای که مجازاتش عقیم شدن اجباری بود.

به خوبی به یاد می آورم اولین روز مقابل مدرسه ای که فرزندانم در آن به اسارت بودند. پس از دریافت خبری از فردی ناشناس و تحقیق در آنمورد محل مدرسه ای را که دخترانم به اجبار به آن مدرسه میرفتند یافتم و عَلَم خود را در زمین آن مدرسه (Skuru Skola – Nacka kommun) برافراشتم.

---

[171]) مطالعات در مورد امکان اصلاح نژاد انسان- اقوام مختلف (یهودیان)، با کمک اقدامات بیولوژیکی و همچنین فرهنگی، اجتماعی.
[172]) یک مؤسسهٔ زیست شناسی نژادی، با وظیفهٔ تحقیق برای محافظت در مقابل دشمنان داخلی! با دشمنان داخلی منظور شهروندان معیوب (معلول جسمی و روحی)، افراد غیر اجتماعی (کناره گیر)، افراد غیرعادی (نابهنجارها از قبیل همجنسبازان) و مجرمین قضائی.

[173]) https://www.regeringen.se/artiklar/2018/03/personer-som-drabbats-av-steriliseringskrav-ska-kunna-fa-ersattning-pa-225-000-kronor/

به خوبی خانم مُسنی را به یاد می آورم که پس از مطالعهٔ اسناد رسمی در عَلَم، سوأل و پرسشهای متفاوت، شروع به اطمینان کرد، خودش را نزدیک آورد و در گوشم گفت "مواظب خودت باش، اینان آمپولی تزریق خواهند کرد که تمام مغزت را به هم بریزد!" گفتن همانا و پلیسی موتورسوار، لباس شخصی ظاهر شدن همان! و نفهمیدم آن خانم مُسن از کجا و چگونه غیبش زد!

فیلم صحبت (پرخاشگری) پلیس به ثبت رسیده است و آن پلیس را میتوان شناسایی کرد ولی آن خانم مُسن غیبش زده تا به امروز. نه اینکه او را گرفته باشند، بلکه او از ترس جرأت آشکار شدن ندارد.

مدرسهٔ اِسکورو در شهر ناکا.

در مورد عقیم سازی اجباری گفتنی ها بسیار است که از موضوع این کتاب خارج است، همانقدر بدانید که سوئدیها هر چیز دیگری هستند بغیر از آنچه که به آن تظاهر میکنند و شما در مورد سوئد باور دارید.///

آنوقت همین سوئدیها احساس خدایی میکنند زمانیکه مخزن آبی برای نیازمندان در کشوری میسازند! توسط همین آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل، سیاستمداران میتوانند اینگونه واقعیتها را به حاشیه ببرند و پس از مدت زمانی بدست فراموشی سپرده شود. این آژانس توانست که جنایات سوئد در زمان جنگ جهانی دوم و در زمینهٔ حقوق بشر علیه شهروندان خود را به باد فراموشی بسپارد. با کمک این آژانس سوئد میتواند به تحریف حقایق، شستشوی مغز شهروندان خود و شهروندان این کُرهٔ خاکی ادامه دهد.

بله، اینجاست که شما متوجهٔ اهمیّت یک چنین آژانسی میشوید که سوئد 1.14 درصد درآمد ناخالص ملی خود را صرف هزینه های آن در سرتاسر دنیا میکند. یک آژانس خیریه برای پوشاندن بوی تعفن در سوئد. یک آژانس خیریه برای تزریق تفکر "استعمار" که شما در حیطهٔ بین المللی مطالعه خواهید کرد، استعماری که زیرکانه به شهروندان خود و جهان غالب میکند.

شما بزودی شاهد و درک مکانیسم این آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد، در ترور و به قتل رساندن کودکان و زنان دیگر کشورها علی الخصوص کشورهای مسلمان خواهید شد که تمام مردم سوئد در تأمین مالی آن مشارکت دارند.

این آژانس، دستگاهی دولتی به منظور دروغگویی برای فریفتن عمدی شهروندان خود و جهانیان که هزینهٔ آنرا تمامی شهروندان سوئد از طریق تضعیف رفاه اجتماعی پرداخت میکنند.

در سایت[174] آژانس دولتی صندول توسعهٔ بین الملل سوئد آمده است:
"هر فردی که در سوئد مالیات میپردازد به ایجاد و توسعهٔ پایدار در جهان کمک میکند. در سال 2020 مطابق با گزارش کمکهای بلاعوض 58.46 میلیارد کرون بود که برای مبارزه با فقر در جهان و تسهیل تنگدستی بسیاری در دنیا به مصرف رسید."

در این سایت شما میتوانید ملاحظه کنید که کمکهای بلاعوض سوئد از سال 1998، در چه زمانی، به کدام کشورهایی و برای چه اهدافی پرداخت شده است.

اجازه دهید دوباره سوأل کنم!
به نظر شما چرا کشوری به مانند سوئد با ده میلیون نفر جمعیت که دو میلیون آن از مهاجرین هستند، 1.14 درصد از درآمد ناخالص ملی خود را خرج فقر و تسهیل تنگدستی در دنیا میکند؟

اهداف این آژانس از کمک به خاورمیانه و شمال آفریقا در صفحهٔ[175] 73 توضیح داده شده است:

---

[174]) https://www.sida.se/
[175]) https://cdn.sida.se/publications/files/-sidas-arsredovisning-2020.pdf

"بودجهٔ اختصاص داده شده برای خاورمیانه و آفریقای شمالی چهار هدف استراتژیکی را دنبال میکند. تمرکز این استراتژیها متفاوت است، اما عموماً با هدف تقویت مردم سالاری و افزایش احترام به حقوق بشر و همچنین توسعهٔ پایدار است. همه برای بهبود شرایط صلح، دولت سازی، ثبات و آزادی."

اهداف مختص خاورمیانه[176] (مِنا)، در صفحهٔ[177] 74 توضیح میدهد:

"ارزیابی ما بر اینست که این سبد راهبردی در ارتباط با اهداف ما است که در آن 5 از 8 هدف استراتژیکی مرتبط با ابتکارات و فعالیتهای آژانس هستند. از طریق یک گفتگوی فشرده و همه جانبه با شُرکا، همکاری آژانس به شیوه ای مناسب با شرایط تطبیق داده شده است، علی الخصوص در ارتباط با مواظین حقوق بشر. ابتکارات جدیدی توسعه یافت و حمایتها افزوده شد، از جمله کمک به زنان و کودکانی که مورد تعرض جنسی و جرائم مبتنی بر جنسیت قرار گرفته بودند. فعالیتهایی در کل منطقه در ارتباط با بهینه سازی محیط زیست و همچنین فعالیتها در زمینهٔ افزایش همکاری مابین کشورها در منطقه و شُرکای بازارکار را ما تا حدی مرتبط میدانیم. این فعالیتها نیاز دارند که مستحکمتر شوند، چه از نظر تعداد شُرکا در منطقه و همچنین با سازگاری بهتر نسبت به قوانین محدودیت سفر در منطقه ... "

بنابراین بدون اغراق، کلمات کلیدی که محور کار این آژانس است عبارتند از:
مردم سالاری – حقوق بشر – صلح – دولت سازی! – ثبات – آزادی – زنان و کودکانی که مورد خشونت جنسی، جنسیتی (همجنسگرایی) قرار گرفته اند.

بازتاب:
کدامیک از این کلمات کلیدی با فقر و تسهیل تنگدستی مبارزه میکند؟ مأموریتی که این آژانس برای خود تعریف کرده است بیشتر شبیه این است که این آژانس به خود اجازه میدهد که در امور و سیاست داخلی کشورها دخالت کند. آژانس صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد حتی شهروندان خود را میفریبد.

بعنوان مثال، این آژانس در سال 2020 به نیازمندان یمن به مبلغ 465.73 میلیون کرون کمک بلاعوض کرده است، در حالیکه صنعت جنگ سوئد متعلق به والن بری (این اسم را بجا می آورید؟) تسحیلات جنگی به ارزش یک و نیم میلیارد کرون به عربستان سعودی و امارات فروخته است، همان کشورهائیکه زیرساختهای یمن از قبیل جاده ها، پلها، بیمارستانها، نیروگاه های برق، مخازن آب، مدارس، به شهادت رساندن کودکان و زنان یمن را در خانه هایشان در کشور یمن بمباران میکند. یک و نیم میلیارد کرون در قالب سلاحهای کشتار جمعی کودکان و زنان یمنی، سلاحهایی که باعث فقر مضاعف، مهاجرت اجباری، بدبختی و پریشان خاطری یمنیها میشود.

---

[176]) منظور از منطقهٔ مِنا در خاورمیانه کشورهای مراکش، الجزیره، تونس، لیبی، مصر، فلسطین، اُردون، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحدهٔ عربی، عُمان و یمن است.
https://ustr.gov/countries-regions/europe-middle-east/middle-east/north-africa

[177]) https://cdn.sida.se/publications/files/-sidas-arsredovisning-2020.pdf

شهروندان سوئد از صندوق مالیات همگانی، 465.73 میلیون کرون در سال 2020 برای بشریت در یمن سرمایه گذاری کرده است در حالیکه صنعت اسلحهٔ والن بری (خصوصی) سه برابر آنرا، یعنی یک و نیم میلیارد کرون برای قتل انسانها، کودکان و زنان و نابود کردن زیرساختها در یمن کسب درآمد کرده است.

ویرانی و شهرهای خالی از سکنه را میتوان به راحتی در یمن یافت ولی آیا این آژانس میتواند دقیقاً بگوید که آن 465.73 میلیون کرون از صندوق مالیات همگانی شهروندان سوئدی صرف چه مخارجی شده است؟ البته که نه!

عجب!

به چه شکلی سه برابر استرداد به شکل درآمد خصوصی در صنایع تسلیحاتی در سوئد، زندگی کودکان یمنی را قابل تحمل تر کرده است و یا چگونه کمک به ثبات کشور، صلح و آزادی، دولت سازی، مردم سالاری، حقوق بشر و حقوق زنان در یمن کرده است؟ یکچنین ذهنیّت ریاکارانه ای در همهٔ موارد که سیاستمداران سوئدی در روال عادی کار خود دارند، آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد هم از این قاعده مستثنی نیست.

در گذشته، این مبلغان مذهبی بودند که با یک صلیب کوچک به دست وارد روستاهای آفریقائیان میشدند، اعتماد در میان بومیان ایجاد میکردند تا بعداً سربازان اروپایی- سرزمین، روستاها و خانه های آنان را بدون هیچگونه مقاومتی فتح کنند. اکنون این وظیفهٔ آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد و از این دست انجمنهای دولتی و غیردولتی است که وظیفهٔ میسیونرهای زمان رُنسانس را به شیوه ای جدید، مبتکر و با سرمایه ای محدود از انباشتهٔ مالیات همگانی، را اجراء کنند. دقیقاً با همان اهداف و نتیجه؛

- "فلاکت، تهیدستی، قتل و غارت برای دیگران، مقابل قدرت و ثروت اندوخته برای سوئد."

ظاهر آن سازندگیها که شهروندان سوئدی و جهانیان میبینند همان مخزن آبی است، احداث شده در منطقه ای در این کُرهٔ خاکی که سوئد در آن منافعی دارد. اینگونه حرکات ظاهری، دقیقاً همان مطلبی است که سوئدیها افکار- ذهن و روح شهروندان خود و جهانیان را مستعمرهٔ خود میکنند، بهترین روش پنهان نمودن اهداف خود.

در عوض باطن و دلیل واقعی اینگونه سازندگیها ایجاد ساختار نفوذ است. آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد فعالانه برای اغتشاش و آشور در دیگر کشورها هزینه میکند. یک مثال مبتنی بر سند که در آن این آژانس سوئدی هزینه های زیادی برای آشوب و ایجاد شورش پرداخت میکند، کشور مستقل ایران است. لباس گوسفندی به نام مردم سالاری، آزادی بیان، حقوق و رفاه کودکان، حقوق زنان ... خودتان جای خالی را پُر کنید و از این دست فریبکاریهای متداول سوئدیها.

آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد در سال 2013 مبلغ 587.150 هزار یورو[178] به اسم آزادی بیان و آزادیهای گوناگون در ایران به یک روزنامه نگار ایرانی مقیم کانادا پرداخت کرد تا به شهروندان ایرانی که وظیفهٔ تحریک دیگر شهروندان را داشتند شروع به اغتشاش کنند، آتش بزنند و ویرانی ایجاد

[178]) در این کلیپ به دقایق 33:35 – 34:40 و همچنین 35:51 – 36:01 توجه کنید
https://www.youtube.com/watch?v=Q-1KshAYZv4

شده را فیلمبرداری و ارسال فیلم "قیام ملی – عوض کردن دولت ... و یا هر اسم دیگری" برای روزنامه نگار مورد نظر در کانادا و دریافت دستمزد از او. آن روزنامه نگار ایرانی-کانادایی به نوبهٔ خود آن فیلمها را برای رسانه های مختلف جهان ارسال میکرد که به خودی خود زمینه ای میشد برای ادامهٔ دریافت کمک مالی برای تولید شورش در ایران و انتشار دروغ در مورد ایران. این روش از کشورهای دیگر در غرب هم نسبت به ایران و سایر کشورها اعمال شده است.

یکسال بعد، 2014، همان مأموریت به همان فرد خاص در کانادا، اینبار به مبلغ 1.200.000 میلیون یورو، که منبع آن دوباره همان آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد از صندوق مالیاتی که شهروندان سوئدی اجبار به پرداخت آن دارند ولی نمیدانند که در چه زمینه هایی مصرف میشود، بود. مالیاتهایی که میبایست برای رفاه اجتماعی در کشور سوئد و شهروندان سوئد هزینه میشد.

این واقعیت را یادآوری میکنم؛

- "*همهٔ افرادی که در سوئد مالیات میپردازند به ایجاد توسعهٔ پایدار در جهان کمک میکنند!* "!

در مورد این آژانس سوئدی و ایران حقایق بیشتری وجود دارد!

در سال 2006 یک تروریست بین المللی[179] به سوئد آورده شد. این تروریست (حبیب فرج جلب) در ظاهر امر در شهرداری گوتنبرگ استخدام و با بودجهٔ این آژانس به کار گمارده شد. سازمان امنیت سوئد بوسیلهٔ آن تروریست توانست هسته های تروریستی در سوئد و دیگر کشورهای غربی علی الخصوص در اسکاندیناوی علیه کشور مستقل ایران و علیه شهروندان ایران سازماندهی کند.

این تروریست با برنامهٔ سازمان امنیت ملی سوئد آموزش دید و با بودجهٔ صندوق توسعهٔ بین المللی سوئد تجهیز شد و با پشتیبانی دولت سوئد در سال 2018 توانست 25 کودک و زن اهوازی را به شهادت برساند.

این تروریست سوئدی همچنین با پشتیبانی دولت سوئد 68 کودک، زن و مرد غیرنظامی اهوازی را توسط همدستان خود مثله کرد. این همان ترور رژهٔ نظامی به تاریخ 21 سپتامبر 2018 در اهواز است که دولت سوئد مستقیماً برای آن بودجه ای تعریف کرد، بودجهٔ ای که از طریق آژانس صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد غیرقابل ردیابی شد، تروریستها را توسط حبیب فرج جلب سازماندهی کرد، تسحیلات لازم در اختیارشان گذاشت، مقدمات جابجایی تروریستها را فراهم کرد و در نهایت 25 کودک، زن و مرد غیرنظامی اهوازی را به شهادت رساند و 68 تن دیگر از کودکان، زنان و مردان غیرنظامی اهواز، شهروندان ایرانی را نقص عضو کرد.

بند سه دستورالعمل پیشنهادی شورای اخلاق پزشکی سوئد، در صفحهٔ 23 همین کتاب را یادآوری میکنم که در آن آمده است؛

- "*اقدامات تروریستی در بعضی موارد موجه است!* "

و ایران پس از انقلاب اسلامی سال 1979 همیشه یکی از همان موارد، هدف موجه برای غربیها بوده است!

[179]) https://www.svt.se/nyheter/utrikes/svt-avslojar-annu-en-svensk-medborgare-riskerar-avrattning-i-iran-ud-bekraftar

ایران فقط نمونه ای است که من اسنادی در مورد ادعاهایم دارم. رویکرد آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد در مورد مجازبودن ترور و قتل کودکان و زنان در تمام قاره ها بغیر از غرب به همینگونه است. سوئد به خود اجازه میدهد که دیگر شهروندان این کُرهٔ خاکی را به قتل برساند و این دو مورد کافی است که دولت سوئد را به نام "دولت ترور" همطراض با اسرائیل بدانیم.

شهرت خوب کشور سوئد در عرصهٔ بین الملل از طریق آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد خریداری میشود، شهرتی که در واقع توسط مالیات مردم هزینه میشود و این فرصت را برای کشور سوئد ایجاد میکند که با یک ظاهر بشردوستانه روابط خود را با مردم کشور میزبان گسترش دهد و شروع به شبکه سازی کند. شبکه ای که به زمان خود استفاده خواهد شد. شبکه ای که به ظاهر نه تنها بی ضرر بلکه مفید برای کشور میزبان، ولی در باطن یک شبکهٔ جاسوسی با مأمورتهای خُرد.

این شبکه ها در کشور میزبان در نهایت حماقت خود و نادانی در مورد افکار پلید سوئدیها و همچنین بخاطر کمک بلاعوضی که حتی از دولت خودشان دریافت نمیکرده اند کاملاً خود را به دروغهای سوئدیها در مورد مردم سالاری، آزادی بیان، حقوق و رفاه کودکان و زنان ... میبازند و صادقانه به سوئدیها اعتماد میکنند.

این شبکه های خُرد که از نفرت نهادینه شدهٔ سوئدیها علیه اسلام و مسلمانان کاملاً بی اطلاع هستند، از صمیم قلب به سوئدیها کمک میکنند و اطلاعات درخواست شده را در اختیار آنان میگذارند و زمانی متوجهٔ خبط خود و نفاق سوئدیها خواهند شد که دیگر راه بازگشتی وجود ندارد. در این معادله آسیبی جبران ناپذیر به خودشان، خانواده هایشان، بستگانشان، دوستان و آشنایانشان و چه بسا به کشورشان زده اند.

آژانس صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد، سال 2020 مطابق با گزارش رسمی خود، مبلغ 22.080.000 میلیون کرون به ایران کمک کرده اند!

سوأل اینست که برای کدام پروژه یا پروژههایی؟
آیا دولت سوئد میتواند/میخواهد که جزئیات پروژه/پروژههایی را که در ایران انجام داده است را رسماً آشکار کند و شرح دهد؟ کدام پروژهٔ سوئدی در ایران که از طریق آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد به ثمر نشسته است بار زندگی مردم تحت ستم ایران را قابل تحمل تر کرده است؟

شایان ذکر است که سوئد از فروش دارو[180] به کودکان پروانه ای[181] خودداری کرد و بدینوسیله موجب وفات صدها کودک مبتلا به این بیماری در ایران شد. رفاه و آسایش صدها کودک ایرانی مبتلا بر بیماری پروانه ای کافی نبود که سوئدیها نقش بشردوستانه بازی کنند و در نتیجهٔ قربانی نفرت سوئدیها علیه اسلام و مسلمانان شدند و جان خود را در نهایت از دست دادند. آنوقت سوئد مبلغ 22.080.000 میلیون کرون در سال 2020 برای ایران و رفاه ایرانیان سرمایه گذاری کرده است!؟

---

[180]) www.molnlycke.se

[181]) اپیدرمولیسیس بولوسا، نام جمعی از حدود 30 بیماری موروثی است که باعث ایجاد تاول در پوست میشود.

آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد در سال 2020 به همین ترتیب به این کشورها در خاور میانه کمک کرده است:

- کمک به فقر و تنگدستی در ترکیه 285.360.000 میلیون کرون.
- کمک به فقر و تنگدستی در سوریه 547.140.000 میلیون کرون.
- کمک به فقر و تنگدستی در عراق 397.590.000 میلیون کرون.
- کمک به فقر و تنگدستی در افغانستان 1.050.000.000 میلیارد کرون.

آیا دولت سوئد میتواند و یا میخواهد به شهروندان خودش گزارش دهد که چه پروژههایی در این کشورها از مردم سوئد کمک مالی دریافت کرده اند؟ کدامیک از پروژهٔ این آژانس زندگی مردمان کشورهای نامبرده را قابل تحمل تر کرده است؟

در عوض من میتوانم افشاء کنم که دولت سوئد در حال گسترش همکاری با گروههای تروریستی (PYD – YPG/YPJ – HDP) جدایی طلب در سوریه و ترکیه است. آیا این اعلان جنگ به این دو کشور مستقل نیست؟ صد البته که اعلان جنگ است زمانیکه پارلمان سوئد، به نهاد اجرائی خود، دولت سوئد، دستور میدهد (رسماً) تا تروریستهای کشورهای دیگر (سوریه و ترکیه) را برای سرنگون ساختن ساختار حکومتی آن کشورها، تخصیص بودجه کنند و همکاریهای لازم را انجام دهند.

Socialdemokraterna

S FÖRDJUPAR SAMARBETE MED SJÄLVSTYRE

Socialdemokraterna avser att fördjupa sitt samarbete med PYD. Amineh Kakabaveh kommer att delta i den grupp med Socialdemokraterna som kommer att arbeta med detta.

Vi för detta för att vi stödjer Självstyret i nordöstra Syriens arbete för demokrati och respekt för mänskliga rättigheter. Självstyret i Rojava är viktigt i Mellanöstern, och vi vill fortsätta att stödja dem. Återuppbyggnaden efter kriget är angelägen och Sverige ska stödja detta. Det politiska partiet PYD har en bärande roll i Självstyret och utgör en legitim samtalspartner.

ISIL/Daesh totala grymhet, brutalitet och fullständiga respektlöshet mot mänskliga rättigheter är vidrig och oacceptabel.

Kampen mot ISIL/Daesh har krävt stora uppoffringar, och är ännu inte över. YPG/YPJ har en central del i det här arbetet och vi stöttade deras kamp mot Daesh. Slaget om Kobane var en viktig vändpunkt och de kurdiska styrkorna med deras allierade vände utvecklingen på marken. Sverige är en del i den internationella koalitionen mot Daesh.

De allra flesta av oss har hört talas om Daeshs grymma handlingar. De kristna som blev dränkta i en bur med undervattenskameror. Mördade enbart för att de var kristna. De två unga homosexuella killar som blev kastade från ett höghus i Raqqa. Mördade enbart för att de var homosexuella. Eller alla de yazidier som blev mördade enbart för deras etnicitet. Detta är bara några av många exempel. Ansvarsfrihet får aldrig vara ett alternativ.

YPG/YPJ har tagit, och tar, ett stort ansvar för att förvara Daesh-terroristerna. De som slagits på Daesh sida måste ställas inför rätta. Vi ska fortsatt driva på att de som begått terrorhandlingar, brott mot mänskligheten ska ställas inför rätta.

I krigets spår har många människor flytt från terror och förtryck. Rättssäkerheten för dessa människor måste garanteras. Att frihetskämpar som slagits eller sympatiserar med YPG/YPJ eller PYD klassas av vissa statsaktörer som terrorister är oacceptabelt.

Vi noterar också hur vårt systerparti HDP i Turkiet fortsätter att kämpa med demokratiska medel och stöder dem i deras kamp för kurdernas rättigheter, och vi kräver att partiledaren Selhattin Demirtash friges.

Stockholm 24 november 2021

Tobias Baudin
Partisekreterare

Amineh Kakabaveh
Riksdagsledamot

آیا سوئد جرأت دارد که همکاری خود را با سازمان تروریستی (IRA – Baskien – Kagalanska) که جدایی طلب چند ملیّتی در اروپا هستند را اینگونه رسماً اعلان کند؟ برای آن گروههای تروریستی بودجه تصویب کند و نقشهٔ راه برای به قتل رساندن کودکان و زنان اروپایی ترسیم کند؟

بله، سوئد و سوئدیها اینچنین هستند. این آژانس دولتی در ظاهر ساختار خیریه ای به نظر میرسد که فقط یک سقف ساده برای نیازمندان در کشورهای فقیر و عقب افتاده به مانند ایران میسازد و یا مدرسه ای با کمترین هزینه و به ساده تری شکل آن، همزمان که مبالغ هنگفت را صرف ایجاد یک شبکهٔ نفوذ برای

خرابکاری، هسته های تروریستی، سازماندهی ستون پنجم، برپایی شورش و آشوب در کشور میزبان میکند.

بله، اینچنین هستند سوئد و سوئدیها که برای یک مخزن آب با کمترین هزینه در نقاط دورافتادهٔ آمریکای جنوبی، آفریقا، خاورمیانه، آسیا، ایران، عراق، ترکیه، یمن، افغانستان ... نعره ای پیروزمندانه میکشند، گوش فلک را کر و برای خود آبرو و اعتماد میخرند، تا آن هدف اصلی این آژانس دور از چشمها و فکرها بماند. پنهان نمودن سازماندهی و همخوانی در ارکستر ترور، آشوب و قیام در دیگر کشورها که این آژانس با بودجهٔ مالیات دهندگان در سوئد، کلید میزند.

این سازمان، آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد، در طی سالهای متوالی بدور از هرگونه سوءظنی شبکه ای گسترده از افراد و سازمانها در داخل کشور میزبان ایجاد کرده است (به مانند کمیتهٔ سوئد برای افغانستان[182]) که در آن نه تنها میلونها بلکه میلیاردها کرون از مالیات عمومی سوئدیها بجای حمایت از مردم مستمند، بین افراد خودی، افرادی که مزدور سوئد هستند تقسیم میشود.

رژیم سوئد از طریق این شبکه های رشوه خوار مزدور، به افراد و سیاستمداران کشور میزبان دسترسی مستقیم دارند که با رشوه به سیاستمداران، کارمندان عالیرتبه، خود عامل قدرت، عاملی مخرب در برابر دولت منتخب در کشور میزبان میشوند.

مثال:

1) رزاق احمدزائی[183]، فرد دو تابعیت سوئدی- افغانی، رئیس انتخاباتی حزب محیط زیست که به صورت برق آسایی یک وزنهٔ قدرت! در افغانستان شد، همزمان که رزاق احمدزائی در سوئد از مالیات مردم کلاهبرداری میکرد و یک "صدقه بگیر" غیرقانونی بود. این کلاهبردار اگر شهروند سوئدی بود ادارهٔ مالیات با بوردزل از رویش رد میشد.
2) فاضل فضلی[184]، فرد دو تابعیت سوئدی- افغانی، رئیس پلیس در افغانستان!؟ در دولت اَشرف غنی، که او هم از سوئد کلاهبرداری میکرده "صدقه بگیر" از صندوق مالیات ما در سوئد بود. به تازگی شنیده ام که او در تومبا، منطقه ای در جنوب استکهلم کون سالمندان را میشوید. گدا همیشه گداست.
3) نجاح آل - شمّاری، تروریست سوئدی- عراقی، او را به عراق بردند، وزیر دفاع کردند او را، شهیدان سردار سلیمانی و مهندس اَبومهدی را به قتل رساند، سپس او را به سوئد برگرداندند. او هم در زمان وزارت خودش در عراق یک "صدقه بگیر" غیر قانونی بود و مجرم از نظر قانون. این افراد در سوئد به مانند سگ زندگی میکنند، به مانند سگ از سوئدیها و دیگر شهروندان میترسند آنوقت در کشور خودشان خدایی میکنند، به واسطهٔ اسم و اعتبار خوب

---

[182]) https://sak.se/

[183]) کلاهبردار سوئدی- افغانی، رزاق احمدزائی که امروز در سوئد گدایی میکند و کون سالمندان سوئدی را میشوید.
https://dagensekonomi.se/toppolitiker-afghanistan-far-bidrag-sverige/

[184]) کلاهبردار سوئدی- افغانی، فاضل فضلی که امروز در سوئد گدایی میکند و کون سالمندان سوئدی را میشوید.
https://www.expressen.se/nyheter/sitter-i-afghanistans-regering-fick-bidrag-/

کشور سوئد که از طریق انجمنهای غیردولتی و سازمانهای دولتی سوئدی به مانند صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد خریداری شده است.

4) محمد حسن روبله، نخست وزیر سومالی، فرد دوتابعیتی سوئدی- سومالیایی.

در کتاب "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" از اینگونه سیاستمداران، بدلیل امنیت خودم و فرزندانم، بدون ذکر نام توضیح دادم، که دلیلی شد برای روزنامه نگاران دگراندیش که تحقیق رسمی کنند، و حالا که در سوئد افشاء شده است دیگر دلیلی نمیماند که برای مردم دنیا با ذکر نام تعریف نکنم.

مطمئن هستم که دنیا در اینمورد هیچ نمیداند.

به وسیلهٔ اینگونه سیاستمداران خریداری شدهٔ مفسد، برای پشیزی از کرون[185] سوئد، دولت سایه در سوئد توانسته است که به قتل رساندن نطفه (سقط جنین) در کشورهای مسلمان، به هرزگی کشاندن زنان مسلمان در جوامع مسلمان، افکار همجنسبازی در جوامع مسلمان، تبلیغ ضد دین و خدا را در جوامع دیگر کلید بزند.

سوئد در انظار عمومی در سطح بین الملل نقش پلیس خوب را بازی میکند و کشور آشوب زده را به آرامش و عمل منطقی تشویق میکند در حالیکه نفوذیهای همین کشور سوئد ادامه به تخریب و ترور میدهند. همزمان در سطح ملی این آژانس توسط رسانه های تحت کنترل دولت به سینهٔ خود میکوبد که رهبران کشورها در آمریکای جنوبی، آفریقا، خاورمیانه و آسیا سازندگیهای این آژانس را تخریب میکنند!

مولفهٔ 4 را یادآوری میکنم "تئاتری به نام رسانه" که برای امرار معاش باید به ساز آنچه که دولت سوئد تمرکز دارد برقصند! رسانه ها، تشکیلاتی بسیار مهم و مفید در راستای استعمار ذهنی شهروندان سوئد، مفید برای به حاشیه کشاندن تمامی اشکال ظلم و ستم که توسط دیگر مولفه ها اعمال میشود.

سازمان رسانهٔ سوئد برای آژانس نقش بوق کُرنایی را دارد که دائماً بر بدبختی، رنج مالی، فقر، کار طاقت فرسا برای لقمه نانی، شورش و ویرانی جهان سوم می دمد و در مقایسه برای شهروندان خود امنیت مادی و مالی، امنیت جانی، امنیت قضائی، رفاه اجتماعی ... را به رُخ شهروندان خود میکشد.

نتیجه

مردم ساده لوح و مطیع سوئد که پس از دهه ها تبلیغ، تذویر، آزار و اذیّت، قتل، رام استبداد در سوئد شده اند، یاد گرفته اند که کورکورانه به رسانه های دولتی اعتماد و اعتقاد داشته باشند و زمانیکه سازندگی آژانس در نقطه ای دور افتاده در این کُرهٔ خاکی برایشان به تصویر کشانده میشود، احساس غرور، باهوش بودن و حس برتری نسبت به سایر ملتها دارند و به همین خاطر زمانیکه بی عدالتی در مورد فردی صورت میگیرد، خاموش میمانند و سخاوتمندانه سکوت میکنند در مورد آنچه که در اجتماع در جریان است.

و بدینگونه استعمار ذهنی- روح و روان شهروندان سوئدی بدون نقص و به حد کمال صورت میپذیرد.

---

[185]) واحد پول سوئد

- در حیطهٔ بین الملل

برای لحظه ای تصور کنید که تمام عمرتان و یا برای دهه ها آب شُرب در خانه، محله، روستا ندارید. تصور کنید که برای ماههای طولانی از سال آب وجود ندارد و شما نیاز دارید فرسنگها پیاده برای تهیهٔ آب شُرب، آب مورد نیاز برای تهیهٔ غذا و بهداشت، طی کنید. تصور کنید که حتی وسایل اولیهٔ تهیهٔ مخزن آب را هم ندارید.

مبلغان مذهبی را بیاد بیاورید که با صلیبی کوچک وارد روستاهای آفریقائیان میشدند، اعتماد در میان بومیان ایجاد میکردند. اکنون این وظیفهٔ آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد و از این دست انجمنهای دولتی و غیردولتی است که وظیفهٔ میسیونرهای زمان رُنسانس را به شیوه ای جدید، مبتکر و با سرمایه ای محدود از انباشتهٔ مالیات همگانی، اجراء کنند. دقیقاً با همان اهداف و نتیجه؛

- "فلاکت، تهیدستی، قتل و غارت برای دیگران، مقابل قدرت و ثروت اندوخته برای سوئد."

به ناگهان عده ای از یک کشور دیگر که شما نه زبانش را میدانید، نه آداب و سننشان را، گُشاده رو و بدون انتظار و هرگونه چشم داشتی، به هرحال در ظاهر، برای شما مخزن آبی میسازند! غریبه هایی که، آژانس، با مهربانی می آیند و خدمات خود را مجاناً در اختیار شما میگذارند، خدماتی که زندگی را برای شما، خانوادهٔ شما، همسایگان، اهالی روستا بدون هرگونه مطالبه گری، آسانتر میکنند. غریبه هایی که ایجاد رفاه زندگی شما جزء وظایف آنان نیست[186].

اما واقعیتی را که شما نمیدانید اینست که این غریبه ها فرهنگ، دین و جامعهٔ شما را به دقت مطالعه کرده اند و از شما بیشتر از آنچه که خود در مورد خود و گذشتهٔ خود میدانید، میدانند.

این غریبه ها، آژانس، کاملاً آشنا با حس قدردانی به سرحد بردگی شما هستند، حسی که مادام العمر شما را مغروض فرد خیرخواه میکند. حس قدردانی که تا جوابش را به بهترین وجه ندهید شما را تا آخر عُمر به مانند خوره خواهد خورد. بدهی که فرهنگ شما، شما را موظف به بازپرداخت میکند و او اینرا خوب میداند.

وجود فیزیکی مخزن آب، نمادی برای یادآوری روزانه به شما که تمدنی غریبه، غریبه هایی بدون چشم داشت و بدون درخواست متقابل، کیفیت رفاه زندگی شما، خانوادهٔ شما، همسایگان و مردم روستا را ارتقاع دادند.

اکنون به همین ترتیب، یک لحظه فکرش را کنید که شما، خانوادهٔ شما، همسایگان و مردم روستا نیازمند دارو، غذا، برق، شبکهٔ جاده و هر سازندگی دیگری که موجب تسهیل کیفیت زندگی شما میشود، این غریبه های خوشرو و خندان در اختیار شما بگذارند، همهٔ این سازندگیها و کمی بیشتر، به مانند آزادی بیان! آزادی بیان که آنهم میتواند زندگی شما را کمی بهتر کند، آزادی بیان در مقابل رئیس قبیله! حتی اگر شما نیازی به آن نداشته باشید، یا کمی همجنسبازی، یا شاید ترویج سقط جنین، و چرا نه آزادی زن، بدن زن-

---

[186]) یادآوری میکنم؛ مبلغان مذهبی را بیاد بیاورید که با صلیبی کوچک وارد روستاهای آفریقائیان میشدند، اعتماد بومیان را جلب میکردند تا بعداً سربازان اروپائی بدون مقاومت سرزمین، مزارع و خانه های آنان را بدون مقاومت تسخیر کنند.

حقوق زن! تا زنان شما بتوانند با افراد متفرقه همخوابی داشته باشند! همهٔ اینها آهسته و پیوسته بدون اینکه خود متوجهٔ عمق ماجرا شوید کم کم و در طول زمان متمادی به خورد شما داده خواهد شد.

به یاد بیاورید که آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد، سالیانه بودجه ای معادل 1.14 درصد تولید ناخالص ملی (2020) سوئد را در اختیار دارد که در عمل به معنی مشاغل بسیار برای بومیان فقیر و ارزان قیمت در کشور میزبان است.

این آژانس نه تنها رفاه زندگی اجتماع را ارتقاع میدهد بلکه در بسیاری موارد غذا بر سفرهٔ فقرا به شکل کارآفرینی میگذارد. کشور میزبان که در حالت عادی حتی نمیتواند حقوق کارمندان خود را به موقع پرداخت کند این عمل آژانس با پشتوانهٔ مالی خود، شور و شوق بیشتری به افراد برای انجام کار به بهترین نحو و شکل آن، مطیع بلامنازعهٔ کارفرمایان (در اینجا سوئدیها) میکند و همگی مُصرانه در پی خشنودکردن این آژانس خیریه به بهترین وجه ممکن هستند. از جائیکه رقابت در کشور میزبان برای بدست آوردن و نگه داشتن این موقعیتهای شغلی در بین کارگران بسیار است، هم از نظر امرار معاش و هم از نظر وجه اجتماعی، دلیلی برای دولتها که مطیع این آژانس خوشنام جهانی، آنهم از کشوری خوشنامتر به مانند سوئد، باشند.

بدینطریق عموم مردم در کشور میزبان، سوئدیها را همیشه به نام نیک میشناسند و متمدن بودن سوئدیها را جزء بدیهیات میدانند، افرادی متمدن که خوش قلب و مهربان هستند، افرادی که در زمان حضورشان در آن منطقه بسیار دلسوز، سخاوتمند، صبور و کمک کننده بودند. اینجاست که آژانس مأموریت استعمار ذهنی- روح و روان آن منطقه را به بهترین نحو به ثمر نشانده و وقت آنست که به امور دیگری ورود کند و همزمان منطقه ای و محیطی دیگر، شبکه ای دیگر برای برنامه های آینده.

سوئد با کمک آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل نه تنها مالک ذهن- روح و روان شهروندان خود است بلکه به همان نسبت ذهن- روح و روان دنیا را در طول دهه های طولانی تسخیر کرده است و به راحتی این فکر را به شهروندان خود و دنیا تلقین میکند که بغیر از آن واقعیتی که دولت سوئد مدعی آن است، واقعیتی دیگر وجود ندارد.

ریاکاری، غارت و تخریب این آژانس، بدون کمک سیستم قضائی در سوئد، سانسور در رسانه ها، واقعیتهای گمراه کنندهٔ انجمنهای غیر دولتی، اطاعت بلامنازعه از مقامات در زیر چتری از روشهای ظالمانه هرگز ممکن نمیشد.

سیاستمداران عالیرتبه (بخوانید سرمایه داران، دولت سایه) هم مردم خود را فریب میدهند و هم مردمان این کُرهٔ خاکی را.

مؤسسات پشتیبانی

لازم است در اینجا به مؤسساتی که به جنایات سوئد علیه بشریت، کودکان و بزرگسالان دامن میزنند و با نمایش سالیانهٔ خود به ریاکاری و فریبکاری سوئدیها استمرار میبخشند نام برده شود. در این قسمت به اجمال به شرح این مؤسسات و ارکانهایی که ریاکاری بین المللی سوئد را تسهیل میبخشند، میپردازم.

حدوداً 20 مؤسسهٔ دولتی و سازمانهای (انجمهای) غیردولتی چند ملیّتی فرا مرزی وجود دارد که توسط این آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد تأمین مالی میشوند، مؤسساتی که هدف دیگری بغیر از ایفای نقش کشیشهای مهربان قرون رُنسانس را ندارند. من در اینجا به دو مؤسسه اشاره میکنم که به عقیدهٔ من مهمترین نقش را در ریاکاری و فریفتن شهروندان سوئدی و دنیا دارند.

- مؤسسهٔ آلفرد نوبل
- شورای پیشگیری از جرم (مرجع جنایی)

- **مؤسسهٔ آلفرد نوبل**

آلفرد برنارد نوبل، متولد 21 أکتبر 1833 در استکهلم، وفات 10 دسامبر 1896 در ایتالیا[187]، یک شمیست سوئدی که مهمترین اختراعش دینامیت به شکل امروزه مطمئن در حمل و نقل، بود. او بنیانگذار مؤسسهٔ نوبل است که هر سال به دانشمندان و فعالانی که نقشی در بهبود زندگی بشر دارد، جایزه میدهند. جایزه ای که ریشه در شرکت نفت او در باکو- ایران اشغال شدهٔ آنزمان داشت. مطالعه بفرمائید.

مؤسسهٔ آلفرد نوبل، نمایشی باشکوه در سردترین و تاریکترین فصل/ماه سال، دسامبر، اجراء میکند. نمایشی پُر زرق و برق به مدت ده روز و مدالهایی که پادشاه سوئد به گردن دانشمندان (افسار استعمار ذهن) از سرتاسر دنیا می آویزد. در این فصل از سرما و تاریکی، دوره ای که مردم در شدیدترین موقعیت افسردگی هستند، این نمایش روح و روان مردم را التیام میبخشد. فصلی از افسردگی که در آن شهروندان سوئد و دنیا، خود را از طریق کارگزاران و دانشمندان، خود را در یکچنین جشن باشکوه جهانی شریک میدانند، یک احساس خلسه، نشئگی روح.

مؤسسهٔ آلفرد نوبل، سازمانیکه با اتکاء به مخازن نفت خاورمیانه بنیانگذارده شد، از افرادی حمایت میکند و جایزهٔ صلح آلفرد نوبل میدهد که به نحوی در سرکوب دین اسلام و مردمان مسلمان خاورمیانه نقشی فعال داشته اند، به مانند:

- هنری کسینجر (سیاستمدار و استراتژیست آمریکایی) 1973
- سازمان عفو بین الملل 1977
- انورسادات- مناخین بگین (رؤسای جمهور مصر و فلسطین اشغالی) 1978
- آنگ سان سوچی- میانمار (سیاستمدار و مدافع حقوق بشر) 1991
- شیمون پرز- اسحاق رابین- یاسر عرفات (سیاستمدار) 1994
- کوفی آنان، رئیس سازمان ملل متحد 1996 – 2007 2001

[187]) آلفرد برنارد نوبل در سوئد به خاک سپرده شده است.

همسر دوم کوفی آنان (1984) خانم نانه ماریا لاگِرگِرن[188] نام دارد که خواهرزادهٔ ناتنی رائول والِنبری است و دقیقاً از همان زمان ازدواج با کوفی آنان پیشرفت شغلی کوفی آنان در عرصهٔ بین الملل اوج گرفت.

اینگونه واقعیتها مرا همیشه به یاد زمین داران سفید پوستی که از اروپا به آمریکا مهاجرت کرده بودند می اندازد که همیشه توسط یک بردهٔ سیاهپوست بعنوان سرکارگر، بر دیگر بردگان ظلم روا میداشتند و حکمرانی میکردند[189].

- شیرین عبادی (قاضی از ایران) 2003

خانم شیرین عبادی مطمئناً یک صدهزارم اسناد و مدارکی را که "فقط" در اینجا در اختیار شما خوانندگان گذاشته ام را نداشته است ولی بدلیل خصومت با دین اسلام و انقلاب اسلامی ایران این خانم را دلقک سر خرمن کرده اند.

- باراک اُباما (چهل و سومین رئیس جمهور آمریکا) 2004

اینگونه واقعیتها مرا همیشه به یاد زمین داران سفید پوستی که از اروپا به آمریکا مهاجرت کرده بودند می اندازد که همیشه توسط یک بردهٔ سیاهپوست بعنوان سرکارگر، بر دیگر بردگان ظلم روا میداشتند و حکمرانی میکردند.

- (OPCW) سازمان منع سلاح شیمیایی 2013

وظیفهٔ این سازمان جعل اسناد علیه کشورهای مسلمان به مانند عراق، سوریه، لیبی ... و هر کشور دیگری که علیه غرب برای استقلال خود تلاش میکنند درصورتیکه از کشورهای صادرکنندهٔ غربی نامی برده نمیشود.

- ملالا یوسف زایی 2014

کودک بی تجربه ای از پاکستان که درخواست به حق او برای حق ذاتی دختران به دانش در پاکستان، نهایت سوءاستفاده از او توسط غربیها برای سرکوب اسلام و ترویج مسلمان ستیزی شد.

- (ICAN) سازمان منع سلاحهای اتمی 2017

وظیفهٔ این سازمان جاسوسی و جعل اسناد علیه کشورهای مسلمان به مانند ایران، عراق، سوریه، لیبی ... و هر کشور دیگری که علیه غرب برای استقلال خود تلاش میکنند. هیچگونه صحبتی از کشورهایی که از آن استفاده کرده اند و یا کشوری به مانند اسرائیل که تسلیحات اتمی خود را از چشم جامعهٔ جهانی پنهان میکند نیست.

---

[188]) Nane Maria Lagergren

مطلبی که قبلاً در مورد والنبرگ گفته شد را بیاد می آورید؟ ایشان خواهرزادهٔ ناتنی همان رائول یهودی است که پس از جنگ جهانی دوم تقریباً مقدس نامیده شد برای رهاندن یهودیان متمول از تیغ کشتار هیتلر.

[189]) از اینگونه بردگان در سازمان ملل متحد بسیار است که سیاهپوستی و یا مسلمانی را مانکن پشت شیشه میکنند و از پس پرده سفیدپوستان یهودی حکمرانی. رئیس سازمان زنان سازمان ملل متحد یکی از آنهاست. معاون سازمان ملل متحد یکی دیگر از آنان است و الی آخر.

- نادیا مُراد 2018

دختری با باور "ایزدی"، مردمی که به فجیحترین شکل بشریت توسط داعش، این ساختهٔ شیاطین هیلری کلینتون و باراک اوباما، قتل نفس شدند. و حالا این کودک مظلوم بازیچه دست شیاطین مؤسسهٔ آلفرد نوبل، برای سرکوب اسلام و مسلمانان در دنیا.

در اینجا از برندگان جایزهٔ نوبلی نام برده شد که به گونه ای آشکار و اثبات شده، دانسته یا ندانسته، علیه اسلام و مسلمانان مورد سوءاستفاده قرار گرفتند. اینان حقوق اسلام و مسلمانان را نقض کرده اند و فعالانه برای نفرت از اسلام بعنوان دین و مسلمانان بعنوان پیروان دین اسلام نقشی مُخرب ایفاء کرده اند. مطمئناً افراد دیگری وجود دارند که من مطالعه نکرده ام.

در فهرست برندگان جایزهٔ صلح آلفرد نوبل از سال 1901، سالی که تصمیم گرفته شد جایزهٔ نوبل به شهروندان دنیا داده شود، فقط اسم افرادی به چشم میخورد که رابطهٔ خوبی با آمریکا و اروپا داشته اند و مستقیماً در راستای اهداف غرب فعالیت میکرده اند. حتی جالبتر در این فهرست این واقعیت است که تقریباً بطور انحصاری، همهٔ افراد و شرکتها یهودی تبار هستند.

سلمان رُشدی از پاکستان هنوز جایزهٔ نوبل دریافت نکرده است ولی بارها مورد توجهٔ مؤسسهٔ نوبل قرار گرفته است و هم در صلح و هم در ادبیات بعنوان نامزد جایزهٔ نوبل معرفی شده است در حالیکه در همین سوئد، زادگاه آلفرد نوبل، کیمیّا و کیانا بدلیل واقعیتی مستند که در کتاب "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" افشاء شد و انتشار یافت، مطابق با حکم قضائی[190] به صراحت گروگان این کتاب هستند.

آیا مؤسسهٔ آلفرد نوبل در سوئد، حتی به اندازهٔ یک جمله از دو کودکی که بخاطر مطالب کتاب مدافع حقوق کودکان مسلمان در سوئد، ادبیات سوئد مجازات میشوند، نوشته یا گفته اند؟ حال که این مؤسسهٔ سوئدی هرساله جایزهٔ نوبل در ادبیات را به نویسندگانی اعطاء میکند که به گفتهٔ مؤسسهٔ نوبل نوشته هایشان برای بشریت و جامعهٔ کشورهایی که سوئد آنان را دیکتاتور مینامد، مفید میداند! ولی این موضوع هم به مانند تمامی رفتار و اعمال سوئدیها دروغی بیش نمیباشد.

کیمیّا و کیانا دو کودک خُردسال در سوئد، گروگان نگارش پدرشان خود بهترین مدرک ریاکاری و دروغگویی جهانی مؤسسهٔ نوبل است.

آخرین نامزد جایزهٔ صلح آلفرد نوبل و توجیه این نامزدی که عمق ریاکاری این مؤسسهٔ اسکاندیناوی را به نمایش میگذارد:

"کمیتهٔ آلفرد نوبل نروژ تصمیم گرفت که جایزهٔ صلح نوبل 2021 را به روزنامه نگاران- ماریا رِسا از فلیپین و دیمیتری موراتوف از روسیه "بدلیل تلاشهایشان برای حفظ آزادی بیان که یک پیش نیاز برای مردم سالاری و صلح پایدار است" اهداء کند."

[190]) حکم قضائی (T11352 – 17) صادره از دادگاه سودرتورن- استکهلم مبنی بر گروگانگیری کودکان یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد که در انتهای کتاب در بخش "اسناد" بصورت اصل آن گذاشته شده است.

کیمیّا و کیانا دو کودک خُردسال در سوئد، گروگان نگارش پدرشان دقیقاً بخاطر عدم آزادی بیان در سوئد مجازات شده اند و حالا مؤسسهٔ نوبل جایزهٔ صلح به افرادی میدهد که از آزادی بیان در فیلیپین و روسیه دفاع میکنند!؟

این ادعا به هیچ شکلی اغراق آمیز نیست که بگویم مؤسسهٔ آلفرد نوبل یک مؤسسهٔ تحت کنترل اهداف سیاسی در خدمت استبداد استعمار غرب برعلیه کشورهای آزاد دنیا است. ابزاری سیاسی برای القاع پیامهای دروغین به ملت خود و شهروندان این کُرهٔ خاکی.

به شیرین عبادی از ایران در سال 2003 جایزهٔ صلح آلفرد نوبل اهداء شد! شیرین عبادی که حتی یک سند برای تأئید دروغهای خود ارائه نکرد، در مقابل 20 محاکمه از من در سوئد بصورت فایل صوتی و اسناد مکتوب قابل دسترسی برای همگان است. شیرین عبادی، فردی که کودکانش هرگز تحت تعرض در ایران نبودند، نه از طرف دولت ایران و نه از طرف شهروندان عادی در ایران، در مقابل شهروندان سوئدی به تمامی اشکال غیربشری در گروگانگیری کیمیّا و کیانا بخاطر نگارش پدرشان مورد اذیّت و آزار قرار گرفته اند.

پروندهٔ شیرین عبادی در ایران در مقایسه با پروندهٔ من در سوئد مدرکی بلامنازعهٔ ریاکاری دولت سوئد از طریق اینگونه مؤسسات، مؤسساتی به مانند مؤسسهٔ آلفرد نوبل در سوئد است، ابزاری در خدمت استعمار ذهن- روح و روان شهروندان خودی و بین المللی. ابزاری که برای استمرار در اذهان شهروندان موزه احداث کرده اند، موزهٔ آلفرد نوبل در استکهلم- سوئد سالیانه 10.000.000 میلیون کرون کمک هزینهٔ بلاعوض از صندوق مالیات همگانی شهروندان سوئدی دریافت میکند.

شایان ذکر است که نه تنها مؤسسهٔ الفرد نوبل، بلکه مؤسسات و سازمانهای فرا مرزی به مانند؛ سازمان قلم- دیدبان حقوق بشر- سازمان عفو بین الملل- مدافعان حقوق بشر- مدافعان حقوق نویسندگان ... کاملاً مطلع از گروگانگیری کیمیّا و کیانا در سوئد مطابق با حکم قضائی بخاطر انتشار کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" هستند ولی دریغ از یک بیانیهٔ رسمی و یا غیررسمی به آنگونه که اینان در مورد ایران، چین، روسیه ... صادر میکنند!؟

کیمیّا و کیانا، فرزندان خُردسال من در سوئد، کشوری که جایزهٔ نوبل به شهروندان جهان میدهد، توسط دولت سوئد رسماً با حکم قضائی به گروگان گرفته شده اند و من به عنوان یک نویسنده همچنان در معرض تهمت و افتراء، اذیّت و آزار هم از طریق دولت سوئد و هم توسط شهروندان سوئد در رسانه های اجتماعی هستم و سانسور مطلق توسط رسانه های ملی در سوئد.

تعریف شکنجه چیست!؟

مؤسسهٔ آلفرد نوبل، یک ابزار سیاسی برای القاء دروغ، فریب و ریاکاری در سطح ملی و بین المللی است.

مؤسسهٔ آلفرد نوبل، جزئی از مکانیسم استعمار ذهن- روح و روان در سیستم آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد است برای فریفتن شهروندان خودی و بین المللی.

- سازمان- مشاور پیشگیری از جرم (مرجع جنایی)

در سایت این سازمان آمده است:

"این سازمان برای کاهش جرم و جنایت، افزایش امنیت در جامعه عمل میکند. ما این مهم را از طریق تولید حقایق، جمع آوری اسناد و مدارک استوار بر واقعیت، انتشار معلومات در مورد جرائم، اجرای قانون و وظایف پیشگیری از جرم، ارائهٔ آن در درجهٔ اول به دولت و سپس به سازمانهای قضائی انجام میدهیم."

اجازه دهید گام به گام به این اظهارات پاسخ دهیم.

"با تولید حقایق ..."

سوأل!

با تمامی اسنادی که فقط در این کتاب در ارتباط با دولت و سازمانها آمده است، آیا حزبی- سازمانی و یا جامعهٔ سوئد بطور کل میتواند خود را با عنوان "حقایق" خطاب کند؟

البته به جرأت این سازمان میتواند، با ارائهٔ متن شکایت دادستان ارشد رونک روبه که برای تمامی مسلمانان استفاده میشود، مدعی "تولید" جعل جرم باشد. "تولید" جعل جرم که مورد استفادهٔ دولت سوئد علیه مسلمانان قرار میگیرد.

در این مانور دروغین سوئد (مولفه های هفت گانه)، ریا و استانداردهای دوگانه، آزار و اذیّت، مجازات کودکان بخاطر نگارش والدین، چگونه جرأت میکند، حزب- سازمان یا فردی، صحبت از "حقایق" و بدتر از آن ادعای "ارائهٔ" حقایق داشته باشد؟

"...گسترش دانش ..."

سوأل!

زمانیکه نقطهٔ شروع استوار بر حقایق نادرست، اتهامات نادرست، قضاوتهای نادرست و به معنای دیگر دروغ مطلق باشد، ثمرهٔ آن چگونه دانشی است که گسترده میشود؟ آیا مطلب دیگری بغیر از گسترش "تولید دروغین دانسته ها" میتواند باشد؟

"... اجرای قانون و پیشگیری از جرم ..."

سوأل!

چگونه میتوان با جرمی خیالی که وجود خارجی ندارد، در شرایطی خیالی، در زمانی خیالی و در آیندهٔ خیالی مبارزه کرد و از آن جرم خیالی جلوگیری کرد؟ جعل اتهام توسط دادستان ارشد، رونک روبه، گویای تمامی توهمات ساختگی علیه مسلمانان در سوئد است:

- دادستان ارشد، رونک روبه، پروندهٔ شماره آ- اِم 141117-20

*"اینکه بدلیل شرایط خاص (*هرگز ذکر نشد چه شرایطی! حتی در صحن دادگاه*) این خطر وجود دارد (*هرگز ذکر نشد چه خطراتی!*) که عیسی موسوی می آید (*آینده! هرگز ذکر نشد چه زمانی در آینده!*) مرتکب جرم (*هرگز ذکر نشد چه جرائمی!*) در مقابل، تعقیب و یا به اشکال دیگری*

(هرگز ذکر نشد به چه اشکالی!) اذیّت و آزار افراد محافظت شده (هرگز مشخص نشد برای چه موضوعی دختران من محافظت شده هستند[191]!؟) محرمانه افراد آ، ب، س"

این پاراگراف تشریح "شکنجهٔ ابریشمی" به معنی واقعی کلمه است، شکنجه ای ابریشمی بخاطر نگارش، افشاء و انتشار کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد".

مثالی واضحتر از آن؛ حکم قضائی[192]، دادگاه سودر تورن، شمارهٔ پروندهٔ اَ-6385-19:
"*در مورد ممنوعیت تماس هیچ الزامی وجود ندارد که شخص مجرم* (در اینجا من) *مرتکب جرمی علیه افراد تحت محافظت شده باشد ... دادستان ارشد، یوناس بربین دال، بعنوان دلیل بیان کرده است که به دلیل شرایط خاص* (هرگز ذکر نشد کدام شرایط؟ که تازه خاص هم باشد!) *خطر* (هرگز ذکر نشد کدام خطر!) *وجود دارد. به همین دلیل عیسی موسوی می آید که* (هرگز ذکر نشد چه زمانی در آینده!) *مرتکب جرم شود* (هرگز ذکر نشد کدام جرم یا جرائمی)."

بنابراین، من، یک نویسندهٔ مسلمان سوئدی، با این جرائم محکوم به ممنوعیت تماس با دخترانم شدم توسط دادستان ارشد یوناس بربین دال، قاضی مالین ویکتور از دادگاه سودرتورن، هیئت ژوری- کریستر اِلم بری، کاترینا اِس وین هوود و کایا تامه لین.

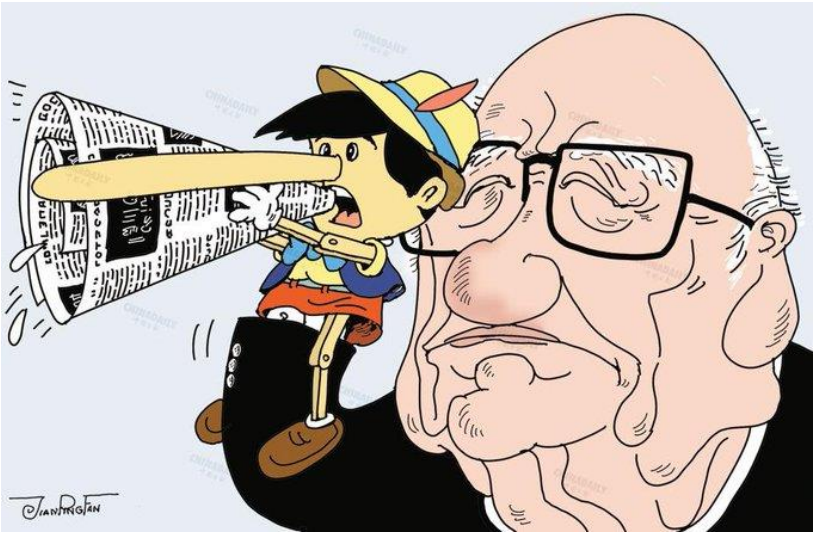

کاریکاتوری که چینیها، استوار بر همین مدارک، در وصف جهانفریبی سوئدیها ترسیم کرده اند.

[191]) بیاد بیاورید که مطابق با حکم قضائی در سوئد (T11352 – 17) بعلت نگارش کتاب دخترانم مجازات میشوند.
[192]) حکم قضائی در اصل آن در آخر کتاب، قسمت "اسناد" آمده است.

بله اینگونه است عدالت برای مسلمانان در سوئد، نویسنده بودن بماند. بله، اینگونه است مقید بودن به قوانین، استقلال و بیطرفی دادستانها، دادگاهها، قضات و هیئت ژوری علیه یک مسلمان در سوئد، نویسنده بودن بماند.

بخوانید، تحقیق کنید و شاخ در بیاورید! چونکه همین دادگاه سودر تورن که اینچنین احکامی علیه مسلمانان صادر میکند بعنوان یک مرجع موثق و مورد اطمینان از طریق وزارت امورخارجهٔ سوئد به دیگر کشورها معرفی میشوند که سیستم قضائی آن کشورها را مقید به قوانین، استقلال و بیطرفی سازند!

سال 2021 که من توسط دادستان ارشد، رونک روبه برای یک چنین (آم 141117-20) جرائمی به دادگاه فرا خوانده شدم، قضات دادگاه سودر تورن به قضات ارمنستان درس تمدن، مستقل بودن و بیطرفی میدادند.

سال 2019 که من توسط دادستان ارشد، یوناس بریین دال برای یک چنین جرائمی در دادگاه سودرتورن محکوم شدم، قضات دادگاه سودر تورن به قضات آذربایجان درس تمدن، مستقل بودن و بیطرفی میدادند.

نظر شما چیست؟ آیا دادستان ارشد یوناس بریین دال، قاضی مالین ویکتور از دادگاه سودرتورن، هیئت ژوری- کریستر اِلم بری، کاترینا اِس وین هوود و کایا تامه لین از دادگاه سودر تورن، از قانون برائت[193] نمیدانند؟

حتی اگر فرض را بر این بگذاریم که این مردان و زنان حقوقدان، محافظین تمدن سوئد، از قانون برائت اطلاعی نداشته اند، باز هم هیچ بهانه ای برای صدور یک چنین حکمی معاندانه ندارند چونکه من در دفاع از خودم به این قانون با ذکر آرتیکل و پاراگراف مندرج در کتاب قانون در سوئد، اتحادیهٔ اروپا و سازمان ملل متحد اشاره کرده بودم. یا اینکه، صرفاً جهت افزودن به آمار منفی علیه مسلمانان بخاطر نفرت نهادینه شده علیه اسلام این حکم در سال 2019 صادر شد؟

پس از افشاء حکم (MUFT 11352 – 17) گروگانگیری کودکان نویسندهٔ مسلمان در سوئد، دولت سوئد و سازمان قضائی سوئد به هر طریق ممکن سعی در جعل جرم دارند. همانطور که شاهد هستید، نفس جرم مهم نیست، مهم آنست که دولت سوئد بتواند چهرهٔ کریهه و ریاکار خود را در پشت جرمی، هر جرمی پنهان کند و آنرا بعنوان دلیل به جهانیان نشان دهد و مشخصاً مطابق با قوانین مدنی در سوئد، ساده ترین جعل جرم همان "ممنوعیت تماس" است که قاضی مالین ویکتور سریعاً به آن اشاره دارد؛
"*در مورد ممنوعیت تماس هیچ الزامی وجود ندارد که شخص مجرم (در اینجا من) مرتکب جرمی علیه افراد تحت محافظت شده باشد ...*"!

---

[193]) قانون برائت به ترتیب در این مراجعه قید شده است؛
- دستورالعمل حکومتی در سوئد آرتیکل 2:3
- اتحادیهٔ اروپا کنوانسیون حقوق بشر (EKMR) آرتیکل 6:2
- اساسنامهٔ اتحادیهٔ اروپا منشور حقوق بشر آرتیکل 48:1
- سازمان ملل متحد منشور حقوق بشر آرتیکل 11

به زبانی بسیار ساده و آشکار، نیاز به هیچگونه دلیل محکمه پسندی نیست که فرد مسلمان را بدینگونه در آمار جرائم سوئد قرار دهند! یکی دیگر از سوءاستفادههای دولت از اعتباری که آژانس دولتی صندوق توسعهٔ بین الملل سوئد خریداری کرده است، اعتباری که بخاطر آن تمام دنیا سوئد را زیر سوأل نمیبرند، اعتباری که زیر پوشش آن سوئد میتواند به تخریب ساختار خانوادگی مسلمانان بدون خدشه به اعتبار خود ادامه دهد.

تأمل!
چند هزار مسلمان در سوئد مطابق با اینگونه اتهامات بی اساس و دادخواستهای ساختگی مورد پیگرد قانون قرار گرفته اند و در آمار مجرمین به ثبت رسیده اند؟

مثالی دیگر با همین ماهئیت:
دو سال بعد، پرونده در دادگاه سودرتورن استکهلم- سوئد، 26 نوامبر 2021، شمارهٔ پرونده اَ19500-21، براساس پیگرد دادستان ارشد رونک روبه، به دلایل ذکر شده، اینبار حکم ممنوعیت ملاقات توسط دادگاه لغو شد.

قاضی کیّان اَمرائی، هیئت ژوری- هاثینه آلیس، آلبین پَرشون و کریستینا تِورین دلایل رد حکم دادستانی را بدینگونه تشریح میکنند:
"در یک ارزیابی همه جانبه، عقیده بر اینست که هیچگونه خطر ملموس و مشخص وجود ندارد که عیسی موسوی تصمیم داشته باشد که در آینده نسبت به این افراد مرتکب جرم شود."

پس از پنج سال مبارزه و جهانی شدن پروندهٔ گروگانگیری کودکان یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد، قاضی با توجه به تمامی اسناد ارائه شده و علارغم دستور، چاره ای جز صدور این حکم نمییابد. توجه کنید که این تصمیم با توجه به اسناد ارائه شده، دقیقاً همان اسنادی که از سال 2017 در پروندهٔ (HUFT 11352 – 17) وجود داشته است.
با همهٔ این تفاصیل، حتی زمانیکه تصمیم منع تعقیب صادر شد، درواقع ادعای دعوی دروغین، این طرح دعوی دروغین علیه یک مسلمان در آمار به ثبت رسید، سپس تصمیم دادستان ارشد، رونک روبه، مبنی بر ممنوعیت ملاقات در کلاسهٔ خود به آمار افزوده شد ولی در هیچگونه آماری ثبت نمیشود که حکم منع تعقیب صادر شده است تا به خودی خود آن دو آمار دروغین را از لیست آمارهای جرائمی که مسلمانان در سوئد مرتکب شده اند را هذف کند. متوجه میشوید؟

اینگونه است که آمار جرائم علیه مسلمانان در سوئد بدون هرگونه پایهٔ قانونی، مرجعی میشود برای سرکوب مسلمانان توسط سیاستمداران که قوانین آینده را بر این اصول تنظیم و در مجلس علیه مسلمانان به تصویب برسانند.

من، یک پدر، یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد، تحت پیگرد برای جرمی مجهول، در شرایطی مجهول، در زمانی مجهول و در آیندهٔ مجهول هستم، پیگردی که ریشه در معلوم دارد، یعنی نگارش کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد". همهٔ اینها به معنی نسل کُشی ابریشمی در سوئد است.

از این واقعیت نباید غافل ماند که حکومت سایه در سوئد، در طی چندین دهه، از طریق ابزار مختلف تصویری منفور از اسلام و مسلمانان برای شهروندان خود ترسیم کرده است. سالانه دهها هزار اعادهٔ دعوی واهی، از قبیل این اتهامات واهی علیه مسلمانان در سوئد به ثبت میرسد. اینکه کیفرخواست دروغ است و یا اینکه فقط کیفرخواست است نه حکم قضائی، مهم نیست. این بسیار طبیعی است که شهروندان نه وقت و نه حوصلهٔ آنرا داشته باشند که پروندهها را بررسی کنند و از اینرو آمار اهمیّت بسیاری زیادی در باور شهروندان نسبت به مطلبی، دینی و یا مردمی ایفاء میکند. از اینرو مهم است که برای سرکوب اسلام بتوان آمار علیه مسلمانان را به اوج خود رساند.

بخاطر بسپارید که این آمار در سطوح بین المللی هم کاربُرد دارد.

این بدان معناست که در زندگی روزمرهٔ مسلمانان در سوئد، دولت سوئد از طریق مولفه های ذکر شده، آمار را به هر سمتی که دولت میخواهد هدایت میکند! و زمانیکه آمار به سمت هدفی که دولت میخواهد اشاره کند، عملاً استدلال متقابل علیه آن آمار غیر ممکن میشود. متوجه میشوید به چه نتیجه ای میتوان رسید؟ **ارقام نادرست- جعلی، چراغ راه کشور!**

توضیحات سایت شورای پیشگیری از جرم (مرجع جنایی) را به خاطر می آورید؟

"این سازمان برای کاهش جرم و جنایت، افزایش امنیت در جامعه عمل میکند. ما این مهم را از طریق تولید حقایق، جمع آوری اسناد و مدارک استوار بر واقعیت، انتشار معلومات در مورد جرائم، اجرای قانون و وظایف پیشگیری از جرم، ارائهٔ آن در درجهٔ اول به دولت و سپس به سازمانهای قضائی انجام میدهیم."

اینگونه است ریاکاری هدفمند سوئدیها در جهان.

عملی بنیادی

در طول سه دهه، دولت سوئد بطور هدفمند از طریق ابزارهای مختلف (عمدتاً هفت مولفهٔ نامبرده)، نفرت را علیه دین اسلام و پیروان اسلام در ساختار حکومتی خود نهادینه کرده است. در طول سه دهه، مسلمانان بدون ارتکاب به هرگونه جرم مشخصی سیبلی شده اند برای سرکوب، محکوم بصورت خودکار حتی بدون وجود سوءظن برای جرمی. این فقط اعداد و ارقام سازمان آمار است که به آن توجه میشود. یک رقم بسیار مهم، چراغ راه- به مانند فانوس دریایی.

تاکتیک دولتها در سوئد، هدفمند و مصمم تبلیغ نفرت از دین اسلام است و در طی دهه ها نشانه گرفتن دین بعنوان جانی بل فطره، دینی که عامل اصلی مجاز دانستن تنبیه زنان و کودکان است، همانگونه که در کتاب قرآن آمده است!

یک دروغ سوئدی در مورد یک عمل شنیع، که به گفتهٔ حاکمان در سوئد دین اسلام به آن مشروعیت بخشیده است، جرمی که توسط همه محکوم است، حتی از نظر قرآن. آیا به عمق نفرت از اسلام و مسلمانان، تلقین شده به شهروندان سوئدی در سه دهه، سه دهه که متولدین آنزمان، امروز حداقل سی ساله هستند پی می برید؟

آنچه که دولتها در سوئد به شهروندان خود نمیگویند و هدفمند از انتشار واقعیت جلوگیری میکنند، حقیقت امریست که این ادعاها چیزی بغیر از دروغ محض و اسلام ستیزی نمی باشد.

دولت سوئد در طی زمان متمادی مردان مسلمان بسیاری را به همین دلایل واهی مجازات کرده است. مردان مسلمانی که مطابق عادت از کشور مبدأ از مراجع دولتی واهمه دارند- می ترسند، مردان مسلمانی که متأسفانه از حقوق خود بیخبر هستند، مردان مسلمانی که بر اثر جهل خود نسبت به تاکتیک سوئدیها گوشهٔ زندان پوسیده اند، مردان مسلمانی که بخاطر نفرت سوئدیها از اسلام و مسلمانان در آمارهای متعدد مجرمین اسمشان بدون هرگونه جرمی به ثبت رسیده است.

نتیجهٔ آمار دروغین در مورد مجرمین مسلمان در سوئد، مجرمین نفرت سوئدیها، به مانند آتشی در جنگل بدون مهابا و کنترل، توسط رسانه های دولتی بعنوان منبع معتبر استفاده میشود و به طور گسترده توسط روزنامه ها، مجلات، رادیو تلویزیون، کامپیوتر ... به مثابهٔ پُتکی بطور مستمر نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین الملل بر اذهان جهانیان کوبیده میشود. همانطور که قبلاً توضیح داده شد این آمار بعنوان مرجع موثق برای سیاستهای آیندهٔ دولت، استدلال بلامنازعه ای برای وضع قوانین آیندهٔ کشور و مجازات سخت تر مردان مسلمان، فروپاشی هر چه بیشتر هستهٔ مرکزی خانوادهٔ مسلمانان، فردگرائی که هدف اصلی تمامی رنجها، درد و عذاب کودکان، زنان و مردان مسلمان در سوئد است.

سیاه نمایی از اسلام و مسلمانان، بخاطر پایبند بودن به هستهٔ مرکزی خانواده، هویت خود را حفظ کردن، دلیلی است برای این گرداب به سوی قهقرا که سه دهه در سوئد در جریان است.

به عبارتی دیگر مطمئن ترین راهکار حمله به دگراندیشان مسلمان در سوئد دقیقاً همین روش حمله به خانوادهٔ آنان است تا بتوان بطور غیرمستقیم و به موجه ترین وجهه آن، از تفکر خلاف مسیر آب جلوگیری کرد. تهمت تنبیه کودکان و همسر خود، بدون درنظر گرفتن واقعیت این تهمت، فرد مورد نظر را در ابتدای امر مقابل دیگران منفور خواهد کرد و دیگر اعتباری برای دگراندیشی او نمی ماند. سپس در غم فراق کودکان، بن بست یک خانواده، کشمکش اداری و امثالهلم دیگر توانی برای دگراندیشی باقی نمیگذارد.

روش ربودن کودکان یک دگراندیش در سوئد، به هیچ وجه منحصر به فرد نیست بلکه بعنوان یک روند عادی نسبت به دگراندیشان اعمال میشود. آنچه که در این پرونده منحصر به فرد است، حکم قضائی است که در آن به صراحت از "نگارش" بعنوان جرم نام برده می شود و در نتیجه یک نویسندهٔ مسلمان را از طریق کودکان او مجازات میکنند. واقعیت غیر انسانی این مطلب، حکم قضائی، در واقع مجازات کودکان بخاطر عقاید پدرشان است، واقعیتی که در کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد به صراحت قید شده است که دولتها باید از اینگونه مجازاتها برای کودکان خودداری کنند.

در واقع به کُل خانواده حمله میشود. در ظاهر برای جرمی معمولی ولی شنیع در اذهان عمومی، تنبیه کودکان و همسر، دلیلی مشروع در انظار عمومی توسط حیله گری به مانند روباه، آماده سازی مقدماتی افکار عمومی علیه اسلام و مسلمانان برای خاموش کردن صدای محافظین اسلام و مسلمان.

شورای پیشگیری از جرم (مرجع جنایی)، ابزار کمکی دیگری برای ساز و کار استعمار ذهن- روح و روان شهروندان در سطح ملی که استفادهٔ بین المللی نیز دارد.

دگراندیشان در سوئد

هیئت حاکمه در سوئد !منتخبین! را مابین دو علامت تعجب قرار میدهم، جایی که در آخرین دورهٔ انتخاباتی، بزرگترین حزب سوئد، سوسیال دموکراتها، با کمتر از یک سوم آراء[194]، 28 درصد، اجازه دارند که بر دوسوم شهروندان سوئد حکمرانی کنند.

علاوه بر آنچه که در مولفهٔ اول توضیح دادم، می خواهم بر این موضوع تأکید کنم که 28 درصد سوسیال دموکراتها، از جمعیت کُل رأی دهندگان سوئد که اینبار، در سال 2018، 72 درصد از آنان در صندوق آراء حضور یافتند، نمی توانند نمایندهٔ کُل جمعیت سوئد باشند. این امر به خودی خود به معنای اجبار به حکومت اشتراکی است. متشکل از احزابی باز هم کوچکتر که درصد بزرگتری از اقشار مردم را به زیر سلطهٔ خود میکشند، احزاب کوچکتری که معمولاً از افکار افراطی در مقوله ای بخصوص پیروی میکنند، افکاری که معمولاً به ضرر خیل عظیم شهروندان و کشور تمام میشود.

آخرین نمونهٔ این سخن، یعنی تحمیل افکار افراطی به مابقی جامعه، توسط حزب "محیط زیست" با 4.41 درصد آراء[195] در سال 2018 در صحنه به اجراء گذارده شد، زمانیکه اینان نیروگاههای هسته ای در سوئد را در سال 2021 ممنوع کردند[196]. خاموش کردن نیروگاههای هسته ای تولید برق پیش از زمان از پیش تعیین شده، معضلات و پیامدهای منفی اقتصادی بسیاری برای مردم عادی، مصرف کنندگان از همه قشر و گروهی، حتی کودکان، ایجاد کرد. صاحبان کارگاههای کوچک و کارخانجات متوسط و بزرگ بماند.

البته اینها به کناری، بدترین ضربه به همان محیط زیست وارد شد، زمانیکه برای تأمین برق مورد نیاز کشوری به مانند سوئد که زمستان آن منفی 30 درجه است و از آشپزخانهٔ یک آپارتمان عادی تا سیستم های حیاتی جامعهٔ سوئد همه و همه برق را بعنوان تنها و تنها منبع انرژی دارند، مجبور به راه اندازی

---

[194]) در انتخابات سال 2018، تقریباً 87 درصد از کُل شهروندان واجد شرایط در سوئد در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده بودند. اگر شما 87 درصد را مساوی با 100 درصد بدانید، بنابراین آراء واقعی به سوسیال دموکراتها در کشور تقریباً 24 درصد میباشد. در واقع، یک چهارم از شهروندان در سوئد بر سه چهارم افراد بالای هیجده سال در سوئد حکومت میکنند.

[195]) حد نصاب ورود یک حزب به مجلس در سوئد 4 درصد است. حزب محیط زیست، آن حد نصاب را با یک حدفاصل 0.41 درصد پشت سر گذراند و وارد مجلس شد.

[196]) روزنامهٔ "خلاف مسیرباد سوئد" در مقاله ای افشاء کرد که برای بستن زودهنگام نیروگاههای اتمی تولید برق در سوئد، دولت سوئد، هیئت دولت وقت در خفا و به دور از آگاهی شهروندان به یک شرکت آلمانی 31.000.000.000 میلیارد کرون خسارت داند تا آنها را راضی به خاموشی نیروگاههای اتمی تولید برق در سوئد کنند!
لینک روزنامه و منابع آن در زیر فهرست شده است.

- https://motvindsverige.org/har-tyska-eon-fatt-31-miljarder-for-att-stanga-ringhals-i-fortid/?fbclid=IwAR2rY1mgigVfHJWP_MvzXAaRlMij8XbHYU1HSc1LMHycD3HX1cZ_7t7SaHc&fs=e&s=cl
- https://www.allabolag.se/5560068420/eon-sverige-aktiebolag
- https://www.allabolag.se/5561326371/sydkraft-nuclear-power-ab
- https://www.eon.se/om-e-on/om-foeretaget

نیروگاه تولید برق، کارلزهمار[197]، شدند که در هر ساعت 140.000 هزار لیتر سوخت فسیلی برای تولید برق نیاز داشت! برق تمیز نیروگاههای هسته ای با یک تصمیم افراطی به برق کثیف، نیروگاه کارلزهمار، تبدیل شد. صحبت گرانی برق به کنار.

از این قبیل مثالها که در آن گروههای افراطی کوچکتر با علاقهٔ خاص در زمینه ای، علاقهٔ خاص خود را به دیگران تحمیل میکنند[198] پس از سال 2014 بسیار میتوان نام برد، سالی که حزب یک سومی سوسیال دموکراتها مأمور تشکیل دولت شدند.

اینگونه تصمیمات احمقانه، از قضاء، همیشه به مانند باری منفی برای "محیط زیست" عمل کرده است، به مانند مالیات بر پلاستیکهایی که مغازه ها برای حمل مواد غذایی در اختیار مشتریان خود میگذارند. نتیجهٔ این مالیات احمقانه، اینبار از حزب لیبرالها با 5.49 درصد از آراء مردم در سال 2018، شکستی مفتضحانه برای محیط زیست شد، هم از نظر بازیافت آن پلاستیکها و هم از نظر درآمد مالیاتی که مد نظر کارگزاران سیاسی بود.

متأسفانه، این مثالها در نوع خود تنها نمونه هایی نیستند که احزاب کوچکتر، در اینجا حزب محیط زیست (4.41 درصد) و حزب لیبرالها (5.49 درصد)، از تمایل شدید سوسیال دموکراتها (28 درصد) برای حفظ قدرت، سوءاستفاده کرده اند. مشمئز کننده برای شهروندان سوئدی.

عطش قدرت در حزب سوسیال دموکراتها دست در دست شرکتهای چند ملیتی، در ترکیب با احزاب افراطی کوچکتر با درخواستهای منحصر به فرد خود، کشور را به مرحلهٔ آشوب رسانده است. دیگر سازمانهای اجرائی کشور آنگونه که باید باشد در کشور عمل نمیکنند. در حال حاضر، شهروندان مالیات میدهند برای تداوم هرج و مرج نه برای تداوم یک سیستم مدنی در یک کشور متمدن.

سازمان پلیس که بدون حد و مرز جعل میکند، سازمان دادستانی که از تعهّد اعادهٔ دعوی امتناع میورزد، سازمان دادگاهها که بر حسب دستور دولت حکم صادر میکند، دولتی که حتی سعی در پنهان نمودن ربودن کودکان مسلمان برای هویت زدایی ندارد، مجلسی که از قوانین وضع شده علی الخصوص قوانین اساسی محافظت- دفاع نمیکند و یک ارتش رسانه ای که وظیفه ای بغیر از سانسور و کتمان تجاوز دولت به حقوق شهروندان ندارد.

از این خاکستر دود غلیظ تیره ای برمیخیزد، طبیعت سرکش انسان برای عدالت.

---

[197]) شهری در جنوب شرقی کشور سوئد.

[198]) در اینجا 4.41 درصد حکمرانی بر باقیماندهٔ 95.59 درصد دیگر جامعه.

- **حاشیه**

قبل از توضیح دو گروه دگراندیش

حزب دموکرات سوئد (SD) که در انتخابات 2018، آراء 17.53 درصد از مردم سوئد را از آن خود کردند، از 1.135.627 نفر، ثمرهٔ یک دود غلیظ تیره به تدریج اجماع یافته پس از 1990 بود. توده ای از مردم ناراضی که به اندازهٔ کافی از قدرت طلبی سیاستمداران برای ویرانی کشور خسته شده اند. نکتهٔ زیرکانه در این حزب اینست که؛ این حزب توسط سرمایه داران چند ملیتی بعنوان سوپاپ اطمینان برای منحرف کردن خشم شهروندان و هدایت آن خشم بطرف مسیری به شیوه ای منظم، ایجاد شده است.

تنها ایدئولوژی حزب دموکرات سوئد (SD) برپایهٔ اسلام ستیزی استوار است. حدس بزنید دین سرمایه داران چند ملیتی، سرمایه داران پشتیبان این حزب چیست؟

در طی سه دههٔ اخیر، تبلیغ هدفمند علیه اسلام و مسلمانان در سطح ملی و بین المللی، طیف گستردهٔ مهاجرین مسلمان در هشت سال اخیر، در ضمیر ناخودآگاه شهروندان سوئد این باور وجود دارد که مسلمانان مهاجر دلیل رو به وخامت بودن کیفیت زندگی در سوئد میباشد. آیا حقیقتی در اینگونه اندیشه ها وجود دارد یا نه، خود مبحث دیگری است که از حوصلهٔ این کتاب خارج است.

جدای از انبوه سیاستمداران، این نوکران ثروت (سرمایه داران چند ملیتی) گردآوری شده در مجلس، واقعیت نیاز به احزاب افراطی تک هدفی و همچنین عطش سوسیال دموکراتها درباقی ماندن در راهروهای قدرت، دو گروه دگراندیش خود را از طیف اینگونه سیاستمداران متمایز کرده اند. دگراندیشانی- افرادی که در مقابل یک چنین اقدامات مخرب علیه شهروندان و کشور سوئد راهی خلاف جریان آب طی میکنند و استقامت در اهداف خود.

(برای شفاف سازی لازم است در مورد آنچه که سه سال پیش، در سال[199] 2018، در سه صفحه در مورد این دو گروه ناراضی واقعی که اعضای آن بصورت دلخواه برای مدت نامعلوم زندانی میشوند نوشتم و بصورت الکترونیکی برای دو نفر ارسال کردم. اکنون یک حزب مسلمان به اسم "حزب سایه روشن" در سوئد متولد شده است! محکوم به شکست دقیقاً به مانند اعتصاب غذای مسلمانان در مرکزی ترین نقطهٔ استکهلم.

/// (Nyans) به معنی حدفاصل سایه روشن است ولی معنی مجازی آن "تفاوتهای جزئی" است که نمیدانم کدامیک از آن منظور بنیانگذار، با پیشینهٔ ترکیه، این حزب مسلمان است؟

حزب سایه روشن در شهرداریهای معدودی چند کُرسی سیاسی بدست خواهد آورد ولی بزرگتر از آن نخواهد شد.

[199]) امروز 25 آپریل 2022 میباشد.

یک موضوع قطعی است؛ این حزب شکاف بین مسلمانان و سوئدیها را بیش از پیش عمیق تر خواهد کرد. با این حزب جامعهٔ سوئد به سمت قطبهای مشخصتری بین سوئدیها و مسلمانان گرایش خواهد داشت که در آن زندگی برای هر دو گروه بطور فزاینده ای دشوارتر خواهد شد. تضادها و درگیریها بیشتر میشود و در اینصورت این فقط مسلمانان هستند که ضرر بیشتری در این معادله خواهند کرد. ظلم و ستم نسبت به مسلمانان زیادتر خواهد شد، کیفیت زندگی مسلمانان پائینتر خواهد آمد، اما نرخ مالیات یکسان برای همه خواهد بود!

با این دوقطبی شدن، ظلم و مجازات علیه مسلمانانی که جرأت اعتراض داشته باشند و نظر خود را بیان کنند، بیشتر خواهد شد. در اینگونه شرایط مسلمانان معترض از دو زاویه مورد حمله قرار خواهند گرفت، هم از طرف سوئدیها و هم از طرف حزب تازه تأسیس مسلمانان که خود در کشمکش قدرت نیاز به سرکوب مسلمانان معترض دارند.)

- غیر سازمان یافته

یکی از آن دو گروه دگراندیش، که باید با اندوه در دلم اعتراف کنم، مسلمانان بی نظم و ناکارآمد اجتماعی هستند که از نظر فرهنگی مطیع و پیرو ریش سفیدان قبیله هستند، ریش سفیدانی که به نوبهٔ خود عمیقاً غرق در فرهنگ کشور مبدأ هستند و عملاً نمیتوانند تصمیمی صحیح در جامعهٔ جدید که شدیداً متضاد با جامعهٔ مبدأ است اتخاذ کنند.

تفکر در مورد مسلمانان در سوئد؛
برای درک چگونگی افکار سیاستمداران سوئدی در مورد نسل بشر، شما نیاز دارید که پژوهش "زیست شناسی نژادی" در سوئد را مطالعه کنید. مؤسسه ای به همین نام در سال 1921 در مجلس سوئد به تصویب رسید. مؤسسه ای که قدم اول پژوهش در آن از سال 1907 برای بهینه سازی روابط اجتماعی برداشته شده بود.

پژوهشی که الگویی شد برای هیتلر، پایه و اساس تفکر پاکسازی یهودیان از جامعهٔ آلمان بعنوان نژادی پست تر، نژادی که نیاز بود جهان را از طیف این گونهٔ بشر تصفیه ساخت. پژوهشی که زنان و مردان سوئدی را تا سال 1970 عقیم میکردند! همه و همه برای بهینه سازی عادات اجتماعی نسل بشر. هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد نیز در همین راستا قرار دارد و روش دستیابی به هدف مطلوب برای زدودن هویت کودکان مسلمان متعدد است. یکی از مؤثرترین این روشها فروپاشی کانون خانواده های مسلمان در سوئد است.

قبلاً در چند مورد توضیح داده شد که سیاستمداران سوئدی چگونه شهروندان را به این باور رسانده اند که چرا دین اسلام و مسلمانان با جامعهٔ سوئد همخوانی ندارند و نیاز به بهینه سازی فرهنگ مسلمانان در تعامل با ساختار اجتماع در سوئد است. یکی از آن موارد تأثیرگذاری بر شهروندان خود پروندهٔ فادیمه یک خانم مسیحی ترک تبار است که توسط پدر مسیحی ترک تبار خود در سوئد به قتل رسید اما توسط سیاستمداران به نام مسلمان رنگ شد و آن مقتول مسیحی را بعنوان مسلمان غالب شهروندان سوئدی کردند!

دولت وقت سوئد 2002، سوسیال دموکراتها، با آگاهی کامل از دین فادیمه، مسیحیّت، قتل فادیمه را حتی امروز بعنوان یک ضرورت در اسلام تبلیغ میکنند که در آن شرافت باید حفظ و دفاع شود.

قتل فادیمه 2002، برای شرافت ازدست رفته بعنوان اصلی مطرح میشود که مسلمانان در کشور خود و روزانه علیه زنان و دختران خانواده اعمال میکنند، و حالا در اروپا با مهاجرتشان، فرهنگی که در تضاد با قوانین آزادی در غرب است، بنابراین از ضروریات است که اصلاح شود و نقضهای آن سیستم اجتماعی و فرهنگی زدوده شوند.

با قتل فادیمهٔ مسیحی، دولت سوئد در سال 2002، سوسیال دموکراتها، چاره ای اندیشیدند. تأسیس انجمن غیر دولتی! "هرگز پلا[200] و فادیمه را فراموش نکنید (GAPF)". انجمنی غیر دولتی که بودجه و نیروی انسانی آن از طرف دولت سوئد تأمین میشود به هدف آگاه سازی شهروندان- بسیج تبلیغی مستقیم و خودمختار توسط رسانه های مستقل! آگاه ساختن شهروندان سوئد در مورد شرافتی که با جامعهٔ سوئد همخوانی ندارد! بدینوسیله فرایند انزجار و نفرت از دین اسلام و مسلمانان پیروان آنرا دامن زدند. همه برای برجسته ساختن نیاز به تغییر و بهینه سازی رفتار اجتماعی- فرهنگی مسلمانان در سوئد همصدا شدند. پالایش فرهنگی معیوب!

افرادی که در استخدام انجمن "هرگز پلا[201] و فادیمه را فراموش نکنید (GAPF)" هستند، افرادی هستند که برای دریافت اجازهٔ اقامت دائم در سوئد، "قرآن" را تف کردند، پاره کردند و آتش زدند و این عمل شنیع توهین به دین اسلام را در رسانه های اجتماعی برای مخاطبانشان انتشار دادند. افرادی که دینشان از مذاهب یهودی و مسیحی است، همجنسبازان و یا افرادی که امروز خود را ملحد مینامند، ملحدان همجنسباز که اکنون فرصتی یافته اند تا از اسلام انتقام بگیرند، بدون اینکه حتی بدانند که حکم همجنسبازی در دین یهود سنگسار است، واقعیت قوم لوط و نابودی دو شهر صدوم و گوموراه با تمام سکنهٔ آن بماند.

آیا لازم است که در مورد نفرت سوئد و سوئدیها از اسلام بعنوان یک دین و از مسلمانان بعنوان پیروان آن، مؤمنان، توضیح بیشتری داده شود؟

آیا لازم است که در مورد ظلم بی حد و غیرانسانی علیه مسلمانان در سوئد، بیشتر توضیح داده شود؟

---

[200]) دختری عراقی- سوئدی از اقلیّت کُرد از عراق که در عراق توسط پدرش به قتل رسید.
[201]) دختری عراقی- سوئدی از اقلیّت کُرد از عراق که در عراق توسط پدرش به قتل رسید.

از خاکستر، پُتک کاوه[202] برمیخیزد!

از این تحقیر و ظلم مداوم، ربودن کودکان مسلمان برای هویت زدایی، تجاوز به زنان مسلمان برای تحقیر و شکستن روح عفت، بی حرمتی به دین اسلام، تقریباً سوزاندن هر روزهٔ کتاب آسمانی، کلام الله "قرآن"، در شهری در سوئد با حمایت دولت سوئد ... اجبار به مقاومت را اجتناب ناپذیر کرده است.

اکنون مسلمانان، کارگران[203] زحمتکش و سخت کوش، مالیات دهندگان در سوئد، کودکان مسلمانی که در سوئد متولد شده و مطابق با سیستم اجتماعی، تحصیلی در سوئد تربیت شده اند اما بخاطر مذهب ارثی شان تحت ظلم و مورد تبعیض سازمان قضائی، بازارکار، بازار مسکن ... قرار میگیرند، ابراز نیاز برای تغییر و تحول کرده اند. نیاز مبرم کودکان، زنان و خانواده ها برای قیام علیه ربودن کودکان، تجاوز به زنان و دختران، جدایی خانواده ها، تفرقه و بی حرمتی به دین اسلام، فرهنگ و آداب و سُنن مسلمانان.

دولت سوئد تا به امروز به شکل مؤثری به محض شروع اعتراض فرد مسلمان او را شناسایی و به اشکال مختلف خنثی کرده است. مسلمانانی که جرأت سخنرانی در مورد تحقیر و تحت ظلم و ستم بودن میکردند، سخنرانی از نیاز به ایستادگی برای حقوق قانونی خود داشتند، صحبت از اجبار به مبارزه علیه ربودن کودکان مسلمان میکردند و یا صحبت از مبارزه علیه تجاوز به عفت زنان و دختران مسلمان داشتند، صحبت از تحمیل جدایی به کانون خانواده، و هرگونه ظلمی که معطوف به مسلمانان است، سازمان امنیت سوئد آنانرا بسیار نامحسوس از میان برداشته میشوند و بخاطر نفرت سوئدیها از دین اسلام رسانه ها حذف فیزیکی مسلمانان را مطلقاً سانسور و در عوض نفرت خود را در کلماتی عوام فریبانه استتار میکنند و اینگونه جلوه میدارند که تمامی تلاش هیئت حاکمه در راستای سلامت روحی جامعه، نیاز به بهینه سازی فرهنگی مسلمانان برای همزیستی مسالمت آمیز در سوئد از واجبات میباشد.

این مطلب را بیاد بیاورید که چگونه دگراندیشان در سوئد بدون هرگونه جرمی دستگیر میشوند و تا زمانیکه بطور رسمی عذرخواهی نکنند، از فعالیتهای سیاسی خود کنارگیری نکنند و درخواست عفو و رحمت نکنند آزاد نخواهند شد ولی از جائیکه تعداد مسلمانان معترض رو به افزون است این روش دیگر جواب نمیدهد.

سرمایه داران چند ملیّتی به این موضوع به خوبی واقف هستند که مقاومت در میان مسلمانان بطور فزاینده ای گسترش یافته و روشهای بیان این اعتراضات شکل خطرناکی به خود گرفته است، موضوعی که با توجه به عدم رهبری مشخص میتواند منجر به اقدامات خارج از کنترل خواهد شد، موضوعی که میتواند تلاش برای دادخواهی را پراکنده و تشخیص اقدامات فردی برای تقابل را مشکل سازد.

---

[202]) خدای رعد، تور، که ویکینگهای سوئدی میپرستیدند، پُتکی داشت که با آن به جنگ جنی یان میرفت! (در اینجا خواسته ام به سوئدیها بفهمانم که خدای رعد آنان برگرفته شده از داستانی از شاهنامهٔ فردوسی است، و اینچنین برای آنان در پاورقی آورده ام.)

[203]) اجازه دهید که همهٔ مسلمانان را بدون توجه به شغلشان، کارگر صدا بزنیم.

بی شک دستگاههای دولتی مخالفین را تا به امروز با مُشتی آهنین سرکوب کرده است ولی این نمی تواند یک راه حل پایدار باشد، به همین خاطر نیاز به ایجاد یک رهبر برای مسلمانان است تا بتواند نارضایتیها را سازماندهی کند و از طریق شکلی قانونمند مسلمانان را از حق خود محروم دارند بدون اینکه اختلالی و یا اتفاقی در جامعه رُخ دهد. بله، یک حزب سیاسی مسلمان از واجبات است. حزب سایه روشن!

امروز در سوئد اعتراض علیه اسلام و مسلمانان:

- آغشتن کلام خدا "قرآن" به نجسات و آتش زدن آن، هرروز در شهری در سوئد.
- هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد.
- تجاوز به زنان مسلمان در سوئد.
- ممنوعیت مهدکودک اسلامی در سوئد.
- ممنوعیت مدارس اسلامی در سوئد.
- مساجد بسته میشوند.
- اجازهٔ ساخت مساجد جدید صادر نمیشود.
- زندانی طولانی مدت برای مسلمانانی که از حق آزادی ادیان در سوئد دفاع میکنند.
- انجمنهای غیردولتی مسلمانان ممنوع میشود.

نسل کُشی به چه گفته میشود؟

آنوقت همین سوئدیها انگشت نشان خود را بطرف ایغوریها در چین گرفته اند!

آنوقت همین سوئدیها انگشت نشان خود را بطرف دنیا میگیرند در دفاع از مذهب یهودی و مسیحی!

- سازمان یافته

گروه دوم دگراندیشان واقعی در سوئد، با ساختاری منسجم و منظم، ولی فاسد از رفاه زندگی که به آن عادت کرده اند، "جنبش مقاومت شمالی[204] (NMR منسوب به کشورهای اسکاندیناوی)" نام دارند. این جنبش مردمی به عقیدهٔ من میخواهند وطن پرست[205] باشند، بدون اینکه بدانند یک وطن پرست واقعی چگونه باید باشد و چه رفتاری باید داشته باشد. به همین خاطر نمی توان آنان را چیزی بغیر از "ملی گرا" نامید.

آنچه تفکر اینان در مورد شرکتهای چند ملیّتی است، تقریباً میتوان اینگونه جمع بندی کرد؛
شرکتهای چند ملیتی منافع دیگری بغیر از رفاه اجتماعی شهروندان سوئد و سرافرازی کشور سوئد در سر میپرورانند.

این واقعیت که شرکتهای بزرگ منابع سوئد را تهی میکنند، اعم از منابع محسوس و نامحسوس برای سرزمین ازدست داده، نه سوئد، بدون اینکه مسئولیت آسیبی را که به طبیعت، شهروندان و فرهنگ سوئد وارد میکنند را برعهده بگیرند.

واقعیتی را که ملی گرایان به آن واقف نیستند حقیقت این امر است که آنها با رفتارشان، مخربتر از سرمایه داران چند ملیّتی عمل میکنند. در واقع از هرج و مرج این ملی گرایان است که سرمایه داران چند ملیّتی میتوانند بدون مزاحمت موج سواری کنند و منابع کشور را به غارت ببرند. من اینگونه ملی گرایان را "احمقان مفید" میخوانم، البته مفید برای سرمایه داران چند ملیّتی نه مفید برای شهروندان و کشور خود سوئد.

آنچه که در این معادله زیباست، اینست که با کمک این احمقان مفید با یک افکار کلاسیک از ملی گرایی، سرمایه داران چند ملیّتی آسانتر به اهداف خود میرسند و به راحتی میتوانند زد و بندهای خود را انجام دهند. فقط کافی است که به گذشتهٔ ملی گرایان اشاره شود تا شهروندان جرأت نکنند عضو آن گروه شوند و از نظر عقیدتی به آنان نزدیک شوند. بدین طریق هیئت حاکمه (بخوانید سرمایه داران) میتوانند ملی گرایان را همیشه در یک چهارچوب قابل کنترل محصور کنند.

از سوئد دیگر، شهروندان بدلیل شخصیت و گفته های مذموم ملی گرایان، افراد و یا احزاب دست راستی که کمتر به کشور آسیب سیاسی در عرصهٔ بین الملل میرسانند را انتخاب میکنند، احزابی به مانند حزب دموکراتهای سوئد (SD)، دقیقاً همان حزبی که سرمایه داران چند ملیّتی بعنوان سوپاپ اطمینان در سه دههٔ قبل پایه گذاری کردند. هدف نائل شد!

---

[204]) Nordiska Motstånds Rörelse (NMR)

[205]) تعبیر من از میهن پرستی، فردی است که هرگونه در توان دارد برای رفاه کشور انجام میدهد تا شهروندان به دور از فقر، تباهی، ویرانی باشند. کلاً به دور از هرگونه ناملایمات که زندگی شهروندان را اسفناک میکند.

اگر ملی گرایان بتوانند وطن پرست باهوش باشند و مسلمانان آن گروه مظلوم، میتواند مخرج مشترک آنان آیندهٔ مطلوب کشور و رفاه کودکانشان باشد.

خود، رفاه کشور و نسل آینده در معرض خطر بودن، میتواند روابط شهروندان تحت ستم را نه تنها تقویت کند بلکه استحکام بخشد، جائیکه جنبش مقاومت شمالی میتواند نقش رهبری[206] را که مسلمانان فاقد آن هستند، ایفاء کند. تأکید بر سیاست درست میتواند تلاش واقعی برای سرافرازی کشور و چشم انداز رفاه نسل آینده را استحکام بخشد.

تاریخ همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان با سایر فرهنگها، مذاهب، پیشینهٔ قومی، اقلیتها ... را گواهی میکند، واقعیتی که کشور و جامعهٔ سوئد را از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی غنی میسازد.

هیچ کس نمیتواند منکر اهمیّت تنوع در یک مجموعه باشد.

یک جمله برای جنبش مقاومت شمالی اینست که از تعریف زیر، در مورد یک وطن پرست چگونه میبایست باشد پیروی کنید. تعریفی که به خودی خود میتواند مبحثی کامل در کتابی به همین عنوان باشد که از حوصلهٔ این کتاب خارج است و من هم قصد ندارم که در مورد آن بنویسم.

این تعریف برای افرادی است که فداکارانه از جان و مال خود میگذرند برای آزادی کشور و رفاه نسل آینده:

وطن پرست فردی است که با اخلاص تمام هرگونه که در توان دارد، معنوی (روحانی) و مادی (جسمانی)، بدون هرگونه چشم داشتی، برای کشور و شهروندانش انجام میدهد تا به رفاه برسند، رفاهی به دور از فقر، ویرانی و تباهی. یعنی دور از هرگونه موازینی که زندگی شهروندان را، معنوی و مادی اسفبار میکند، به دور از هر موضوعی که کشور را در معرض خطر قرار میدهد، خطردر همهٔ اشکال آن بدون اینکه به جان و مال خود فکر کند.

براساس این تعریف "خودِ" مبتنی بر نفس (خویش کامگی) به طور خودکار ناپدید میشود. یک وطن پرست هرگز موجب آسیب به کشور در همهٔ اشکال و متعلقات آن نخواهد شد، همزمان که یک وطن پرست از کشور با جان (هستی) خود دفاع میکند.

با توجه به این تعریف و شناخت "کامل" از جامعهٔ سوئد، با اطمینان خاطر مدعی هستم که هیچ وطن پرستی نه تنها در سوئد بلکه در اروپا وجود ندارد. فقط عاملانی به نام "ملی گرا"، افرادی که فقط از خشونت و خرابکاری لذت میبرند، بهشت سرمایه داران چند ملیّتی به عبارت دیگر.

---

[206]) آن رهبر نیاز دارد که برخی معیارهای خاص را رعایت کند.

به اختصار

راه اول؛ بازداشتهای بی دلیل صرفاً ترفندی برای آزار و اذیّت دگراندیشان است و یک عمل فرسایشی علیه فعالان اجتماعی سُست مایه که به رفاه و تجملات زندگی عادت دارند، اعمال میشود. هیئت حاکمه در سوئد بدینگونه اثبات میکنند که میتوانند موجب سلب آسایش، شغلی و زندگی، دگراندیشان شوند و در عمل نشان میدهند که چه چیزی را میتوانند از دست دگراندیشان خارج کنند.

بازداشتهای بی دلیل بدون عواقب برای کارمندان و سیاستمداران، همچنین طرفندی است برای حمله به خانوادهٔ فعالان از طریق سلب امنیت مالی معنوی خانوادهٔ آنان.

بیاد بیاورید که قسمت اعظم درآمد یک شهروند بصورت مالیات به حساب دولت واریز میشود و دولت قطره چکانی به شهروندانی که در خط فقر هستند "کمک هزینه (صدقه)" میدهد، و میتوان به جرأت اظهار داشت که سیاست مالیاتی عملکرد سیاسی نیز دارد. بنابراین از دست دادن درآمد معمولاً منجر به مشکلات و استحکاک در خانواده میشود زیراکه کودکان توان درک دگراندیشی والدین را ندارند. بیشتر اوقات، این مادران هستند که بدلیل ترحم برای فرزندان و ترس از تهدید دولت برای ربودن کودکان، پس از فشار مقامات امنیتی برای درخواست طلاق تسلیم میشوند. در پایان هم این طرفندهای مخفی، دروغین ولی به ظاهر قانونی منجر به اضطراب و تنش در کانون خانواده میشود، کانونی که هم برای مسلمانان و هم برای ملی گرایان اصل و پایهٔ یک زندگی سالم است. یک راهبرد هدفمند توسط سیاستمداران هیئت حاکمه در سوئد.

کانون خانواده یکی از نکته های تفاهم دگراندیشان در این دو گروه کاملاً متضاد عقیدتی است که مورد شدیدترین حملات هیئت حاکمه در سوئد به اشکال مختلف مورد تهاجم قرار میگیرند. این نکتهٔ تفاهم با عملکرد صحیح میتواند پایه ای بس محکم، فراتر از عقیده و ایدئولوژی برای آزادی کشور از چنگال دژخیمان دولت سایه شود.

موضوع دیگر، انسجام و یا فروپاشی کانون خانواده پس از بروز فشارهای امنیتی بر خانواده است که به دو شکل متفاوت ریشه در اصل فرهنگ اجتماعی در این دوگروه عمل میکند. خانوادهٔ یک فعال اجتماعی مسلمان توسط دیگر هم اندیشان او مورد حمایت مادی و معنوی قرار میگیرند جائیکه خانوادهٔ ملی گرایان بدون هرگونه حمایتی سختی بسیار میبینند، اصلی که ملی گرایان نیاز دارند به آن بأندیشند برنامه ریزی و سازماندهی کنند و در زمان همکاری از مسلمانان یاری بگیرند.

راه دوم؛ راه دوم که در واقع اولین مقطع برخورد با دگراندیشان در سوئد است، هیئت حاکمه، سیاستمداران توسط ارکانهای اداری و رسانه ای بسیار از آن استفاده میکنند و تا به دیروز (پنج سال پیش) بسیار موفق بودند و بسیاری از افراد را از آن طریق وحشت زده میکردند. برچسب یهودستیزی، جرائم ناموسی، عوامل نازیستها، مسلمان افراطی ... برچسبهایی که در این اواخر کاملاً بی تأثیر شده و مردم وقعی به اینگونه برچسبها نمی نهند و حالا اینگونه برچسبها میان خود مردم علیه هیئت حاکمه و گروههای مخالف استفاده میشود. به عبارتی دیگر اینگونه برچسبها کلاً غبهه واقعی خود را از دست داده اند.

سرکوب دگراندیشان

شاهکاری که فقط و فقط سوئدیها بر آن تسلط دارند.

"اینجانب، سیّد عیسی موسوی، در پیشگاه خداوند متعال و کلام مقدس او، قرآن، به عزت و وجدان خود قسم میخورم که به راستی سخن گویم و جز حقیقت چیز دیگری نگویم، موضوعی را کتمان نکنم، تماماً مبنی براساس اسناد و مدارک- تصاویر و فایل صوتی."

اینجانب، سید عیسی موسوی، از سال 1992 در اوقات فراغت بعنوان مربی تکواندو تلاش کرده ام. سال 1994 در مجله ای رزمی در سوئد مقاله ای انتشار دادم که در آن سخن از روشهای مستبدانه در تکواندو داشتم، ضرب و شتم فردی (مربی) که کاندیدای معاونت ریاست بود، اختلاس فدراسیون ورزشی در سوئد داشتم. تجاوز به کودکان و امثالهم که قبلاً شرح داده ام.

تعهد من به کودکان و نوجوانان در ورزش از آنزمان تاکنون ادامه داشته و اخیراً پروژه ای در سوئد علیه کانون خانوادهٔ مسلمانان فاش کردم که به تفصیل ربودن کودکان مسلمان برای "هویت زدایی" را توضیح میدهد. حقوق کودکان بدون در نظر گرفتن دین و فرهنگ در جامعهٔ سوئد تنها به ورزش محدود نمیشود.

شاخص ریاکاری در سوئد جزئی از فرهنگ منحصر به فرد این کشور شده است. شاخصی که شهروندان از کودکی از طریق انجمنها و سیستم آموزشی می آموزند و قبلاً در مولفهٔ 6 توضیح داده شده است. کاربرد آن آموخته ها در زندگی بزرگسالی و در محیط کاری به وضوح به چشم میخورد، ابزاری خودکار که صدای دگراندیشان، نویسندگان، خبرنگاران، مخالفان سیاسی- اجتماعی، کارمندان ناراضی ... را در نطفه خفه میکند.

بنابراین زمانیکه فردی مورد هدف قرار میگیرد همه یکپارچه دو مگس را با یک ضربه میزنند. یکی اینکه ریاکاری درمورد خیر و صلاح کودکان را به سینه میزنند، همزمان که از این طریق اعتبار دگراندیشان را مخدوش میکنند. منزجر کننده برای افرادی که آشنا به این روش هستند ولی رویکردی با ظاهری مشروع در انظار عمومی- بین المللی که از این روش سرکوب دگراندیشان در سوئد چیزی نمیدانند.

به عبارتی دیگر، امن ترین حمله، بدون هیاهوی رسانه ای به دگراندیشان از طریق خانوادهٔ آنان اعمال میشود برای اینکه سیستم بتواند غیرمستقیم و با ظاهری مشروع اهداف دگراندیشان را از مسیر خود خارج کند. این پرونده به هیچ وجه در سوئد منحصر به فرد نیست، مگر اینکه اینبار ناخواسته مجبور به صدور حکم دادگاه بدین شکل شدند.

هیئت حاکمه در سوئد از طریق سازمانهای قضائی[207] توسط دادگاهها و احکام صادره واقعیت هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد را استتار میکند و بدینطریق توانسته است که تا به امروز از افشای این پروژه

[207]) مولفهٔ 5 را به یاد بیاورید.

جلوگیری کند، با اینحال، و نه به این شکل آشکار علیه یک نویسنده، بلکه اینبار توسط افشاء پدر کودکان بسیار مضطرب و شتابزده عمل کردند و اینگونه ماسک از چهرهٔ کریهه شان برداشته شد.

تعهد، همّت و پشتکار پدر، افشای شفاف و همه جانبهٔ افکار عمومی و جهانیان، این اصل که هیچ چیز و یا هیچ فرد مقدس نیست و هیچ موضوعی نباید مخفی بماند، روش مستند کردن از طُرُق مختلف، شریک ساختن اجباری سیاستمداران در پروندهٔ ربودن فرزندانش، شانس هرگونه ربودن نظام مند کودکان نویسنده را از دولتمردان سوئدی سلب کرد. به عبارت دیگر فرش قرمز بی اعتبار کردن یک فعال اجتماعی مدافع کودکان از زیر پای هیئت حاکمه، سیاستمداران کشیده شد.

خلاصه اینکه نظام، در واقع در دستپاچگی مطلق مجبور شد که بدینگونه در حکم قضائی[208] خود اعتراف به انتشار کتاب را بعنوان ارتکاب به جرم اعتراف کند:

"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) "

به همین بسنده نکردند، بلکه مشخصاً دستور پایان نویسندگی و خط و مشی سیاسی را صادر کردند:

"*عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتماعی) ..."

[208]) حکم قضائی در دادگاه سودرتورن، استکلهم- سوئد، شمارهٔ پرونده (T11352 – 17).

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT **PROTOKOLL** Sid 6
2017-09-27 T 11352-17

Skälen för beslutet

Utgångspunkten vid frågan om umgänge är att barn har rätt till en nära och god kontakt med båda sina föräldrar. Mot detta ska dock ställas risken för att barnet utsätts för övergrepp eller annars far illa. Hänsyn ska också tas till barnets vilja.

Isa Musavi har i närtid publicerat två böcker som uteslutande verkar handla om parternas konflikt gällande barnen. Böckerna finns tillgängliga på internet. Isa Musavi har även på andra sätt diskuterat parternas konflikt genom att bl.a. skicka mail till tingsrätten, till olika myndigheter och till nyhetsredaktioner. Den samlade bild som tingsrätten får av dessa handlingar är att Isa Musavi är helt uppslukad av konflikten och att detta tar sig former som inte är konstruktiva. Det framgår tydligt att han är övertygad om att situationen i målet har uppstått på grund av en komplott mot honom som iscensatts av Marjan Esfahanizadeh tillsammans med svenska myndigheter.

Tingsrätten finner ingen anledning att tvivla på att Isa Musavi vill barnens bästa, men mot bakgrund av det som sagts ovan är det svårt att tro att han skulle kunna undvika att diskutera parternas konflikt, eller på annat sätt dra in barnen i denna, vid ett eventuellt umgänge. Mot bakgrund av detta finner tingsrätten att det för närvarande inte är lämpligt med ett umgänge mellan barnen och Isa Musavi.

Avslutningsvis vill tingsrätten tillägga att den situation som har uppstått är sorglig på många sätt. Tingsrätten tvivlar inte på att Isa Musavis kamp i grund och botten handlar om kärlek till Kimiya och Kiyana. Det sätt som han nu har valt att kämpa på kommer dock inte att hjälpa vare sig barnen eller honom själv. Tingsrätten hoppas därför att Isa Musavi härefter funderar på att ta ett steg tillbaka från konflikten och hitta ett mer konstruktivt sätt att försöka lösa situationen på. I sådana fall framstår det inte som osannolikt att ett umgänge kan påbörjas framöver.

HUR MAN ÖVERKLAGAR, se bilaga 1 (DV 434)
Beslutet får överklagas särskilt. Överklagandet adresseras till Svea hovrätt men ska ha kommit in till tingsrätten senast den 25 oktober 2017.

چه وضعیتی؟
کدام وضعیت موجود؟
وضعیت صحنه سازی دولت!
نمایش دولت سوئد در بوجود آوردن یک جرم!
همکاری سازمان اجتماعی و سازمانهای قضائی در جعل جرم علیه یک نویسنده!

(کُل روند قانونی، شروع از شکایت در پلیس- دادستانی- دادگاهها و اختتامیه در دیوان عالی قضائی، در 10 پرونده علیه یک نویسنده، به تفصیل در کتاب مستند "سوئدیها احمق هستند، به نقل از لَنگرودی، زن ایرانی[209]" شرح داده شده است. در اینجا به اختصار مینویسم[210].)

سوئد: ده سال است که مادر فرزندانت را با مُشت و لگد مورد آزار و اذیّت قرار داده ای.
نویسنده: آیا مدرکی دارید؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: چگونه ممکن است؟ ده سال مُشت و لگد به یک زن که از واریس[211] رنج میبرد!
حتی کمترین مدرک! قرمزی- چیزی؟
هر چیزی! چیزی که اثبات کند ادعای او را! یه چیز کوچولو!

سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: آیا در مورد قانون "برائت" مطلبی شنیده اید؟
قانون برائت در قوانین ملی و بین المللی به این مراتب آمده:

- دستورالعمل حکومتی (قوانین اساسی) 2:23
- اتحادیهٔ اروپا، حقوق بشر 6:2
- اتحادیهٔ اروپا، قوانین اساسی 48:1
- سازمان ملل، حقوق بشر 11

سوئد: تصحیح میکنم، آزار روحی، حتک حرمت، توهین.
نویسنده: آیا مدرکی دارید؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: چگونه ممکن است؟ ده سال توهین، حتک حرمت، تجاوز، تحقیر روحی ...!
هیچ مدرکی وجود ندارد؟
حتی در کمترین حد آن! یک پیامک؟
هر چیزی! هر چیزی که بتواند ادعای او را اثبات کند! یه چیز کوچولو!
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: آیا در مورد قانون "برائت" مطلبی شنیده اید؟

دادستان: تهمت نقض حقوق زنان، مادر دخترانم، به شمارهٔ پروندهٔ (AM-93078-16) از دادستان دانیل یونسون به تاریخ 11 اُکتُبر 2016 مختومه اعلام میشود.

---

[209]) کتاب مستند "سوئدیها احمق هستند، به نقل از لَنگرودی، زن ایرانی"
بارگذاری : https://www.docdroid.net/tzej1mK/manual-farsi-a5.pdf

[210]) در قالب گفتگو، در کوتاهترین شکل ممکن توضیح میدهم. رونوشت تمامی تحقیقات همگانی، آزاد میباشد و شما میتوانید آنرا از مراجع دولتی تهیه کنید.

[210]) کتاب مستند "سوئدیها احمق هستند، به نقل از لَنگرودی، زن ایرانی" تیتری به طنز که در دو تصویر جلد کتاب خلاصه میشود.
بارگذاری : https://www.docdroid.net/tzej1mK/manual-farsi-a5.pdf

[211]) مویرگهای واریسی بسیار شکننده هستند و کوچکترین برخورد با سطحی موجب خونریزی زیرپوستی میشوند و نتیجهٔ کبودی.

(تهمت ده سال مُشت و لگد، توهین هتک حرمت، تجاوز، تحقیر روحی ... از روز اول شکایت تا تصمیم دادستانی 27 روز طول کشید!)

دولت سوئد، شش ماه بعد، شکایتی دیگر!؟ اینبار:

سوئد: تو از بدو تولد فرزندانت، آنان را تنبیه بدنی کرده ای.
نویسنده: آیا مدرکی دارید؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: هیچ مدرکی؟ حتی در پائین ترین حد آن!؟
سوئد: نه، هیچ مدرکی وجود ندارد.
نویسنده: آیا گواهی مدرسه را خوانده اید! مدرسه که سالیان سال والدین، خصوصاً والدین مسلمان را تحت نظر دارد!
سوئد: بله، خوانده ایم.
نویسنده: مدرسه گواهی میدهد که "مدرسه دختران را بعنوان "دختران بابا (پدر)" احساس میکنند."

گواهی مدرسه[212]، کلمه به کلمه:

- مدرسه هیچ سوءظنی به پدر ندارد.
- "دختران بابا" مدرسه درک میکند.
- دخترها وقتی پدر (به دنبالشان می آید که به خانه بروند) را میبینند، بطرف او میدوند و خود را به آغوش پدر می اندازند.
- مدرسه احساس میکند که دختران کمی "بهانه گیر" میشوند وقتی مادر به دنبال آنان میرود.

نویسنده: اگر دخترانم را تنبیه میکردم، اینگونه علاقه ای بین من و دخترانم گواهی میکردند؟
دادگاه: دادگاه سودرتورن استکهلم، پروندهٔ محرمانه[213]! افتراء تنبیه دخترانم، با شمارهٔ پروندهٔ (AM-130707-16) به تاریخ 21 ژوئن 2017 توسط قاضی[214] آندرش. اِ. لارشون مختومه اعلام میشود.

(تهمت هشت سال و نیم در مورد کیمیّا و هفت سال در مورد کیانا، مُشت و لگد، توهین هتک حرمت، تحقیر روحی ... از روز اول شکایت، تحقیقات در مراجع گوناگون، روانشناسان کودک، متخصصان کودک در سازمانهای قضائی ... تا تصمیم دادگاه 9 ماه به درازا کشید!)

نویسنده: دختران ربوده شدهٔ مرا فوراً آزاد کنید.

---

[212]) منطقهٔ اِن شِ دِه – اُرشتا – وانتور (Enskede – Årsta – Vantör)، دفترگزارش 23 سپتامبر 2016، نادیا چاک هورا، صفحهٔ 9 از 21.
[213]) متنفر از اسلام، دادستان ارشد هوجین شامِر پروندهٔ (16 – 130707 – AM) به تاریخ 21 ژوئن 2017.
[214]) دادگاه سودرتورن، استکهلم- سوئد (Anders E Larsson).

حالا دولت سوئد شدیداً مجبور بود که پایانی برای این افشاء مفتضحانه بیابد. افشایی که نه تنها پروژهٔ محرمانهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد را برملاء میکرد بلکه شناسایی و ثبت روشمند آزار و تعقیب دگراندیشان، آزار و تعقیب مسلمانان توسط نفرت نهادینه شده در ارکانهای دولتی علیه اسلام را نیز موثق به اطلاع جهانیان میرساند.

به همین خاطر تفکر بر این بود که با صدور حکمی، مشروط کردن آزادی کودکان مقابل عدم افشاء اطلاعات بیشتر باعث سکوت نویسنده خواهد شد.

اینجاست که فرزندان ربوده شدهٔ یک نویسنده در سوئد به تنها "زندانیان سیاسی کودک" در جهان تبدیل شدند، آنهم در کشور سوئد که در رسانه های ملی خود را "وجدان بشریّت جهان" می نامند!

کیمیّا و کیانا، زندانیان سیاسی کودک در سوئد که بخاطر افشاءگری پدرشان از پروژهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد، نسل کُشی ابریشمی مسلمان در سوئد پرده برداشته بود، مجازات شدند.

دادگاه سودرتورن، استکهلم- سوئد، شمارهٔ پروندهٔ (MUFT11352-17):
"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتماتی) ..."
قاضی دانیل اِریکسون، به تاریخ 27- سپتامبر- 2017

جبههٔ متحد سیاسی، علارغم ایدئولوژیهای متفاوت احزاب، علیه اسلام و مسلمانان در سوئد غیرقابل باور است. یک بررسی میدانی در میان احزاب- سیاستمداران منتخب مردم در مجلس سوئد نشان میدهد که نفرت آشکار علیه اسلام و مسلمانان یک عنصر غیر قابل انفکاک از احزاب در سوئد شده است. به همین خاطر هیچیک از نمایندگان مجلس در مقابل این حکم که تمامی قوانین اساسی، قوانین ملی و قوانین بین المللی را نقض کرده بود هیچگونه عکس العمل مخالف نشان ندادند.

وحشت خبرنگاران از گزارش آزادانه و بحث و بررسی این پرونده غیرقابل توصیف است. صدور این حکم خود نشانه ای بود که به دیگر نویسندگان، خبرنگاران، رسانه ها بفهمانند که هیئت حاکمه در سوئد قادر به انجام هرگونه سرکوبی هستند.

از سوی دیگر، افرادی که به ربودن و سپس گروگان گرفتن فرزندان یک نویسنده کمک کردند، ارتقاء شغلی یافتند، افرادی که در واقع امروز بعنوان یک عامل ثبات و تقویت کنندهٔ استبداد در سوئد عمل میکنند. اینان چاره ای بغیر از تثبیت استبداد ندارند. روزیکه

تمامی افرادی که در ربودن و و گروگانگیری کیمیّا و کیانا، فرزندان یک نویسندهٔ مسلمان سهیم بودند، با دستور مستقیم وزیر قوهٔ قضائی، مورگان یوهانسون ارتقاء یافتند، مهمترین آنان:

- قاضی دانیل اِریکسون، اکنون مأمور رسیدگی به پروندههایی است که سیاستهای هیئت حاکمه در رابطه با سایر کشورها را از طریق حکم دادگاه اعمال میکنند، کشورهایی به مانند چین که در آن اطاعت مطلق از یک قاضی برای صدور حکم انتظار میرود.
- مشاور دادگاه (یک درجه پائین تر از قاضی) گلشنک فتاحیان در پروندهٔ ب – 11958 – 16، مستقیماً به دادگاه تجدید نظر منتقل شد!
- پِترا لوند، رئیس دادگاه سودرتورن، استکهلم- سوئد، به سمت دادستان کل کشور ارتقاء یافت.
- ماری لوئیز اوهلِن، رئیس قاضی دانیل اِریکسون، فردی که حکم گروگانگیری کیمیّا و کیانا را تأئید کرد، بعنوان مشاور عالی دادستان کل کشور برگزیده شد.
- آندرش پُرکِلِو، دادستان کل کشور به سمت ریاست دادگاه تجدید نظر برگزیده شد.
- فردریک وِرشِل، رئیس دادگاه تجدید نظر، به سمت رئیس دفتر پادشاهی سوئد منصوب شد.
- آندِرش اِکا، به ریاست دیوان عالی قضائی کشور ارتقاء یافت.

همهٔ این افراد، همهٔ تلاش خود را بکار گرفتند و از اعمال قانون در این پرونده جلوگیری میکردند و میکنند. پرونده ای علیه یک نویسنده، نه تنها یک نویسنده بلکه یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد، نویسندهٔ مسلمانی که کودکانش علیه نگارشش مجازات میشوند و در اسارت نگه داشته میشوند. همهٔ این افراد بر مناصب بالاتری نشستند، مناصبی کلیدی که ادامهٔ گروگانگیری را تضمین میکرد. مناصبی که میتوانست جلودار پیگیری قضائی آتی باشد. تضمینی برای وزیر قوهٔ قضائی که پس از انتخابات و احتمال از دست دادن منصب خود دچار مشکل نشود.

این مثال واقعی، از محروم بودن دو کودک از حقوقشان، ظلم به یک نویسنده، یک دگراندیش، یک خانواده هرگز ممکن نمی بود اگر این هفت عنصر اصلی (مولفه های 1 تا 7) با یکدیگر هماهنگی و همخوانی کامل نداشتند.

در زیر چند نمونه از ارکانهای دولتی و همچنین انجمنهای غیر دولتی که تنها وظیفهٔ آنان دفاع از حقوق کودکان است نام برده شده است، سازمانهایی که از مالیات عمومی ارتزاق میکنند ولی نقشی بغیر از نقش تزئینی ندارند. این سازمانها از ترس انتقام جویی هیئت حاکمه جلوی آنان زانو زده اند و از وظایف شغلی خود علیه هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد سر باز زدند.

- بازرس بهداشت و مراقبت[215] (IVO)
- سازمان ملی مدافع کودکان (Barnombudsmannen)
- یونیسف سوئد[216]
- انجمن غیردولتی حقوق کودکان در جامعه (BRIS)
- انجمن غیردولتی نجات کودکان (Rädda Barnen)
- آرامش کودکان- دانشگاه لینشوپینگ، مرکز دانش در مورد خشونت علیه کودکان

آیا نیازی به حذف فیزیکی دگراندیشان وجود دارد، زمانیکه دولتها میتوانند روش "شکنجهٔ ابریشمی" سوئدیها را کُپی کنند؟

---

[215]) زیر نظر وزارت خدمات اجتماعی، یکی از وظائف آن در رابطه با کودکان- افراد زیر 18 سال.

[216]) (**U**nited **N**ations **I**nternational **C**hildren **E**mergency **F**und) صندوق کمک اضطراری سازمان ملل به کودکان.

تعرض به کلام الله قرآن و سوزاندن روزانهٔ آن در سوئد

همانطور که قبلاً توضیح داده بودم، این کتاب را از سال 2018 شروع به نگارش کرده بودم که بنابر دلایلی تا به امروز به طول انجامید. شاید تقدیر بر این بود که این مطلب هم در کتاب گنجانده شود.

اثبات رفتار ریاکارانه و فریب روشمند جهان توسط سوئدیها مطلب اصلی این کتاب است و در اینجا واضحتر از این نمیتوان این واقعیت را به نمایش گذارد. کشوری که دو کودک را بخاطر نگارش کتاب پدر در گروگان خود دارد، یعنی عدم حق آزادی بیان، همزمان که از یک فرد نژادپرست دین ستیز، همجنسبازی که فقط تمایل به کودکان پسر دارد[217]، صددرصد حمایت میکند به اسم آزادی بیان!

هر عملی که سیاستمداران در سوئد انجام میدهند و هر سخنی که سیاستمداران ادعا میکنند در راستای فریب شهروندان خود و دنیا است.

هر روز امسال 2022، شهروندان سوئدی، سودئیه سوئدی، چشم آبی مو بلوند، به قرآن کلام الله تعرض میکنند و آنرا به آتش میکشند. دقیقاً همان سوئدیهایی که به دروغ کشورهای مسلمان را متهم به تعرض به دیگر ادیان و پیروان اقلیت آن ادیان میکنند.

راسموس پالودان، یک همجنسباز کودک آزار دانمارکی با پدر سوئدی، و در نتیجه یک شهروند سوئد، در غیاب عقل سلیم، نیاز به درخشیدن که همجنسبازان به آن نیاز روحی دارند. اینچنین افرادی زمانیکه کودکان و نوجوانان او را سرمشق خود قرار میدهند ارضاع شخصیتی میشوند. این دانمارکی سوئدی همجنسباز کودک آزار، اذیّت و آزار مردمان معتقد را بعنوان یک راه شهرت و ستوده شدن یافته است.

به نظر شما این همجنسباز کودک آزار دانمارکی سوئدی، راسموس پالودان، اجازه گرفت که به کدام دین حمله کند؟

به دین یهود!؟ قطعاً نه.
قوای یهود که در تمام کارکردهای سیاسی، اداری، اجتماعی، رسانه ای در سوئد نفوذ دارند حتی با فکر سوزاندن تورات در مخیلهٔ او، او را مطمئناً ترور میکردند چه رسد به اینکه این عمل را بخواهد هر روز در منطقه ای یهودی نشین و در برابر کنیسهٔ یهودان کتاب تورات را آتش بزند!

در اینجا نیاز است که دوباره از یک مثال واقعی در سوئد کمک بگیرم تا شما بتوانید جملهٔ بالا را درک کنید، که چگونه یهود و یهودیان در سوئد نسبت به دیگران در قبال دینشان عمل میکنند. تا شما درک کنید، که چگونه یهود و یهودیان دینشان را به سوئدیها دیکته و تحمیل میکنند. من در مورد یک شهروند سوئدی

[217]) روزنامهٔ (Ekstrabladet) در دانمارک در صفحهٔ اجتماعی صدای راسموس پالودان همجنسباز کودک آزار را ضبط کرد. این واقعیت به تاریخ 27 آگوست 2021 در روزنامهٔ (Expressen) سوئد به چاپ رسید و بطور گسترده در رسانه های ملی و اجتماعی ضریب گرفت.

که خود یهودیست صحبت میکنم، "درور فیلر" فردی یهودی متولد در تل آویو، ساکن در سوئد از سال 1973 و یک شهروند سوئدی.

درور فیلر خود یک یهودی زادهٔ تل آویو، توسط سفیر اسرائیل در سوئد با ضرب و شتم در افتتاحیهٔ نمایشگاه ادب شد و بدینوسیله یک سفیر یهودی به کشور سوئد دیکته کرد که چه آثاری را سوئد اجازه دارد که به نمایش بگذارد.

من درمورد سفیر یهودی، زاوی مازل صحبت میکنم، که نمایشگاه یک اثر هنری را در موزهٔ تاریخ در استکهلم به تاریخ 16 ژانویهٔ 2004 با لگد تخریب و به باد فحش گرفت. نمایشگاهی با تم نسل کُشی، اینبار نسل کُشی فلسطینیان، نسل کُشی فلسطینیان توسط غاصبان یهود که به ذعم سفیر یهودی خوش نیامد. نمایشگاهی که سخنرانان آن افرادی کمتر از کوفی عنان رئیس سازمان ملل متحد و الی ویزل برندهٔ جایزهٔ نوبل نبودند.

خود هنرمند این اثر هنری، درور فیلر، خوش شانس بود که خودش یک یهودی متولد تل آویو در فلسطین بود وگرنه مأموران یهودی سفارت در سوئد به او اجازهٔ زنده ماندن نمی دادند.

فرصت دیگری به شما داده میشود که حدس بزنید!
به راسموس پالودان همجنسباز کودک آزار دانمارکی سوئدی اجازه داده شد که به کدام دین تعرض و بی حرمتی کند؟

راسموس پالودان، آن همجنسباز کودک آزار دانمارکی سوئدی، اجازه گرفت که به اسلام تعرض و توهین کند، دینی که تخریب آن در راستای اهداف سیاستمداران در سوئد بود. هدفی که در سه دهه زمینه سازی شده بود و زیربنای آن، افکار عمومی شهروندان سوئدی، کاملاً مستحکم و مستعد به چنین تعرض، توهین و ترور دینی بودند.

طنز در اینست که رژیم سوئد، سازمانهای قضائی، رسانه های ملی در مورد حق شهروندان از "آزادی بیان" صحبت و دفاع می کنند!؟ که این حق کامل راسموس پالودان، آن همجنسباز کودک آزار دانمارکی سوئدی، بعنوان یک شهروند است که آزادانه احساسات خود را اظهار کنند حتی اگر علیه یک باور جهانی، اسلام باشد.

راسموس پالودان، آن همجنسباز کودک آزار دانمارکی سوئدی، با کمک دولت یهودی سوئد نه تنها تمامی مقاومتها علیه این تعرض را در هم می کوبند بلکه با کمک از روشهای هدفمند که در آن هفت مولفه توضیح داده شد خود را بعنوان حافظان آزادی بیان به جهانیان نشان میدهند، و به این اسم تعرض به اسلام را موجه جلوه داده و در واقع بیانیه ای به جهانیان که آزادی بیان مهمتر از آزادی ادیان است!

بیانیه ای که نیاز به صحبت ندارد چونکه با اسم و اعتبار خوب سوئد همه مایل به تقلید هستند تا از جامعهٔ مُدرن! عقب نمانند! متوجه میشوید ظرافت کار را؟

آیا لازم است که کل کتاب را دوباره از ابتدا بخوانید تا مفاد ذکر شده در حکم قضائی توسط قاضی دانیل اِریکسون را بیاد بیاورید؟

سوئد- استکهلم، دادگاه سودِرتورن، پروندهٔ شماره (17 – MUFT 11352):
"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتمائی) ..."

تعریف دقیق سوئدیها از "آزادی بیان" برای مسلمانان و راسموس پالودان، آن همجنسباز کودک آزار دانمارکی سوئدی، شانه به شانهٔ هم:

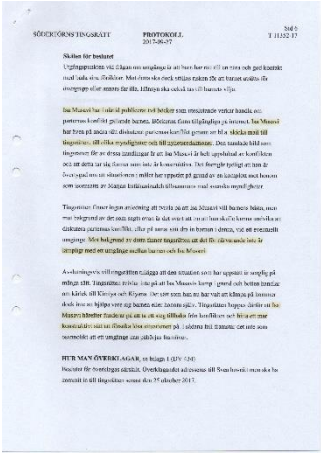
SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT PROTOKOLL 2017-08-07

Skälen för beslutet

Tingsrätten finner ingen anledning att betvivla påståendet att Jan Musavi vill barnens bästa, men vad beträffar det som utgör orsaken till det svåra läge som de befinner sig i finns i detta, vid en preliminär tingsrätt, med omständigheter som har med Jan Musavi.

A-chefsingenjören vill ingalunda ifrågasätta att den situation som har uppstått är sorglig på många sätt. Tingsrätten tvivlar inte på att Jan Musavis barnbarn i grund och botten trivdes att leka till Kirsten och Kjartan. Det som som han nu har varit en tillnärja på internet dock inte en hjälpa vare sig barnen eller Jannis själv. Tingsrätten begrep därför att Jan Musavi hänvisar bankrut på att ta en ung tillhåll från familjen och hitta en mer konstruktiv sätt att tillsätta sina intressen på, snarare till Jannis. Det är inte som normalt att ett ungdomar som sådan jan lös ...

HUR MAN ÖVERKLAGAR, se bilaga 1 (SFV 124)
Beslutet får överklagas särskilt. Överklagandet ska ställas till Svea hovrätt men ska ha kommit in till tingsrätten senast den 29 oktober 2017.

امروز 4 می 2022، پلیس سوئد به آگاهی شهروندان در سوئد رساند که 130 نفر از مسلمانانی که بر علیه تعرض، تحقیر و سوزاندن قرآن، کلام الله، اعتراض کرده بودند شناسایی شدند و همچنین مدارک خوبی وجود دارد که 300 نفر از آن مسلمانان معترض تعرض به قرآن، کلام الله، شناسایی و تحویل مراجع قضائی داده شوند. در حال حاضر ده مسلمان معترض تعرض به قرآن، کلام الله، افرادی که از حق آزادی دین دفاع می کردند در بازداشت بسر میبرند.

توضیحات قبلی در مورد دگراندیشانی که برای احیای حقوق قانونی خود برای مدت نامعلوم سلب آزادی میشوند و فروپاشی خانوادهٔ آنان توسط هیئت حاکمه در سوئد را بیاد بیاورید.

اکنون همهٔ افرادی که برعلیه سوزاندن کلام الله "قرآن" اعتراض کرده بودند، یکی پس از دیگری روانهٔ زندان میشوند. آخرین بار چهار نفر به دلیل دفاع از آزادی ادیان در سوئد هرکدام به شش سال زندان محکوم شدند.

مسلمانان بدلیل واهمه از بازداشتهای طولانی بدون هرگونه حق قانونی، واقعیت انتقام هیئت حاکمه از طریق خانواده و کودکان آنان، جرأت دفاع از خود و عقاید خود را از دست داده اند. هرگونه دادخواهی و مقاومت آشکار برای احیای حقوق ذاتی و قانونی خود با مشت آهنین سرکوب خواهد شد بعلاوه اینکه حقوق بیشتری از مسلمانان سلب خواهد شد، حقوقی که مسلمانان برای حفاظت و برخوردار شدن از آن مالیات می پردازند.

حالا مسلمانان بخاطر اینهمه ظلم به آنان، خانواده و فرزندانشان یاد گرفته اند که در خفا و بصورت انفرادی از حقوق خود بدانشکل که در توان دارند، دفاع کنند.

اگر بخواهیم امروز، 4 می 2022، فهرستی از جنایات سوئد و سوئدیها علیه مسلمانان نام ببریم بدین شکل در اجتماع اعمال میشود:

- تعرض، توهین، تحقیر و به آتش کشیدن قرآن، کلام الله، هرروز در سوئد.
- هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد
- غدغن نمودن مهدکودک مسلمانان در سوئد
- غدغن نمودن مدارس مسلمانان در سوئد
- غدغن نمودن برخی مساجد
- عدم اجازهٔ ساخت مساجد در سوئد
- غدغن نمودن برخی انجمنهای اسلامی
- زندانی نمودن مسلمانانی که از آزادی ادیان در سوئد دفاع میکنند

همهٔ این اسناد صحبت از آزار و اذیّت آگاهانه و هدفمند علیه دگراندیشان دارد، با دقت بالا، کنترل کامل بر حوادث، عملکرد خشک و سنگدل نسبت به شهروندان و آیندهٔ کشور که آنرا میتوان یک "شکنجهٔ عالی و بدون نقض" نامید.

خلاصه

هیئت حاکمهٔ سوئد بدون در نظر گرفتن احزاب سیاسی آن، در مجامع بین المللی تعهد داده است که به کنوانسیونهایی از قبیل کنوانسیون حقوق کودکان، حقوق بشر، آزادی مطبوعات، آزادی بیان ... احترام بگذارد و قوانین کشور سوئد را در راستای آن کنوانسیونها تنظیم و اجراء شود.

با کمک یک پروندهٔ واقعی که به تمام جزئیات آن واقف هستم و مثالهایی مستند از دیگر دگراندیشان که در این کتاب نام برده ام، نحوهٔ عملکرد هماهنگ این اجزاء (مولفه ها) را تشریح کردم. امیدوارم که شما به درک این موضوع رسیده باشید که چگونه این اجزاء (مولفه ها) اجتماعی در هماهنگی روشمند و همخوانی کامل این امکان را برای هیئت حاکمهٔ سوئد، بدون در نظرگرفتن ایدئولوژی احزاب تشکیل دهندهٔ هیئت حاکمه در سوئد، فراهم میکند تا با ظاهری مشروع، آزادی مطبوعات را ممنوع کنند، آزادی بیان را سرکوب کنند و همچنین سرپوش گذاشتن بر جرائم، جرائمی که در قوانین ملی و بین المللی تنظیم شده اند.

از طرف دیگر روشهای اقتصادی که برای سرکوب دگراندیشان استفاده میشود همگی این مراحل را طی میکنند، جدای از اینکه خانوادهٔ آنان نیز مورد حمله قرار میگیرند. در پروندهٔ گروگانگیری کیمیّا و کیانا، مطابق با حکم قضائی برای نگارش کتاب مستند هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد مجازات میشوند و من بدون هرگونه جرمی و یا هرگونه دادخواستی، اقتصاد من بدینگونه مورد حمله قرار گرفت:

- توقیف دارائیهایم
- ممنوعیت تجارت
- محرومیت از حق تدریس تکواندو پس از 14 سال در شرهولمن حتی به شکل فی سبیل الله!
- ممنوعیت از مراقبتهای پزشکی
- علارغم صدور حکم حداقل حقوق امرار معاش، بدون هرگونه تصمیم رسمی دیگری نصف آنرا قطع کردند تا فقط بتوانم اجارهٔ خانه را پرداخت کنم، هوا بخورم.
- قطع برق آپارتمان.

تمامی وسائل یک آپارتمان برقی است. علاوه بر پخت و پز و سایر محدودیتهایی که قطع برق موجب میشود، دسترسی به اینترنت کلاً منتفی میشود. نمی توانم از رایانهٔ خود برای تکمیل این کتاب و یا هر کتاب- مقاله ای دیگر در یک محیط آرام به مانند خانهٔ خود استفاده کنم.

- دولت به مدت دو ماههٔ کل حقوقم را بدون هرگونه دلیلی و یا تصمیمی رسمی بطور خودسرانه، کاملاً قطع کرد. حتی علارغم تصمیم رسمی به حداقل امرار معاش که آنهم بطور غیر رسمی نصفش پرداخت میشد.
- نتیجهٔ این همه محدودیتها چیزی بغیر از حصر ناخواسته خانگی نبود، بدون اینکه حکمی برای حصر خانگی وجود داشته باشد. تمامی مسافرتهایم شده آن مصافتی که میتوانم پیاده روی کنم.
- و از همه بهتر؛

یک تیم یهودی تمامی ورودی خروجیهای محل زندگی و کارم و روال عبور و مرورم را شناسایی کرده است.

رسماً از رئیس مجلس تقاضای بازجوئی رسمی در صحن مجلس را داشته ام تا بتوانم بطور آشکار آن تیم یهودی را با ارائهٔ مدارک برای نمایندگان مجلس افشاء کنم که تا به امروز 9 ژوئن 2022 مورد قبول واقع نشده است.

آیا میتوان تیتر اینگونه سرکوب شیک و مجلسی را با عنوانی دیگر بغیر از "شکنجهٔ ابریشمی" نامید؟

آیا نیازی به حذف فیزیکی دگراندیشان در سوئد وجود دارد؟

شما در این کتاب اسنادی در اصل آن، بدون پوشاندن هرگونه مطلبی از آن، را مطالعه کرده اید که گویای چگونگی امکان سرکوب دگراندیشان در سوئد بدون عواقب ملی و بین المللی است. مدارکی که به اثبات میرساند در آن برای سرکوب یک نویسنده، کودکان او را مجازات میکنند، مجازاتی که تا هستی هست آن کودکان را آزار روحی[218] خواهد داد. محروم کردن نویسنده از درآمد، حق درمان، محدود کردن در همهٔ ابعاد زندگی بدون اینکه ملتی در این دنیای خاکی، سازمان ملل متحد، اروپا و یا انجمهای فراسرزمین غیردولتی، عکس العمللی نشان دهند.

در مرحلهٔ بعدی این کتاب، فهرستی از تمامی جرائمی که هیئت حاکمه در سوئد، ارکانهای دولتی، کارمندان و سیاستمداران منطقه ای و شهری براساس قانون در این گروگانگیری مرتکب شده اند خواهید یافت. فهرستی از تمامی جرائم علیه قوانین ملی و قوانین بین المللی، برای سرکوب افشاء نسل کُشی مخملی مسلمانان در سوئد.

بیاد داشته باشید که این فقط پادشاه سوئد است که از مصونیت کامل، در همهٔ موارد، برخوردار است. همهٔ دیگر افراد، شهروندان با هرگونه رتبه و مقام اجتماعی، مادی و معنوی در مقابل قانون یکسان هستند، بدانگونه که در قوانین به ثبت رسیده است.

در شروع این فهرست به آگاهی میرسانم که؛

همهٔ شهروندان در سوئد صرف نظر از موقعیتشان در کشور، در قبال قانون جزا، آرتیکل 15 پاراگراف 9 – غفلت در جلوگیری از جرم – موظف هستند که به ارکانهای دولتی در مورد جرائم علیه دو کودک، کیمیّا و کیانا، که استمرار دارد گزارش دهند. جرائم علیه من را نادیده میگیریم!

قانون جزا، آرتیکل 15 پاراگراف 9 "غفلت در جلوگیری از جرم"

"هر فردی، بدون اینکه مشمول مسئولیتی از آنچه که قبلاً در این آرتیکل گفته شد باشد، با عمل خود، بدانگونه که گزارش شده است، این شرایط را ایجاد کرده که دیگری بدون هرگونه دلایل قانونی محکوم شود و یا اینکه به نحو دیگری متحمل آسیب قابل توجهی شود و پس از رسیدن به این فهم، کوتاهی کند برای دفع آن خطر بدانگونه که معقولاً قابل انتظار است، بخاطر عدم دفع اشتباه قانونی به جزای نقدی یا حبس حداکثر تا شش ماه محکوم میشود."

[218]) دادخواست شمارهٔ (20 -01 82 K121 – 5000) تحقیق و گزارش پلیس شرح مفصلی از شکنجهٔ روحی دو دختر نویسندهٔ کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد"، کیمیّا موسوی و کیانا موسوی است.

این بدان معناست که هر یک از شهروندان در سوئد، صرف نظر از موقعیت خود، باید به محض آگاهی از وقوع جرمی، بدون اینکه خود را در معرض خطر دهند و بدون مداخله، باید مراتب را به مقامات مربوطه اطلاع دهند.

قوانین ملی که سیاستمداران و کارمندان متعهد به اجرای آن هستند ولی انتخاب کرده اند که تخلف کنند به شرح زیر است.

<u>با نقض قوانین اساسی شروع میکنم.</u>

تمدن سوئد بر چهار پایه استوار است، یعنی چهار قانون اساسی که به ترتیب عبارتند از:

- دستورالعمل حکومتی
- پادشاهی (طرح جانشینی)
- فرمان آزادی مطبوعات
- قانون آزادی بیان

اولین و مهمترین این قوانین اساسی، دستورالعمل حکومتی است که در آن دولتها موظف میشوند که از طریق قوانینی که در مجلس وضع میشود، کشور را اداره کنند.

- **دستورالعمل حکومتی**
  - آرتیکل 1 اساس شکل حکومتی
    - پاراگراف 1 *تمامی اقتدار ملی* (دولت وشهرداریها) *در سوئد مبتنی بر مردم* (از طریق مجلس) *است.*
      اقتدار ملی، ادارهٔ کشور زیر نظر قوانین اعمال میشود.

سپس قوانین دیگر در ذیل آن توضیح داده میشود.

آنچه که پس از اولین آرتیکل آمده و صحبت از اهمیت آن قوانین دارد، مبحث "حق آزادیهای بنیادین" شهروندان است، حقوقی که شهروندان از طریق نهاد حاکم، یعنی دولتها تضمین شده اند.

- آرتیکل 2 حق آزادیهای بنیادین
  - پاراگراف 1 *هر شهروندی در برابر دولت در این موارد ضمانت میشود*

آزادی عقیده

1) *–آزادی بیان؛ آزادی در صحبت، نگارش یا تصویر یا به هر شکل دیگری آگاه نمودن از اخبار و نیز اظهار اندیشه، عقاید و احساسات،*
2) *– آزادی اطلاعات؛ آزادی در بدست آوردن و دریافت کردن اطلاعات و نیز در هر شکل دیگری سهیم شدن از نظرات دیگران،*

(3 –
(4 –
(5 –
(6 – *آزادی ادیان؛ آزادی که به تنهایی یا به همراه دیگران دین خود را انجام دادن.*

- آرتیکل 12 اداره ها
  - پاراگراف 9 *بند دوم اگر دلایل خاصی وجود داشته باشد، دولت اجازه دارد تصمیم بگیرد که اقدامات بعدی برای تحقق یا تعقیب یک عمل مجرمانه صورت نگیرد. قانون (2010:1408).*

جرم علیه "فرمان آزادی مطبوعات"

- **(3) فرمان آزادی مطبوعات**
- آرتیکل 1 آزادی مطبوعات
  - پاراگراف 1 ***آزادی مطبوعات*** *هدفش تضمین تبادل آزادی عقاید، روشنگری آزادانه و فراگیر و همچنین خلق آزادانهٔ هنر است.*

آزادی مطبوعات *به معنای آزادی انتشار افکار، عقاید، احساسات و نیز انتشار اسناد عمومی و ارائهٔ اطلاعات در مورد هر موضوعی است.*

آزادی مطبوعات *همچنین به معنای حق هر شهروند برای انتشار نشریات است بدون اینکه یک مقام و یا یک نهاد دولتی قبل از انتشار آن از این امر جلوگیری کند، پیگرد قانونی و تنظیم دادخواست علیه محتوای یک سند فقط پس از انتشار آن و فقط در دادگاه قابل طرح است. هیچ شهروندی به دلیل محتوای یک نوشته نباید مجازات شود مگر اینکه محتوای آن نگارش مغایر با قانون روشنی باشد که به منظور حفظ آرامش عمومی ابلاغ میشود بدون اینکه اطلاع رسانی عمومی را محدود کند.*

زمانیکه ***آزادی مطبوعات*** *اجراء میشود، باید مقررات این قانون اساسی که حقوق انفرادی شهروندان و از امنیت عمومی حفاظت میکند، رعایت شود.*

در آزادی مطبوعات، هیچگونه محدودیتهای دیگری به جز محدودیتهای ناشی از این قانون اساسی نباید وجود داشته باشد. قانون (2018:1801).

جرم علیه "قانون آزادی بیان"

- **(4) قانون آزادی بیان**
  - آرتیکل 1 آزادی بیان بر اساس این قانون اساسی
    - پاراگراف 1 *هر شهروندی در قبال این قانون، توسط هیئت حاکمه، تضمین میشود تا از طریق رادیو، تلویزیون و اینگونه موارد مشابه مخابراتی، اطلاعات عمومی از طریق کامپیوتر و نیز فیلم، کاستهای فیلم، دستگاههای ضبط صدا و دیگر موارد مشابه دستگاههای ضبط صدا بگونهٔ عمومی افکار، عقاید و احساسات خود را ارائه دهد و نیز به هر شکل دیگر ارائهٔ اطلاعات در هر موضوعی.*

هدف از آزادی بیان براساس این قانون اساسی، تضمین تبادل آزادانهٔ نظرات، اطلاعات آزاد و جامع و خلق هنر آزادانه است. هیچ محدودیتی به غیر از آنچه که در این قانون اساسی پیش بینی شده است نمی تواند بر این قانون اساسی اعمال شود. قانون (2018:1802).

نقض قوانین جزا

لازم به ذکر است که قوانین مندرج در قوانین کیفری در سوئد از همان لحظهٔ اول افشاء پروژهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد بطور کامل نقض شد.

من، سیّد عیسی موسوی، به وجدان و شرفم تضمین میدهم که برای هریک از جرائم نامبرده در زیر، یک یا چند سند بایگانی شده وجود دارد که صحت ارتکاب به جرم را مطابق با قوانین جزا تأئید میکند، جرمهایی که علیه دو کودک خُردسال بخاطر عقاید و ایمان پدرشان، کارمندان و سیاستمداران در سوئد مرتکب شدند.

لیست جرائم در قوانین کیفری در سوئد که کارمندان و سیاستمداران انتخاب کردند که در این پرونده نادیده بگیرند بدون اینکه وارد جزئیات شوم:

قوانین کیفری (1962:700)

- بخش دوم

- آرتیکل 3 جرم علیه جان و سلامت
- آرتیکل 4 جرم علیه آزادی و آرامش
- آرتیکل 5 جرم علیه تهمت و افتراء
- آرتیکل 7 جرم علیه خانواده
- آرتیکل 9 جرم علیه کلاهبرداری و سایر تخلفات
- آرتیکل 14 جرم علیه جعل اسناد
- آرتیکل 15 جرم علیه شهادت دروغ، اتهام دروغ و سایر اظهارات غیرواقعی
- آرتیکل 20 جرم علیه خطای شغلی
- آرتیکل 23 جرم علیه تلاش، تدارک، برچسب زدن و همدستی در جرم

همهٔ این تخلفات علیه قوانین اساسی و کیفری در سوئد، بخاطر مهارکردن افشاء پروژهٔ مخملی نسل کُشی مسلمانان در سوئد با روش هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد در کتابی به همین عنوان که در سال 2017 به ثبت و چاپ رسید.

دو کودک خُردسال، کیمیّا موسوی و کیانا موسوی، مجازات شدند برای اینکه هیئت حاکمه بخواهد افشاء این پروژه را سانسور و از انتشار آن جلوگیری کنند.

نقض قوانین بین المللی که کشور سوئد داوطلبانه پذیرفته است که بعنوان خط مشی راهبردی قوانین خود در کشور سوئد اعمال کنند ... !

نقطهٔ شروع[219]، آرتیکل 2 کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد و همچنین آرتیکل 19 کنوانسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد است.

- کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل

این کنوانسیون توسط دولت وقت در سوئد در سال 1989 پذیرفته شد و کشور سوئد توسط آن متعهد شد که به این قوانین احترام گذاشته شود و در کشور خود آنرا اجراء کنند، اما این کنوانسیون در سال 2018، یعنی 29 سال پس از امضاء آن، بعنوان قانون اجرائی در مجلس کشور سوئد به تصویب رسید!

در عمل برای هیئت حاکمه تصویب این کنوانسیون در مجلس فقط به منزلهٔ این بود که تعهد را از گُردهٔ خود به گُردهٔ سازمانهای ذیربط انتقال دهند، ولی از بابت تعهد بین المللی کشور سوئد از سال 1989 موظف به اجرای آن بوده و هیئت حاکمه جوابگو در برابر عدم اجرای آن.

آرتیکل اول کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد مشخص میکند که کودک به تمام افراد، نژاد بشر، زیر هیجده سال اتلاق میشود. در واقع یک تعریف دقیق از عنوان "کودک" است.

آرتیکل دوم کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد در واقع اولین "قانون" است، نشانه ای از اهمیّت آن، که در آن بیان میشود "*کودکان نباید بدلیل موقعیت (سیاسی، اجتماتی، شغلی، مالی و از این قبیل) فعالیتها، بیان نظرات و عقاید والدین مجازات شوند*."

با تکیه بر تمامی اسناد، فایلهای صوتی- تصویری و احکام قضائی مکتوب شده در استکهلم- سوئد، این دقیقاً "بیان نظر و عقاید والدین (پدر)" است که مبنای مجازات و گروگانگیری کیمیّا و کیانا در سوئد است.

در اینجا، فهرستی از جرائم کشور سوئد علیه کنوانسیون حقوق کودکان، قانون کیفری[220]، قوانینی که هم هیئت حاکمه (دولت) و هم سازمانهای قضائی بر علیه دو کودک خُردسال مرتکب شده اند و در برابر قانون پاسخگو هستند. کودکانی که تنها جرمشان فرزندان پدری است که نسل کُشی مخملی مسلمانان در سوئد را به شکل روشمند شناسایی و ثبت کرد.

بدون اینکه وارد جزئیات شوم:

- آرتیکل **2:2** *کودکان نباید بدلیل موقعیت (*سیاسی، اجتماتی، شغلی، مالی و از این قبیل*) فعالیتها (*نویسندگی*)، بیان نظرات (*هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد*) و عقاید (*مسلمان*) والدین مجازات شوند.*

---

[219]) دو کودک گروگان گرفته شده در سوئد بخاطر کتابهای منتشرشدهٔ پدرشان، نامه به مقامات و مقالات به رسانه ها، همانگونه که در حکم قضائی (دادگاه سودرتورن پروندهٔ 17 – T11352) قید شده بود. جنایت علیه دو کودک، دو دختر خُردسال یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد (کیمیّا موسوی و کیانا موسوی).

[220]) این قانون در مجلس سوئد 7 به تاریخ 5 ژوئن 2018 بعنوان قانون مدنی در سوئد به تصویب رسید.

- آرتیکل **8:1** *کودکان حق دارند هویت، نام و نسبت فامیلی خود را حفظ کنند* (پیوند خونی کیمیّا و کیانا به 1400 سال قبل به زمان حضرت علی (ع) برمیگردد.).

- آرتیکل **9:1** *کودکان نباید برخلاف میل شان از والدین خود جدا شوند.*

- آرتیکل **9:3** *کودکان حق ارتباط منظم شخصی، تماس مستقیم با والدین خود داشته باشند.*

- آرتیکل **9:4** *کودکان زندانی شده حق دریافت اطلاعات جامع و دقیق از والدین خود و همچنین والدین حق اطلاعات جامع و دقیق از فرزندان خود را دارند.*

- آرتیکل **16:1** *هیچ کودکی نباید بدلایل واهی و غیرقانونی در حریم خصوصی و خانوادگی کودکان در منزل و یا در مکاتبات خود در معرض تعرض و مداخله قرار گیرند و یا اینکه بدلایل غیرقانونی به شرف، وجهه و اعتبار کودکان تعرض شود.*

- آرتیکل **37** آ) *هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.*

ب) هیچ کودکی نباید بصورت غیر قانونی و یا به دلایل واهی آزادی خود را از دست دهد (زندانی شود). دستگیری، توقیف، بازداشت، حبس و یا دیگر اشکال آزادی عمل فیزیکی از یک کودک باید در راستای قانون باشد و فقط میبایست بعنوان آخرین حربه از آن استفاده شود و در کوتاه ترین زمان سلب آزادی فیزیکی یک کودک باشد.

پ) با هر کودکی که از آزادی خود محروم شده است، باید به گونه ای انسانی و با احترام به کرامت ذاتی انسان و به گونه ای رفتار شود که مناسب با سن آن کودک است.

ت) هر کودکی که از آزادی خود محروم شده است، میبایست در اصرع وقت حق دسترسی به یک مشاور حقوقی و دیگر حمایتهای مناسب داشته باشد، حق بررسی قانونی بودن بازداشت او توسط دادگاه و یا مراجع ذیصلاح، مستقل، بیطرف و برخورداری از حق تصمیم گیری سریع در اینگونه موارد.

- **کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر**

کشور سوئد توسط هیئت حاکمه (دولت آنزمان) کاملاً آزادانه و داوطلبانه تعهد به کنوانسیون حقوق بشر مصوبهٔ سازمان ملل متحد را پذیرفت و بدینوسیله مطابق با آرتیکل 30 متعهد شد:

"*هیچ مفادی در این کنوانسیون اجازه ندارد، بعنوان حق یک دولت، یک گروه یا یک فرد که خود را وقف فعالیتی و یا انجام عملی کند که به منظور ابطال هریک از حقوق و یا آزادیهای مندرج در این کنوانسیون، تفسیر شود.*"

بنابراین:

آرتیکل 5 *هیچ فردی نباید مورد شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.*

آرتیکل 12 *هیچ فردی نباید مورد مداخلهٔ خودسرانه و واهی در حریم خصوصی، خانواده، خانه یا آبرو و شرف خود قرار گیرد؛ هر فردی حق دارد که در برابر اینگونه مداخلات و یا تعرضها از حمایت قانون برخوردار شود.*

آرتیکل 16 بند سوم خانواده یک اصل طبیعی و اساسی جامعه است و حق حمایت جامعه و دولت را دارد.

آرتیکل 19 *هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن عقاید بدون مداخله و تفحص، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید به کمک هر وسیلهٔ بیانی و بدون توجه به مرزها است.*

آرتیکل 26 بند سوم *حق انتخاب تحصیل برای فرزندان در درجهٔ اول به والدین آنها تعلق دارد.*

کنوانسیونهای بین المللی علیه شکنجه

- **کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودکان علیه شکنجه**
  - آرتیکل 37
    - 1. *هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای غیرانسانی، مجازاتهای ظالمانه و تحقیر آمیز قرار گیرد.*

- **کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه،** مجازاتهای ظالمانه و یا سایر رفتارهای غیرانسانی یا تحقیر آمیز
  - آرتیکل 2
    - 1. *هرکشور عضو باید اقدامات مؤثر از طریق قانونگذاری، اداری، قضائی یا دیگر موارد برای جلوگیری از اعمال شکنجه در تمامی قلمرو تحت صلاحیت قضائی خود اتخاذ کند.*
    - 2. *هیچ شرایط خاصی اعم از وضعیت جنگی یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی یا سایر شرایط اضطراری عمومی برای توجیه شکنجه قابل پذیرش نیست.*
    - 3. *دستور یک فرد، مقام ارشد در دولت و یا مقام ارشد اداری، مجاز نیست که بعنوان توجیه شکنجه به آن استناد شود.*
  - آرتیکل 5

هیچ فردی نباید مورد شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.

- **کنوانسیون اتحادیهٔ اروپا، حمایت از حقوق بشر**
  - آرتیکل 3 منع شکنجه

هیچ فردی اجازه ندارد که مورد شکنجه، مجازات یا رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

- **اساسنامهٔ اتحادیهٔ اروپا، در مورد حقوق پایه ای شهروندان** (FRA)
  - آرتیکل 4

ممنوعیت مجازات شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز.

اسناد

تنها "کودکان زندانی سیاسی" در جهان مطابق با حکم قضائی در سوئد.

"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتمائی) ..."

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT **PROTOKOLL** Sid 6
2017-09-27 T 11352-17

Skälen för beslutet

Utgångspunkten vid frågan om umgänge är att barn har rätt till en nära och god kontakt med båda sina föräldrar. Mot detta ska dock ställas risken för att barnet utsätts för övergrepp eller annars far illa. Hänsyn ska också tas till barnets vilja.

Isa Musavi har i närtid publicerat två böcker som uteslutande verkar handla om parternas konflikt gällande barnen. Böckerna finns tillgängliga på internet. Isa Musavi har även på andra sätt diskuterat parternas konflikt genom att bl.a. skicka mail till tingsrätten, till olika myndigheter och till nyhetsredaktioner. Den samlade bild som tingsrätten får av dessa handlingar är att Isa Musavi är helt uppslukad av konflikten och att detta tar sig former som inte är konstruktiva. Det framgår tydligt att han är övertygad om att situationen i målet har uppstått på grund av en komplott mot honom som iscensatts av Marjan Esfahanizadeh tillsammans med svenska myndigheter.

Tingsrätten finner ingen anledning att tvivla på att Isa Musavi vill barnens bästa, men mot bakgrund av det som sagts ovan är det svårt att tro att han skulle kunna undvika att diskutera parternas konflikt, eller på annat sätt dra in barnen i denna, vid ett eventuellt umgänge. Mot bakgrund av detta finner tingsrätten att det för närvarande inte är lämpligt med ett umgänge mellan barnen och Isa Musavi.

Avslutningsvis vill tingsrätten tillägga att den situation som har uppstått är sorglig på många sätt. Tingsrätten tvivlar inte på att Isa Musavis kamp i grund och botten handlar om kärlek till Kimiya och Kiyana. Det sätt som han nu har valt att kämpa på kommer dock inte att hjälpa vare sig barnen eller honom själv. Tingsrätten hoppas därför att Isa Musavi härefter funderar på att ta ett steg tillbaka från konflikten och hitta ett mer konstruktivt sätt att försöka lösa situationen på. I sådana fall framstår det inte som osannolikt att ett umgänge kan påbörjas framöver.

HUR MAN ÖVERKLAGAR, se bilaga 1 (DV 434)
Beslutet får överklagas särskilt. Överklagandet adresseras till Svea hovrätt men ska ha kommit in till tingsrätten senast den 25 oktober 2017.

27 روز پس از ربودن کیمیّا و کیانا، به تاریخ 11 أکتُبر 2016، تهمت "زن آزاری مزمن" مختومه اعلام شد.

ریاکاری روشمند سوئدیها در مقابل افکار جهانی:

کیفرخواست "نقض فاحش حقوق زنان" ده سال لگد و مشت به زنی که از واریس رنج میبرده، پس از سه هفته بدلیل وجود هرگونه آثار جرمی، حتی در کوچکترین حد آن، مختومه اعلام شد.

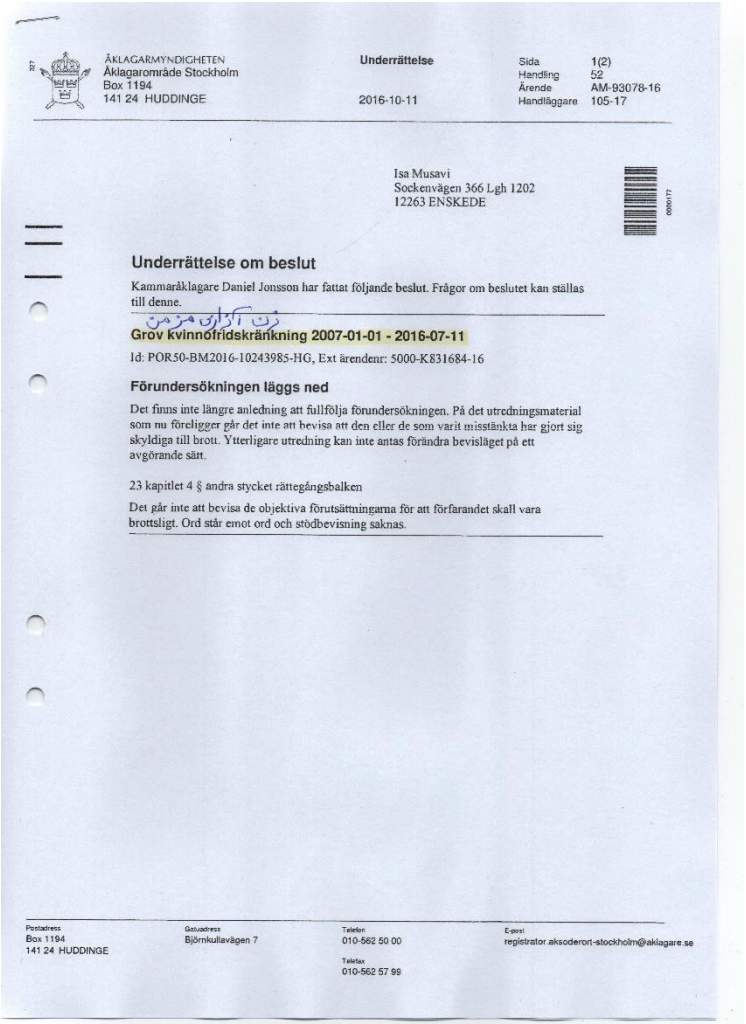

ÅKLAGARMYNDIGHETEN
Åklagarområde Stockholm
Box 1194
141 24 HUDDINGE

Underrättelse

2016-10-11

Sida 1(2)
Handling 52
Ärende AM-93078-16
Handläggare 105-17

Isa Musavi
Sockenvägen 366 Lgh 1202
12263 ENSKEDE

Underrättelse om beslut

Kammaråklagare Daniel Jonsson har fattat följande beslut. Frågor om beslutet kan ställas till denne.

زن آزاری مزمن

Grov kvinnofridskränkning 2007-01-01 - 2016-07-11

Id: POR50-BM2016-10243985-HG, Ext ärendenr: 5000-K831684-16

Förundersökningen läggs ned

Det finns inte längre anledning att fullfölja förundersökningen. På det utredningsmaterial som nu föreligger går det inte att bevisa att den eller de som varit misstänkta har gjort sig skyldiga till brott. Ytterligare utredning kan inte antas förändra bevisläget på ett avgörande sätt.

23 kapitlet 4 § andra stycket rättegångsbalken

Det går inte att bevisa de objektiva förutsättningarna för att förfarandet skall vara brottsligt. Ord står emot ord och stödbevisning saknas.

Postadress Box 1194 141 24 HUDDINGE
Gatuadress Björnkullavägen 7
Telefon 010-562 50 00
Telefax 010-562 57 99
E-post registrator.aksoderort-stockholm@aklagare.se

36 روز پس از ربودن کیمیّا و کیانا، به تاریخ 20 أکتُبر 2016، اعتراف پلیس توسط سازمان اجتماعی منطقهٔ اِن شِ دِه در شهر استکلهم به ثبت میرسد "مشکل است که اثبات شود!" به زبان عامیانه مدرکی ندارند.

با اینحال تا به امروز 27 ژولای 2022 دخترانم، کیمیّا و کیانا در گروگان پلیس و دولت سوئد هستند.

Stockholms stad

ENSKEDE-ÅRSTA-VANTÖR
STADSDELSFÖRVALTNING
BoU Mottagning

Utredning 11 kap. 1 §
Sida 3 (11)
2016-10-20

Kim Tjernqvist
0046 - 08 - 50820159

förtur till bostadsbyte. Marjan har även ansökt om enskild vårdnad, mannen har svarat att han inte godtar Marjans yrkande om enskild vårdnad.
Efter sista våldshändelsen gjorde Marjan en polisanmälan. Marjan berättar att polisen sagt att det är svårt med bevisning då det rör sig om ca 10 års våld, att mycket av det fysiska våldet utförts i Iran och att det finns lite dokumenterat.

Parallellt med utredningen hos Relationsvåldsteamet har det pågått en utredning på Utredningsenheten för barn och ungdom utifrån att Kimiya och Kiyana bevittnat våld i nära relation. Syftet med utredningen har varit att klargöra barnens situation samt behov av skydd och stöd från Socialtjänsten. Under utredningen på Barn och ungdom har Marjan känt ambivalens kring mannens umgänge med barnen. Å ena sidan vill hon skydda sina döttrar från risken att utsättas för våld, å andra sidan vill hon inte framstå som att hon inte är sammarbetsvillig och inte vilja ge barnen en chans till ett fungerande umgänge med sin far. Marjan har dock valt att fullföljа ansökan om sekretessmarkering, förtursansökan samt enskild vårdnad för att kunna börja ett nytt liv med Kimiya och Kiyana, fritt från hot och våld.

Social situation

Familjesituation/ Nätverk
Marjan berättar att hon är uppväxt i Iran och att hon bott i Sverige i ca 10 år och båda döttrarna är födda i Sverige. Marjans familj bor i Iran och hon träffar dem sällan
Marjan berättar att mannen många gånger försökt att svartmåla Marjan för både hennes och hans familj. Iran har även tvingat henne att be om ursäkt inför familjen när han ansett att hon gjort något fel. Enligt Marjan har hennes familj förstått vem mannen egentligen är men kan inte göra något för att påverka. Marjan förklarar att man, där hon kommer ifrån, inte skiljer sig och säger vidare att mannens familj har hört av sig och försökt att övertala henne att inte skilja sig från mannen, men Marjan har gjort klart för dem att hon bestämt sig.
När Marjans bror och hans familj nyligen var på besök förbjöd mannen dem att bo i Marjans lägenhet och Marjan skämdes mycket inför brodern. Mannen tillät heller inte barnen att spendera mer än några timmar på tre veckor, tillsammans med Marjan och hennes bror och han kopplade in polisen kring detta. Marjan förklarar att hon gör allt för att inte mannen ska bli arg och gjorde därför som mannen sa.

Marjan berättar att hennes vänner sett hur mannen behandlat henne och att de vid flera tillfällen uppmanat henne att polisanmäla. Nu när hon anmält är det ingen som vågar vittna på grund av rädsla för vad mannen eller hans familj ska göra förklarar Marjan.

Utbildning, arbete/sysselsättning och ekonomi
Marjan arbetar som sjuksköterska men är i dagsläget sjukskriven. Marjan har inga hyresskulder eller skulder till Kronofogden. Det är Marjan som betalar den största delen av kostnaderna i hemmet. Mannen betalar enbart för internet och barnens telefoner och ibland för mat och kläder och leksaker till barnen. Dock har han sagt att

001

63 روز پس از ربودن کیمیّا و کیانا، به تاریخ 16 نوامبر2016، سازمان اجتماعی منطقهٔ اِن شِ دِه در شهر استکلهم، بخش تحقیق از کودکان زیر 9 سال، طی گزارشی مفصل به نتیجه میرسد که پرونده را بدون هرگونه اعمال قانون علیه کودکان و یا والدین مختومه اعلام کند و هیچگونه اقدام قانونی انجام ندهد. سازمان اجتماعی پروندهٔ تحقیق از کودکان زیر 9 سال را بدون هرگونه اعمال قانونی مختومه اعلام کرد.

در اینجا مسئول بخش "خشونت در خانواده" در 5 کلمه اعتراف میکند که "کیمیّا و کیانا تحت کنترل ادارهٔ اجتماعی نیستند."

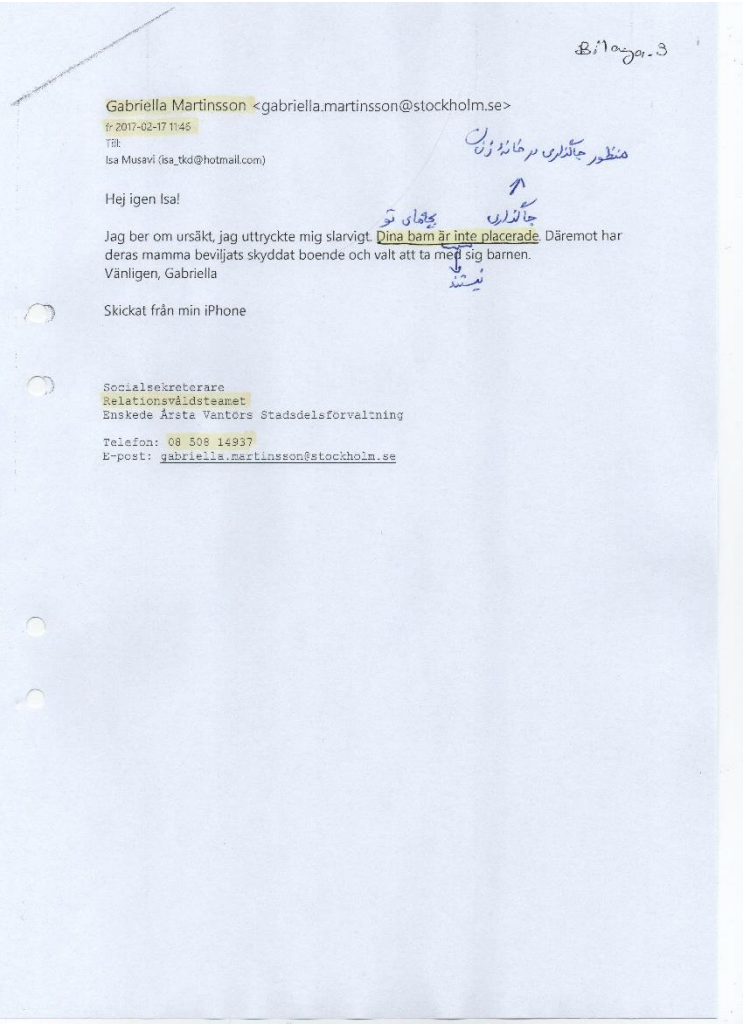

Bilaga. 3

Gabriella Martinsson <gabriella.martinsson@stockholm.se>
fr 2017-02-17 11:45
Till:
Isa Musavi (isa_tkd@hotmail.com)

منظور جاگذاری در خانهٔ ژن

Hej igen Isa!

بچه‌های تو جاگذاری

Jag ber om ursäkt, jag uttryckte mig slarvigt. Dina barn är inte placerade. Däremot har deras mamma beviljats skyddat boende och valt att ta med sig barnen.
Vänligen, Gabriella

نیستند

Skickat från min iPhone

Socialsekreterare
Relationsvåldsteamet
Enskede Årsta Vantörs Stadsdelsförvaltning

Telefon: 08 508 14937
E-post: gabriella.martinsson@stockholm.se

تهمت تنبیه دخترانم پس از 9 ماه تحقیق و تفحص توسط سازمان اجتماعی و دادستانی با هماهنگی پلیس توسط دادگاه سودِرتورن در استکهلم- سوئد مختومه اعلام شد.

جالب اینجاست که بدانید پرونده توسط قاضی آندرش اِ لارشون مختومه اعلام شد، همان فردی که یک ماه قبل از این حضانت را علارغم تمامی اسناد و با ذکر این واقعیت که "*عیسی هرگز کودکانش را نخواهد دید*" به کودک رُبایان سپُرد.

در پرونده ای محرمانه!؟ تهمت "تنبیه کودکان" توسط حکم دادگاه مختومه اعلام شد.

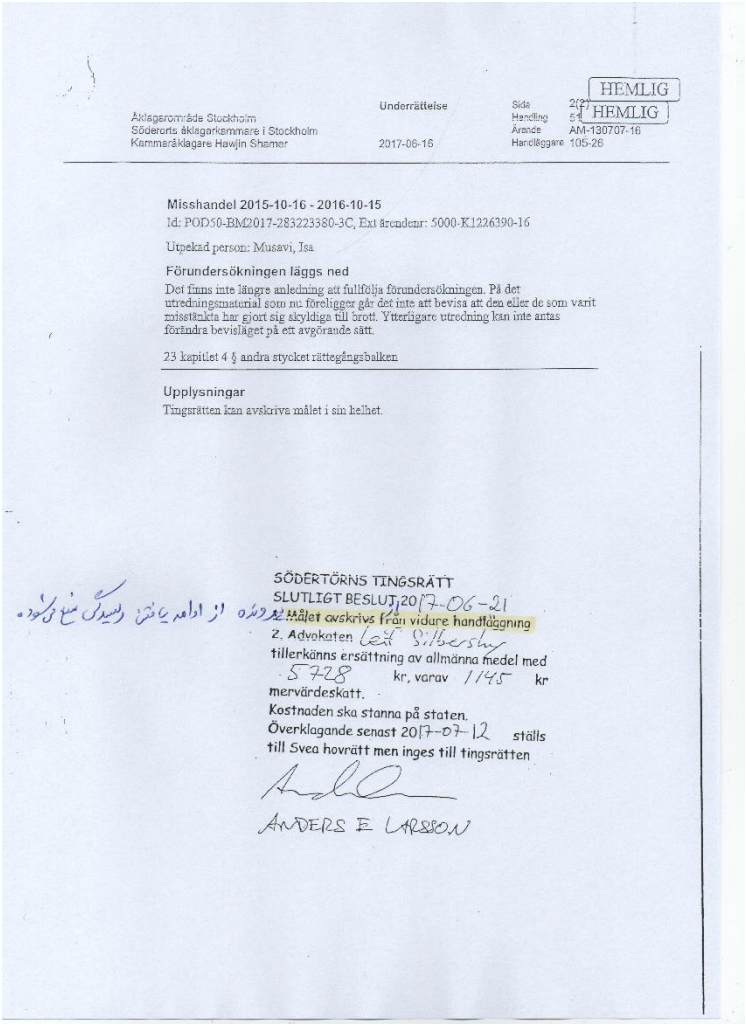

HEMLIG

Åklagarområde Stockholm
Södertorts åklagarkammare i Stockholm
Kammaråklagare Hawjin Shamer

Underrättelse

2017-06-16

Sida 2(2)
Handling 54
Ärende AM-130707-16
Handläggare 105-26

HEMLIG

Misshandel 2015-10-16 - 2016-10-15
Id: POD50-BM2017-283223380-3C, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16

Utpekad person: Musavi, Isa

Förundersökningen läggs ned

Det finns inte längre anledning att fullfölja förundersökningen. På det utredningsmaterial som nu föreligger går det inte att bevisa att den eller de som varit misstänkta har gjort sig skyldiga till brott. Ytterligare utredning kan inte antas förändra bevisläget på ett avgörande sätt.

23 kapitlet 4 § andra stycket rättegångsbalken

Upplysningar

Tingsrätten kan avskriva målet i sin helhet.

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT
SLUTLIGT BESLUT 2017-06-21
1. Målet avskrivs från vidare handläggning
2. Advokaten Leif Silbersky
tillerkänns ersättning av allmänna medel med
5728 kr, varav 1145 kr
mervärdeskatt.
Kostnaden ska stanna på staten.
Överklagande senast 2017-07-12 ställs
till Svea hovrätt men inges till tingsrätten

ANDERS E LARSSON

پرونده از ادامه یافتن رسیدگی منع می‌شود

محکوم به جرائم مجهول در آینده ای مجهول!

قاضی مالین ویکتور از دادگاه سودِرتورن در استکهلم سوئد.
به صراحت قید شده است که حتی نیازی به ارتکاب جرم برای تأئید تصمیم دادستان درمنع دیدار کودکان، در سیستم قضائی سوئد وجود ندارد!

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT **PROTOKOLL** Sid 5
2019-05-14 Ä 6385-19

tillräckligt, förbudet utvidgas till att avse förbud att uppehålla sig i närheten av en annan persons bostad eller arbetsplats eller annat ställe där den personen brukar vistas (utvidgat kontaktförbud).

FN Artikel 11 Regeringsform
EKMR Artikel 6.2 Artikel 2:23
EU Artikel 48.1
Rolig

Det finns inget krav på att förbudspersonen innan ett kontaktförbud beslutas ska ha begått brott mot skyddspersonen eller någon annan person. Det krävs dock att det är fråga om en klar och konkret risk för brott, förföljelse eller allvarliga trakasserier med hänsyn till förhållandena i det enskilda fallet (se NJA 2007 s. 272).

Åklagaren har som skäl för besluten om utvidgat kontaktförbud anfört att det på grund av särskilda omständigheter finns risk för att Isa Musavi kommer att begå brott mot, förfölja eller på annat sätt allvarligt trakassera skyddspersonerna. Det kan antas att ett ordinärt kontaktförbud inte är tillräckligt. Skälen för ett förbud uppväger det intrång eller men i övrigt som förbudet innebär för förbudspersonen.

Vilka? ? framtiden?

Av utredningen har det framkommit att Marjan Esfahanizadehsakhilangrodi, Kiyana Musavi och Kimiya Musavi bor på skyddat boende. Marjan Esfahanizadehsakhilangrodi har efter en dom år 2017 ensam vårdnad om Kiyana Musavi och Kimiya Musavi och barnen har enligt domen inte någon umgängesrätt med Isa Musavi. Det har även framkommit att Isa Musavi på sociala medier lämnat ut information om familjen. Isa Musavi har även vistats runt Kiyana Musavis och Kimiya Musavis skola och försökt få kontakt med dem genom skolpersonal och andra barn. Enligt tingsrättens mening har det i ärendet inte framkommit sådana omständigheter som medför att det finns skäl för tingsrätten att vid den riskbedömning som ska göras i fråga om kontaktförbudet ska upphävas eller inte göra en annan bedömning än den åklagaren har gjort. Det kan även antas att ett ordinärt kontaktförbud inte är tillräckligt.

Lögn
Möjed
Brottsfabricering

Tingsrätten finner vidare att skälen för ett förbud står i proportion till det intrång eller men som förbudet innebär för den mot vilken förbudet avses gälla.

Isa Musavis begäran om att kontaktförbuden ska upphävas lämnas därför utan bifall.

آخرین کیفرخواست علیه من، نوامبر 2021، بدون سانسور برای تحقیق در اختیار شما.

دلیل کیفرخواست؛ "*جرائمی مجهول در شرایطی مجهول و در آینده ای مجهول*" در برابر تنها کودکان زندانی سیاسی در جهان.

ÅKLAGARMYNDIGHETEN
Åklagarområde Stockholm
Södererts åklagarkammare i Stockholm
Kammaråklagare Ronak Råbe

2021-11-17

Sida 1 (2)
Handling 79
Ärende AM-141117-20
Handläggare 105-11

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT
Avdelning 3
INKOM: 2021-11-18
MÅLNR: B 16809-20
AKTBIL: 12

B16804-20

Överlämnandeskrift avseende ärende om förlängning av kontaktförbud

Isa Musavi har begärt prövning av åklagarens beslut (tre beslut) meddelade den 9 november 2021 i tre ärenden av kontaktförbud, se mail daterad den 15 november 2021.

Polisens diarienummer är *A615.182/2021, A626.721/202 och A626.742/2021.*

Bakgrund

Ansökan om kontaktförbud inkom till Åklagarmyndigheten den 26 oktober 2021 avseende Sekretess A. Den 1 november 2021 sökte Sekretess A också om kontaktförbud för Sekretess B:s och C:s räkning. Samtliga ansökningar bifogas. **Observera att samtliga sökandena har sekretessmarkeringar i folkbokföringsregistret.**

Det framgår av polisens handlingar att Isa Musavi inte har del vårdnaden av de gemensamma barnen Sekretess B och C. *Se ansökan från Sekretess A.*

Det har hållits förhör med sökandena och med förbudspersonen Isa Musavi. Isa Musavi hörsammade inte polisens kallelser och fick hämtas in till förhör av polis. Där efter ville han till en början spela in sitt eget förhör vilket nekades honom av polis och åklagare. ***Förhöret med Isa Musavi bifogas.***

Samtliga skyddspersoner uppger att de är rädda för Isa Musavi. ***Bifogas.***

Skäl för besluten är

Vilka vad Vilka ??? Framtid ??? Skyddad för vad?

- Att det på grund av särskilda omständigheter finns risk för att Isa Musavi kommer att begå brott mot, förfölja eller på annat sätt trakassera skyddspersonerna Sekretess A, B och C.

Mänskliga rättigheter
FN Artikel 12
EU 48.1
EKMR 6.2
Regeringsformen 2:23

Postadress: Box 1194, 141 24 HUDDINGE
Gatuadress: Björnkullavägen 7
Telefon: 010-562 50 00
Telefax: 010-562 57 99
E-post: registrator.aksoderort-stockholm@aklagare.se
Webbadress: www.aklagare.se

بازجویی پلیس از کیمیّا و کیانا:
"کیمیّا و کیانا در خانهٔ امن زنان برای اجبار به اعتراف علیه پدرشان مورد تنبیه قرار گرفتند."

Isa Musavi
[redacted]

Polis ärende 5000-K770914-17
Åklagarkammaren ärende AM 86180–17
ÅM 2017/4805

Barnmisshandel (under 9 år) i svenskt förvar

Fyra grupper har haft motiv att misshandla mina barn, fysisk och psykisk, då de hade inga bevis mot mig som deras far.

- Poliser — Hanna Ericsson och Anton Andersson
- Barnutredarna hos Enskede socialen — Nadia Chowkhury och Oskar Nilsson
- Våldsenheten hos Enskede socialen
- Kuratorer — Lena Hjalmarsson och Karin Holmberg

Alla dessa individer och enheter har jag tidigare anmält för brott mot barnkonventionen samt brott mot mänskliga rättigheter, varför de var angelägen att få ur barnen något, vilket de misslyckades med, då det inte fanns något att berätta.

Polisutredarna i Nacka och åklagare intygar att mina barn var misshandlade efter 2016-09-14 enligt nedan:

1. **Misshandel 2016-09-27**
Id: POR50-BM2016-14884009-HH, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
2. **Misshandel 2015-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283221566-3O, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
3. **Misshandel 2015-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283218500-3B, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
4. **Misshandel 2015-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283223380-3C, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
5. **Misshandel 2015-09-27**
Id: POR50-BM2016-14884010-HA, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
6. **Misshandel 2013-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283214817-3S, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
7. **Misshandel 2016-09-01 – 2016-09-27**
Id: POD50-BM2017-283235205-3G, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
8. **Misshandel 2015-09-27**
Id: POR50-BM2016-14884009-HH, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
9. **Misshandel 2015-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283221566-3O, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
10. **Misshandel 2015-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283218500-3B, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
11. **Misshandel 2015-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283223380-3C, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
12. **Misshandel 2015-09-27**
Id: POR50-BM2016-14884010-HA, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
13. **Misshandel 2013-10-16 – 2016-10-15**
Id: POD50-BM2017-283214817-3S, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16
14. **Misshandel 2016-09-01 – 2016-09-27**
Id: POD50-BM2017-283235205-3G, Ext ärendenr: 5000-K1226390-16

Seyed Isa Musavi
2017-07-14

Barnmisshandel
under förvar

سه خط، شش دروغ

معجزه ای از وکیل ماریا یوله بی – فقط در سوئد

Mia Joleby

Från: Mia Joleby
Skickat: den 7 november 2016 16:30
Till: 'Therese Pehrsson'
Ämne: SV: Ang Marjan ./. Isa Musavi

Hej Therese,

Jag ber om ursäkt för sent återkommande.

Marjan och barnen är placerade på skyddat boende och det pågår en orosutredning hos socialtjänsten men anledning av att barnen bl.a. har bevittnat våld. Socialtjänsten har gjort bedömningen att barnen är trygga i den miljö de befinner sig. Isa har fått denna information av socialtjänsten. Barnen har fått tillgång till undervisning och det är bra.

Det kan för närvarande inte anses förenligt med barnens bästa att utöva något umgänge med Isa alls. Målet är nu utsatt till muntlig förberedelse och jag kommer där att utveckla omständigheterna ytterligare.

Med vänliga hälsningar

Mia Joleby
Advokat

ADVOKATBYRÅN
SWART & JOLEBY

Jungfrugatan 45
114 44 Stockholm
Telefon 08 – 320 125
Mobil 0768 – 977 611
Fax 08 – 420 541 25

Detta mail är skickat från Advokatbyrån Swart & Joleby KB. Mailet kan innehålla sekretessbelagd information eller information som på annat sätt är skyddad. I det fall Du felaktigt erhållit detta mail ombedes Du meddela detta och därefter radera mailet utan att ta del av informationen, kopiera informationen, vidarebefordra mailet eller på annat sätt ta del av eller använda informationen.

This e-mail is sent från the lawfirm Swart & Joleby KB. This e-mail and attachments may contain confidential, priorietary or legally privileged information. It is intended for the use of the addressee only. If you recieve this e-mail and attachments by mistake, you must not disclose, disseminate, distribute, copy or otherwise use it. Please notify the sender immediately and delete the e-mail and attachments from your system.

Från: Therese Pehrsson [mailto:therese.pehrsson@stance.se]
Skickat: den 7 november 2016 16:21
Till: Mia Joleby <mia.joleby@swartjoleby.se>
Ämne: Ang Marjan ./. Isa Musavi

1

تالار شرم

سیاستمداران، قضات، دادستانها، رؤسای رسانه ها که قانون را نمیدانند!
یا
نفرت آنان از اسلام بر قانون غلبه کرده است؟

اُربان آهلین[221] از حزب سوسیال دموکراتها، رئیس مجلس 2014 – 2018
تمامی ابعاد ارتباط و همکاری اُربان آهلین با سرویس اطلاعاتی آمریکا که توسط ویکی لیکس افشاء شده است، هنوز در سوئد روشن نیست ولی همهٔ دنیا می دانند که سوئد چه به سر جولیان آسانژ آورد.

اُربان آهلین پس از عزل قانونی! (اتمام دوران ریاست مجلس) به عنوان سفیر به کانادا فرستاده شد.

[221]) از اُربان آهلین در مولفهٔ یک در مقایسه با هوکان یوهولت، صفحهٔ 29 – 30، نامبرده ام. به آن متن رجوع شود.

آندریاس نورلِن از حزب مُدراتها، رئیس مجلس 2018 –
آندریاس نورلِن کاملاً آگاه بر توافقات تروریستی آمنه کاکاباوه[222] علیه کشور ترکیه و سوریه در سال 2021، پذیرفت که به جای برگزاری انتخابات زودرس، وظیفهٔ تشکیل دولت را به حزب سوسیال دموکراتها بسپارد.

آندریاس نورلِن در واقع با این تصمیم خود بصورت رسمی به دو کشور ترکیه و سوریه اعلان جنگ کرد و با این تصمیم درواقع دستور ترور و قتل کودکان و زنان کشورهای ترکیه و سوریه را صادر کرد.

[222]) یکی از وکلای ایرانی تبار حزب چپ که نفرت شخصی او از اسلام کشور سوئد را به خطر انداخته است.

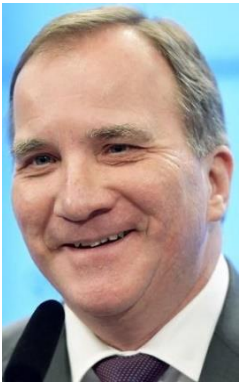

اِستفان لُفون از حزب سوسیال دموکراتها، نخست وزیر سوئد 2014 – 2021
اِستفان لُفون دو روز پس از ربوده شدن کیمیّا و کیانا برای هویت زدایی، نامه ای از شرح حال دریافت کرد اما امیدوار بود که من بزودی خسته شوم و از نامه نگاری دست بردارم! زهی خیال باطل.

مأموریت اِستفان لُفون پس از اتمام نخست وزیری به شرح زیر:

1) به نقل از سایت[223]

"استفان لُفون نخست وزیر سابق سوئد پذیرفت که ریاست یک هیئت عالی مشاورهٔ سازمان ملل را برعهده بگیرد. چهارچوب کار این هیئت مشاوره بر اساس گزارش رئیس سازمان ملل، آنتونیو گوتِ ر، در مورد "اهداف مشترک ما" که در سپتامبر سال گذشته ارائه شد، پایه گذاری شده است."

از این پس، این استفان لُفون است که در زیر گوش رئیس سازمان ملل زمزمه خواهد کرد. فردی که بعنوان رئیس تیم مذاکره کنندهٔ دولتی در سوئد، همیشه از دستورات اطاعت میکرده ولی دنیا از او چه میداند!

2) استفان لُفون همچنین از سوی دولت سوئد بعنوان رئیس هیئت مدیرهٔ مؤسسهٔ تحقیقات صلح بین الملل استکهلم (SIPRI[224]) منصوب شده است.

اندیشکدهٔ سیپری (SIPRI) در سال 1966 بنا نهاده شد و در خصوص صلح، جنگ و مسابقهٔ تسلیحاتی مطالعه و تحقیق میکند و منبعی موثق جهانی برای سیاستمداران، محققان، رسانه ها و افکار عمومی است، منبع موثقی که سازمان ملل متحد در تصمیمات خود به آن رجوع میکند.

---

[223]) https://www.aftonbladet.se/nyheter/a/y40MKr/nytt-uppdrag-for-stefan-lofven

[224]) اندیشکدهٔ "صلح، جنگ و مسابقهٔ تسلیحاتی" (SIPRI) بطور مکرر بعنوان یکی از مؤسسات پیشرو در جهان برای "پژوهش صلح و اختلافات" رتبه بندی شده است! برگرفته از سایت رسمی دولت سوئد https://www.regeringen.se/pressmeddelanden/2022/03/stefan-lofven-ny-styrelseordforanden-for-sipri/ 16 می 2022. برای مطالعهٔ بیشتر به سایت https://sipri.org/ مراجعه کنید.

با توجه به تمام افشاءگریهای موجود در این کتاب مستند و همچنین کتابهای مستند قبلی که انتشار آن موجب گروگانگیری دخترانم در سوئد شد، به صلاح رهبران دنیا و به نفع کشورشان است که از تک تک سازمانها و مؤسسات سوئدی و بین المللی که سوئدیها در آن نماینده ای دارند اجتناب ورزند.

اُسا رِگنِراز حزب سوسیال دموکراتها در سوئد، وزیر امور اجتماعی 2014 – 2018
او حالا معاون ستاد زنان سازمان ملل متحد است!

اُسا رِگنِر بعنوان وزیر امور اجتماعی، مسئولیت مستقیم هویت زدایی کودکان مسلمان را در آن مرحله از سالها داشته است، این وزیر امور اجتماعی است که مسئول هماهنگی فرا وزارتی در مورد هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد بوده و باید اطمینان حاصل کند که همه از دستورالعملهای این پروژه پیروی میکنند و پروژه مطابق با برنامه پیش میرود.

پس از افشاء پروژهٔ هویت زدایی در سوئد، اُسا رِگنِر برای مدتی از کار برکنار شد و سپس پُست مهمتری بعنوان معاون ستاد زنان سازمان ملل متحد به او واگذار شد، موقعیتی جهانی تا بتوانند با اتکا به اعتبار خوب کشوری به مانند کشور سوئد بر زنان جهان علی الخصوص زنان مسلمان در دنیا تأثیر بگذارند.

بیاد بیاورید که اُسا رِگنِر دو کودک از یک رابطهٔ نامشروع دارد. آنوقت اینگونه زن میخواهد به زنان مسلمان بیاموزد که چگونه باشند!؟ اکنون اُسا رِگنِر بعنوان معاون ستاد زنان سازمان ملل متحد به کشورهای مسلمان دیکته میکند که آن کشورها چگونه باید با زنان خود رفتار کنند!

اُسا رِگنِر قبل از پُست وزارتش در سوئد بعنوان دبیرکل انجمن آموزش جنسی (RFSU) در سالهای 2007 – 2012 انجام وظیفه میکرده و توسط دفاع از حق سقط جنین، کودکان بسیاری را به قتل رسانده است و حالا او شانسی بین المللی یافته است که سقط جنین را در جهان علی الخصوص جهان اسلام تشویق کند و ترویج دهد.

جالب اینجاست که بدانید پس از انتخاب او به این سمت، رئیس ستاد زنان سازمان ملل در سال 2021 تغییر کرده ولی اُسا رِگنِر همچنان در سمت خود باقی است. رئیس ستاد زنان سازمان ملل در حال حاضر یک

خانم عرب تبار میباشد بعنوان لولوی سرخرمن و درواقع این اُسا رِگِنر است که به او ریاست میکند. مطابق با عادت غربیها یک نفر از برده ها، فردی از جامعهٔ هدف، در اینجا کشورهای اسلامی، را جلو می اندازند و خود پشت سر او می تازند.

اُسا رِگِنر، قاتل کودکان، مادر کودکان نامشروع، بدلیل نفرتش از اسلام، مسئول اجرایی پروژهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد، که اکنون بعنوان دومین فرد عالی ستاد زنان سازمان ملل متحد به جهان دیکته میکند که چگونه با کودکان رفتار کنند و زنان چه آموزه هایی باید داشته باشند!

با توجه به تمام افشاءگریهای موجود در این کتاب مستند و همچنین کتابهای مستند قبلی که انتشار آن موجب گروگانگیری دخترانم در سوئد شد، به صلاح رهبران دنیا و به نفع کشورشان است که از تک تک سازمانها و مؤسسات سوئدی و بین المللی که سوئدیها در آن نماینده ای دارند اجتناب ورزند.

مورکان یوهانسون از حزب سوسیال دموکراتها، وزیر قوهٔقضائی 2014 – 2022

مورکان یوهانسون متولد اِسکونه- هوگانِس (Höganäs) منطقه ای که بخاطر نفرت مختص به فرد خود از مهاجرین شناخته شده است. بنابراین نیاز نیست که از نفرت او که یک نفرت خالص و اصیل علیه مسلمانان است، احساس نفرت خالص اِسکونه ایها از اسلام، وزیر دادگستری سوئد، صحبت کنم.

این دادخواستها و احکام خلاف تمامی قوانین ملی و تعهدات بین المللی، علیه دو کودک خردسال یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد، تنها کودکان زندانی سیاسی در جهان، ثمرهٔ دستور مستقیم مورکان یوهانسون وزیر قوهٔقضائی در سوئد بخاطر افشاء پروژهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد بوده و است.

این همچنین مورکان یوهانسون وزیر قوهٔقضائی سوئد بود که تمامی جابجائیها و ترفیع شغلی خلافکاران را رغم زد.

آندرش ایگِمَن یهودی تبار از حزب سوسیان دموکراتها، وزیر کشور 2014 – 2018

آندرش ایگِمَن از مادری با اعتقاد یهودی، اسرار بسیاری در این پروندهٔ خاص را با خود حمل میکند، اسراری که کمی از آن در کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" افشاء شد. آندرش ایگِمَن فردی است که میتواند مفاد تمامی این کتابهای مستند را تائید کند!

با توجه به تمام افشاءگریهای موجود در این کتاب مستند و همچنین کتابهای مستند قبلی که انتشار آن موجب گروگانگیری دخترانم در سوئد شد، به صلاح رهبران دنیا و به نفع کشورشان است که از تک تک سازمانها و مؤسسات سوئدی و بین المللی که سوئدیها در آن نماینده ای دارند اجتناب ورزند.

اُولف والتِر از حزب سوسیال دموکراتها، شهردار بخش اِن شِ دِه – اورشتا – وانتور از شهر استکهلم، شهردار منطقه ای که کیمیّا و کیانا را برای هویت زدایی ربودند و از روز اول در جریان پرونده قرار گرفت و بالاترین مرجع ربودن کودکان مسلمان در این منطقه.

اُولف والتِر پس از این کودک ربایی به شهرداری شهر استکهلم ارتقاء شغلی یافت با پُست مهمتری.
دولت جدید پس از برکناری اِستفان لُفون در نوامبر 2021

مطابق با این قانون اساسی دستورالعمل حکومتی، دولت جدید این شانس را داشت که به گروگانگیری کیمیّا و کیانا خاتمه بخشد ولی انتخاب کرد که این کار را انجام ندهد!؟

- **آرتیکل 12 اداره ها**
  - پاراگراف 9 *بند دوم* *اگر دلایل خاصی وجود داشته باشد، دولت اجازه دارد تصمیم بگیرد که اقدامات بعدی برای تحقق یا تعقیب یک عمل مجرمانه صورت نگیرد. قانون (2010:1408).*

ماگدالِنا آندِرشون، نخست وزیر 2021 – 2022
وزیر اقتصاد و دارایی 2014 – 2021

ماگدالِنا آندِرشون در سال 2020 بعنوان رئیس هیئت مدیرهٔ (IMFC) انتخاب شد، مرجعی که بالاترین نهاد مشورتی صندوق بین المللی پول (IMF) است.

لِنا هالِن گِرِن، وزیر سازمان اجتماعی 2019 – 2022

ژانت گوستافس دوتر، وزیر فرهنگ 2021 – 2022

حقوق بشر برای شهروندان ممنوع شد!
با روی کار آمدن این دولت و این خانم بعنوان وزیر فرهنگ و دموکراسی، دولت سوئد فکر بکری اندیشید و کلاً مقولهٔ حقوق بشر را برای شهروندان خود کاملاً محو کرد!

واقعیت از این قرار است که ژانت به شرطی حاضر به تصدی پُست وزارت فرهنگ شد که مقولهٔ حقوق بشر جزء وظایف وزارت فرهنگ و دموکراسی نباشد. مقوله ای که سیّد عیسی موسوی تا به اکنون توانسته است نه تنها دادخواست علیه دو وزیرفرهنگ[225] از حزب محیط زیست تنظیم کند بلکه آنانرا رسوای عالم کند.

آلیس باه کُهنکه

آماندا لیند

در حال حاضر وکیل مجلس اتحادیهٔ اروپا

---

[225]
- آلیس باه کُهنکه، وزیر فرهنگ و دموکراسی در سالهای 2014 – 2019. ایشان در حال حاضر وکیل مجلس اتحادیهٔ اروپا است 2019 – 2024.
- آماندا لیند، وزیر فرهنگ و دموکراسی در سالهای 2019 – 2021.

بنابراین تصمیم براین شد که مؤسسه ای تازه تأسیس برای حقوق بشر از شروع سال جدید این مهم را برعهده گیرد و در یک چشم برهم زدن، طردستی مختص سوئدیها، مقولهٔ حقوق بشر برای شهروندان سوئدی غیب شد!

چگونه؟
در تشریح وظایف کار این مؤسسهٔ تازه تأسیس به صراحت آمده است که "این مؤسسه شکایات انفرادی شهروندان در مورد نقض حقوق بشر را بررسی نمیکند[226]" به عبارتی دیگر دادگاهها در سوئد نیز موظف به بررسی اینچنین دادخواستهایی نیستند.

این مؤسسه همچنین از زیر نظر وزارت فرهنگ خارج شد و مسئولیت این مؤسسه به وزارت کار که وزیر آن مسئولیت "برابری شهروندان" در سوئد را برعهده دارد، سپرده شد.

این مطلب که حقوق بشر از وزارتخانه به مؤسسه تبدیل شد خود گویای اهمیّت کمتر حقوق بشر از دیدگاه هیئت حاکمه در سوئد است و همچنین افشای بسیاری از واقعیتهای ریاکارانهٔ سوئدیها میباشد. سوئدیهایی که عادت دارند تمام دنیا را بخاطر حقوق بشر رسوای خاص و عام کنند، حالا در کشور خود، حقوق بشر را برای شهروندان خود ممنوع ساختند! سوأل من از شما که این کتاب را مطالعه میکنید اینست که آیا شما از واقعیت ممنوعیت دادخواست حقوق بشر در سوئد خبر داشتید؟

به نظر شما، آیا دولت سوئد آشنا به آرتیکل 2 "اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر[227]" نیست!؟

اِوا نوردمارک، وزیر برابری 2021 – 2022
مسئول نظارت بر مؤسسهٔ حقوق بشر در سوئد

ایدا کارکیانِن، وزیر تمدن 2021 – 2022

[226]) https://www.regeringen.se/pressmeddelanden/2021/12/institutet-for-manskliga-rattigheter-inrattas-1-januari/
[227]) https://fn.se/wp-content/uploads/2016/07/eng.pdf

با توجه به تمام افشاءگریهای موجود در این کتاب مستند و همچنین کتابهای مستند قبلی که انتشار آن موجب گروگانگیری دخترانم در سوئد شد، به صلاح رهبران دنیا و به نفع کشورشان است که از تک تک سازمانها و مؤسسات سوئدی و بین المللی که سوئدیها در آن نماینده ای دارند اجتناب ورزند.

ماگدالِنا آندِرشون در سال 2020 بعنوان رئیس هیئت مدیرهٔ (IMFC) انتخاب شد، مرجعی که بالاترین نهاد مشورتی صندوق بین المللی پول (IMF) است.

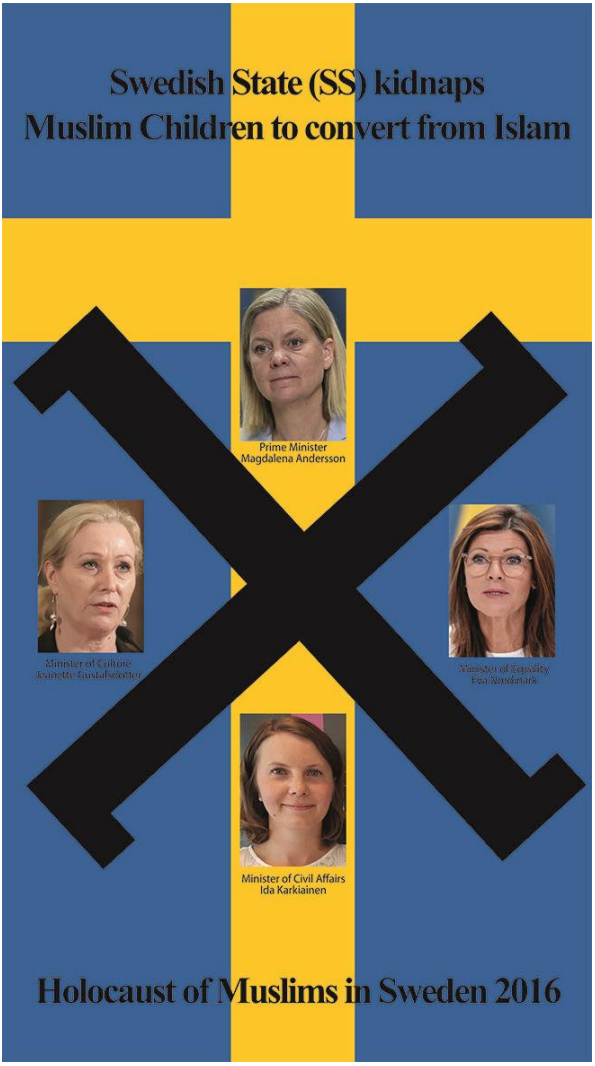

با توجه به تمام افشاءگریهای موجود در این کتاب مستند و همچنین کتابهای مستند قبلی که انتشار آن موجب گروگانگیری دخترانم در سوئد شد، به صلاح رهبران دنیا و به نفع کشورشان است که از تک تک سازمانها و مؤسسات سوئدی و بین المللی که سوئدیها در آن نماینده ای دارند اجتناب ورزند.

وکیل

دروغگویی در لباس وکیل، ماریا یوله بی

وکلا در سوئد اجازه دارند آنگونه که مناسب یک پروندهٔ هویت زدایی است دروغ بگویند و وکیل ماریا یوله بی هم از این واقعیت مثتثنی نبود. او تا توانست، دادخواست دروغین تنظیم کرد، گزارش دروغین ارائه داد، دادخواست و گزارشاتی که وکیل ماریا یوله بی به خوبی میدانست نه تنها مدارکی برای اثبات آن ندارد بلکه مدارک علیه آنان نیز از قبل به ثبت رسیده بود.

مثال:
یک نمونه از آن به تاریخ 7 نوامبر 2016، یعنی 54 روز پس از ربودن کیمیّا و کیانا، سه خط شش دروغ که همان زمان اسنادی در آرشیو، جعلی بودن آن گواهی را ثابت میکرد.

وکیل ماریا یوله بی توسط وزیر قوهٔقضائی مورگان یوهانسون پشتیبانی میشد و این وزیر قوهٔقضائی بود که سازمانهای قضائی را از تنظیم دادخواست علیه وکیل ماریا یوله بی منع میکرده است، جرائمی که هر فرد عادی میتوانست بین 10 سال تا حبس ابد به زندان محکوم شود، جرائمی به مانند ربودن کودکان، اشتراک در گروگانگیری کودکان یک نویسندهٔ مسلمان سوئدی، شهادت دروغین، گواهی دروغین، شکنجهٔ جسمی و روحی کیمیّا و کیانا و بسیاری از جرائم ملی و بین المللی دیگر که قبلاً در این کتاب نامبرده شده است.

تا به امروز، آخرین زمانی که دادگاه سودرتور از تشکیل دادخواستی منع شد، دسامبر 2021، یعنی چند ماه پیش که دوباره دادگاه از قبول دادخواست سرباز زد در حالیکه همان دادگاه یک ماه قبل مرا برای "جرائم مجهول در شرایطی مجهول و در آینده ای مجهول" محاکمه کرد!

حدس بزنید چه فردی از پذیرش دادخواست علیه وکیل ماریا یوله بی را در دسامبر 2021 امتناع ورزید؟ قاضی آندرش اِ لارشون! بله، همان قاضی که در سال 2017 تهمت تنبیه دخترانم را مختومه اعلام کرده بود، همان قاضی که حکم به گروگان گرفتن کیمیّا و کیانا را صادر بود، همان قاضی که کاملاً در راستای اهداف پروژهٔ هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد با آگاهی کامل از پروژه پشتیبانی میکند.

قاضی آندرش اِ لارشون همان فردی که او را در کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" بی تجربه خوانده بودم. بعداً مدارکی بدستم رسید که او یکی از چرخ دنده های هویت زدایی کودکان مسلمان در دادگاه سودرتورن بوده است و دقیقاً به همین خاطر بود که او را بجای قاضی اصلی پرونده، گوستاف لیندستد[228]، برای قضاوت به تاریخ 27 آپریل 2017 به سالن دادگاه برای قضاوت فرستادند.

آنوقت اینگونه قضات از همین دادگاه سودرتورن بعنوان متخصص امور قضائی برای مشاورت و تعلیم قضات به دیگر کشورها فرستاده میشوند! آخرین بار به کشور *ارمنستان*. طنزی از این تلختر!؟

پس از افشاءگریهای موثق در رسانه های اجتماعی، وکیل ماریا یوله بی با مشکلات شغلی مواجه شد. شراکت او با وکیل دیگری از هم پاشید. سپس او در دفتر دیگری بعنوان یک وکیل استخدام شد که او را پس از مدتی اخراج کردند. تنها راه باقی ماندن در عرصهٔ وکالت برای او احداث دفتر وکالت به نام خودش بود تا دیگر اخراج نشود و یا شرکا او را ترک نکنند.

حالا وکیل ماریا یوله بی از سوی دادگاههای سوئد مأموریت میگیرد تا به دروغگوئیهای خود در صحن دادگاهها ادامه دهد و کودکان مسلمان دیگری را هویت زدایی کند.

[228]) قاضی گوستاف لیندستد (Gusfaf Lindstedt) دادگاه سودرتورن- استکهلم، شمارهٔ پرونده (MUFT 12484 – 16) به تاریخ 13 دسامبر 2016.

کانون اخلاقی وکلا

اَننه کریستین رامبری[229]، دبیر کل کانون اخلاقی وکلا در سوئد 2000 – 2019

این وظیفهٔ اَننه کریستین رامبری بود که نظارت کند که قوانین اخلاقی کانون وکلا را درمقابل وکیل ماریا یوله بی اعمال کند. در عوض او از وکیل ماریا یوله بی پشتیبانی کرد و در واقع مُهر تائید به نقض قوانین و دروغگویی آشکار در صحن دادگاه زد.

بخوانید و لذت ببرید!
اَننه کریستین رامبری به خاطر خصوصیات نامبرده جایزهٔ شاشتین هِسِل گِرن در سال 2019 با این ویژگیها از آن خود کرد،:
"یک الگو که با وجد و شعف بلندمدت تمرکز بر برابری، دلسوزی، رحم و شفقت در محیط کاری و جامعهٔ ما دارد."

[229]) اَننه کریستین رامبری هم اکنون رئیس هیئت مدیرهٔ دانشگاه اُپسالا است. سوئدیها مدعی هستند که دانشگاه اُپسالا به تاریخ 2 ژولای 1477 تأسیس شده است.
قابل ذکر است که مؤسسهٔ "بهینه سازی نژادی" نیز تحقیقات خود را در همین دانشگاه به تاریخ 1907 پایه گذاری کرد و به تاریخ 1921 به تصویب مجلس سوئد رسید. مؤسسه ای که تحقیقات آن در نسل کُشی یهودیان توسط هیتلر استفادهٔ راهبردی داشت.

می یا اِدسوال اینسولاندِر، دبیر کل کانون اخلاقی وکلا در سوئد از سال 2019

با ریاست می یا اِدسوال اینسولاندِر بسیاری از توضیحات و غلو مختص سوئدیها در صفحهٔ رسمی کانون اخلاق وکلا تغییر کرده است. می یا اِدسوال اینسولاندِر معتقد است که کلاً وکلا اجازه دارند در دادگاه دراز بکشند و هر کاری دیگر برای پیروزی در دادگاه به اسم "صلاح موکل" انجام دهند.

قضاتی که قانون نمیدانند، یا کتاب قوانینی که فقط یک دستمال توالت خوب و گران قیمت است؟

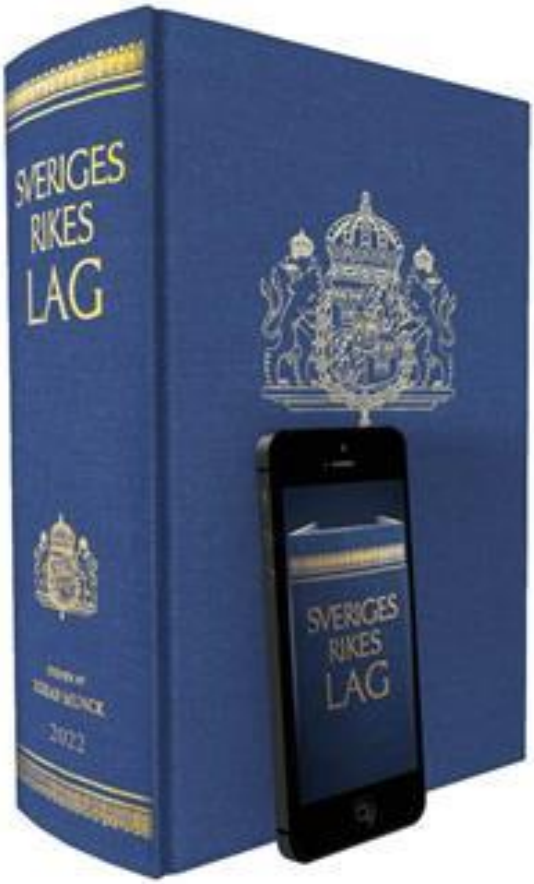

دادگاه سودرتورن – استکهلم، سوئد

قاضی دانیل اِریکسون، دادگاه سودِرتورن- استکهلم، پروندهٔ شماره (17 – MUFT 11352)

"*عیسی موسوی اخیراً دو کتاب منتشر کرده است* (جرم) ... *عیسی موسوی ایمیل هایی را به دادگاه، مراجع مختلف اداری و رسانه ها ارسال کرده است* (جرم) ... *با این پیشینه، دادگاه منطقهٔ سودرتورن- استکهلم تشخیص میدهد که در حال حاضر ارتباط بین عیسی موسوی و فرزندانش وجود نداشته باشد* (مجازات) ... *عیسی موسوی باید یکقدم به عقب بردارد* (مطیع بودن - تسلیم شدن) ... *راه سازنده تری برای حل وضعیت موجود بیابد* (تغییر موضع سیاسی- اجتمائی) ..."

ماری لوئیس اُلِن، رئیس قضات بخش 5 دادگاه سودرتورن- استکهلم، مافوق قاضی دانیل اِریکسون، گروگانگیر کودکان یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد.

ماری لوئیس اُلِن خود ریاست دادگاه در پروندهٔ (17 – HUFT 11352) را بر عهده گرفت و پس از جلسه مُهر تائید به گروگانگیری کودکان یک نویسنده، علارغم اعتراف سریح کودک رُبایان، به زور سوگند، در دروغ بودن اتهامات خود به نویسنده!

ماری لوئیس اُلِن، سال 2018، بعنوان مشاور عالی دادستان کل کشور ارتقاع یافت.

پِترا لوند، رئیس دادگاه سودرتورن- استکهلم 2016 – 2018

پِترا لوند، بعنوان رئیس دادگاه بر گروگانگیری کیمیّا و کیانا بخاطر افشاء پروژهٔ "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" حکم تائید زد خلاف وظائف قانونی خود که میبایست حکم گروگانگیری را غیرقانونی اعلام میکرد و تمامی مراحل از نو شروع میشد.

پِترا لوند سال 2018 به پُست دادستان کُل کشور ارتقاء یافت.

گلشَنَک فتاحییان، کمک قاضی که مستقیماً به دادگاه تجدید نظر ترفیع یافت.

اسناد را مطالعه فرمائید، متوجه میشود به چه دلیلی این جهش بزرگ در زندگیش را داشت.
پروندهٔ شمارهٔ ب 11958 – 16.

آنوقت اینگونه قضات از همین دادگاه سودرتورن بعنوان متخصص امور قضائی برای مشاورت و تعلیم قضات به دیگر کشورها فرستاده میشوند! آخرین بار به کشور *ارمنستان*.

طنزی از این تلختر!؟

بازجویی از پلیس آنتون آندِرشون که پس از ده روز مجبور به اعتراف شد که "فرد مقابل دستش را بلند کرد و عیسی او را زد".

همین اعتراف به معنای دفاع از خود برای هر فرد سوئدی است و تبرئه شدن بصورت خودکار، ولی یک مسلمان "باید" در سازمانهای قضائی مقصر شناخته شود! به همین خاطر پلیس آنتون آندرشون مایل نبود که واقعیت را بگوید.

Polisen

PM

14

Signerad av

Signerad datum

Enhet
Polisregion Stockholm, BF-IGV 6 LPO Globen

Diarienr
5000-K1114891-16

Uppgiftslämnare
Sagström, Fredrik

Datum
2016-09-19

Tid
09:49

Beslag verkställt
Nej

Material för analys
Nej

Mottaget

Mottaget datum

Tid

Sätt på vilket uppgift lämnats

Upprättad av
Fredrik Sagström

Uppgiften avser
Komplettering till förhör hållet at Anton Andersson

Uppgift

Undertecknad kontaktade pa Anton Andersson för att kontrollera om förhöret han skrev den 9/9 med Marjan var färdigskrivet eller om text hade försvunnit. Anton svarade via mejl att det saknades ett stycke som ska läggas in sist i förhöret. Det som ska in sist i förhöret är:

"Idag åkte Marjan tillsammans med misstänkt och barnen till Björneborgsvägen 7 för att hälsa på en vän. När Marjan och misstänkt kom in i lägenheten gick misstänkt fram för att hälsa på målsägaren. När målsägaren sträckte fram handen för att hälsa, utdelade misstänkt två till tre knytnävslag. Därefter separerades de båda och misstänkt tog med sig barnen in på ett rum.

UPPLÄST GODKÄNT"

بازجویی پلیس سوئد از دکتر مهران اصفهانی زادهٔ سخیف لَنگرودی، دکترای عُمران از طویلهٔ صنعتی شریف در ایران، فردی که اجازه نداشت به خانهٔ من در سوئد بیاید.

سوأل پلیس "چرا عیسی تو را زد؟"

جواب دکتر از طویلهٔ صنعتی شریف را خودتان بخوانید، بدون سانسور

Polisen

1

Brottsanmälan

Signerad av

Signerad datum

Enhet
Polisregion Stockholm, Utredningsjour 4 PO Sthlm Syd

Diarienr
5000-K1114891-16

Anmält datum	Registreringsdatum	Överförd från RAR
2016-09-09	2016-09-09	2016-09-09

Brottsbeskrivning
Misshandel

Brottskod
9352

Brottsplatsadress
BJÖRNEBORGSVÄGEN 7

Områdeskod
22B0900802140210

Status
FU/Utredning pågår

Händelse inträffad
2016-09-09 16:30

Händelse inträffad mellan
- - - - -

Aktör	Roll
Esfahani, Mehran	Målsägande مشاکی - مهرمی
Esmaeil	Vittne
Maghsoudlou, Farngis	Vittne
Musavi, Kimiya	Vittne
Musavi, Kiyana	Vittne
Musavi, Seyed Isa	Misstänkt

Involverad personal	Funktion
Andersson Anton	Anmälningsupptagare
Tonring Ulrika	FU-ledare (RAR)
Tonring Ulrika	Handläggare (RAR)

Fritext grundanmälan

INLEDNING

Patrull 32-9240 med Pa A, Andersson samt Pa H, Ericsson blir beordrade till Björneborgsvägen 7 med anledning av misshandel.

BROTT

MISSHANDEL 160909 kl. 1630 på Björneborgsvägen 7 genom att gärningsmannen har utdelat tre slag med knuten höger hand på målsägarens vänstra kind. Slagen har medfört smärta samt huvudvärk för målsägaren.

HÄNDELSE

برادر مشاکی

Målsägaren är bror till gärningsmannens exfru. Konflikten grundar sig i en skillsmässa där målsägaren är bror med gärningsmannens exfru.

مشاکی ← Målsägaren skall enligt uppgifter ha uppmanat exfrun att genomföra

طلاق ← skillsmässan och uppmuntrat henne att frigöra sig ifrån gärningsmannen.

جبراً ← Gärningsmannen anser att målsägaren lägger sig i deras liv för mycket och det har skapat en konflikt.

و خیلی دخالت کرده

ایجاد کردن

Idag besökte gärningsmannen tillsammans med sin exfru och deras två gemensamma barn Björneborgsvägen 7 för att hälsa på exfruns bror med sällskap. När de kommer in i lägenheten går gärningsmannen fram till målsägaren och sträckar fram sin hand. Istället för att hälsa utdelar gärningsmannen tre slag med knuten hand. Slagen träffar målsägaren vänstra kind. Vittnen på platsen separerar parterna och exfrun kontaktar polis.

TVÅNGSMEDEL

GRIPANDE 160909 17.10 Pa Anton Andersson

Målsägaren	شاکی
Ha uppmanat	درخواست
Exfrun	همسر سابق
Genomföra	عملی کردن
Skillsmässan	طلاق
Uppmuntrat	ترغیب کردن
Henne	او (مؤنث)
att	که
frigöra	آزاد کردن
sig	خود را
ifrån	از
Gärningsmannen	مجرم
Anser	بر این باور
Lägger sig i	دخالت کردن

برای دکتر مهران اصفهانی زادهٔ سخیف لَنگرودی از طویلهٔ صنعتی شریف بسیار تحقیر آمیز بود که اجازه نداشته باشد به خانهٔ من در سوئد بیاید.

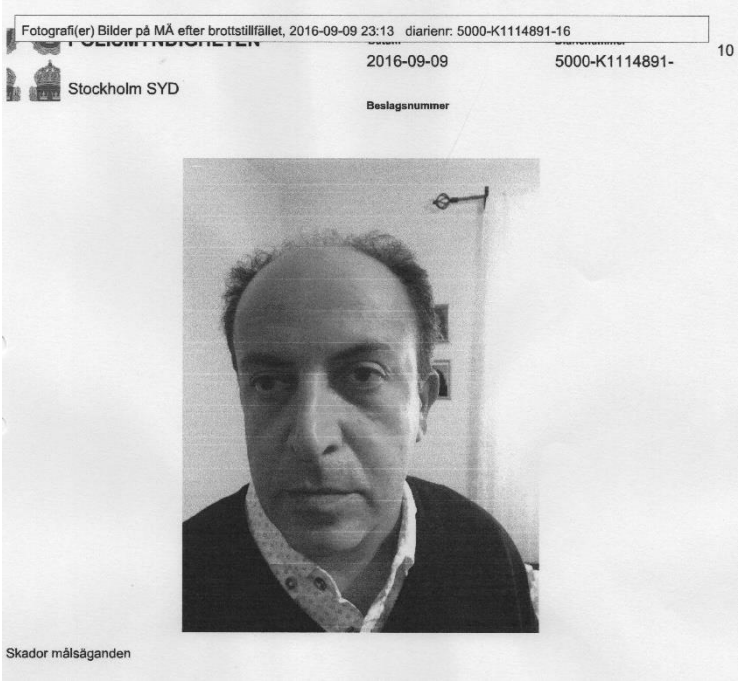
Fotografi(er) Bilder på MÅ efter brottstillfället, 2016-09-09 23:13 diarienr: 5000-K1114891-16

10

Stockholm SYD

2016-09-09

5000-K1114891-

Beslagsnummer

Skador målsäganden

به این شکل تا دیوان عالی قضائی، دولت سوئد توانست حکمی جعلی صادر کند که مجازات آن 50 ساعت کار اجتماعی بود که آنرا به زندان تبدیل کردم. تمام نویسندگان خوب دنیا باید زندان خوابیده باشند، این جزئی از مشروعیت نویسنگان خوب است ☺

قاضی کیّان معزز اَمرائی، دادگاه سودرتورن- استکهلم، مأمور رسیدگی به آخرین دادخواست (Ä19500-21) علیه یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد، کیفرخواست بعلت "*جرائم مجهول- در شرایطی مجهول- در آینده ای مجهول*"!

یک ایرانی برای نجات سوئد.

امیدوارم فرزندان کیّان برای سرپیچی پدرشان از دستور صدور حکم علیه یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد مورد اذیّت و آزار قرار نگیرند، به مانند همان خبرنگار سوئدی که در شروع افشاء من این موضوع را به باد تمسخر گرفته بود و باور نمیکرد ولی سه سال بعد او را توسط کودکانش تنبیه کردند.

قاضی کیّان معزز اَمرائی، هیئت ژوری- هاثینه آلیس، آلبین پَرشون و کریستینا تِورین دلایل لغو کیفرخواست دادستانی را بدینگونه تشریح میکنند:
" *در یک ارزیابی همه جانبه، عقیده بر اینست که هیچگونه خطر ملموس و مشخص وجود ندارد که عیسی موسوی تصمیم داشته باشد که در آینده نسبت به این افراد مرتکب جرم شود.*"

پس از پنج سال مبارزه و جهانی شدن پروندهٔ گروگانگیری کودکان یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد، قاضی با توجه به تمامی اسناد ارائه شده و علارغم دستور، چاره ای جز صدور این حکم نمییابد.

البته قضات دیگر هم میتوانستند با توجه به تمامی مدارک از روز اول همینگونه تصمیم بگیرند، ولی جرأت نکردند. آنوقت اینگونه قضات از همین دادگاه سودرتورن بعنوان متخصص امور قضائی برای مشاورت و تعلیم قضات به دیگر کشورها فرستاده میشوند! آخرین بار به کشور *ارمنستان*.

طنزی از این تلختر!؟

جلسه در دادگاه سودرتورن استکهلم- سوئد، 26 نوامبر 2021، شمارهٔ پرونده (21 – 19500 Ä) براساس کیفرخواست دادستان ارشد رونک روبه تقاضای حکم ممنوعیت ملاقات بنابر جرائم ذکر شده در کیفرخواست شماره آ اِم 20-141117:

"*اینکه بدلیل شرایط خاص* (هرگز ذکر نشد چه شرایطی! حتی در صحن دادگاه) *این خطر وجود دارد* (هرگز ذکر نشد چه خطراتی!) *که عیسی موسوی می آید* (آینده! هرگز ذکر نشد چه زمانی در آینده!) *مرتکب جرم* (هرگز ذکر نشد چه جرائمی!) *در مقابل، تعقیب و یا به اشکال دیگری* (هرگز ذکر نشد به چه اشکالی!) *اذیّت و آزار افراد محافظت شده* (هرگز مشخص نشد برای چه موضوعی دختران من محافظت شده هستند!؟) *محرمانه افراد اَلِف، ب، س*"

اصل کیفرخواست بدون سانسور، خودتان از طریق سفارت ایران در سوئد و یا دوستان خود در سوئد تحقیق کنید.

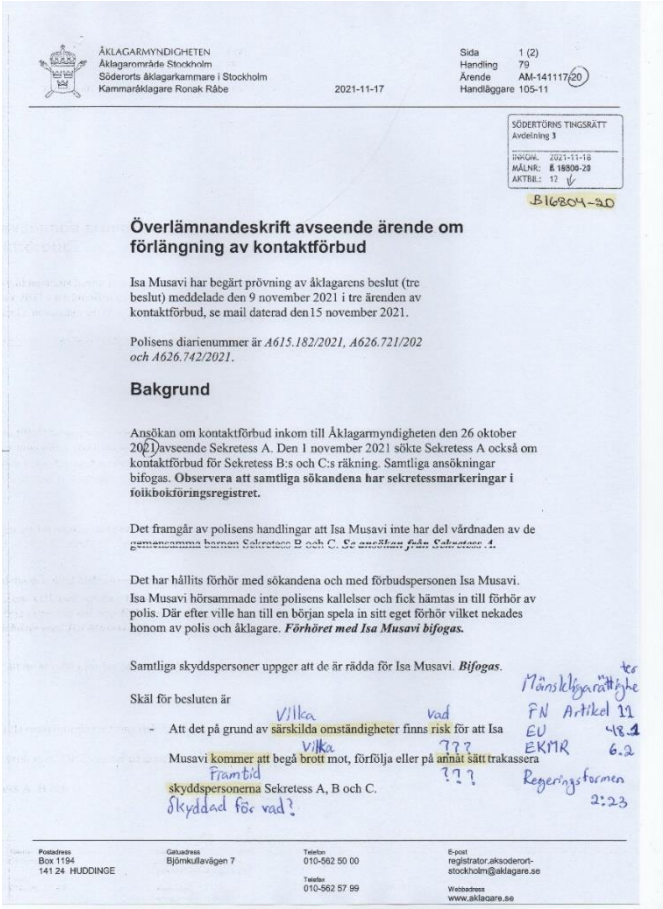

ÅKLAGARMYNDIGHETEN
Åklagarområde Stockholm
Södertorts åklagarkammare i Stockholm
Kammaråklagare Ronak Råbe

2021-11-17

Sida 1 (2)
Handling 79
Ärende AM-141117(20)
Handläggare 105-11

SÖDERTÖRNS TINGSRÄTT
Avdelning 3
INKOM. 2021-11-18
MÅLNR: B 16804-20
AKTBIL: 17

B16804-20

Överlämnandeskrift avseende ärende om förlängning av kontaktförbud

Isa Musavi har begärt prövning av åklagarens beslut (tre beslut) meddelade den 9 november 2021 i tre ärenden av kontaktförbud, se mail daterad den15 november 2021.

Polisens diarienummer är *A615.182/2021, A626.721/202 och A626.742/2021.*

Bakgrund

Ansökan om kontaktförbud inkom till Åklagarmyndigheten den 26 oktober 2021 avseende Sekretess A. Den 1 november 2021 sökte Sekretess A också om kontaktförbud för Sekretess B:s och C:s räkning. Samtliga ansökningar bifogas. **Observera att samtliga sökandena har sekretessmarkeringar i folkbokföringsregistret.**

Det framgår av polisens handlingar att Isa Musavi inte har del vårdnaden av de gemensamma barnen Sekretess B och C. *Se ansökan från Sekretess A.*

Det har hållits förhör med sökandena och med förbudspersonen Isa Musavi. Isa Musavi hörsammade inte polisens kallelser och fick hämtas in till förhör av polis. Där efter ville han till en början spela in sitt eget förhör vilket nekades honom av polis och åklagare. ***Förhöret med Isa Musavi bifogas.***

Samtliga skyddspersoner uppger att de är rädda för Isa Musavi. ***Bifogas***.

Skäl för besluten är

- Att det på grund av särskilda omständigheter finns risk för att Isa Musavi kommer att begå brott mot, förfölja eller på annat sätt trakassera skyddspersonerna Sekretess A, B och C.

Vilka vad Vilka ??? Framtid ??? Skyddad för vad?

Mänskliga rättigheter
FN Artikel 12
EU 48.1
EKMR 6.2
Regeringsformen 2:23

Postadress Box 1194 141 24 HUDDINGE
Gatuadress Björnkullavägen 7
Telefon 010-562 50 00
Telefax 010-562 57 99
E-post registrator.aksoderort-stockholm@aklagare.se
Webbadress www.aklagare.se

1) شرایط خاص!؟ کدام!؟

2) خطر وجود دارد!؟ کدام!؟
3) در آینده!؟ آینده!؟
4) ارتکاب جرم!؟ چه جرم!؟
5) راههای دیگر!؟ کدام راهها!؟
6) محرمانه، تحت محافظت!؟ به چه دلیلی!؟

محرمانه و تحت محافظت به چه دلیلی زمانیکه مطابق با حکم قضائی دلیل عدم اجازهٔ ملاقات را نگارش و انتشار کتاب قید شده است!

کیفرخواست بالا برای مفاد ذکرشده در همهٔ ابعاد مجهول آن توسط دادگاه، همانگونه که مطالعه کردید، لغو شد.

سازمان دادگستری منطقهٔ سودرتورن- استکهلم، سوئد

گونار مِرکِل، رئیس دادگستری منطقهٔ سودرتورن- استکهلم

گونار مِرکِل دادگستری سودرتورن را رهبری میکند که کارمندان او به صورت مستدل، بدون هرگونه شکی، مسلمانان دگراندیش را کلیشه ای و از روی فرم استانداردی که همهٔ مواضع آن مجهول است (مردم که نمیدانند) کیفرخواست تنظیم میکند. در واقع این گونار مِرکِل و دادستانهای تحت امر او هستند که جعل جرم علیه مسلمانان را رقم میزنند.

جعل جرم، کیفرخواست دروغین که قضات موظف به تائید آن هستند، جرائمی جعلی که "سازمان- مشاور پیشگیری از جرم، مرجع جنائی" آمار خود را به روی آن پایه گذاری میکند.

دادگاه شهر استکهلم- سوئد (که به همین نام خوانده میشود "دادگاه استکهلم")

قاضی هنریک فی پِر، در پروندهٔ (20 – 112 T) به تاریخ 20 مارس 2020 حکم کرد:
"*کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد به مسلمانان در سوئد تعلق نمیگیرد*."

گودرون آنتِه مار، رئیس دادگاه استکهلم و در نتیجه رئیس قاضی هنریک فی بر

گودرون آنتِه مار، بعنوان رئیس این دادگاه این حکم را خلاف وظایف خود بدون هرگونه اعتراضی تائید کرد که " *کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد به مسلمانان در سوئد تعلق نمیگیرد*." 20 مارس 2020.

در این روزها اخبار محاکمهٔ یک شهروند ایرانی (حمید نوری) به جرائم واهی، تخصص سوئدیها، بسیار داغ است، آنهم در دادگاه استکهلم، که به صراحت حکم صادر کرد "*کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد برای مسلمانان اجراء نمیشود*".

به نظر شما حکم یک چنین دادگاهی برای تخریب اسلام و در پوشش آن تخریب ایران، در مورد یک شهروند ایرانی برای جرائم مجهول، چه خواهد بود!؟

دادگاه سولنا (شهری در استان استکهلم)

پاتریک آلم، قاضی در پروندهٔ شمارهٔ (21 – 261 T) به تاریخ (26 ژانویهٔ 2021) بر اساس آرتیکل 2 کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد:

"*کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد به مسلمانان در سوئد تعلق نمیگیرد.*"

دیوان عالی قضائی

افرادی که در دیوان عالی قضائی، در پروندهٔ گروگانگیری و هویت زدایی دختران یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد همکاری داشته اند به شرح زیر نام میبرم بدون ذکر شمارهٔ پرونده یا تاریخ.

هرکدام از پرونده های گروگانگیری دو کودک بخاطر نگارش کتاب پدرشان، پس از صدرو حکم در دادگاه اولیه به دادگاه تجدیدنظر ارجاع داده شد و پس از آن به دیوان عالی قضائی کشور. بنابراین تمامی احکام در سه مرحله از سه مرجع مهر تأئیدیه دریافت کرد مخالف تمامی قوانین ملی در سوئد و تعهدات بین المللی سوئد.

نفرت قضات از اسلام و مسلمانان به قدری منزجر کننده است که من واقعاً حالم هنگام نگارش این بخش و یادآوری اسم، قیافه و مراتب طی شده، بسیار بد است. واقعاً از بابت روحی نمیتوانم، نمیخواهم مطلبی در مورد این افراد کثیف حیوان صفت بنویسم، افرادی که بعنوان آخرین محافظ قانون- اعتبار سوئد در کمال بیشرمی نه به خود احترام گذاشتند و نه به منصب خود.

آندِرش اِکا، رئیس دیوان عالی قضائی

یوهان دانیِلسون، قاضی

کریستین لاگِر، قاضی

اِستِفان ریمِر، قاضی

اِریک رونه سون، قاضی

ناظر حقوقی پارلمان

در سایت رسمی[230] ناظر حقوق پارلمانی آمده است:

"بازرسهای مجلس، بخشی از قدرت کنترل مجلس هستند.
وظیفهٔ ناظر حقوق پارلمانی به نمایندگی از مجلس، اعمال نظارت بر اجرای قوانین، دستورالعملها و دیگر مفاد قانونی در سازمانهای دولتی است. اعمال نظارت شامل دادگاهها، ادارات و همچنین کارمندان ارشد- مدیران میباشد."

الیزابت رینینگ، رئیس سازمان "ناظر حقوق پارلمانی" 2016 – 2021

الیزابت رینینگ، بعنوان ناظر ارشد حقوق پارلمانی ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت از دو کودک خُردسال و این پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

[230]) www.jo.se

اِریک نی مانسون، رئیس سازمان "ناظر حقوق پارلمانی" 2021 –

اِریک نی مانسون هم به مانند رئیس سابق این سازمان (ناظر حقوق پارلمانی) ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت از دو کودک خُردسال و این پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

کنترل روند اجرای قوانین، مصوبهٔ مجلس، در پروندهٔ ربودن و گروگان گرفتن دو کودک یک نویسنده از وظایف لاینفک نهاد ناظر حقوقی پارلمان در سوئد است.

- کیمیّا و کیانا، توسط ارکانهای دولتی از تاریخ 14 سپتامبر 2016 ربوده شدند.
- کیمیّا و کیانا، توسط حکم قضائی در سوئد از تاریخ 27 سپتامبر 2017 گروگان گرفته شدند.

کارگزار حقوقی دولت

ماری هی دِنبوری، رئیس سازمان "کارگزار حقوقی دولت[231]"

نقش ویژهٔ این سازمان بعنوان تنها مرجع دادستانی، محافظ قوانین اساسی آزادی مطبوعات و آزادی بیان، در کتاب آمده است. در مورد این سازمان و نقش آن در سرکوب دگراندیشان در سوئد به تفصیل در مولفه های چهارم و پنجم تشریح شده است.

ماری هی دِنبوری، رئیس سازمان "کارگزار حقوقی دولت" ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت از دو کودک خُردسال در افشاء این پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

[231]) www.jk.se

سازمان دولتی مدافع حقوق کودکان

الیزابت داحلین، رئیس سازمان دولتی مدافع حقوق کودکان 2018 –

وظیفهٔ الحاقی به این سازمان از طرف دولت "*پیشران و نظارت بر انطباق قوانین سوئد با کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حوق کودکان است*."

الیزابت داحلین، رئیس سازمان دولتی مدافع حقوق کودکان در سوئد ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت از دو کودک خُردسال و افشاء این پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

فِردریک مالمبری، رئیس سازمان دولتی مدافع حقوق کودکان 2008 – 2017

فِردریک مالمبری، در زمان ریاست خود (2008 – 2017) ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت از دو کودک خُردسال و افشاء این پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

یونیسف "صندوق بین المللی اضطراری کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF)"

پَرنیلا برات، رئیس سازمان یونیسف در سوئد 2019 –

پَرنیلا برات، ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت از دو کودک خُردسال وافشاء پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

پَرنیلا برات، رئیس سازمان یونیسف در سوئد نه تنها مُهر تأئید بر جنایت گروگانگیری دو کودک خُردسال یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد زد، جرمی که یونیسف در آرتیکل 2 حقوق کودکان سازمان ملل به صراحت ممنوع اعلام کرده است، بلکه مرا در توئیت این سازمان بلاک کرد و بدینگونه فعالانه از اطلاع رسانی تبعیض کودکان مسلمان در سوئد "جلوگیری" کرد.

وِرونیک لُنِربلاد، رئیس سازمان یونیسف در سوئد 2002 – 2017

وِرونیک لُنِربلاد نیز در زمان ریاست خود ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت سوئد از دو کودک خُردسال و افشاء این پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

محافظت (نجات) کودکان (Räddabarnen)

یکی از انجمنهای به ظاهر غیردولتی که توسط دولت بعنوان مرجع از تحقیقات آنان استفاده میشود. بودجه از دولت میگیرند و نون و ماست شون رو در کمال آرامش تا سن بازنشستگی میخورند! و صدالبته که ظاهر غیردولتی بودن خود را حفظ میکنند.

این انجمن (Save the Children International) در سال 1919 در انگلستان بنا نهاده شد و چند ماه بعد در سوئد شعبه ای به همین نام (Räddabarnen) احداث شد. این انجمن امروز در 30 کشور جهان فعالیت دارد.

هِلِنا تی بِل، رئیس انجمن غیر دولتی محافظت (نجات) کودکان 2019 –

هِلِنا تی بِل، با حقوق ماهیانهٔ 99.650 کرون در ماه از یک انجمن غیردولتی ترجیح داد که در برابر گروگانگیری دولت سوئد از دو کودک خُردسال و افشاء این پروژهٔ ملی "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" سکوت پیشه کند.

ادارهٔ مطبوعات، رادیو تلویزیون

شارلوت اینگوار- نیلسون، رئیس ادارهٔ مطبوعات، رادیوتلویزیون

شورای اخلاق رسانه ای

آنِت نوواک، مدیرکل شورای اخلاق رسانه 2018 – 2022

علارغم تمامی اسناد، آنِت نوواک، انتخاب کرد که بر سانسور گروگانگیری کیمیّا و کیانا بعلت نگارش کتاب مستند "هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد" صحه بزند.

آنِت نوواک، هم اکنون مدیرکل "مؤسسهٔ فیلم سوئد (SF)" است.

سازمان صدا و سیما

هِلِنا اِستولنِرت، رئیس سازمان صدا و سیما

سازمان پلیس

آندرش تورنبری، رئیس پلیس سوئد 2018 –

آندرش تورنبری، از تمامی دادخواستهای من علیه زیردستان خود جلوگیری کرد.
در مورد جرائم آندرش تورنبری، بسیار میتوانم به اثبات برسانم، یکی از آنها تقاضای بررسی تجاوز قضات به دو خانم افغانی برای حکم مسائد که روی میز او از تاریخ 20 مارس 2020 مسکوت مانده است.

سیاستمداران و کارمندان عالیرتبه که در گروگانگیری کیمیّا و کیانا دست داشته اند.

جدای از تمامی سازمانهای دولتی و غیردولتی در سوئد، انجمنهای حقوق بشر فراسرزمینی دولتی و غیردولتی در دنیا از گروگانگیری دو کودک خُردسال یک نویسندهٔ مسلمان در سوئد مطلع هستند ولی انتخابشان بر این بوده و هست که بر سر جهان سوم دقیقاً برای اینگونه جرائم بکوبند اما در مورد سوئد و کشورهای غربی مسکوت بمانند.

یکی از آن سازمانهای جهانی، سازمان ملل متحد است که با خیال راحت به هرگونه دروغی در مورد افغانستان، عربستان سعودی و مصر دامن میزند ولی در مورد سوئد بدینگونه در سکوت مطلق میماند!

سازمان ملل متحد با مسکوت ماندن علیه جرائم بین المللی کشور سوئد نسبت به مسلمانان، دستان سیاستمداران کشور سوئد را برای ادامهٔ جنایات خود علیه کودکان و والدین مسلمان باز گذاشته است. سازمان ملل متحد با مسکوت ماندن علیه جرائم بین المللی کشور سوئد نسبت به مسلمانان کمک به نسل کُشی مخملی مسلمانان از طریق هویت زدایی کودکان مسلمان در سوئد میکنند و آنان در این نسل کُشی شریک جرم هستند.

به امید روزی که مسلمانان جهان اینان را به پای میز محاکمه بین المللی بیاورند.

آنتونیو گوتِرِش، رئیس سازمان ملل متحد 2017 – نخست وزیر کشور پرتقال 1995 – 2002

هِنریّتا اِچ فور، رئیس یونیسف

میشِلِه جِریا، رئیس حقوق بشر سازمان ملل متحد 2018 – نخست وزیر کشور شیلی 2006 – 2010 و 2014 – 2018

کریم اسد احمد خان، دادستان دادگاه لاهه

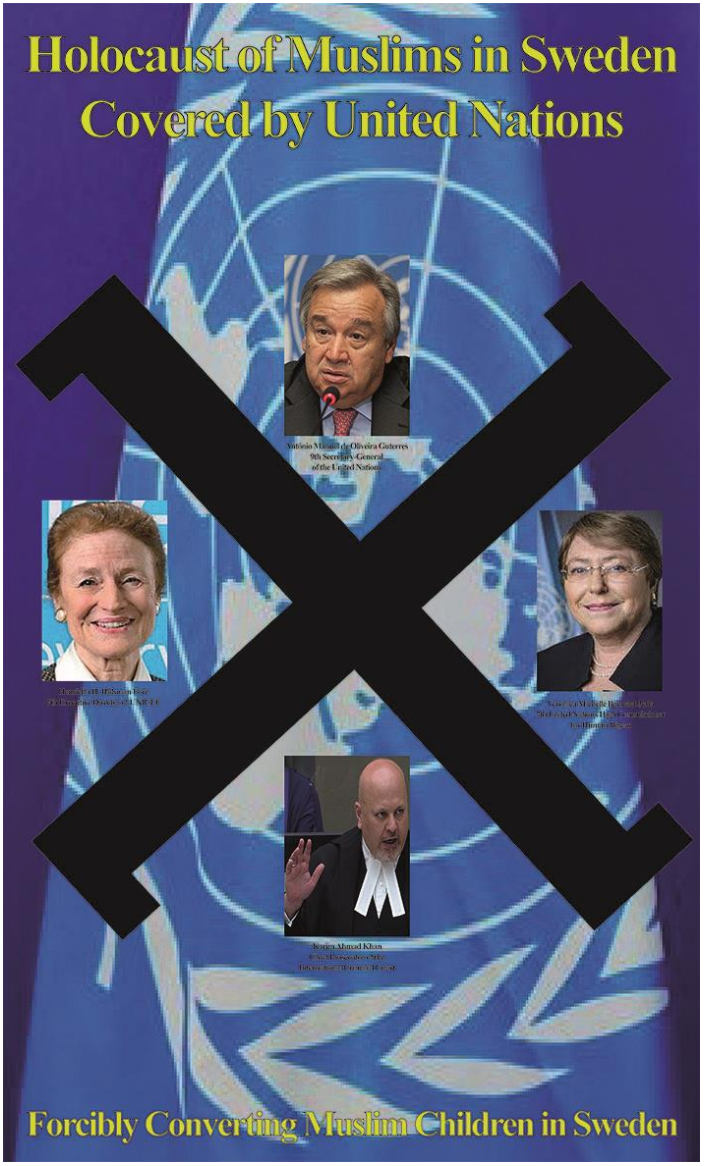
Holocaust of Muslims in Sweden
Covered by United Nations
António Manuel de Oliveira Guterres
9th Secretary-General
of the United Nations
Forcibly Converting Muslim Children in Sweden

کاریکاتوری که چینیها، استوار بر همین مدارک، در وصف
جهانفریبی سوئدیها ترسیم کرده اند.

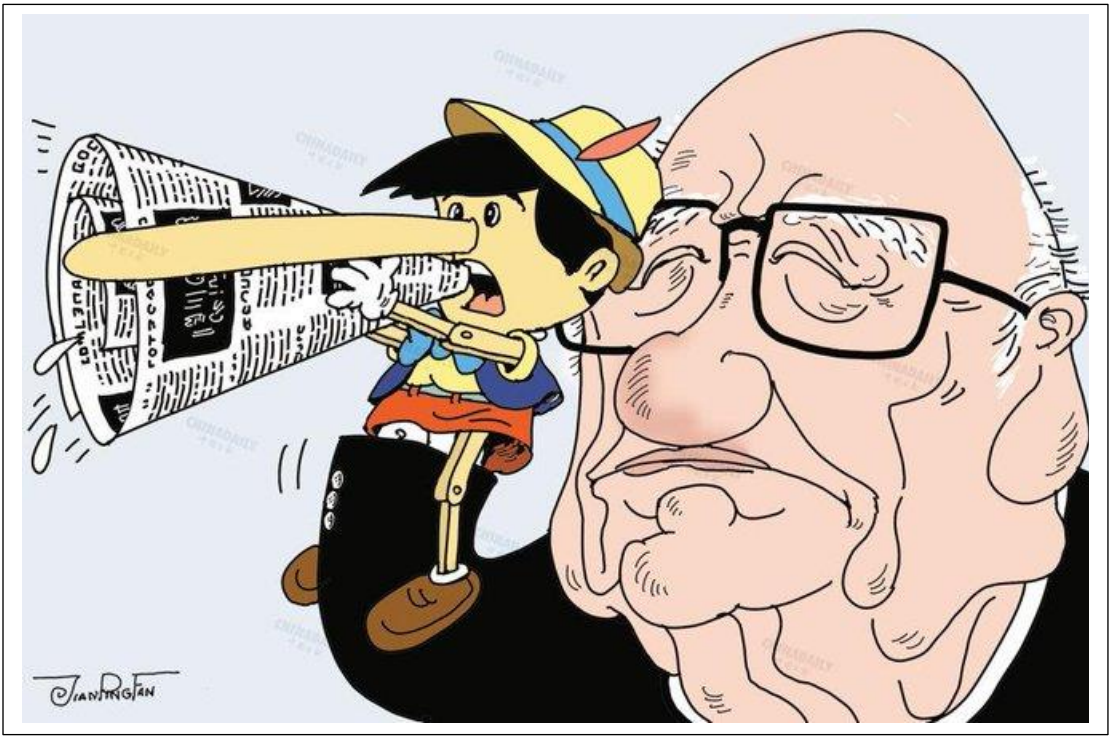

حتی امروز، رژیم سوئد سعی در جعل جرم دارد

و

تا به همین امروز شکست خورده است.